۳

نقد و بررسی

پرسش‌های اساسی جنگ

نقد و بررسی جنگ ایران و عراق

محمد درودیان

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش های اساسی جنگ : نقد و بررسی جنگ ایران و عراق

نویسنده:

محمد درودیان

ناشر چاپی:

مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش های اساسی جنگ : نقد و بررسی جنگ ایران و عراق جلد ۳

مشخصات کتاب

سرشناسه : درودیان، محمد

عنوان و نام پدیدآور : پرسش های اساسی جنگ/ نویسنده محمد درودیان؛ ویراستار فرهاد طاهری

وضعیت ویراست : [ویرایش]۲

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری : ۲۴۴ ص.جدول

فروست : (نقد و بررسی جنگ ایران و عراق؛ [ج] ۱)

شابک : ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۳-۰۴۱۰۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۶۳۱۵-۵۳-۰۴۱۰۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : ویرایش اول این کتاب با عنوان نقد و بررسی پرسش های اساسی جنگ توسط موسسه مطالعات سیاسی فرهنگی اندیشه ناب در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسیده است

یادداشت : کتابنامه

عنوان دیگر : نقد و بررسی پرسش های اساسی جنگ

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷ - ۱۳۵۹ -- علل

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/د۴ن ۷ ۱.ج ۱۳۸۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۱۷۵۶۰

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار چاپ سوم

بسم الله الرحمن الرحیم

علل ادامه جنگ بعد از عملیات بیت المقدس و آزادی خرمشهر، از جمله مهم ترین پرسش هایی است که درباره جنگ ایران و عراق، به خصوص در سال های اخیر، مطرح شده است.

مجموعه پنج جلدی نقد و بررسی جنگ ایران و عراق عهده دار تجزیه و تحلیل مهم ترین و اساسی ترین پرسش ها درباره جنگ و ارائه پاسخ های مستند، مدلل و مشروح به این پرسش هاست. این مجموعه به طور کامل منتشر شده است و عناوین آن به ترتیب چنین است: پرسش های اساسی جنگ، اجتناب ناپذیری جنگ، علل تداوم جنگ، روند پایان جنگ، گزینه های راهبردی جنگ.

کتاب حاضر جلد سوم این مجموعه است که در علل ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر به طور مشروح بررسی شده است. این کتاب نخستین بار در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در سال ۱۳۸۳ به محققان و علاقمندان حقایق جنگ ایران و عراق ارائه گردید که با استقبال مواجه شد و چاپ مجدد آن ضرورت یافت. لذا در سال ۱۳۸۴ تجدید چاپ شد و در این چاپ فهرست راهنمای موضوعی (اعلام) به پایان کتاب افزوده شد. با اتمام نسخه های چاپ دوم، کتاب برای بار سوم چاپ منتشر می شود تا در دسترس علاقه مندان قرار گیرد.

در اینجا از همه کسانی که با ابراز محبت به دوستان خود، به آنها در پیمودن این راه دشوار گرمی می بخشند و با ارائه اسناد اختصاصی و یادآوری کاستی ها، غنای بیشتری به آثار این مرکز می دهند، قدردانی می شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۷

پیشگفتار

دشواری ها و پیچیدگی های برخورد با پیامدهای جنگ پس از اتمام آن و چگونگی تعیین نسبت و رابطه نسل پس از جنگ با دستاوردها و تجربیات حاصل از جنگ، بررسی و مطالعات گسترده و عمیقی را طلب می کند. ولی تا اندازه ای روشن است که بدون نقد و بررسی نمی توان از تجربیات و دستاوردهای جنگ بهره گرفت. در عین حال نقد شالوده شکنانه تجربیات یک جنگ را با تمامی هزینه های آن برای یک ملت، مخدوش خواهد کرد. حال با این پدیده چگونه باید مواجه شد؟

مجموعه ی نقد و بررسی جنگ ایران و عراق با توجه به واقعیت های جدید و فرآیندهای احتمالی آن و با اهتمام به حفظ و نشر تاریخ دفاع مقدس با رویکرد جدید، بررسی مسائل جنگ را در یک تعامل فعال در برابر تحولات و نیازهای جامعه مورد توجه قرار داده است. هدف از این تلاش جدید، تبیین عقلانیت نهفته در درون جنگ، در حوزه نقد، تصمیم گیری و رفتارهای سیاسی - نظامی می باشد. این مجموعه که عهده دار پاسخ به پرسش های اساسی درباره جنگ هشت ساله عراق علیه ایران است، در چهار جلد طراحی و تنظیم شده است:

ص: ۱۰

جلد اول (پرسش های اساسی جنگ): این کتاب به بررسی ماهیت و آثار جنگ، ابعاد و ماهیت گفتمان انتقادی درباره ی جنگ، پرسش ها درباره ی جنگ در دو دوره ی جنگ و پس از جنگ و استخراج سه پرسش اساسی درباره ی جنگ پرداخته است. کتاب پرسش های اساسی جنگ در پایان سال ۱۳۸۰ چاپ و منتشر گردید و در سال ۱۳۸۲ تجدید چاپ شد.جلد دوم (اجتناب ناپذیری جنگ): در این کتاب به بررسی نظریه های مختلف درباره علل وقوع جنگ و جنگ ایران و عراق، ریشه ها و علل تجاوز عراق به ایران، روابط دو کشور قبل و پس از پیروزی انقلاب و تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر روابط ایران و عراق، و ایران و امریکا پرداخته شده است. این کتاب در مجموع در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا وقوع جنگ اجتناب ناپذیر بود یا اجتناب پذیر؟

جلد سوم (علل تداوم جنگ) کتاب حاضر است که در آن تغییر در ماهیت و وضعیت استراتژیک جنگ پس از فتح خرمشهر، تصمیم گیری برای ادامه جنگ و پیامدهای آن، و رخدادهای استراتژیک بررسی شده است.

جلد چهارم کتاب که تدوین اولیه آن به پایان رسیده در پی بررسی چگونگی پایان جنگ و علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل به وسیله ایران، در آن موقعیت زمانی است.

نظر به اینکه در این مجموعه مسائل جنگ بر اساس یک رویکرد جدید مورد بازبینی قرار گرفته است، لذا اهمیت این موضوع سبب گردید که با شخصیت ها و صاحب نظران و مسئولان جریان ها و گروه های سیاسی مصاحبه ی اختصاصی انجام شود. علاوه بر این، کلیه ی مطالب و منابع موجود در مورد نقد و بررسی مسائل جنگ و طرح پرسش در این زمینه با نگارش مقاله یا سخنرانی، از کتاب ها و نشریات به ویژه آنچه در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۷۹ منتشر شده است و همچنین از آرشیو گروه ها و جریان های سیاسی جمع آوری شد. به همین دلیل علاوه بر وجه تمایز این کتاب با سایر آثار منتشر شده درباره ی جنگ در رویکرد جدید به مسائل جنگ، باید ویژگی این

مجموعه را در منابع جمع آوری شده و مصاحبه های اختصاصی جست وجو کرد.

در اینجا لازم است از امیر دریابان علی شمخانی، وزیر محترم دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برای حمایت و راهنمایی نویسنده در مراحل مختلف کار، و از سردار سرلشکر غلامعلی رشید، جانشین محترم رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به دلیل مصاحبه ی اختصاصی و مطالعه ی متن کتاب و درج اصلاحات ضروری، و از سردار سرتیپ حسین علایی، رئیس محترم وقت ستاد مشترک سپاه پاسداران که این تلاش ها را مورد حمایت خود قرار دادند و از همکاری ارزشمند وزارت اطلاعات برای در اختیار گذاشتن پرونده بازجویی دبیر کل حزب توده و فراهم کردن زمینه گفت وگو با برخی اعضای پیشین کادر مرکزی این حزب و از مساعدت های آقای حمید فرهادی نیا که نویسنده را در نگرش جدید به پرسش های جنگ و متدلوژی تحقیق و مصاحبه اختصاصی با افراد صاحب نظر راهنمایی کردند و آقای محسن رشید که تهیه کتاب حاضر بدون حمایت و حسن اعتماد ایشان امکان پذیر نبود و برادران احمد نصرتی و حسین مجیدی همکاران مدیریت بهره دهی مرکز مطالعات در آماده سازی کتاب و همچنین کلیه کسانی که با کوشش خود امکان انتشار این کتاب را فراهم ساختند، تشکر و قدردانی شود.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۸۲

مقدمه

پرسش از علت ادامه جنگ ایران و عراق پس از فتح خرمشهر، در مقایسه با پرسش از علت آغاز این جنگ و یا روش خاتمه آن، به عنوان پرسشی جدی تر و اساسی تر مطرح می شود حال آنکه در مباحث روابط بین الملل بررسی علل آغاز جنگ ها حائز اهمیت است زیرا تا جنگی آغاز نشود، ادامه و پایان آن موضوعیت ندارد. با این توضیح اهتمام و توجه بیشتر به علل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر تأمل برانگیز است.

در هر صورت هم اکنون ابهام در مورد ادامه جنگ و پرسش از آن، ریشه دار و عمیق شده است و گفتمان جدیدی را با ماهیت سیاسی شکل داده است. آنچه با طرح پرسش مطرح است، مجادله کلامی درباره ی یک مفهوم نیست بلکه رویکردی انتقادی به تصمیم گیری است درباره ی یک حادثه ی تاریخی و سرنوشت ساز است. به عبارت دیگر ما با یک حادثه و تصمیم گیری تاریخی و استراتژیک روبه رو هستیم که مورد پرسش و نقد قرار گرفته است.

نکته مهم این است که با گذشت بیش از ۲۰ سال از زمان فتح خرمشهر و تصمیم گیری درباره ی جنگ و ادامه آن در خاک عراق، هم اکنون نقد و بررسی این تصمیم گیری بخشی از موضوع جنگ شده است که بدون توجه به آن نمی توان به این حادثه تاریخی پرداخت.

در رویکرد انتقادی بیش از همه تصمیم گیری برای ادامه جنگ و مدیریت سیاسی – نظامی کشور در آن زمان نقد می شود که در مقابل، آقایان هاشمی و رضایی برای پاسخ، دو نظریه سیاسی و نظامی را ارائه می کنند. در نظریه

سیاسی تأکید می شود که استراتژی کشور کسب یک پیروزی مهم و پایان دادن به جنگ بود ولی چون پیروزی ها نسبی بود، اهداف سیاسی تأمین نشد. در نظریه نظامی گفته می شود که استراتژی کشور برای جنگ پس از فتح خرمشهر بیشتر سیاسی بود نه نظامی، لیکن برای سقوط صدام باید با بسیج امکانات کشور استراتژی نظامی اتخاذ می شد که در این صورت علاوه بر تأمین اهداف، جنگ زودتر به پایان می رسید.برای روشن شدن موضوع «تصمیم گیری»، فارغ از مجادلات کلامی و برخوردهای سیاسی، مناسب است وضعیت تاریخی که تصمیم گیری در آن اتخاذ شد، بازبینی و بررسی مجدد شود. آگاهی بخشی ای که با انتخاب این روش حاصل خواهد شد امکان روشن شدن ابعاد و لایه های زیرین این تصمیم گیری را فراهم خواهد کرد. علاوه بر این، تصمیم گیری پس از فتح خرمشهر در واکنش به یک «وضعیت استراتژیک» صورت گرفت که دو موضوع «وضعیت» و «تصمیم گیری» هر دو به یک واقعه تاریخی تبدیل شده است.امکان انتخاب گزینه های دیگر، غیر از ادامه جنگ، با بررسی وضعیتی که تصمیم گیری در آن اتخاذ شد، و ارزیابی بضاعت فکری و امکانات عملی برای شکل دادن به روند رخدادها و وقایع، تا اندازه ای روشن خواهد شد.

در کتاب حاضر طی چهار فصل به موضوعات مذکور پرداخته خواهد شد. در فصل اول روش و چارچوب تحقیق بیان شده است. در فصل دوم «تغییر در ماهیت و تحولات استراتژیک جنگ» بررسی شده و فرض بر این است که با این تحولات، ابتکار عمل نظامی در اختیار ایران قرار گرفت و در نتیجه علت و فلسفه ی وجودی جنگ تحمیلی به ایران تغییر کرد. پیامدهای چنین تحولی و سیاست و تصمیم بازیگران و تصمیم گیری ایران در فصل سوم تحت عنوان «تصمیم گیری»، بررسی شده است. بررسی سیاست ها در واقع به ادراک و مواضع و رفتار بازیگران اختصاص دارد. کنش و واکنش های حاصل از اتخاذ سیاست ها در شکل گیری روند جنگ پس از فتح خرمشهر نقش بسیار مهمی داشت. در فصل چهارم به رخدادهای استراتژیک توجه شده است و به نظر می رسد وقوع برخی از رخدادها به عنوان واکنش بازیگران نقش و تأثیر بی همتایی در روند تحولات جنگ داشت.

امید است با این بررسی و ترسیم اوضاع تاریخی و موقعیت تصمیم گیری و تأثیری که سیاستمداران و نظامیان بر اساس تحلیل و نظریات متفاوت داشتند، بخشی از ابعاد این واقعه ی بزرگ تاریخی و سرنوشت ساز آشکار شود.

روش و چارچوب تحقیق

واکنش تاریخی مردم ایران در فتح خرمشهر با حضور یکپارچه در خیابان ها و برگزاری مراسم جشن و شادمانی بسیار شگفت انگیز بود و اعجاب ناظران را برانگیخت؛ و حتی شادی این مراسم با روز تاریخی فرار شاه از ایران مقایسه شد. (۱) پرسشی که طرح می شود این است که چرا فتح خرمشهر چنین بازتابی در میان مردم داشت؟ به عبارت دیگر، چرا پیروزی در یک عملیات و آزادسازی شهری اینگونه مردم را برانگیخت؟ حال آنکه پیش از این، عملیات های دیگری انجام شده بود که از نظر وسعت مناطق آزاد شده و تعداد اسرای دشمن و حتی غنائم، تفاوت چندانی با عملیات فتح خرمشهر نداشت ولی هرگز چنین واکنشی را ایجاد نکرد حتی انتظار و التهاب برای آزادی خرمشهر را افزایش داد.

پاسخ به این پرسش ها از این نظر اهمیت دارد که جایگاه تاریخی و نقش سرنوشت ساز فتح خرمشهر و همچنین پیامدهای آن را بر فضا و موقعیت آن دوران آشکار خواهد ساخت. با این توضیح به چند موضوع می توان اشاره کرد؛ نخست آنکه واکنش مردم به علت نگرانی و دغدغه ی آنها از پیامدهایی بود که جنگ بر سرنوشت سیاسی - اجتماعی شان داشت. تعلق خاطر به رخدادهای جنگ و فرآیند آن، جامعه ی ایران را به تحولات جنگ و پیروزی و ناکامی ها

---

۱ - ۱. اعلام خبر آزادی خرمشهر، سراسر ایران را در سرور و شادی بی نظیر فروبرد. بلندگوهای مساجد به پخش سرود و مارش پرداختند؛ قنادی ها بین مردم شیرینی پخش کردند؛ چراغ های همه ی اتومبیل ها روشن و برف پاکن هایشان رقصان بود. مردم یکپارچه به خیابان ها ریختند و به شادی پرداختند. ناظران این صحنه ها را با شادی مردم به هنگام فرار شاه خائن مقایسه کردند.

حساس کرده بود. به عبارت دیگر، اهداف و آرمان ها و خواسته های مردم با سرنوشت جنگ پیوند خورده بود؛ لذا نتایج نظامی جنگ به همان میزان که بر سرنوشت سیاسی ایران تأثیر می گذاشت سرنوشت جامعه ی ایران نیز از آن متأثر بود. زیرا مردم با انقلاب خود سرنوشت جدیدی را رقم زده بودند که آن در چنبره ی نتایج رخدادهای سرنوشت ساز جنگ گرفتار شده بود و مردم نمی توانستند نسبت به این مؤلفه های «هویت بخش» و «موجودیت ساز» بی تفاوت باشند.

علاوه بر این در تحولات جنگ، خرمشهر برای جامعه ی ایران و برای دشمن حتی برای ناظران و تحلیلگران، تنها یک شهر نبود بلکه «همه جنگ» بود. مقاومت در خرمشهر از نقش مردم اسطوره ی جدیدی ترسیم کرد و تمام محاسبات نظامی - سیاسی - روانی و تبلیغاتی دشمن را برهم زد. به همین دلیل، بسیاری از ناظران و تحلیلگران خارجی مقاومت در خرمشهر را با مقاومت شهر لنین گراد در برابر هیتلر مقایسه کردند.

ناکامی های دشمن با مقاومت در خرمشهر آغاز شد و آنچه را تصور می کردند که در عرض ۲۴ ساعت به دست می آید، ۴۴ روز طول کشید (۱) و قوای فیزیکی و روحی دشمن بسیار آزاردهنده بود؛ زیرا مقاومت خرمشهر دشمن را ناکام و آزادسازی آن دشمن را با هزیمت و شکست همراه کرد. اعتماد به نفسی که از مقاومت در خرمشهر حاصل شد و این شهر را سمبل مقاومت کرد از ماهیت جنگ، روحیه ی رزمندگان ایران و ضعف های دشمن تفسیر جدیدی به نمایش گذاشت؛ در عین حال، اشغال خرمشهر جراحتی بود بر روح و جسم ملت ایران که با فتح آن برطرف شد و خرمشهر سمبلی شد از شکست و

۱- ۲. تجاوزات عراق در منطقه مرزی منتهی به خرمشهر از ۲۰ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. ولی پیشروی به داخل خاک ایران از ۳۱ شهریور شروع شد بنابراین اگر ۲۰ شهریور را مبنا قرار دهیم مقاومت ۴۴ روزه است و اگر ۳۱ شهریور مبنا قرار گیرد با احتساب زمان سقوط خرمشهر در تاریخ ۴ آبان، مقاومت خرمشهر ۳۴ روز به طول انجامید.

حقارت دشمن و پیروزی ملت ایران.

پیروزی در خرمشـهر سـرآغاز «تحولی استراتژیـک» در سـطح منطقه بود و بر همین اساس، فتـح خرمشـهر حادثه ایی تاریخی و سرنوشت ساز شد. این حادثه ی بزرگ تاریخی از یکسو، بر تحولات سیاسـی داخل کشور تأثیر گذاشت و بی ثباتی سیاسی را به ثبات تبـدیل کرد که نتایج و پیامدهای آن در عرصه ی نظامی آشـکار شد و از سوی دیگر، در عرصه ی نظامی نیز تحولات جدیـد بر اساس دکترین و استراتژی جدید، زمینه های کسب پیروزی و شـکست دشـمن را به وجود آورد که پیامدهای آن در صحنه ی سیاسـی کشـور و در منطقه بسـیار تعیین کننـده بـود. بـا این توضـیح، می توان نـتیجه گرفت بـا فتـح خرمشـهر قـدرت جدیـدی در ایران نمایان شـد که می توانست در منطقه موازنه و آرایش سیاسـی را تغییر دهد و به عبارتی، تغییرات گسترده ی ژئوپلیتیکی به وجود آورد.

پیدایش چنین وضـعیتی برای امریکا، اسـرائیل، و سایر کشورهای منطقه بسـیار نگران کننده بود؛ زیرا نه تنها تصورات پیشین را که مبتنی بر تضـعیف و فروپاشی ایران بود تغییر داد، بلکه دورنمایی از تبدیل ایران به قدرتی منطقه ای با مشخصه های دینی و انقلابی را به تصویر کشید.

فتـح خرمشـهر در ادامه ی تحولات داخلی و تأثیرات احتمالی در منطقه به مفهوم «پایان آغاز جنگ» بود؛ (۱) زیرا روند پیشین را تغییر داد و بـه این معنـا بـود که اهـداف و اسـتراتژی جنـگ تغییر کرده است (۲) به عبارت دیگر فتـح خرمشـهر پایان بخش مرحله ای بود که عراق با هدف تجزیه کشور و تضـعیف و مهار انقلاب و نهایتا براندازی نظام جمهوری اسـلامی ایران طراحی و اجرا کرده بود. در نتیجه مرحله ی جدیدی آغاز شد که موضوع و مسـئله آن «نحوه ی خاتمه بخشیدن به جنگ» بود و این به معنای آغاز تلاش برای پایان دادن به جنگ بود.

مرحله ی جدیـد بـا تلاش و اقـدامات عراق و سایر بازیگران برای مقابله با برتری ایران آغاز شـد و ایران برای انتخاب گزینه ی مطلوب در تنگنا قرار گرفت. بدیهی است تصـمیم گیری در چنین وضـعیتی دشوار و بسیار پیچیده است؛ زیرا تصمیمی تاریخی و سرنوشت ساز محسوب می شد. اینگونه تصمیمات به دلیل

۱- ۳. محسن رضایی، گفتگو با ماهنامه صنایع هوایی، شماره ۱۳۱، اردیبهشت ۱۳۸۱، ص ۲.

۲- ۴. نک: خونین شهر تا خرمشهر، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳.

پیامدهای آن همواره نقد و بررسی می شوند.

اکنون با گذشت دو دهه از زمان فتح خرمشهر گفتمان انتقادی درباره جنگ شکل گرفته است و در چارچوب این گفتمان از علل «علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر» پرسش می شود. و فرض اصلی آن این است که جنگ باید پس از فتح خرمشهر تمام می شد؛ زیرا در آن موقعیت برقراری صلح با شرایط مناسب امکان پذیر بود.آنچه هم اکنون در بازبینی گذشته انجام می شود در واقع «نقد یک تصمیم گیری» است. مطالعه هر گونه تصمیم گیری در مقاطع مختلف تاریخی در واقع بررسی تفسیر منافع ملی (و آرمانی) یک ملت در یک مورد مشخص است (۱) که بر اساس درون دادها و برون دادهایی صورت می گیرد که در مجموع عناصر و مؤلفه های اصلی اوضاع را تشکیل می دهد. تصمیم گیری پدیده ای تعیین کننده و تأثیرگذار است به همین دلیل ضمن اینکه اهمیت دارد، نمی توان اصل تصمیم گیری و پیامدهای آن را نادیده گرفت.

تصمیم گیری یعنی انتخاب یک گزینه از میان چند گزینه که با بررسی ابعاد و پیامدهای آن تصمیم انجام می شود. پیش بینی نتایج دشوار است؛ در عین حال به این دلیل نمی توان از آن اجتناب کرد؛ زیرا آثار بی تصمیمی و انفعال ممکن است بسیار زیان بار و مخرب باشد. موضوع مهم این است که تصمیمات تاریخی و سرنوشت ساز، به خاطر اینکه ابعاد و پیامدهای متفاوتی دارند و در وضعیتی خاص اتخاذ می شوند، همواره در معرض نقد و بررسی هستند. این موضوع به جنگ ایران و عراق و پرسش درباره ی علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر محدود نمی شود بلکه در بسیاری موارد دیگر نیز مشاهده می شود. (۲) .

۱- ۵. جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، نشر قدس، تهران، ۱۳۷۶، چاپ دوم، ص ۲۰۶.

۲- ۶. به عنوان مثال، با گذشت بیش از چهارده دهه از جنگ ویتنام، همچنان درباره ی طولانی شدن آن به مدت هشت سال پرسش وجود دارد. کیسینجر در کتاب دیپلماسی در بررسی این موضوع می نویسد:«یکی دیگر از انتقاداتی که دائما از سیاست های ویتنام دولت نیکسون مطرح می شد این فرضیه بود که نیکسون بی دلیل جنگ را به مدت هشت سال طولانی نمود، در حالی که می توانست چهار سال زودتر نیز به همین شرایط دست یابد.» کیسینجر به این پرسش و نقد فرضیه ی آن پاسخ می دهد و به دلیل نادیده گرفتن واقعیت ها و سوابق تاریخی می نویسد:«مشکل این فرضیه نادیده گرفتن تمامی واقعیت های شناخته شده است. سوابق تاریخی بوضوح نشان می دهد که امریکا بلافاصله پس از پذیرش شروطش که قبلا به طور دائم توسط ویتنام شمالی در طول چهار سال قبل رد می شدند، به جنگ پایان داد.» (هنری کیسینجر، دیپلماسی، ترجمه فاطمه سلطانی یکتا و علیرضا امینی، زیر نظرش محمدحسن کاووسی، جلد اول انتشارات اطلاعات؛ تهران ۱۳۷۹، چاپ اول، ص ۴۰۵ - ۴۰۴) مورد دیگر عقب نشینی بی قید و شرط اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ میلادی است، نیروهای اسرائیلی به مدت ۱۸ سال جنوب لبنان را در اشغال داشتند و سرانجام به دلیل تلفاتی که از عملیات نظامی نیروهای مقاومت حزب الله لبنان حاصل شد عقب نشینی کردند این موضوع و پس از آن، آغاز انتفاضه مسجدالاقصی در داخل سرزمین های اشغالی و تأثیر عقب نشینی بر انتفاضه سبب شد تصمیم گیری برای عقب نشینی نقد شود. تسافی بارئیل در روزنامه هاآرتص چاپ اسرائیل

می نویسد: «این باور وجود دارد که عقب نشینی اسرائیل از لبنان، انتفاضه را به وجود آورده است. اگر نگوییم که عقب نشینی آن را ایجاد کرد دست کم ویژگی خشونت آمیز بودن را به انتفاضه بخشیده یا لااقل منبع الهام بخش آن بوده است؛ زیرا یک قدرت عربی برای نخستین بار موفق گردید تا اسرائیل را از مناطق اشغال شده بدون توافق یا تفاهم و صرفا با چشم پوشی کامل اسرائیل خارج سازد. چنین اقدامی مطمئنا می تواند به مثابه الگویی برای فلسطینی ها به کار آید.» (مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، بولتن روز هفتم، شماره ی شش، چهارشنبه ۱۶ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۵) و به این علت این تصمیم گیری نقد شده که بر انتفاضه تأثیر گذاشته است حال آنکه اگر این تصمیم اتخاذ نمی شد درگیری اسرائیل در منطقه جنوب لبنان و در داخل این پرسش را به وجود می آورد که چرا در حالی که اسرائیل در داخل درگیر انتفاضه است بخشی از نیروها در منطقه ی جنوب لبنان مستقر شده اند؟ بعدها آنتوان لحد از افسران شورشی ارتش لبنان که در خدمت ارتش اسرائیل قرار گرفته بود گفت: «شما (اسرائیلی ها) از لبنان فرار کردید و فلسطینی ها این درس را فراگرفته و آنچه در خصوص حزب الله (لبنان) رخ داد در مناطق فلسطینی نشین نیز روی خواهد داد.» (بولتن روز هفتم، شماره ی ۵، ۹ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۵) یکی دیگر از نویسندگان اسرائیلی در سالگرد عقب نشینی از جنوب لبنان نوشت:«یک یا دو سال دیگر تاریخ و شهروندان اسرائیل که پیگیر اوضاع می باشند صحنه های بسیار تلخ و دشوار عقب نشینی اسرائیل را از جنوب لبنان از یاد خواهند برد ولی در عوض چه چیزی را به خاطر خواهند داشت؟ آنها کشته شدگان بسیار را به یاد خواهند آورد و میزان زیان های هنگفت وارد شده به ما در صفحه خاطر آنها نقش خواهد بست. آنها این پرسش را مطرح خواهند ساخت که ظرف ۱۸ سال ما چه کاری در آن منطقه صورت دادیم؟ آیا این اقدام ما درست و بجا و مفید بود؟» وی در پاسخ به این پرسش که هر شخصی با توجه به دیدگاه سیاسی خاص خود به این سؤال پاسخ خواهد داد، از این تصمیم گیری شجاعانه تمجید می کند و می نویسد: «مهمترین پرسش که پیش می آید این است که چرا تا پیش از آن تصمیم به عقب نشینی گرفته نشد؟» (بولتن روز هفتم، شماره ۵، ۹ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۵) تصمیم رئیس جمهور وقت امریکا، بوش پدر برای حفظ صدام پس از آزادسازی کویت از موضوعاتی است که هم اکنون مورد نقد قرار گرفته است. در آن اوضاع گسترش اعتراضات مردمی در شهرهای عراق و از هم پاشیدگی ارتش پس از شکستی سیاسی و نظامی، عراق را در وضعیت نامطلوبی قرار داده بود و صدام در حال سقوط بود. بوش در چنین وضعیتی علاوه بر اینکه به ارتش امریکا دستور داد تا از پیشروی به سمت بغداد خودداری کنند به ارتش عراق نیز اجازه داد تا با استفاده از هلی کوپتر حرکت مردمی را در عراق سرکوب کند. تثبیت قدرت صدام در عراق و ناتوانی امریکا در حذف وی سبب شده است تا بوش پدر نقد شود. به همین دلیل، وی بعدها به این انتقادات و پرسش ها پاسخ داد و در مصاحبه با C.N.N دلایل سرنگون نکردن صدام را به شرح زیر برشمرد: «۱- همه کسانی که امروز بحث سرنگونی را مطرح می کنند آن با روز عملیات مخالف بودند. ۲- اگر ما وارد عراق می شدیم ائتلاف (به جز انگلیس) ظرف ۴۸ ساعت به هم می خورد. در منطقه هم، هیچ کشوری غیر از کویت با سرنگونی موافق نبود. ۳- اقدام ما در سرنگونی موجب می شد تا صدام شکست خورده به یک شهید تبدیل شود. ۴- پذیرفتن نیروهای بیگانه در خاک عراق اساسا قابل قبول نبود. و... چنان که روشن است بوش در پاسخ به انتقادات، به وضعیت و پیامدهای احتمالی سقوط صدام اشاره می کند. حال آنکه امروز بر اساس نتایج این تصمیم و باقی ماندن صدام در قدرت این تصمیم نقد می شود.» (مصطفی زهرانی، استراتژی امریکا و آینده عراق، مجله ی سیاست دفاعی، شماره ی ۲۷ – ۲۶، بهار و تابستان ۷۸، ص ۴۰، مصاحبه بوش با C.N.N در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۹۸).

مورگنتا روش بررسی این گونه تصمیمات را بیان می کند و اصول نظریه ی واقع گرایی را توضیح می دهد و می نویسد: «روابط سیاسی، محکوم قواعد عینی هستند که ریشه در عمق سرشت بشر دارند و از آنجا که این قواعد تابع ترجیحات و اولویت های ما نیستند لذا انسان ها با قبول خطر شکست، به معارضه با آنها برخواهند خاست.» وی سپس تأکید می کند:«در نظریه پردازی سیاست بین المللی، استفاده از داده های تاریخی به منظور بررسی کنش های سیاسی و پیامدهای آن ضروری است. برای نظم بخشیدن به این حجم عظیم داده های تاریخی، محقق سیاست باید «موضع سیاستمداری را که ناچار است یک مسئله معین سیاست خارجی را تحت شرایط معینی حل و فصل نماید،» درک کند.» و این سؤال را مطرح می سازد که «شقوقی عقلایی که یک سیاستمدار (به فرض اینکه همواره به شیوه ای عقلایی عمل کند) ممکن است از میان آنها دست به انتخاب بزند کدام است و این دولتمرد خاص، تحت شرایط مذکور احتمالا کدام یک از این شقوق عقلایی را برخواهد گزید. مقایسه و آزمون این فرضیه عقلایی با واقعیت عینی و پیامدهای آنهاست که به واقعیات سیاست بین الملل معنا بخشید.» (۱) مورگنتا در بررسی تصمیمات، بر داده های تاریخی، موضع سیاستمدار تصمیم گیرنده، شرایط و گزینه های مختلف تکیه و توجه کرده است.

۱- ۷. همان، ص ۱۶۴.

جوزف فرانکل نیز می نویسد: «تصمیم گیری بر پایه ی شرایط محیطی و ادراکی که در تصمیم گیرنده از محیط و واقعیت ها وجود دارد انجام می شود. تصمیمات و اقدامات ناشی از تصمیمات، حاصل مقابله ی ذهن تصمیم گیرندگان در مورد درخواست ها و آرمان ها از یکسو و آگاهی از محیطشان از سوی دیگر است.» (۱) .

در ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر چنین تصور می شود در حالی که شرایط برای پایان دادن به جنگ فراهم بوده است ایران به دلیل ارزیابی غلط از اوضاع و با تعریف جدید از اهداف جنگ، را به مدت شش سال ادامه داده است. محورهای عمده یا عناصر اصلی حاکم بر این نقد بر چند عامل استوار است:

۱- ایران به پیشنهادهای صلح بی توجه بود و از مذاکره برای پایان دادن به جنگ امتناع کرد.

۲- امام مخالف ادامه جنگ بود ولی این موضوع را مسئولان سیاسی و نظامی به امام تحمیل کردند.

۳- ارزیابی مناسب از اوضاع و مشکلات ناشی از طولانی شدن جنگ وجود نداشت.

صحت موارد ذکر شده به بررسی نیاز دارد ولی آنچه مهم و در ارزیابی و نقد این تصمیم نقش دارد چند مسئله است؛ نخست، به وضعیت و بستر تاریخی این تصمیم گیری توجه نکردن و آن را از محیط و فضای حاکم بر تصمیم گیری جدا کردن است. علاوه بر این، این تصمیم گیری را بر پایه ی پیامدهای آن نقد می کنند. به همین دلیل، به امکان اتمام جنگ در آن وضعیت به صورت منطقی توجه نمی شود. با فرض اینکه جنگ بنابر همین نظریات از فتح خرمشهر به پایان می رسید امروز مهمترین پرسش این بود که چرا هنگامی که جمهوری اسلامی ایران در موضع برتر و عراق در وضعیت هزیمت و شکست بود، جنگ اینگونه و بدون احقاق حقوق ایران، خاتمه یافت؟

۱- ۸. جوزف فرانکلین، روابط بین الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۶۹، ص ۱۰۳.

علاوه بر این، به نظر می رسد گفتمان انتقادی از جنگ و طرح پرسش ها، بیش از آنکه بر روی مسائل جنگ به ماهو جنگ متمرکز باشد، از ملاحظات و اغراض سیاسی متأثر است. به عبارت دیگر، موضوع اصلی نقد حوزه ی سیاسی و قدرت در چارچوب مجادلات و مناقشات سیاسی بوده و هست ولی در بستر مسائلی مانند جنگ مطرح می شود. (۱) .

جدا از این ملاحظات که باید بدان توجه شود، پرسش از علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر، متأثر از تداوم آن به مدت ۶ سال و گسترش دامنه ی جنگ با حمله عراق به مراکز اقتصادی و زیرساخت های صنعتی و مراکز غیرنظامی در شهرها است و از همه مهمتر، نحوه ی پایان دادن به جنگ با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و بعدها تحولات اجتماعی پس از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و شکل گیری گفتمان انتقادی به جنگ و انقلاب و تعمیق پرسش های جنگ نقش و تأثیر داشته است.

گرچه در نگاه اول این پرسش منطقی به نظر می رسد ولی با کالبدشکافی آن مشخص می شود که استحکام لازم را ندارد؛ زیرا بر اساس فرض طولانی شدن جنگ و نتایج و پیامدهای تصمیمی تاریخی استوار است. حال آنکه اگر بر پایه ی این تصمیم، جنگ با پیروزی ایران در عملیات رمضان به پایان می رسید اکنون چنین پرسشی طرح نمی شد. با این ملاحظه پرسش اساسی اصل تصمیم گیری و علل ادامه ی جنگ نیست بلکه این است که «چرا فتح خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک و برتری قطعی ایران بر عراق منجر نشد؟» در واقع در این پرسش مسئله اساسی «نحوه اجرای یک تصمیم گیری» در صحنه نظامی است و در پرسش از علل طولانی شدن جنگ «اصل تصمیم گیری و مدیریت جنگ یر سؤال می رود ولی پرسش صحیح آن است

---

۱ - ۹. متقابلا توجه به جنگ در بعد حماسی و ارزشی نیز ضمن اینکه با توجه به ضرورت حفظ ارزش ها و خون شهیدان و میراث گران قدر دوران دفاع مقدس دنبال می شود ولی ضرورت های سامان دهی وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به چنین توجهی منجر شده است. با این توضیح، شاید بتوان نتیجه گرفت برخورد با جنگ پس از جنگ نشان می دهد این موضوع از جایگاه تاریخی و ملی خود خارج و تحت تأثیر ملاحظات متفاوتی قرار گرفته است.

که از نحوه ی اجرای این تصمیم سؤال شود.

با این توضیح فرض بر این است که در آن وضعیت تصمیم گیری بر ادامه ی جنگ اجتناب ناپذیر و صحیح و مورد اجماع و مردم بود؛ زیرا عراق ضعیف بود و ایران از موضع برتر سیاسی - نظامی خواسته های اصولی و برحق خود را که محکوم کردن متجاوز، عقب نشینی کامل از خاک ایران و دریافت غرامت بود طرح می کرد. حال آنکه حامیان عراق تنها بر آتش بس تأکید می کردند و به هیچ وجه مایل نبودند که متجاوز را تعیین کنند و برای بازسازی دو کشور نیز اعتقاد داشتند که صندوق مشترکی تشکیل شود و کشورهای عربی هزینه های بازسازی را بپردازند در واقع علت چنین امری پیروزی خرمشهر و برتری سیاسی - نظامی ایران در سطح منطقه بود. امریکایی ها نیز از این پیروزی ها غافلگیر شده بودند و دوباره خود را در وضعیتی می دیدند که با پیروزی انقلاب اسلامی برای منطقه و جهان به وجود آمد. در حالی که آنها تصور می کردند با بروز مشکلات سیاسی - اقتصادی در داخل ایران و راه اندازی جنگ، نظام تازه تأسیس درهم خواهد شکست، ولی جمهوری اسلامی با تأمین ثبات سیاسی و حل معضل اشغال خاک خود، توان روحی و فیزیکی ارتش عراق را درهم کوبید، لذا تداوم این امر برای منافع امریکا مخاطره آمیز بود. چنان که در اظهارات مقامات رسمی امریکا منعکس شد. امریکا با پیدایش وضعیت جدید یا باید برتری ایران را به رسمیت می شناخت، که با منافع غرب مغایرت داشت، یا سیاست های خود را بر خنثی سازی و مهار برتری ایران استوار می ساخت. انتخاب گزینه ی دوم سبب شد امریکا از دادن امتیاز به ایران جلوگیری نماید و متقابلا بعد از عملیات فتح المبین با استقرار یک تیم مستشاری کمک های اطلاعاتی و فنی را به عراق آغاز نماید.

در این وضعیت جمهوری اسلامی دو گزینه در برابر خود داشت، یا از موضع برتر تهدید عراق را رفع و با تنبیه متجاوز و محکوم کردن آن و دریافت غرامت، امکان تجاوز مجدد به ایران را برای همیشه برطرف می کرد

ص: ۲۲

یا در غیر این صورت از برتری خود چشم پوشی می کرد و در بهترین وضعیت بدترین راه حل را می پذیرفت و پیدایش سؤال دیگری را سبب می شد «که چرا جمهوری اسلامی در چنین موقعیتی بر تأمین خواسته های خود پافشاری نکرد و از موضع ضعف به جنگ پایان داد؟»

اکنون با چند نظریه متفاوت درباره ی نحوه ی تصمیم گیری و انتخاب گزینه های مختلف اوضاع آن زمان را تحلیل می کنیم و با اطلاعاتی که در اختیار داریم به پرسش علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر پاسخ می دهیم؛ البته هنوز کلیه ی عناصر مندرج در این نظریات و خطوط تمایز آن مشخص نشده است ولی اهتمام به نظریه پردازی در پاسخ به پرسش جنگ، تقدیرکردنی است.

۱- پایان دادن به جنگ از موضع برتر با در اختیار داشتن منطقه ایی استراتژیک از دشمن.

آقای هاشمی رفسنجانی را باید صاحب این نظریه دانست. ایشان با تغییر روند تحولات جنگ در آستانه ی عملیات فتح المبین تدریجا بخشی از این نظریه را طرح کرد و پس از فتح خرمشهر و در جلسات تصمیم گیری ابعاد آن را با استدلال نظامیان تشریح کرد. امام با این نظریه به این دلیل اینکه مستلزم ورود به خاک عراق بود مخالفت کرد. نظامیان با بیان دلایل نظامی زمینه ی موافقت امام برای ادامه ی جنگ در داخل خاک عراق فراهم کردند.

این نظریه حداقل تا سال ۱۳۶۶ و قبل از صدور قطعنامه ی ۵۹۸ حاکم بود ولی تجربیات حاصل از عملیات والفجر ۸ (فتح فاو) و کربلای ۵، نشان داد امکان تحقق این نظریه وجود ندارد؛ زیرا دامنه فشار و افزایش هزینه ها در مقایسه با پیروزی و دستاوردهای آن، همواره بیشتر بود و حتی این تصور به وجود آمد که با تصرف بغداد هم امکان تمام جنگ با برتری ایران وجود ندارد؛ زیرا خطر تشدید حملات با سلاح های غیرمتعارف به تهران وجود دارد.

۲- تغییر ماهیت جنگ و ارائه نشدن پیشنهاد به ایران برای اتمام جنگ آقای رضایی، فرمانده ی پیشین سپاه، در مقایسه با سایر مسئولان سیاسی و نظامی - به استثنای آقای هاشمی رفسنجانی - بیشترین تحلیل و اطلاعات را

درباره ی مسائل جنگ، بویژه در پاسخ به علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر ارائه کرده است. ایشان برای نخستین بار و قبل از تعمیق گفتمان انتقادی درباره جنگ، در مصاحبه ی اختصاصی با نویسنده در سال ۱۳۷۱ نظریه ی تغییر ماهیت جنگ را ارائه داد. (۱) بعدها به تناسب مباحثی که در جامعه مطرح شد ایشان این نظریه را تکمیل کرد. عناصر اصلی نظریه ایشان تأکید بر این مفهوم است که خرمشهر در روند جنگ سمبل پیروزی و شکست صدام بود (۲) و با فتح خرمشهر فلسفه ی چرایی جنگ از سوی کسانی که این جنگ را تحمیل کرده بودند پایان یافت (۳) و ایران که تهدید می شد، به کشوری باثبات و عراق که تهدیدکننده بود، به کشوری بی ثبات تبدیل شد (۴) به همین دلیل؛ فتح خرمشهر یک «معجزه» در جنگ بود و باعث شد وضع سیاسی ایران بکلی دگرگون شود. (۵) با توجه به چنین اوضاعی آقای رضایی می گوید:

«دلیل اصلی ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر، ندادن پیشنهاد صلح از سوی قدرت های بین المللی بود. در آن سال هیچ فردی از مجموعه سیاستمداران و نظامیان نبودند که با ادامه ی جنگ و عبور از مرزهای بین المللی در جنوب مخالف باشند... اگر پیشنهاد صلح به ایران می شد و مسائل کلیدی و اختلافات اصلی از جمله مرزهای بین المللی حل می شد، ایران به جنگ ادامه نمی داد.» (۶) .

ایشان همچنین معتقد است فتح خرمشهر استراتژی ها را عوض کرد (۷) و نقطه ی عطف بین دو مرحله ی جنگ، یعنی آغاز و پایان جنگ بود. (۸) توضیحات ایشان در مورد تغییرات بیشتر ناظر بر تغییر وضعیت کلی جنگ است. حال آنکه ماهیت جنگ به معنای اصول، خصلت ها و ویژگی های کلی جنگ ثابت بود ولی اوضاع تحت تأثیر عوامل مختلف بتدریج تغییر کرد و همین امر بر مواضع و رفتار بازیگران مختلف در مرحله ی تصمیم گیری برای جنگ تأثیر گذاشت.

۱- ۱۰. به این نظریه در کتاب از خونین شهر تا خرمشهر در ص ۱۷۶ - ۱۷۵ اشاره شده است ولی متأسفانه در ذکر نام آقای رضایی غفلت شد. بعدها نیز آقای ولایتی در کتاب تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، به موضوع تغییر ماهیت جنگ پس از فتح خرمشهر بدون ذکر منبع (کتاب) اشاره کرد.

۲- ۱۱. مهدی بهداروند، ورود به خاک عراق، ضرورت ها و دستاوردها، معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، ۱۳۸۱ ص ۹۲.

۳- ۱۲. مأخذ ۱.

۴- ۱۳. مأخذ ۶، ص ۹۳.

۵- ۱۴. مأخذ ۶، ص ۹۴.

۶- ۱۵. روزنامه انتخاب، ۵ / ۳ / ۱۳۸۱، ص ۲.

۷- ۱۶. مأخذ ۶، ص ۹۵.

۸- ۱۷. مأخذ ۱.

۳- تصمیم گیری جدید بر پایه ی تصرف کانون آتش و قصاص متجاوز.

آقای لطف الله میثمی (۱) در گفت وگوی مطبوعاتی به پرسش علت ورود به خاک عراق پس از دفع تجاوز با نظریه ای جدید پاسخ می دهد. وی معتقد است مسئولان کشور از جنگ و قانون آن اطلاعی نداشتند و جنگ جو نبودند در نتیجه طبقه ای جدید پیگیر و تعیین کننده شدند و بعد از فتح خرمشهر آنها بودند که تصمیم گرفتند که ما وارد خاک عراق شویم. (۲) وی نظریه ی خود را توضیح می دهد و می گوید امام مخالف ادامه ی جنگ بود ولی فرماندهان و نیروهای ارتش امام را قانع کردند که ما باید به خاک عراق وارد بشویم.

«این گونه که ما با نظریه ی «تصرف کانون آتش» وارد خاک عراق شدیم و تا آنجا که من می دانم، نظریه کارشناسی فرماندهان نظامی ارتش و مسئولان این بود که باید برویم و علتش هم قصاص بود.» (۳) .

وی در توضیح طبقه ی جدید می گوید در تاریخ معاصر ما همیشه بورژوازی ملی حافظ استقلال ما بوده است، مثل مصدق. و این بار، خرده بورژوازی چپ و این طبقه ی جدید هستند که گمرک خرمشهر یعنی بندر صادرات - واردات را حفظ می کنند؛ یعنی بورژوازی ملی ما و بورژوازی تجاری - صنعتی مدیون این جان بر کف ها و طبقه ی جدید است. (۴) وی سپس از احزاب سابقه دار انتقاد می کند و می گوید:«احزاب سابقه دار نیز به جبهه ها گسیل نیرو نداشتند که بتوانند این طبقه ی جدید را درک کنند حال اگر به این پدیده که نقطه ی عطف بسیار بزرگی است توجه نکنیم می توانیم ورود ایرانیان را به خاک عراق محکوم کنیم.» (۵) .

۴- بی توجهی به پیامدهای ادامه ی جنگ در خاک عراق و مشکلات ناشی از جنگ طولانی.

این نظریه تاکنون کمتر بررسی و تجزیه و تحلیل شده است و به همین دلیل نمی توان از شخص خاصی که صاحب این نظریه باشد نام برد، به نظر

---

۱ - ۱۸. عضو پیشین کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق که پس از انشعاب سازماندهی جدیدی را ایجاد کرد و هم اکنون مجله ی چشم انداز را منتشر می کند.

۲- ۱۹. روزنامه نوروز، ۱۶ / ۳ / ۱۳۸۱.

۳- ۲۰. همان.

۴- ۲۱. همان.

۵- ۲۲. همان.

می رسد جوهر تفکر امام و علت پرسش اولیه در مورد علت ادامه ی جنگ در خاک عراق، توجه به پیامدهای همین موضوع بوده است. امام در جلسات تصمیم گیری به این موضوع توجه داشتند که با ادامه ی جنگ، اوضاع تغییر خواهد کرد و چشم انداز روشنی برای پایان دادن به آن وجود ندارد و لذا زمان مناسب برای تصمیم گیری، پس از فتح خرمشهر است. در عین حال، امام به نظریاتی که شخصیت های سیاسی و نظامی، مبنی بر ضرورت ادامه ی جنگ دادند توجه و در پایان موافقت خود را اعلام کردند.

مسئله مهم این است که در نقد علت ادامه ی جنگ آنچه بعدها بیش از همه تأثیرگذار بود پیامدهای جنگ پس از فتح خرمشهر، بویژه طولانی شدن آن و عدم امکان اتمام جنگ بود. این موضوع البته پس از تصمیم گیری برای مسئولان سیاسی - نظامی روشن شد.

۵- پایان دادن به جنگ با استفاده از فرصت و متکی بر موقعیت ممتاز نظامی و سیاسی ایران.

نهضت آزادی در اولین موضع گیری مکتوب با صدور قطعنامه پنجمین کنگره ی نهضت، در فروردین ۱۳۶۲، این نظریه را طرح کرد (۱) نظر به اینکه نهضت به هنگام تصمیم گیری در خرداد و تیر ۱۳۶۱ هیچ گونه موضع رسمی و مکتوبی را منتشر نکرد (۲) لذا اعلام این نظریه در سال ۱۳۶۲ تنها در چارچوب مواضع حزبی کارکرد سیاسی - تبلیغاتی داشت.

به موازات آنچه تاکنون تحت عنوان اطلاعات، تحلیل و نظریه ارائه شده است پاره ای از تحلیل ها و استدلال ها تنها برای توجیه و دفاع از تصمیم ادامه ی جنگ ارائه شده است. به نظر می رسد این روش پاسخگو نیست؛ به همین دلیل در کتاب حاضر سعی بر این است که اوضاع و واقعیت های تاریخی در تصمیم گیری تشریح و تحلیل شود. و قضاوت نهایی درباره تصمیم گیری به خوانندگان محترم واگذار شود.

ص: ۲۶

۱- ۲۳. نک:پرسش های اساسی جنگ، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۲- ۲۴. نهضت آزادی با استفاده از موقعیت فتح خرمشهر، در یک بیانیه ی تحلیلی و نسبتا مفصل از این موضوع دفاع کرد که دولت موقت نقشی در شروع جنگ نداشته است!.

تغییر در ماهیت و تحولات استراتژیک جنگ

اشاره

جنگ ایران و عراق نیز همانند هر جنگی و ویژگی های خاص خود را دارد (۱) و همین امر وجه تمایز یا افتراق آن با سایر جنگ ها است. تاکنون برای توضیح ماهیت جنگ ایران و عراق از عناوین متفاوتی مانند: «دفاع مقدس»، «جنگ تحمیلی»، «جهان سومی»، جنگ اول «خلیج فارس» و سایر موارد استفاده شده است. عناوین یاد شده ناظر بر مفاهیمی است که در واقع بیان کننده ی ماهیت جنگ است. فرضا وقتی عنوان «دفاع مقدس» بیان می شود بیشتر بر ماهیت عقیدتی و دفاع در برابر متجاوز تأکید می شود. یا عنوان جنگ تحمیلی بیان کننده ی این معنا است که ایران خواستار جنگ نبوده است و آن به ایران تحمیل شده است. همچنین جنگ «جهان سومی» بیشتر ناظر بر نحوه ی به کارگیری سلاح ها، استراتژی و نحوه ی اداره ی عملیات ها و در سطح کلی تر مدیریت کلان جنگ است.

«جنگ اول خلیج فارس»، بیشتر بر محل وقوع جنگ تأکید می کند و این عنوان را امریکا با رهبری ائتلافی جهان پس از آنکه عراق کویت را اشغال کرد به نام جنگ خلیج فارس نامید و در تبلیغات، جنگ ایران و عراق، جنگ اول و جنگ امریکا با عراق جنگ دوم نامیده شد.

جنگ بر اساس تصوری کلی از مشخصه و ماهیت آن نام گذاری می شود و چون برداشت ها متفاوت است نام گذاری ها نیز تفاوت دارد ولی وجه اشتراک نام گذاری ها بیان کننده ی یک نوع تفسیر و فهم برداشت از مشخصه های کلی جنگ، اهداف و ماهیت آن است.

ص: ۲۷

۱- ۲۵. نک: پرسش های اساسی جنگ، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

چون در جنگ های جدید موضوع اصلی مناقشات و درگیری و جنگ میان دولت ها اهداف و منافع سیاسی است تفسیر اهداف و فهم سیاسی جنگ برای طرفین درگیر در جنگ بسیار اهمیت دارد؛ زیرا این موضوع در موضع گیریها، میزان برآورد منابع و تحولات جنگ و تصمیم گیری برای پایان داد به آن بسیار مؤثر است.

شهید آوینی معتقد است که «دیدگاه ما به جنگ و علل وقوع آن با دیدگاه دیگران و غربیان متفاوت است.» (۱) به همین دلیل توصیه می کرد: «جنگ را باید به دیده ی خاصی نگریست.» (۲) وی شروع جنگ را در چارچوب قدرت طلبی صدام و سابقه ی دشمنی با انقلاب اسلامی می دانست و متقابلا دفاع ما را بر اساس پیروزی از عزت ممثل یعنی امام خمینی تفسیر می کرد. بر همین اساس، آوینی اصلی ترین دستاورد جنگ را خود انقلاب ذکر می کند و در توضیح آن می گوید: «اگر جنگی نبود انقلابی هم وجود نداشت. تا قبل از جنگ، تعریف مشخصی از اسلام انقلابی نداشتیم تا آن را در مقابل اسلام آمریکایی قرار دهیم؛ ما معنای انقلاب را در جنگ فهمیدیم». (۳) .

امام خمینی رهبر انقلاب به تحولات سیاسی - اجتماعی توجه می کردند و در چارچوب تفکر دینی با تعریف جدید از عالم و آدم و همچنین مفهوم جنگ و جهاد و دفاع در اسلام، ماهیت تجاوز عراق به ایران و هدف اصلی از این اقدام را در چارچوب «اسلام و کفر» و «حق و باطل» توضیح می دادند. در واقع امام در چارچوبی کلی و با ادبیاتی دینی و تفسیر اعتقادی - سیاسی از جنگ، در نظر داشتند هدف سیاسی عراق و حامیانش و ضرورت دفاع با متجاوزان را بیان نمایند.

مبانی تفکر امام درباره ی جنگ در درجه ی نخست بر پایه ی ماهیت حکومت ایران و عراق بود. بدین معنا که در ایران نظام مردمی برآمده از انقلابی دینی و مردمی و در عراق رژیمی بعثی غیر دینی با کودتا مستقر بود. شخصیت و

۱- ۲۶. مرتضی آوینی، «ویژه حماسه سوم خرداد»، روزنامه رسالت، ۳ / ۳ / ۱۳۸۲، ص ۸.

۲- ۲۷. همان.

۳- ۲۸. همان.

سوابق صدام باعث توجه امام به او شد. (۱) علاوه بر این، امام رفتار صدام و حکومت بعثی را علیه مردم، معیار مشروعیت نداشتن این رژیم ذکر می کردند. ضمن اینکه تجاوز به ایران با توجه به ماهیت انقلابی و مردمی نظام آن، که با امریکا و اسرائیل در حال مبارزه و منافع این کشورها را به خطر انداخته بود به معنای وابستگی عراق به قدرت های استکباری و عمل در چارچوب منافع این قدرتها ارزیابی می شد.امام اقدام علیه ایران را عملی الحادی و کفرآمیز دانستند. چنان که طی سخنانی فرمودند:«قیام بر ضد کشور اسلامی و حکومت اسلامی که الان در ایران مستقر است همین قیام بر ضد او، در حکم الحاد و کفر است.» به همین دلیل امام تأکید کردند: «ما در جنگ برای یک لحظه نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم.» و علت آن را عمل به تکلیف دانستند و تأکید کردند: «ما برای تکلیف جنگیده ایم.» امام همچنین عملکرد حکومت عراق را در رفتار علیه مردم آن کشور و جنگ با ایران با استفاده از مفهوم اسلام و کفر نقد می کنند و خطاب به ملت و ارتش عراق می فرمایند:

«شما همه از نزدیک جنایت ها و خیانت های حزب کافر بعث را دیده و می بینید، شما تلخی حکومتی کافر بعثی را چشیده اید. شما می دانید که صدام حسین و رفقای کافر او تابع میشل عفلق و نوکر چشم بسته صهیونیسم و امپریالیسم به امر اربابان جهانخوار خود به ایران و ملت ایران که با الله اکبر و پشتوانه ی اسلام عزیز کفار را از میهن خود راندند، حمله نموده و بی رحمانه برادران ایمانی شما را به قتل می رساند. شما می دانید که این جنگ بین ایران و بعثی های عراق، جنگ بین اسلام و کفر و قرآن کریم الحاد است.» (۲) .

امام در این توضیح علاوه بر اشاره به ماهیت رژیم بعثی و رفتار آن علیه مردم

۱- ۲۹. امام در جمع گروهی از حجاج پاکستانی در تاریخ ۱۶ / ۸ / ۱۳۵۹ درباره ی حزب بعث و صدام و جنایات آنها علیه علمای اسلامی می گوید: «صدام کسی است که تابع عفلقی هاست و آنها حزبشان اسلام را منافی می دانند با وضعیت خودشان، دشمن اسلام هستند آنها... اینها همان ها هستند که علمای بزرگ اسلام را چه از طایفه سنی و چه از طایفه شیعه گرفتار کردند، حبس کردند و شهید کردند.» (صحیفه ی نور، جلد ۱۳، ص ۱۶۵ و ۱۶۶).

۲- ۳۰. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۹۵، پیام امام خمینی، ۲ / ۷ / ۱۳۵۹.

مسلمان عراق به موارد دیگری از جمله همپیمانی با صهیونیزم و امپریالیسم نیز اشاره می کنند. مبنای استدلال این بود که انقلاب اسلامی ایران بیشترین زیان و نگرانی را برای امریکا و صهیونیست ها به وجود آورد. در نتیجه، هر گونه فشار و اقدام علیه ایران به منزله ی تأمین منافع آنها بود. با این توضیح نتیجه می گیریم که امام جنگ را بر پایه ی ماهیت دو نظام متفاوت در ایران و عراق تفسیر و تحلیل می کردند که یکی دینی و برآمده از انقلاب و در حال مبارزه با امریکا و اسرائیل بود و دیگری نظامی سکولار بود که برای تحکیم قدرت خود علیه مردم مسلمان عراق اقدامات جنایت آمیز بسیاری مرتکب شده بود و اکنون نیز با حمله ی به ایران به توسعه ی قدرت خود (۱) و خدمت به منافع امریکا و اسرائیل می اندیشید. نکته ی ظریف و مهم این است که امام در تفسیر عقیدتی جنگ بر پایه جنگ «اسلام و کفر» به تبلیغات طرف متجاوز بی توجه نبودند. چنان که در جای دیگر به این مسئله توجه نشان می دهند و می گویند:

«این حکومت فاسد به اسم اینکه شما ملت ایران مجوسی هستید و فارس هستید و به اسم عربیت و سردار قادسیه بودن هجوم کردند به این کشور...» (۲) .

امام همچنین هنگامی که وضعیت نظامی به سود عراق بود و ایران برای پایان دادن به جنگ شدیدا تحت فشار بود ماهیت عقیدتی جنگ را تبیین می کنند و می گویند:

«جنگ ما با ابرقدرت های شرق و غرب نیست، جنگ ما جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور، جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری های دنیای سرمایه داری و کمونیزم، جنگ ما جنگ پابرهنه گی علیه خوش گذرانی مرفهین و حاکمان بی درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ خانه و کاشانه و شکست تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است...» (۳) .

به مناسبت های مختلف بویژه در ابتدای جنگ، هیئت صلح کنفرانس اسلامی و برخی از سران کشورهای اسلامی بدون توجه به نگرشی که بیان شد با تکیه بر مسلمان بودن مردم ایران و عراق خواهان اتمام جنگ بودند و

۱- ۳۱. همان، ص ۱۲۴، بیانات امام خمینی، ۲۸ / ۷ / ۱۳۵۹.

۲- ۳۲. صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۳۳، بیانات امام خمینی، ۳ / ۵ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۳. صحیفه نور، جلد ۲۰ ص ۲۲۲، پیام امام خمینی، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

ادامه ی آن را تلویحا نوعی «برادرکشی» می دانستند. اخیرا نیز به این مسئله مجددا آقای مهاجرانی در مصاحبه با یکی از روزنامه ها تأکید کرد:

«جنگ با عراق ایدئولوژیک نبود دو کشور اسلامی سر مسائل مختلفی با هم درگیر شدند. جنگ بین اسلام و کفر نبود. درگیری میان دو کشور اسلامی بود. که نمی بایست اتفاق بیفتد، زمانی که رخ داد می بایست در نخستین مراحل آن را خاموش کرد. اما برادر کشی بود که به راه افتاد.» (۱) .

آقای مهاجرانی پس از واکنش های اولیه در برابر این اظهارات خود که بیشتر سیاسی نیز بود در یادداشت جدیدش با استناد به آیات ۹ و ۱۰ سوره حجرات و تفسیر مرحوم علامه طباطبایی نوشت:

«... به هر دلیل در بین مسلمانان، جنگی اتفاق افتاده که اصل بر اتمام آن است نه دامنه گستری جنگ، چنانچه علامه طباطبایی رضوان الله تعالی علیه در تفسیر این آیات برادری بین مؤمنان را استنتاف مؤکدی می دانند بر اینکه باید بین دو گروه از مؤمنان که پیکار می کنند اصلاح برقرار کرد.» (۲) .

در این نظریه که به نوعی نقد ماهیت سیاسی - عقیدتی جنگ است (۳) آقای مهاجرانی برای تبیین ماهیت جنگ نظری مقابل نظر امام خمینی دارد. فرض اصلی آقای مهاجرانی این است که دو کشور اسلامی با یکدیگر درگیر شدند؛ حال آنکه امام حکومت بعثی ها را اسلامی و مشروع نمی دانستند و دوم اینکه مردم مسلمان را از حکومت جدا می کردند و حتی رفتار حکومت عراق را با مردم عراق یکی از دلایل سلب مشروعیت رژیم بعثی می دانستند و چندین بار مردم و ارتش عراق را با الهام گیری از قیام مردم ایران علیه حکومت شاه به مخالفت با حکومت بعثی و قیام دعوت کردند. آقای مهاجرانی نظر امام را در مورد جنگ اسلام و کفر رد می کند. وی همچنین معتقد است این جنگ

۱- ۳۴. روزنامه اعتماد، ۲۲ / ۵ / ۱۳۸۱.

۲- ۳۵. روزنامه اعتماد، ۲۷ / ۵ / ۱۳۸۱.

۳- ۳۶. تا قبل از اظهارات آقای مهاجرانی، گفتمان انتقادی درباره جنگ و پرسش ها بیشتر ناظر بر نحوه مدیریت و تصمیم گیری ها با ملاحظات و اغراض سیاسی بود. ولی سخنان آقای مهاجرانی حوزه جدیدی را گشود که پیامدهای آن در مقایسه با بحث های پیشین بسیار عمیق تر است و در آینده با توجه به تغییر و تحولات فرهنگی - اجتماعی آثار آن تدریجا آشکار خواهد شد.

نباید اتفاق می افتاد و پس از آنکه رخ داد باید بلافاصله خاموش می شد. اما باید گفت با استناد به اسلامی بودن هر دو کشور نمی توان عبارت «برادرکشی» به کار برد؛ زیرا اگر فرض، اسلامی بودن ساختار سیاسی دو کشور باشد، این معنا وجود نداشت و اکنون هم وجود ندارد. (۱) امام اگر فرض، مسلمان بودن مردم دو کشور باشد، چون حکومت عراق جنگ را بر پایه ی اغراض و اهدافی جدا از منافع مردم عراق به راه انداخته بود باز هم استفاده از عنوان برادرکشی منطقی به نظر نمی رسد ضمن آنکه ملت ایران از دفاع در برابر ارتش عراق حمایت و پشتیبانی می کردند.

در فرض سوم حتی اگر دو گروه از مردم مسلمان برای تأمین اهداف و منافع خود با یکدیگر درگیر شوند باید در مرحله نخست متجاوز اصلی و آغازکننده جنگ را شناسایی کرد و سپس به نص آیه قرآن تا زمان متوقف شدن تجاوز، با متجاوز جنگید. چنان که امام خمینی در جمع سفیران کشورهای اسلامی به آیه ی قرآن اشاره می کنند (۲) و در نقد رفتار کشورهای اسلامی می فرمایند:

«و مع الاسف در عین حالی که در قرآن کریم است که اگر دو طایفه ای از مسلمین با هم اختلاف کردند شما مصالحه بدهید بین آنها و اگر چنانچه یکی از آنها یاغی باشند، با او قتال کنید تا اینکه سر نهد به حکم خدا. کدام یک از کشورهای اسلامی بررسی کردند در اینکه طاغی و یاغی کیست؟ و آن کسی که هجوم کرده است کیست؟ تا اینکه همه به امر خدا با او مقابله کنند.» (۳) .

امام همچنین به حبیب شطی، دبیر کل کنفرانس کشورهای اسلامی، پیام می فرستند و می نویسند:

«باید با آن کسی که مهاجم بوده است و بغی کرده است و هجوم کرده است به یک مملکت اسلامی، فرضا اگر دولت عراق مسلم باشد، باید با او قتال کنند تا اینکه برگردد به امر خدا....» (۴) .

۱- ۳۷. کتاب قبل از سقوط صدام نوشته شده است و اکنون نیز ماهیت حکومت عراق مبهم است.

۲- ۳۸. قرآن کریم، سوره حجرات، آیه ۹.

۳- ۳۹. مأخذ ۵، ص ۱۲۴ بیانات امام خمینی، ۲۸ / ۷ / ۱۳۵۹.

۴- ۴۰. مأخذ ۵، ص ۱۲۸، بیانات امام خمینی، ۲۸ / ۷ / ۱۳۵۹.

آنچه روشن است تفسیر سیاسی - اعتقادی امام از ماهیت جنگ موجب شکل گیری مؤلفه های اصلی قدرت دفاعی ایران و حضور گسترده ی مردم برای مقابله با دشمن شد و این تفسیر و ادراک بر تمامی زوایای جنگ، از شکل گیری تفکر دفاعی تا تبلیغات، نام گذاری و رمز عملیات ها استفاده از پیشانی بند، تأثیر گذاشت.

ماهیت سیاسی – نظامی جنگ

با توجه به اینکه هر جنگی ماهیت و مشخصه های ویژه ای دارد (۱) و در هر عصری نوع جنگ ها متفاوت است (۲) و همچنین ماهیت هر جنگی تدریجا تغییر می کند (۳) حال این پرسش وجود دارد که عناصر و مؤلفه های اصلی در تعیین ماهیت یک جنگ چیست؟ به عبارت دیگر، چگونه و بر اساس چه معیاری می توان ماهیت جنگی را شناخت؟ همچنین عوامل مؤثر بر تغییر ماهیت جنگ کدام است؟ «کلاوزویتس» درباره ی نسبت به جنگ با سیاست نظریه ای می دهد که راهنمای تعریف ماهیت جنگ است: «جنگ تنها ادامه ی سیاست است با استفاده از شیوه های دیگر.» (۴) در نتیجه سیاست، ماهیت جنگ راتعیین خواهد کرد. (۵) «جک لووی» با توجه به نظریه ی کلاوزویتس معتقد است: «اگر بخواهیم جنگ را بشناسیم باید بدانیم که چرا تصمیم گیران برای آنکه به اهداف مطلوب خود دست یابند ابزار نظامی را به جای ابزار دیگر انتخاب می کنند.» (۶) در واقع، جنگ بین حکومت ها برای رسیدن به هدف سیاسی قابل تعریف است. (۷) و با وقوع جنگ همان سیاست است که به جای قلم شمشیر به دست گرفته است. (۸) بر همین اساس، به دلیل اینکه سیاست تعیین کننده ی طبیعت جنگ است بنابراین مقتضیات سیاسی شکل استراتژی را تعیین می کند. (۹) .

۱- ۴۱. ماری کالدور، «مفهوم جنگ از گذشته تاکنون»، گروه ترجمه ماهنامه نگاه، ماهنامه نگاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره ۲۴، ص ۱۶.

۲- ۴۲. مایکل هاوارد، کلاوزویتس و نظریه جنگ، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲.

۳- ۴۳. ماهیت سیاسی - عقیدتی جنگ به معنای جنگ اسلام و کفر و رفتار عراق در چارچوب سیاست ها و منافع امریکا و سایر قدرت ها از ابتدا تا پایان جنگ ثابت بود ولی فلسفه و هدف وقوع جنگ و اهداف ایران از ادامه آن تحت تأثیر متغیرها و شرایط تغییر کرد که در اینجا بخشی از آن مورد توجه قرار گرفته است.

۴- ۴۴. والتر گیوهان، سیطره زمان بعد چهارم در جنگ های مدرن، ترجمه مصطفی میخبر، انتشارات دوره عالی جنگ، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۴.

۵- ۴۵. همان، ص ۲۶.

۶- ۴۶. جک لووی، «تئوری های جنگ و صلح»، گروه ترجمه ماهنامه نگاه، ماهنامه نگاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شهریور ۱۳۸۱، شماره ۲۶، ص ۴.

۷- ۴۷. مأخذ ۱۳، ص ۱۲ و ۱۳.

۸- ۴۸. عادل جهان آرای، «نظریه های جنگ»، قسمت دوم، روزنامه همشهری، ۹ / ۸ / ۱۳۸۰، ص ۶.

۹- ۴۹. مأخذ ۱۴، ص ۷۴ و ۷۵.

«گالی» در کتاب خود بر این باور است که از نظر کلاوزویتس، کلید شناخت خصلت هر جنگی را باید در اوضاع، هدف ها و تصمیمات افراد سیاسی جست وجو کرد که به جنگ انجامیده است. (۱) همچنین به نوشته ی «پیتر می یر»، برای تعیین ماهیت جنگ و مشخصات کلی آن، جنگ را می توان از تعداد جنگجویان، نحوه تعقیب هدف و نظایر آن، که همه بیان و تجلی مرحله ی تکامل اجتماعی - اقتصادی جنگ است بررسی کرد. (۲) با این توضیحات به نظر می رسد سه عامل در تعیین ماهیت جنگ نقش اساسی دارد:

۱- اهداف و انگیزه های سیاسی

۲- ابزار نظامی، اهداف، استراتژی و تاکتیک ها

۳- بافت و ترکیب نیروها و روش سازماندهی و به کارگیری آنها.

در یک جنگ اهداف و مقاصد سیاسی در مقایسه با سایر اهداف اهمیت و نقش مهم تری دارد؛ زیرا هنگامی که سیاست و راه حل های سیاسی برای تأمین اهداف و منافع به نتیجه ای نرسد جنگ آغاز خواهد شد و ژنرال و ابزارهای نظامی جانشین دیپلمات ها و مذاکره ها می شود. گرچه خشونت و درگیری و کشتار انسان ها، و انهدام اشیاء، مناسبات میان جوامع و دولت ها را تعیین می کند در عمل همان سیاست و اهداف سیاسی است که در لباس جنگ و درگیری نظامی ظاهر می شود. با این توضیح تحولات کلی جنگ از سیاست و اهداف سیاسی جنگ متأثر است. بر همین اساس، ابعاد محدود یا گسترده ی جنگ، حجم شدید یا ملایم آن و زمان کوتاه یا طولانی و روش فرسایشی یا رو به گسترش جنگ و همچنین ابزار نظامی، استراتژی، تاکتیک ها و میزان بسیج منابع ملی تحت تأثیر اهداف سیاسی جنگ قرار می گیرد.

پس از توضیح درباره ی ماهیت جنگ و عناصر و شاخص های تشکیل دهنده ی آن، حال باید برسید ماهیت جنگ چگونه تغییر می کند؟ به عبارت دیگر، عوامل مؤثر بر تغییر ماهیت جنگ کدامند؟ نظر به اینکه عناصر و مؤلفه های تعیین کننده ی ماهیت جنگ با عوامل مؤثر بر تغییر آن متفاوت است لذا باید به ساز و کارهای تغییر و تحول ماهیت جنگ توجه کرد.

۱- ۵۰. و.ب گالی، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۹۲.

۲- ۵۱. پیتر می یر، جامعه شناس جنگ و ارتش، ترجمه دکتر محمدصادق مهدوی و دکتر علیرضا ازغندی نشر قومس، چاپ پنجم، ۱۳۷۶، ص ۳۳.

با توجه به پیوستگی جنگ و سیاست و تأثیر محوری و تعیین کننده اهداف سیاسی بر جنگ، در واقع اهداف جنگ ماهیت سیاسی - نظامی آن را تغییر می دهد. با این فرض باید پرسید اهداف سیاسی جنگ چگونه تغییر می کند؟

پیتر می یر معتقد است کلاوزویتس تحول مناسبات اجتماعی را در دگرگونی جنگ از تکامل سلاح و نظایر آن مؤثرتر می داند. (۱) «مایکل هاوارد» نظر کلاوزویتس را توضیح می دهد و می نویسد: «جنگ یک ابزار سیاسی و سیاست محصول یقینی عوامل بنیادی اجتماعی است.» (۲) .

با این توضیح تغییر وضعیت سیاسی - اجتماعی بر سیاست و در نتیجه، بر اهداف سیاسی جنگ تأثیر می گذارد. حال پرسش دیگری طرح می شود: وضعیت سیاسی - اجتماعی چگونه تغییر می کند؟ به نظر می رسد پاسخ به این پرسش تا اندازه ای حلقه ی ارتباط جنگ را با سیاست و تغییر ماهیت آن توضیح می دهد. جنگ که عملی نظامی است، نتایج و پیامدهایی دارد که بر سیاست اثر می گذارد و عامل پیوستگی جنگ و سیاست می شود. همچنین تغییر و تحولات سیاسی بر اقدامات و اهداف عملیات های نظامی و در کسب پیروزی یا شکست و در نتیجه در حفظ یا تغییر موازنه ی کلی جنگ، تأثیر می گذارد. پیدایش چنین وضعیتی بر روند تحولات نظامی، تغییر اهداف سیاسی یا تداوم آن، شکل گیری و تغییر استراتژی نظامی، تغییر در میزان اختصاص منابع و سایر ملاحظات اثر می گذارد و در برآیندی کلی ماهیت جنگ را تغییر می دهد.

تغییر در وضعیت استراتژیک جنگ

وضعیت استراتژیک در جنگ ناظر بر این توضیح «موقعیت و توازن کلی» نیروها است. پیدایش و شکل گیری وضعیت های متفاوت در آرایش و موقعیت کلی نیروها و در نتیجه تأثیر آن بر مواضع، تصمیمات و رفتارها، از عوامل مختلف متأثر است. به عبارت دیگر، برآیند اهداف سیاسی جنگ، استفاده از راهبردهای مختلف در به کارگیری نیروها و امکانات و سایر موارد در نهایت موقعیت

۱- ۵۲. همان، ص ۸۹.

۲- ۵۳. مأخذ ۱۴، ص ۱۱۳.

استراتژیک جنگ را به وجود می آورد. و این امر می توانـد در مراحـل مختلف یا در پایان، نتیجه ی جنگ را به سود یا زیان یکی از طرفین درگیر تغییر دهد.

جدا از توضیح درباره ی مفهوم وضعیت استراتژیک، عوامل و متغیرهای مؤثر و همچنین علل و ساز و کارهای تغییر در وضعیت استراتژیک جنگ مسئله ای مهم است. به نظر می رسد انتخاب اهداف مناسب، محاسبه و برآورد صحیح از موقعیت ها و توان خودی و دشمن، تخصیص منابع و فراهم کردن امکانات مورد نیاز، استراتژی مناسب در کاربرد نیرو و امکانات برای تحقق اهداف و در مجموع تعامل متغیرها در پیدایش وضعیت های جدید مؤثر است. در نتیجه گاهی بر اثر برتری در یک عملیات یا در سلسله عملیات های نظامی در نهایت، به تحمیل خواسته ها و اراده ی یک طرف بر طرف دیگر منجر می شود و نتیجه ی کلی جنگ با پیروزی یا شکست - نسبی یا مطلق - یکی از طرفین مشخص خواهد شد.

در اوضاعی مشخص عوامل تغییر جنگ و ساز و کارهای آن به وجود می آید که با درک و شناخت آن می توان آینده را پیش بینی و در نتیجه هدایت و کنترل کرد. منطق حاکم بر جنگ نظمی درونی دارد و این امر بیان کننده ی این معنا است که نمی توان حوادث و رخدادهای جنگ را نادیده گرفت و از آن گذشت. چنین رویکردی به جنگ بیان کننده ی شناخت نداشتن از جوهر و ذات جنگ و در نتیجه ناتوانی در رویارویی با وضعیت های مختلف و کنترل و هدایت اوضاع است.

تغییر در جنگ متأثر از جوهر جنگ است که بر کنش و واکنش حاصل از رویارویی اراده ها در جنگ ایجاد می شود. در جنگ، یک اراده روی یک جسم بی جان یا اراده منفعل عمل نمی کند بلکه دو اراده در یک رویارویی همه جانبه و بنیادین به دلیل درک مخاطره آمیز از منافع و هویت و موجودیت، در برابر هم صف آرایی، و در تعامل کامل بر روی هم عمل می کنند. پویایی حاصل از این رویارویی موجب تغییر و تحول است.

برای تحقق اهداف «ظهور خلاقیت» در اندیشه ها و افکار و استراتژی ها، و

«ابتکار عمل» در به کارگیری نیرو و امکانات، از عوامل مؤثری است که نتیجه ی نهایی جنگ و پیروزی را شکل می دهد.

بنابراین تنها اصل ثابت در جنگ همان اصل تغییر است که از جوهر جنگ و انرژی تولید شده بر اثر کنش و واکنش ها متأثر است.

میان امکانات و نیروها با روحیه و باورها در ایجاد «تغییرات» تعاملات مؤثری وجود دارد. در بسیاری از موارد باورهای اعتقادی گروهی اندک می تواند نیرو و امکانات برتر دشمن را تحت تأثیر قرار دهد و گاهی بعکس برتری امکانات و نیرو در روندی فرسایشی اراده و روحیه طرف مقابل را درهم می شکند و نتیجه ی کلی جنگ را تغییر می دهد.

با این توضیحات، جنگ ایران و عراق در طول هشت سال همواره دستخوش تغییر و تحول بوده است؛ به همین دلیل وضعیت استراتژیک و موازنه ی کلی نیروها تحت تأثیر عوامل و شرایط مختلف متفاوت بوده است. در حدفاصل آغاز جنگ تا فتح خرمشهر در ابتدا موازنه ی کلی نیروها به سود عراق بود. همین امر موجب شد تا عراق بر تجاوز به ایران تصمیم بگیرد و کلیه ی صاحب نظران پیروزی عراق را ممکن می دانستند. ظهور عوامل جدید از جمله حضور نیروهای مردمی در جنگ و مقاومت عمومی در برابر این تجاوز، محاسبات عراق را تغییر داد و مانع تحقق اهداف عراق شد.

وضعیت جدید بیان کننده ی شکست عراق بود؛ زیرا اهداف سیاسی عراق با برتری نظامی تأمین نشد. از سوی دیگر عراق، به دلیل اینکه بخشی از خاک ایران و مناطقی بالغ بر ۱۵ هزار کیلومتر مربع را در تصرف داشت برای تأثیر بر مواضع سیاسی ایران اهرم مهمی داشت.

در این مرحله آرایش و موازنه ی نیروها از برتری یکی بر دیگری مانع شد. به همین دلیل، نه تنها جنگ به پایان نرسید که زمینه ی ادامه ی آن نیز فراهم شد و طرفین تلاش و سازماندهی جدیدی را برای تغییر اوضاع آغاز کردند.

عراقی ها بر تصرف مناطق اشغالی تکیه کردند و بر تحولات سیاسی در داخل ایران امید بستند و در انتظار زمان بودند تا با وارد ساختن ضربه ای

نظامی موازنه را به سود خود تغییر دهند و جمهوری اسلامی را وادار سازند تا خواسته های آنها را بپذیرد. متقابلا ایران نیز در حالی که درگیر جنگ در مناطق اشغال شده در داخل دچار وضعیت بی ثباتی سیاسی بود که بدون حل و فصل آن معضل جنگ و اشغال را نمی توانست حل کند. تعامل وضعیت نظامی با اوضاع سیاسی تصمیم گیری را دشوار و موجودیت جمهوری اسلامی را در کمند نتایج خود گرفتار کرده بود.

تغییر تدریجی در روند جنگ و اوضاع داخلی زمینه ی آزادسازی مناطق اشغالی را فراهم کرد و پیروزی های نظامی باعث تثبیت اوضاع داخلی شد. فرآیند این تحولات موازنه ای جدید به وجود آورد که در مجموع موجب برتری ایران بر عراق شد. با آزادسازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر، وضعیت استراتژیك تغییر کرد و موقعیت عراق بشدت تضعیف شد و متقابلا موقعیت جمهوری اسلامی ایران بهبود یافت. تحول در وضعیت استراتژیک مواضع، رفتار و تصمیم گیری بازیگران را شکل داد و در نهایت آنچه انجام شد تحت تأثیر آن تحولات بود.

برای اینکه، علت، نحوه و ماهیت تصمیم گیری ایران را پس از فتح خرمشهر درک کنیم، روند تغییر وضعیت استراتژیک جنگ را در همین فصل بررسی می کنیم.

اهداف سیاسی عراق

ارتباط میان اهداف و مسئولیت جنگ سبب شده است که بررسی آکادمیک اهداف جنگی عراق نتیجه چندان روشنی نداشته باشد. (۱) در عین حال، این نظر مهم است که «تعیین اهداف در آغاز جنگ با سیاست معاصر مرتبط است تا با تاریخ معاصر» (۲) زیرا به غیر از اختلافات تاریخی میان دو کشور ایران و عراق در واقع، پیروزی انقلاب اسلامی برجسته ترین رخداد معاصر در منطقه بود که باعث به وجود آمدن اختلافات شد. «فیلیپ رابینز» معتقد است سه هدف اصلی را برای عراق می توان برشمرد که عناصر تشکیل دهنده ی استراتژی عراق بودند. نخستین و همچنین مهمترین هدف در آغاز جنگ،

---

۱ – ۵۴. فیلیپ رابینز، «اهداف، استراتژی ها و مشکلات عراق در جنگ»، گروه ترجمه ماهنامه نگاه، ماهنامه نگاه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره ۲۶ شهریور ۱۳۸۱، ص ۴۵.

۲– ۵۵. همان.

مهار انقلاب اسلامی در ایران بود. چنان که دیوید اوئن، وزیر خارجه ی پیشین انگلیس، بعدها در مقاله ای در روزنامه ی گاردین (چاپ انگلیس) نوشت:

«ما امیدواریم که شور و التهاب انقلابی ایران در طول یک جنگ منطقه ای به مصرف رسیده و سرانجام فروکش کند.» (۱) .

قدرت های جهانی و منطقه ای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و پیامدهای آن در منطقه را سرآغاز تحول با پیامدهای استراتژیک ارزیابی کردند. عراق بر اساس علائق منطقه ای برخاسته از ماهیت ایدئولوژیک حزب بعث، موقعیت و تنگناهای ژئوپلیتیک، اختلافات ارضی با ایران که در قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر به سود ایران تمام شده بود و سایر ملاحظات همسو با منافع قدرت های جهانی و منطقه ای برای استفاده از فرصت های جدید و مقابله با تهدیدات احتمالی آماده شد. (۲) .

هر چند رژیم غیرمذهبی عراق به دلیل حضور شیعیان در این کشور و ماهیت دینی انقلاب ایران، از تأثیر آن در داخل عراق نگران بود برخی شواهد و قرائن نشان می دهد که فرصت های حاصل از تحولات جدید در منطقه و در داخل ایران بیشتر از تهدیدات احتمالی، مورد توجه صدام بود. توضیحات عمر علی، سفیر سابق عراق، در سازمان ملل و عضو شورای حزب بعث در این زمینه محل تأمل است. وی می گوید: «صدام یک سال قبل از تاریخی که به ایران حمله کرد تصمیم خود را گرفته بود. (۳) به او گفتم به ایران حمله نکن، گفت فرصتی به دست آمده که شاید تا ۱۰۰ سال دیگر به دست نیاید.» (۴) .

بنا به اظهارات مقامات رسمی عراق و تحلیل رفتارهای سیاسی و نظامی این

۱- ۵۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن بازتاب حمله احتمالی آمریکا به عراق (۱۰)، ۷ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۵۱، به نقل از روزنامه گاردین، ۴ فوریه ۲۰۰۳.

۲- ۵۷. صدام بعدها در مصاحبه ها با نشریه ی ایتالیایی کوریره دلاسرا درباره پیامدهای حمله عراق به ایران برای منطقه و منافع غرب می گوید: «اگر ما مداخله نمی کردیم تمامی منطقه، اکنون تحت سلطه ی تهران درآمده بود. عملا نه تنها برای حفظ و حراست از کشورهای خاورمیانه، بلکه برای دفاع از مناطقی می جنگیدیم که از نظر استراتژیکی و اقتصادی، اهمیت حیاتی دارند، ما برای امریکا و اروپا نیز می جنگیم.» (کتاب خطبه های نماز جمعه سال ۱۳۶۲، جلد چهارم، زیر نظر محسن هاشمی، بهار ۱۳۷۶، چاپ اول، ص ۴۲۷).

۳- ۵۸. توضیحات عمر علی نشان می دهد که بنابر اظهارات رئیس دانشگاه سازمان سیا در سفارت آمریکا در ایران، صدام قبل از تصرف سفارت آمریکا آماده ی حمله ی نظامی به ایران بود. در واقع، تصرف سفارت امریکا حتی در این مرحله موجب تأخیر حمله عراق به ایران شد.

۴- ۵۹. غلامعلی رشید به نقل از صدر معاون وزیر خارجه، برگرفته از مصاحبه با عمرعلی با الحیات.

کشور به نظر می رسد دو هدف در میان اهداف مورد نظر عراقی ها برجسته و اصلی تر است. هدف اول، «سقوط نظام جمهوری اسلامی [(۱)](#) «و هدف دوم، «تصرف استان خوزستان و تجزیه ایران» بود. انتخاب هدف اول عراق، متأثر از بازتاب های انقلاب اسلامی در میان کشورهای منطقه و نگرانی رهبران آنها از تغییر معادلات منطقه ای بود. در عین حال، خلأ ناشی از سقوط شاه و شکست استراتژی امریکا و پیروزی قاطع عراق بر ایران انقلابی (با سقوط نظام و تجزیه کشور)، ممکن بود مقدمه ی ظهور قدرت منطقه ای عراق ارزیابی شود. [(۲)](#) فیلیپ رابینز پیوستگی میان هدف عراق را برای مهار انقلاب و تبدیل به قدرت منطقه ای این چنین توضیح می دهد:

«تلاش عراق برای مهار انقلاب ایران شکل تهاجمی تری به خود گرفت. در مقابل، توفیق در این امر عراق را به سوی دومین هدف، یعنی تغییر موازنه قوا در کل منطقه سوق داد. شکی نیست که پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱، ایران بیشترین سود را برد؛ زیرا توانسته بود به عنوان ابرقدرت دریایی مسلط در این منطقه ظاهر شود و حافظ ثبات در خلیج فارس شود. به عبارت دیگر، کشورهای کوچک و پراکنده اعراب، تحت سیطره و نفوذ این قدرت منطقه ای قرار داشتند. عراق نیز در شمال خلیج فارس محصور و با توجه به خطوط طولانی لازم برای صدور نفت، بسیار آسیب پذیر شده بود. در نتیجه، این نابرابری استراتژیک، بویژه با روحیه حقارت ملی و شخصیتی که پس از

۱- ۶۰. روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: «صدام حسین قرارداد تحقیرآمیزی را که ایران قدرتمند در سال ۱۹۷۵ (به عراق) تحمیل کرده بود، لغو نمود. وی می خواهد ضعف و در صورت امکان، سرنگونی رژیم آیت الله خمینی را در ایران نشان دهد. (اسناد تجاوز به روایت مطبوعات خارجی، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، تهران ۱۳۷۲، ص ۳۷ نیویورک تایمز ۶ / ۷ / ۱۳۵۹).

۲- ۶۱. نشریه آبزرور درباره ی هدف های عراق در تحلیلی نوشت: «اصلی ترین هدف صدام احتمالا این است که ایران را به گونه ای تضعیف کند که این کشور نتواند انقلاب (شورش) را در میان شیعیان جنوب عراق، هدایت کند. همچنین او خود را در مورد امتیازهای ارضی شرم آوری که برای خاتمه جنگ کردها به شاه داد، آشکارا مقصر می داند. ولی آنهایی که صدام را می شناسند بر این باورند که او هدف سومی نیز دارد. حاکم جاه طلب عراق می خواهد برتری کشور خود را بر خلیج (فارس) و رهبری عرب تحمیل کند. برای حصول به این امر، چه راهی بهتر از آن که استان نفت خیز خوزستان را - که ساکنان آن عرب می باشند - تجزیه کند.» (همان، ص ۹۱، آبزرور، ۸ / ۱۰ / ۱۳۵۹).

قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ پدید آمده بود، تشدید شد؛ البته این قرارداد فروپاشی کل رژیم عراق را در نظر نگرفته بود؛ زیرا پس از آن، ایران دیگر از کردهای عراق حمایت نکرد. با وجود این قرارداد ضربه ای بر روحیه افتخار عراق وارد شد که نابرابری در روابط دو کشور را عملا نشان می داد.» (۱) .

اظهارات برخی مقامات رسمی عراق درباره ی امنیت خلیج فارس که جزء جدایی ناپذیر از امنیت ملی عراق بود و تأکید بر این موضوع که ما نسبت به کل منطقه تعهدات ناسیونالیستی داریم بیان کننده ی اهداف واقعی عراق است. اظهارات صدام در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) (۲) یک هفته پس از آغاز جنگ، قابل توجه است:

«این جنگ تنها برای ما نیست بلکه بیشتر برای تمام اعراب است. من مصمم هستم که برای حفظ عربیت خلیج فارس و برای جلوگیری از جاه طلبی و توسعه طلبی های ایران مبارزه کنم.» (۳) .

بعدها انتشار برخی از اخبار بیان کننده ی آن بود که عراق با عنوان دفاع از عربیت (۴) در نظر داشته است به جزایر سه گانه ایران در حوالی تنگه هرمز حمله و آن را اشغال کند. روزنامه ی امریکایی واشنگتن پست در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۵۹ این خبر را منتشر کرد. (۵) و سه روز بعد (۱۵ / ۷ / ۱۳۵۹) منابع نظامی انگلیس فاش کردند که عراق قصد داشت یکی دو ساعت پس از وقوع جنگ سه جزیره استراتژیک تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی را با حمایت عمان اشغال کند. ولی انگلیس از عمان خواست که این کار را انجام ندهد و در نتیجه، عراقی ها از انجام دادن این کار منصرف شدند. (۶) .

در هر صورت، تصویر اولیه از ماهیت اقدام نظامی عراق بیان کننده ی تلاش این کشور برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران بود؛ البته در ابتدا

ص: ۴۱

---

۱ – ۶۲. مأخذ ۲۵، ص ۴۶.

۲ – ۶۳. اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۵۷۱، به نقل از حامد علوان مشاور سابق عراق در مسائل جاری.

۳ – ۶۴. همان، ص ۵۷۲، ۵۷۱.

۴ – ۶۵. حسن علوی از مشاوران سابق صدام در گفت و گو با رادیو کویت می گوید: «یک مستشار نظامی امریکا پیش از وقوع جنگ عراق و ایران به صدام گفت، اگر در اندیشه وحدت اعراب است باید از منطقه خلیج فارس این کار را آغاز کند و سپس با انگشت مرز ایران را نشان می دهد... پس از گذشت دو سال از جنگ صدام در جلسه ای گفت که آن مستشار امریکایی مرا فریب داد.» (بولتن رسانه های بیگانه ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۷۷، معاونت سیاسی واحد مرکزی خبر).

۵ – ۶۶. حسن فتحی، «تلاش های صلح آمیز در ۸ سال دفاع مقدس»، حماسه مقاومت، جلد دوم معاونت فرهنگی و تبلیغات جنگ ستاد فرماندهی کل قوا، زمستان ۱۳۶۹، ص ۹۷.

۶ – ۶۷. مهدی انصاری و حسین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد چهارم (هجوم سراسری)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۳۳.

عراقی ها بنا به ملاحظاتی این هدف را عنوان نکردند ولی پس از آنکه جنگ فرسایشی شد و در داخل ایران اختلافات سیاسی نیز مجددا اوج گرفت عراقی ها در اظهارات خود صریحا از تجزیه ایران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی سخن گفتند. چنان که طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق و فرمانده ارتش خلق، در مصاحبه با الثوره، ارگان رسمی حزب بعث، در اواخر دی ماه ۱۳۶۰ گفت:

«ما بر این نکته تأکید می کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران بکلی منهدم شود... یک جنگ مرزی نیست که بتوان آن را به تعویق انداخت بلکه در حقیقت جنگ سرنوشت است.» (۱) .

سرنگونی نظام جمهوری اسلامی به این معنا نیست که عراقی ها قصد داشته اند تهران را تصرف کنند چنان که چند ماه پس از آغاز جنگ، صدام طی نطقی در مجلس شورای ملی عراق تصریح کرد که: «هدف ما از نظر نظامی رسیدن به تهران نبود.» (۲) بنابراین، به نظر می رسد تحقق این هدف با برنامه ریزی دنبال می شده است. عراقی ها تصور می کردند پیامدهای ناشی از آغاز جنگ و سقوط خوزستان و برخی دیگر از شهرها و مناطق ایران و در نهایت شکست نظامی ایران (۳) به نوعی واگرایی در تهران منجر خواهد شد. ضمن اینکه علاوه بر حرکت های خودجوش یا سازماندهی شده ی گروهک های سیاسی، امریکا نیز اقداماتی خواهد کرد. چنان که رادیو بغداد، تنها چهار روز پس از آغاز جنگ، خبری را مبنی بر رحلت امام خمینی منتشر کرد (۴) که احتمالاـ اقدام تبلیغاتی و روانی نبود بلکه متأثر از برخی محاسبات یا انتقال این شایعه ی خبری به عراقی ها بوده است.

درباره ی هدف دوم عراق که تصرف استان خوزستان و تجزیه ی آن بود آقای هاشمی به نقل از یاسر عرفات می گوید:

ص: ۴۲

۱- ۶۸. مأخذ ۳۰، ص ۵۲۷.

۲- ۶۹. تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر حقوقی وزارت خارجه، بهمن ۱۳۶۱، شرکت افست، ص ۸.

۳- ۷۰. روزنامه ستاره سرخ مسکو می نویسد: «رهبران عراق که تهاجم را در سطح وسیعی آغاز نمودند تصور می کردند با شکست نظامی، رژیم ایران نیز دوام نیافته، قطعه قطعه خواهد شد.» (سفارت جمهوری اسلامی ایران، مسکو، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹).

۴- ۷۱. گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، زیر نظر مرتضی منطقی، نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۱ و ۳۲.

«آقای یاسر عرفات در اولین سفری که بعد از (شروع) جنگ به ایران آمد به من گفت که من در اتاق جنگ بغداد دیدم نقشه ها و طرح های آن را، در مسجد سلیمان هدف و حرکت اول بود و بهبهان. (۱) خوب شما می دانید مسجد سلیمان و بهبهان را که اگر عراق به این دو جا می رسید یعنی همه راه های ما به دریا و مناطق نفتی مان قطع شده بود و کل خوزستان رفته بود.» . (۲)

تصرف و تجزیه خوزستان در حالی که می توانست در خدمت اهداف توسعه طلبانه عراق باشد تنگناهای ژئوپلیتیک عراق را برطرف می کرد و در عمل، به معنای لغو قرار داد ۱۹۷۵ بود. پیامدهای این رخداد سیاسی – نظامی به منزله ی تضعیف نظام تازه تأسیس در ایران ارزیابی می شد و همین امر، زمینه نارضایتی را در بی کفایتی از حفظ تمامیت ارضی کشور به وجود می آورد که به هرج و مرج و بی ثباتی منجر می شد. آقای هاشمی رفسنجانی بر این نظر است که:

«اگر خوزستان گرفته و بعد به صورت یک نزاع دائمی بین ما و عراق تبدیل می شد همان چیزی بود که امریکایی ها می خواستند؛ یعنی دو قدرت منطقه به صورت فرسایشی به جان هم می افتند، اسلحه می خریدند و نیازمند می ماندند، اهداف آنها خیلی زیاد بود، ممکن بود که نگذارند عراق خیلی زود ما را شکست بدهد، تصور هم نمی شد که یک کشور ۲۰ میلیونی یک کشور ۶۰ میلیونی را شکست بدهد، فقط در منطقه یک کانونی به وجود می آمد و خیال اسرائیل و اعراب مرتجع و امریکایی ها راحت می شد. لذا امریکایی ها در این جنگ منافعی

۱– ۷۲. آقای هاشمی در نماز جمعه تهران به ملاقات دیگری با عرفات در بیروت اشاره می کند و در این زمینه می گوید: «در اوایل جنگ وقتی که من به بیروت رفتم، شبی، یک جلسه طولانی با آقای یاسر عرفات داشتم (عده زیادی از رفقای من، همراهم بودند و یک جلسه ی رسمی در دفتر یاسر عرفات بود.) ایشان گفت:در اتاق جنگ عراقی ها نقشه ای را دیدم که پیشروی ارتش عراق تا بهبهان بود، یعنی از دزفول و راه آهن و جاده تهران – اهواز، عبور می کنند تا بهبهان می روند. همه خوزستان، ماهشهر، آبادان، اهواز و تمام آن منطقه یک مملکت به نام «عربستان» می شد. حالا این «عربستان» دست کی باشد، این جزء چیزهایی است که ما هنوز نمی دانیم. تحقیقا باید یک کشور مثل کویت، یا مثل عربستان سعودی، یک چیز آمریکایی، یا این طور چیزی باشد.» (هاشمی رفسنجانی، خطبه های نماز جمعه سال ۱۳۶۲، جلد چهارم، دفتر نشریه معارف با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶، ص ۱۰۸ خطبه ی دوم ۲ / ۲ / ۱۳۶۲».

۲– ۷۳. نماز جمعه ۸ / ۷ / ۱۳۷۹، روزنامه جمهوری اسلامی، ۹ / ۷ / ۱۳۷۹، ص ۱۲.

داشتند، بیشتر از همه صدام داشته است و همچنین امیدهایی که صدام برای ژاندارم منطقه شدن داشت. اگر دو طرف خلیج فارس تا نزدیکی بوشهر را می گرفت، برای عراق خیلی مهم بود.» (۱) .

انتشار برخی از اخبار نشان می دهد عراقی ها طرح های گسترده ای را در این منطقه در نظر داشته اند و حتی با رهبران گروه های مخالف هم تماس گرفتند و بعضی گروه ها پیشنهاد همکاری را نپذیرفتند. (۲) چنان که عراقی ها بختیار را قبل از تهاجم، به عراق دعوت کردند و حتی در کودتای نوژه قول همکاری و پشتیبانی به وی دادند. بعدها محمد مشیری، معاون بختیار، در دوره نخست وزیری وی، در پاریس به احسان نراقی می گوید: «بختیار مبلغ ۴۰ میلیون دلار از صدام حسین قرض گرفته بود.» (۳) .

بختیار حتی پس از تجاوز عراق به ایران اعلام کرد برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی آماده است به عراق کمک کند و هفته گذشته (۴) در عراق بوده است. (۵) انتشار برخی از اخبار مبنی بر اینکه ارتشبد آریانا ارتش آزادیبخش تشکیل داده (۶) و کمیته ای در لندن برای اجرای کودتا (۷) به وجود آمده است و بختیار در مصاحبه ای با تلویزیون فرانسه اعلام کرد می خواهد یک دولت ایرانی در تبعید تشکیل دهد و با چند کشور اروپایی تماس هایی داشته است. (۸) تمامی اینها بخشی از یک سناریو بود و قرار بود بختیار در خوزستان مستقر شود و در آذربایجان و کردستان با همکاری قاسملو و حزب دمکرات و همکاری پالیزبان برای تصرف تهران اقدام کنند. (۹) پاره از اخبار نیز نشان می دهد عراقی ها امیدوار بودند پس از تصرف استان خوزستان با فراخواندن بختیار و سایر گروه های ضدانقلاب دولت در تبعید ایجاد کنند. (۱۰) بنی صدر در همین زمینه در کتاب خاطرات خود درباره حمله ی

۱- ۷۴. مصاحبه اختصاصی با اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱ / ۱۲ / ۱۳۷۹.

۲- ۷۵. رضا پهلوی، گذشته و آینده، رضا پهلوی در گفت وگو با احمد احرار، ص ۱۲۰ - ۱۱۹، به نقل از ابوالحسن بنی صدر اولین رئیس جمهور ایران از کتاب درس و تجربه، جلد دوم، ص ۸۰۹ و ۸۱۰.

۳- ۷۶. حمید احمدی، درس و تجربه، جلد دوم: تحقیقی درباره تاریخ انقلاب ایران، انتشارات انقلاب اسلامی (خارج از کشور)، ۱۳۸۰، ص ۸۱۰ و ۸۱۱.

۴- ۷۷. بنی صدر در کتاب خاطرات خود (جلد دوم - ص ۷۹۰) می گوید: «شاپور بختیار در اواسط اردیبهشت ۱۳۵۹ با صدام حسین دیدار کرد. خبر این ملاقات از طریق حزب کمونیست عراق در اختیار کیانوری، دبیر اول، حزب توده قرار گرفت. بختیار پس از بازگشت از عراق در مصاحبه با نشریه ی پاری مارچ فرانسوی گفت: «عراقی خواستار ذره ای از خاک ایران نیستند.» (نقل از نامه مردم، ۳۱ / ۲ / ۱۳۵۹).

۵- ۷۸. مأخذ ۳۳، ص ۵۲۱، گزارش روز ۳۰ / ۷ / ۱۳۵۹.

۶- ۷۹. خبرگزاری پارس «نشریه گزارش های ویژه»، ۵ / ۷ / ۱۳۵۹، رادیو اسرائیل.

۷- ۸۰. همان، رادیو مسکو.

۸- ۸۱. خبرگزاری پارس، «نشریه گزارش های ویژه»، ۶ / ۷ / ۱۳۵۹، رادیو اسرائیل، ۵ / ۷ / ۱۳۵۹.

۹- ۸۲. مأخذ ۳۶، ص ۹۳ و ۹۴.

۱۰ – ۸۳. ساندی تایمز به نقل از منابع موثق مخالف عراق می نویسد: «طرح اصلی عراق در تعرضش به ایران، پیشروی سریع نیروهای عراقی و پیوستن آنان به قبایل محلی ایران بود تا آنها دست به قیام بزنند و پس از آن نواحی آزاد شده با عنوان جمهوری آزادی ایران اعلام شود.» (اسناد تجاوز به روایت مطبوعات خارجی، ساندی تایمز، ۴ / ۸ / ۱۳۵۹، ص ۱۰۷).

نظامی عراق به ایران و نقش بختیار می گوید:

«طرح اصلی حمله ی عراق به ایران این بود که در ضربه ی اول و حمله ی اول بخشی از کشور سقوط می کرد و حکومت آقای بختیار در این بخش سقوط شده، مستقر می شد.» (۱) .

وی اضافه می کند:

«این طرحی بوده است که عراقی ها به بختیار داده اند حال آنکه صدام تجزیه ایران به پنج جمهوری را دنبال می کرد. به نظر می رسد بختیار این اطمینان را به دست آورده بود که برخی از کشورهای اروپایی از این دولت حمایت می کنند و بعد از مدتی امریکا نیز حمایت خود را اعلام می کند. ولی ناکامی عراق در تصرف خوزستان مانع از اجرای این سناریو شد.» (۲) .

استراتژی جنگ برق آسا

تعیین استراتژی نظامی عراق برای تحقق اهداف سیاسی علاوه بر تأثیرپذیری از ملاحظات سیاسی و بین المللی و منطقه ای، بیشتر بر پایه ی ادراک از اوضاع داخلی سیاسی و وضعیت نظامی ایران پس از انقلاب بود. بدین منظور، عراقی ها یک کمیته ی عالی رتبه به عنوان «کمیته ی مطالعات» را با حضور افسران عراقی فارغ التحصیل از دانشکده ی جنگ با توانایی نظری و عملی تشکیل دادند. کلیه ی اطلاعات در زمینه هایی مانند اوضاع سیاسی ایران، پراکندگی جمعیت و بویژه قومیت های ایران، سرویس های امنیتی و اطلاعاتی، اوضاع اقتصادی و وضعیت نیروهای مسلح در اختیار کمیته قرار داده می شد. کمیته ی یاد شده طرح های مختلف را چند ماه مستمر و با پشتکار بررسی کرد. (۳) حتی مدتی قبل از پیروزی انقلاب، عراقی ها قرارگاهی نظامی در بصره دایر کردند تا فعالیت های اطلاعاتی - امنیتی خود را به صورت متمرکز هدایت کنند. (۴) .

۱- ۸۴. مأخذ ۴۰ ص ۳۰۲.

۲- ۸۵. مأخذ ۹۳، ۳۶ و ۹۴.

۳- ۸۶. وفیق السامرایی، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه عدنان قارونی مرکز فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۳۹ و ۴۰.

۴- ۸۷. گفت وگوی اختصاصی با سید محمود دعایی سفیر وقت ایران در عربستان، تابستان ۱۳۷۹.

تحرکات نظامی عراق در مرزهای کشور بویژه در نیمه ی اول سال ۱۳۵۹ با هدف ارزیابی قدرت دفاعی ایران در واکنش نظامی، عراقی ها را به این نتیجه رساند که جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ضعف اقتصادی و بی ثباتی سیاسی - اجتماعی، از نظر نظامی نیز به شدت ضعیف شده است و به واکنشی مناسب برای پیشگیری یا مقابله در برابر تهاجم ارتش عراق قادر نیست. قطع مناسبات سیاسی ایران با امریکا (۱) و در نتیجه، توقف فروش سلاح به ایران نیز از نظر عراقی ها بیان کننده ی تشدید ناتوانی ایران بود. در چارچوب این ارزیابی، عراقی ها استراتژی پرتحرک محدود را با هدف وارد ساختن یک ضربه ی قاطع، سریع و محدود برای دست یابی به موقعیت برتر و تأمین مقاصد سیاسی انتخاب کردند. (۲) .

الگوی صدام برای حمله به ایران متأثر از تجربه ی اسرائیل در حمله به مصر در جنگ ۱۹۶۷ بود. وفیق السامرایی در این زمینه می گوید:

«هنگامی که صدام نزد ما آمد فرمانده ی کل نیروهای مسلح بود. وی گفت ان شاء الله بعد از ۲۰ دقیقه جوانان پشت آنها را خواهند شکست. وی در حالی این سخنان را می گفت که از جنگ شش روزه و حملات هوایی اسرائیل علیه فرودگاه های مصر در سال ۱۹۶۷ الگو گرفته بود. اسرائیلی ها در آن جنگ طی چند دقیقه ۶۵ درصد نیروی هوایی مصر را نابود کرده بودند.» (۳) .

احسان نراقی بر این نظر است کسانی مانند بختیار در تحریک و تشجیع صدام برای حمله به ایران نقش داشتند. وی همچنین می گوید که ارتش عراق و صدام فکر می کردند اشغال ایران مثل یک گردش چند ساعته است. (۴) .

۱- ۸۸. جیمز بیل در مقاله خود می نویسد: «هنگامی که عراقی ها دست به تهاجم زدند، ایران با دشواری های زیادی روبه رو بود و انقلاب به گونه ای جدی از طرف نیروهای داخلی و خارجی تهدید می شد. اقتصاد کشور بی ثبات و ضعیف بود. عناصر مهمی از طوایف کرد در شمال غربی کشور شورش کردند و نیروهای ضدانقلاب مبادرت به اقدامات تروریستی و خرابکاری در تهران و سایر نقاط می کردند.این همه، در حالی بود که ایالات متحده و هم پیمانان آن نیز به علت بازداشت گروگان های امریکایی، در صحنه بین المللی فشار زیادی به ایران وارد می کردند.» (دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، مقاله ی جنگ، انقلاب و روحیه، تهران ۱۳۶۸، جلد دوم، ص ۴۱۶).

۲- ۸۹. افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق»، یک تجزیه و تحلیل نظامی» نشریه ادلفی پی یر، بهار ۱۳۹۸، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، تکثیر معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۴۰.

۳- ۹۰. وفیق السامرایی، مصاحبه اختصاصی با شبکه الجزیره قطر، روزنامه یاس نو، ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۱، شماره چهارم، ص ۱۴.

۴- ۹۱. حمید احمدی، درس و تجربه، جلد دوم: تحقیقی درباره تاریخ انقلاب ایران:انتشارات انقلاب اسلامی (خارج از کشور) ۱۳۸۰، ص ۸۱۰، به نقل از مصاحبه ابراهیم نبوی با آقای احسان نراقی (در خشت خام) نشریه جامعه ایرانیان، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۶۲.

سرلشکر وفیق السامرایی مقام بلندپایه اطلاعاتی رژیم عراق، درباره ی اهداف عراق از حمله به ایران نوشته است:

«نیروهـای ارتش عراق در ساعت ۲ بامداد روز ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱ / ۷ / ۵۹) به منظور تحقق اهداف مشـروح ذیل از مرزهای ایران گذشتند: (۱) .

۱) تثبیت موقعیت نیروهای خود در منطقه ی عملیاتی شـمالی و اشـغال و کنترل برخی از نیروهای مهم مرزی در منطقه ی حاج عمران، ارتفاع ۱۸۶۴ در درون ایران (در منطقه مـارو و قوچ سـلطان) و در منطقه ی پنجوین و برخی ارتفاعـات دیگر در منطقه طویله در شرق سلیمانیه.

۲) پیشـروی در منطقه عملیـاتی میانی برای اشـغال شـهر مهران، گسترش خط حمله به طرف شـمال برای تنگه ی «کنجانچم» به سمت اسـتان ایلام، اشـغال شـهرهای سومار، نفت شـهر و تأسیسات نفتی نفت شهر، اشغال شهرهای قصر شیرین، گیلان غرب و سرپل ذهاب و پیشروی به طرف ورودی تنگه «پای طاق» برای کنترل این تنگه و تپه های «کولینه» و «دانه خشک».

۳) پیشــروی اصــلی در منطقـه ی عملیـاتی جنـوب بـا هـدف اشــغال شـهر دزفـول کـه اهمیـت ویژه ای داشـت، اشـغال اسـتان اهـواز[خوزسـتان]و کرانه ی شـرقی ارونـدرود و شـهرهای خرمشـهر و آبـادان. پیشـروی به طرف شـهرهای شـیخ بـدیر[احتمـالا شادگان]و ماهشهر و بندر (جزیره) مینو و اشغال شهر دهلران در شمال (شرقی) العماره.

هدف از عملیات محور شمال، زمین گیر کردن نیروهای ایرانی و مقابله با آنان بود. در محور میانی، هدف نهایی اشغال بعضی از شـهرهای غیر مهم و کنترل تنگه هـا و در هم کوبیـدن نیروهای ایرانی برای جلوگیری از هر گونه پیشـروی به سـمت بغـداد، دیـالی یـا کـوت بـود. در محـور جنـوب، که محـور حقیقی جنـگ بود، چنـانچه موفق می شـدیم اگر نگوییم که به سـرنگونی حکومت ایران و متلاشی شدن این کشور منجر می گردید، می توانست به تحمیل اراده ی عراق بر ایران منجر شود.» (۲) .

۱- ۹۲. تجاوز سراسری ارتش عراق در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹، ساعت ۲ بعـدازظهر آغاز شد. درگیری در مرز و عبور عراقی ها در برخی مناطق حتی در روزهای قبل آغاز شده بود.

۲- ۹۳. مأخذ ۴۸، ص ۶۲.

بلافاصله پس از آغاز جنگ، ناتوانی عراق در تصرف استان خوزستان، تداوم حیات نظام جمهوری اسلامی و توانایی این نظام در مدیریت بحران، (۱) ، به منزله ی علائم ناکامی و شکست عراق ارزیابی و بر این موضوع تأکید شد که دلیل شکست عراق ارزیابی های استراتژیکی نیست بلکه علت آن را باید در محاسبات سیاسی یعنی ناتوانی عراق برای ایجاد ارتباط کافی بین اهداف سیاست خارجی و ابزاری که برای این منظور استفاده می شود جست وجو کرد. (۲) .

با پذیرش شکست عراق که واقعیتی جدید در صحنه نبرد است و با فرض اینکه عراق بر پایه ی محاسبات خود تصمیم گیری کرده است این پرسش پیش می آید که کدام بخش از محاسبات عراق غلط بود؟ به عبارت دیگر، چه واقعیاتی در صحنه ی جنگ ظهور کرد که پیش از این عراقی ها از آن ادراک روشنی نداشتند یا در محاسبات، بدان توجه نکرده اند؟

به نظر می رسد در دو جنبه، سیاسی و اجتماعی توان مدیریتی کشور برای سازماندهی و بسیج منابع برای مقابله با عراق و همچنین واکنش عمومی مردم بویژه در مناطق جنگی برای مقابله و مقاومت سبب شد پیامدهای احتمالی ناشی از شوک نظامی بر ساختار سیاسی و فروپاشی نظام و همچنین شکست نظامی بزرگ در زمان کوتاه مهار شود و همین مسئله دلیل اصلی ناکامی و شکست عراق بود، اما واکنش مردم و پیامدهای مردم و پیامدهای آن در صحنه ی نظامی متأثر از چه عواملی بود؟

به نظر می رسد روحیه و انرژی انقلابی و دینی مردم که بیشتر در طبقات پایین جامعه وجود داشت ولی بر اثر مناقشات و التهابات سیاسی پنهان شده بود به یکباره آزاد شد و آشکار شد و نیروی نظامی عراق را در هم کوبید و زمین گیر کرد. در واقع، حمله عراق به کشوری که درگیر انقلابی بزرگ بود سبب شد بخشی از وجوه پنهان انقلاب بر اثر جنگ آشکار شود و ماهیت جنگ از جنگی معمولی (۳) به جنگی خاص تغییر شکل بدهد تا کلیه محاسبات عراق تغییر نماید. «احمد زبیری»، سرهنگ سابق ارتش عراق، ضمن اینکه معتقد است رهبر عراق از مهمترین چیزی که غافل شد روح

۱- ۹۴. ۵۴.

۲- ۹۵. مأخذ ۵۰، ص ۵۹.

۳- ۹۶. جیمز بیل، «جنگ، انقلاب و روحیه»، کتاب بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، تهران ۱۳۶۸، جلد دوم ص ۲۲۴.

انقلابی مردم بود که شاه را ساقط کرد و آماده بود تا به دفاع از انقلاب برخیزد؛ می نویسد: «اگر رهبری عراق وضعیت داخلی ایران را خوب بررسی کرده بود حمله ی خود را به تأخیر می انداخت و راه های دیگری را پیش می گرفت.» (۱) .

«آنتونی کردزمن» ضمن تجزیه و تحلیل علت شکست عراق و تأکید بر ارزیابی ناصحیح عراق از وضعیت کشوری که در کوران انقلاب بود می نویسد: «عراقی ها تصور می کردند تهاجم به ایران به تشدید و بروز شکاف منجر خواهد شد.» وی به نقل از مقامات عراقی می نویسد: «حتی برخی از رهبران بلندپایه عراق در خلال مصاحبه های خود در اواخر جنگ اعتراف کردند که آنها هرگز گمان نمی کردند نتیجه ی صرف حمله به ایران، بروز قیام عمومی در حمایت از (امام) خمینی باشد.» (۲) .

برخی نظریات حاکی از این است که عراقی ها سقوط سریع حکومت ایران یا تن دادن به صلح را با تحمل خسارت های مجدد انتظار داشتند. (۳) در نتیجه، وقتی سقوط تحقق یافت ارتش عراق در مناطق اشغالی که بالغ بر ۱۵ هزار کیلومتر مربع بود متوقف شد و رژیم بعثی برای تحمیل صلح به ایران، با تکیه بر حضور در مناطق اشغالی تلاش را آغاز کرد.

بن بست

رژیم عراق در چارچوب اهداف سیاسی و استراتژی عملیات برق آسا و محدود (۴) به دنبال، دستیابی به یک پیروزی قاطع نظامی و تحمیل شرایط موردنظر بر ایران بود، اما پس از آنکه آثار شکست این استراتژی آشکار شد با کمک قدرتهای بزرگ و پشتیبان خود درصدد تحمیل صلح به ایران با

۱- ۹۷. روزنامه السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹، ترجمه سفارت ج.ا.ا. بیروت، ۱۳۶۸.

۲- ۹۸. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جلد دوم، ص ۹۹.

۳- ۹۹. روزنامه اخبار اقتصاد، ۱ / ۷ / ۱۳۷۷، مقاله ی آخر جنگ (قسمت اول)، نوشته ی شهرام چوبین، ترجمه جعفر خیرخواهان.

۴- ۱۰۰. فیلیپ رابینز معتقد است عراقی ها به دنبال جنگ محدود بودند و به نقل از چارلز تریپ می نویسد: «قرار بود جنگ یک عملیات کوتاه مدت باشد تا به طور کامل رهبران ایران قانع شوند که در رقابت دراز مدت بین دو کشور، رهبران عراق دست بالا را خواهند داشت.» (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ماهنامه نگاه، شماره ۲۶ شهریور ۱۳۸۱، ص ۴۷).

برتری نظامی و با استفاده از تصرف برخی مناطق و شهرهای ایران بود.تفاوت دو وضعیت یاد شده بیشتر در روش و پیامدها بود. بدین شکل که اگر عراق می توانست پیروزی قاطع نظامی کسب کند بدیهی است پیامدهای آن اگر به جابجایی ساختار در ایران منجر نمی شد می توانست ایران را در وضعیتی قرار دهد که کلیه شرایط عراق را بپذیرد و بدین ترتیب، جنگ که با ابتکار عمل و قدرت نظامی عراق آغاز شده بود پایان می یافت، در غیر این صورت، عراق آنچه در میدان جنگ و با قدرت نظامی به دست نیاورد می توانست به هنگام مذاکرات تحت پوشش صلح و با تکیه بر دستاوردهای نظامی تأمین کند.

آنچه در صحنه ی سیاسی - نظامی جنگ انجام شد برخلاف پیش بینی های اولیه ی عراق بود. در واقع، تحولات جنگ در هفته اول به هیچ وجه از یک پیروزی قاطع برای عراق نشانه هایی نداشت به همین دلیل، کارشناسان و تحلیل گران آن را با ابهام و تردید بررسی کردند. تنها یک هفته پس از آغاز جنگ، صدام با تعیین چهار شرط پیشنهاد صلح کرد:

الف) ایران حقوق ارضی عراق را به رسمیت بشناسد.

ب) در امور داخلی عراق مداخله نکند.

ج) به رعایت حسن همجواری قول متقابل بدهند.

د) جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی که در سال ۱۹۷۱ به تصرف ایران درآمده بود، به صاحبان عرب بازگردانده شود. (۱) .

خواسته ها و شرایط عراق برای صلح را سعدون حمادی، (۲) رادیو بغداد، (۳) سخنگوی وزارت خارجه عراق (۴) و طارق عزیز، وزیر خارجه (۵) و سایر مقامات رسمی عراق تأکید کردند. در این میان، بخشی از اظهارات طارق عزیز مهم بود. وی در پاریس با اشاره به شرایط عراق که قبلا ذکر شده بود تأکید کرد:

«ما به شرطی آماده مذاکره با ایران هستیم که دولت ایران به حاکمیت ما بر شط العرب و سرزمین هایی که چند روز پیش آزاد ساخته ایم احترام گذارد.» (۶) .

۱- ۱۰۱. مأخذ ۳۶، ص ۶۵.

۲- ۱۰۲. بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، اسناد تجاوز به روایت مطبوعات خارجی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۸، گاردین، ۵ / ۷ / ۱۳۵۹.

۳- ۱۰۳. همان، ص ۸۷، گاردین، ۳ / ۷ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۰۴. مأخذ ۳۳، ص ۸۲ و ۸۳.

۵- ۱۰۵. مأخذ ۳۰، ص ۵۵۵ و ۵۵۶.

۶- ۱۰۶. مأخذ ۳۳ ص ۱۲۳.

وزیر دفـاع عراق نیز اعلام کرد تـا ایران به خواسته هـای برحق مـا پاسـخ مثبت ندهـد به جنگ ادامه خواهیم داد. (۱) در واقع مفـاهیم منـدرج در پیشـنهادهای عراق برای صـلح حـاوی همـان مفاهیم و اهـدافی بود که عراق برای تحقق آن به حمله نظامی اقـدام کرد. به همین دلیل، برخی کارشـناسان تأکیـد کردنـد شـرایط عراق برای پایان جنگ بیان کننده ی استراتژی عظیم و در اصل محدود عراق بود. (۲) .

روزنامه وال استریت ژورنال، چاپ امریکا، بخشـی از اهداف عراق از جنگ و پیشـنهاد صـلح را به نقل از مقامات عراقی چنین ذکر می کند:

«مقامات عراقی در سازمان ملل می گویند وقتی جنگ فعلی پایان یابد و مذاکرات صـلح آغاز شود عراق گام دوم را برخواهد داشت که شامـل ایجاد انقلابی داخلی با تسـلیح شدیـد گروه های قومی همچون کردها و ایرانیان عرب می شود که با آیت الله خمینی مخالفنـد. این مقامات می گوینـد نیروهای عراقی به شورشـیان ملحق نمی شونـد بلکه با حفظ اسـتان خوزسـتان در واقع پناهگاهی برای استقرار شورشیان فراهم خواهند کرد.» (۳) .

رادیو لندن به نقل از ترانا کوبا، در مقاله ای که از جنوب عراق فرستاده است، نقل می کند:

«هدف نهایی عراق سـرنگونی رژیم آیت الله خمینی است. به عقیده این نویسـنده، حتی پیشنهاد آتش بس از طرف عراق نقشه ای است که ایرانی های سرخورده و ناامید را به مرحله ای برساند که عاقبت از آیت الله خمینی روبرگردانند.» (۴) .

ماهیت پیشـنهادهای عراق سـبب شد ایران بلافاصـله پیشـنهاد آتش بس را رد کند. امام خمینی درباره ی ماهیت پیشـنهاد عراق فرمودند:

«صـدام پس از آن همه شـرارت و خونریزی و حمله به شـهرهای بی پنـاه اکنون تقاضـای آتش بس کرده؛ البته هر جنایتکـار و غـارتگری پس از جنـایت مایـل است حریف سـاکت باشـد تـا او با کمک گیری از اشـرار و دیگران، همچنان با تجدیـد قوا به شرارت و خونریزی ادامه دهد.» (۵) .

امتناع ایران در پذیرش آتش بس (۶) محاسبات عراق را برهم زد در

ص: ۵۱

۱- ۱۰۷. مأخذ ۱۶۳، ۳۳.

۲- ۱۰۸. مأخذ ۵۰، ص ۲۰.

۳- ۱۰۹. مأخذ ۳۲، ص ۹۶.

۴- ۱۱۰. مأخذ ۳۶: رادیو لندن، ۱۳ / ۷ / ۱۳۵۹، ص ۷۰.

۵- ۱۱۱. بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، عزت راز جاودانگی به کوشش قاسم فروغی جهرمی، ص ۱۰۵.

۶- ۱۱۲. مأخذ ۳۳ ص ۲۷۸، روزنامه گاردین.

صورتی که طارق عزیز، وزیر خارجه عراق، معتقد بود ایران پیشنهاد آتش بس را خواهند پذیرفت. (۱) روزنامه رسمی حزب بعث عراق اقدام ایران را اشتباهی در محاسبه ذکر کرد. (۲) سرلشکر وفیق السامرایی طی تحلیلی از شرایط و ماهیت پیشنهاد صدام در کتاب خود می نویسد:

«روز بیست و هشتم سپتامبر ۱۹۸۰، صدام اعلام کرد که قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل درباره ی برقراری آتش بس بین ایران و عراق را پذیرفته است. صدام حتی در زمینه ی تعیین روز پذیرش آتش بس نیز سعی در تقلید از دیگران نمود. از آنجا که شدیدا شیفته جنگ شش روزه ای بود که طی آن، اسرائیل در سال ۱۹۶۷ تعدادی از کشورهای عربی را مورد تجاوز قرار داده بود، قصد داشت جنگ خود را به جنگ شش روزه تبدیل نماید. ولی ایران این قطعنامه را نپذیرفت و بر لزوم عقب نشینی عراق، بدون آتش بس تأکید نمود. پذیرش این دشوار بود؛ زیرا جنگ را به داخل سرزمین عراق می کشاند. در همین مرحله ما احساس کردیم که در موقعیت نظامی خوشایندی قرار نداریم.» (۳) .

برای رسیدن به نوعی آتش بس یا صلح از همان ابتدای جنگ تلاش های متفاوتی آغاز شد. (۴) (۵) سازمان ملل در مقایسه با سایر نهادهای بین المللی موقعیت و نقش متفاوت و برجسته ای داشت به همین دلیل، واکنش اولیه سازمان ملل درباره ی تجاوز عراق به ایران از این حیث اهمیت داشت که خاتمه دادن به جنگ از وظایف سازمان ملل است و این سازمان با اعلام مواضع خود

۱- ۱۱۳. مأخذ ۳۶، رادیو امریکا، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹. ص ۶۹ و ۷۰.

۲- ۱۱۴. مأخذ ۱۱ / ۷ / ۱۳۵۹، ۳۳، ص ۲۷۸.

۳- ۱۱۵. مأخذ ۴۸، ص ۶۴.

۴- ۱۱۶. مأخذ ۵۸، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۵- ۱۱۷. جنبش عدم تعهد تا بهمن ۱۳۵۹ هیچ موضع اصولی در قبال جنگ نگرفت. اجلاس وزیران خارجه جنبش عدم تعهد در دهلی نو، در حقیقت اولین جلسه رسمی و همه جانبه این جنبش بعد از آغاز جنگ بود (تلاشهای صلح آمیز در ۸ سال دفاع مقدس، حسن فتحی، ص ۱۰۱). حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نیز در ملاقات با امام خمینی طرحی را برای تشکیل هیئتی از رؤسای کشورهای اسلامی پیشنهاد داد که امام با آن موافقت کرد ولی این هیئت نیز بر تقدم آتش بس تأکید داشت. چنان که وزیر خارجه دولت موقت می گوید: حبیب شطی بعدها در ملاقات با من گفت «امام در یکی از ملاقات ها به من گفت از منزل من بروید بیرون و در پشت در خانه اعلام کنید صدام متجاوز است و من برای پایان دادن به جنگ تصمیم گیری خواهم کرد. من بیرون آمدم و با دولت ها و هیئت مطرح کردم ولی دولت های عرب گفتند نمی توانیم این پیشنهاد امام را بپذیریم!» با این توضیح مشخص می شود این هیئت ها نیز قدرت و اراده ی لازم برای پایان دادن به جنگ را نداشتند. سایر اشخاص نیز وضعیت بهتری نداشتند.

می توانست در مشروعیت یا سلب مشروعیت از اقدام نظامی عراق نقش داشته باشد.

کورت والدهایم، دبیر کل وقت سازمان ملل، در نخستین واکنش در برابر تجاوز به عراق به این دو کشور نامه فرستاد و در نامه به رئیس وقت شورای امنیت از گسترش اختلاف بین ایران و عراق اظهار نگرانی کرد و این امر را تهدیدی جدی و بالقوه برای صلح و امنیت بین الملل دانست و پیشنهاد کرد از اعضای شورای امنیت برای مشاوره دعوت شود. (۱) پس از برگزاری جلسه ی مشاوره غیررسمی شورای امنیت نایب رئیس شورا بیانیه ای منتشر کرد و از جنگ ایران و عراق به عنوان «وضعیت وخیم بین ایران و عراق» نام برد و از طرفین خواست که از درخواست دبیر کل سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۲ سپتامبر (۳۱ شهریور) استقبال و از انجام دادن عملیات مسلحانه هرگونه عملی که وضع خطرناک فعلی را تشدید نماید خودداری کنند و اختلافات خود را از راه های مسالمت آمیز حل نمایند. (۲) بیانیه در وضعیتی صادر شد که عراق با حمله ای فراگیر در خاک ایران پیشروی می کرد. ولی در بیانیه حتی از به کار بردن لفظ جنگ میان دو کشور خودداری و از کلمه ی «وضعیت» استفاده شد. چهار روز پس از صدور این بیانیه، قطعنامه ی ۴۷۹ در تاریخ ۶ مهر ۱۳۵۹، که اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل درباره ی جنگ ایران و عراق بود، صادر شد. در واقع، مفاهیم پنج بند قطعنامه ۴۷۹ متأثر از همان بیانیه ی پیشین بود و این امر نشان می داد برای توقف جنگ و محکوم کردن و متجاوز دانستن عراق هیچگونه اراده ای وجود ندارد. بعدها «گری سیک» از قطعنامه به خاطر رویکرد ضعیف آن انتقاد کرد؛ زیرا این قطعنامه از جنگ با عنوان «وضعیت» و نه حتی «اختلاف» نام برد، در حالی که قطعا نقض صلح مشاهده شده بود. (۳) .

رئیس جمهور عراق بنا به ملاحظات سیاسی - نظامی خواهان برقراری آتش بس بود و علاوه بر استقبال از قطعنامه ی سازمان ملل، نامه ی دبیر کل سازمان ملل را پاسخ داد. وی در این پاسخ با تأکید بر اینکه: «عراق بسیار

۱- ۱۱۸. منوچهر پارسادوست، نقش سازمان ملل متحد در جنگ ایران و عراق، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۲۰.

۲- ۱۱۹. همان.

۳- ۱۲۰. کامرون.ر. هیوم، سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۶، ص ۵۸.

علاقه مند است که صلح و امنیت بین الملل تهدید نشود و منافع اقتصادی و نفتی کشورها در معرض خطر قرار نگیرد.» (۱) در واقع، نگرانی های بین المللی را از گسترش جنگ برطرف و تأکید کرد هدف عراق از جنگ «فقط آن است که ایران حقوق عراق را بر اراضی و حاکمیت آن بر آب های ملی آن به نحو غیرقابل فسخ به رسمیت بشناسد.» (۲) منوچهر پارسادوست درباره ی اهداف عراق و ماهیت صلح خواهی این کشور می نویسد:

«او (صدام)، اکنون می خواست که ایران با قبول آتش بس به شکست خود و به ناامیدی خویش از امکان هر گونه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خود اعتراف کند و با چنین حالتی پشت میز مذاکره بنشیند و به خواست های دیگر عراق درباره ی تحویل اراضی مورد ادعا، بویژه حاکمیت انحصاری بر شط العرب تسلیم شود.»

وی سپس اضافه می کند:

«صدام و دولت بعث عراق که کلیه ی محاسبات آنها در حمله به ایران، حول پیروزی سریع و برق آسا دور می زد اصرار داشتند که جنگ در مدت کوتاه پایان پذیرد و از ادامه ی آن که احتمال بسیاری خطرها و زیان ها برای دولت بعثی و شخص صدام داشت جلوگیری شود.» (۳) .

در هر صورت، با وجود ادامه ی جنگ در صحنه ی نظامی، در عرصه ی سیاسی نیز برای پایان دادن به جنگ تلاشهایی انجام شد و تا پایان جنگ ادامه یافت. به عبارت دیگر، متأثر از تحولات نظامی جنگ در عرصه ی سیاسی نیز فعالیت های جدیدی شکل گرفت و دنبال شد. عراق امیدوار بود ایران با پذیرش آتش بس، برتری آن کشور را بپذیرد و برای مذاکره آماده شود. ایران این قطعنامه را نپذیرفت بر عقب نشینی عراق و تقدم آن بر آتش بس تأکید کرد. در واقع واکنش ایران همانند ضربه و شوک دردناک برای عراق بود. (۴) و همین امر، صدام را در موقعیتی سخت قرار داد. (۵) چنان که به نقل از وفیق السامرایی بیان شد عراق اگر تقدم عقب نشینی بر آتش بس را می پذیرفت به این معنا بود که «جنگ را به داخل سرزمین عراق می کشاند» زیرا از نظر نظامی عراق در موقعیت خوشایندی قرار نداشت ت. (۶) بر پایه ی همین ملاحظات،

۱- ۱۲۱. مأخذ ۷۶، ص ۳۰ و ۳۱.

۲- ۱۲۲. همان.

۳- ۱۲۳. همان، ص ۳۳.

۴- ۱۲۴. مأخذ ۵۸، ص ۱۱۶.

۵- ۱۲۵. مأخذ ۳۳، ص ص ۲۷۸، روزنامه گاردین، ۱۱ / ۷ / ۱۳۵۹.

۶- ۱۲۶. مأخذ ۴۸، ص ۶۴.

کورت والـدهایم طی سـخنانی وضـعیت را ترسـیم و پیش بینی خود را درباره ی ادامه ی جنگ و طولانی شـدن آن چنین بیان کرد:

«تصور نمی کنم جنگ ایران و عراق به این زودی ها پایان پـذیرد، ولی امیـدوارم ۵۲ گروگان امریکایی در تهران بزودی آزاد شونـد. هر دو طرف از خود سرسـختی نشـان می دهنـد. ایرانیان می گوینـد عراق بایـد نیروهای خود را عقب ببرد تا آنها آماده پذیرش آتش بس شوند و عراق در حال حاضر آمادگی چنین کاری را ندارد... من یک جنگ طولانی را پیش بینی می کنم.» (۱) .

بـدین ترتیب، نبود اراده ی لازم در سازمان ملل برای توقف یا پایان دادن به جنگ همراه با ناتوانی عراق برای تحمیل اراده ی سیاسی خود بر ایران، سبب شد جمهوری اسـلامی در وضعیتی بحرانی با تکیه بر مقاومت مردمی موازنه ی نظامی و محاسبات عراق را تغییر دهـد. نتیجه ی این تحول اساسی در عرصه ی نظـامی افزایش اعتمـاد به نفس ایران به سـبب شـکست هـای اولیه عراق بود. ایران بـا ادراکی که از مـاهیت جنگ و صـلح تحمیلی داشت؛ با اعلام شـروط خود برای پایان دادن به جنگ شامل: عقب نشـینی عراق از مناطق اشـغالی، تعیین تجاوز پرداخت غرامت به ایران همچنان به مقاومت در مناطق اشـغالی ادامه داد. بن بست حاصل از پیدایش وضـعیت جدید چشم انداز تغییر وضـعیت جنگ از پویا و پرتحرک به ایسـتا و فرسایشـی را ترسیم می کرد. (۲) .

جنگ فرسایشی

مشخصه ی کلی حاکم بر جنگ پس از آغاز آن بیان کننده ی پیدایش وضعیت جدیدی بود که می توان عنوان «فرسایشی» را برای آن به کار برد. علت به وجود آمدن این وضعیت متأثر از ناکامی در پایان بخشیدن به جنگ بود. با

۱- ۱۲۷. مأخذ ۳۳، ص ۵۰۸ و ۵۰۹، روز ۲۹ / ۷ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۲۸. روزنامه تایمز لندن در این زمینه نوشت: «جنگ ایران و عراق چه از نظر تاکتیکی و چه از نظر استراتژیکی به بن بست رسـیده است به همین دلیـل، عراق به هر دری می زنـد تـا بلکه کشوری واسـطه ی آتش بس شود.» (مهـدی انصاری و حسـین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد چهارم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۴۷۰ گزارش روز ۲۶ مهر ۱۳۵۹).

این توضیح این پرسش مطرح می شود که چرا جنگ پس از شروع اولیه متوقف نشد؟ به عبارت دیگر، چه دلا-یلی وجود داشت که جنگ در منطقه ی حساس و بااهمیت خلیج فارس ادامه یافت؟ پاسخ به این پرسش علاوه بر اینکه بخشی از دلایل و منطق حاکم بر آغاز جنگ را آشکار می سازد علت ادامه ی جنگ بویژه پس از فتح خرمشهر را نیز روشن خواهد کرد. علاوه بر این، علت تبدیل آن به جنگی فرسایشی نیز مشخص خواهد شد.

آنچه روشن است عراق گرچه در تحقق اهداف خود ناتوان بود بخشی از مناطق غرب ایران را به اشغال درآورد. ایران نیز گرچه در بازدارندگی یا شکست عراق در نقطه ی صفر مرزی ناتوان بود ارتش عراق را زمین گیر و متوقف کرد. این وضعیت، معادله ی جدیدی را بر جنگ حاکم کرد.بدین شکل که اگر تا قبل از شروع جنگ منازعه بر پایه ی ادعاهای تاریخی و بر پایه اسناد و پاره ای از واقعیات جدید بود با شروع جنگ و عبور ارتش عراق از مرزهای ایران و حضور در بخش وسیعی از این مناطق، مفاهیم جدید تجاوز و اشغال شکل گرفت و آشکار شد. در معادله ی جدید «زمین» نقش کلیدی داشت. عراق که سرزمین هایی را در اشغال خود داشت و از طرفی از اوضاع داخلی ایران اندکی مطلع بود می خواست صلح را به ایران تحمیل کند.

متقابلا ایران می خواست عراقی ها بدون قید و شرط از سرزمین های اشغالی به مرزهای بین المللی عقب نشینی کنند. آنگاه آتش بس و مذاکره انجام گیرد. وسعت و موقعیت سرزمین های اشغالی نه به آن اندازه بود که به دلیل اهمیت یا پیامدهای آن اراده ی عراق را بر ایران تحمیل کند و نه بدان اندازه کم اهمیت بود که ایران با چشم پوشی از آن با عراق مذاکره کند. اطمینان نداشتن از نظام بین الملل و رفتار صدام نیز مزید بر علت بود.

در واقع، ایران نمی توانست در حالی که مورد تجاوز قرار گرفته و بخشی از سرزمین های خود را از دست داده بود برای پایان بخشیدن به جنگ تصمیم بگیرد و اقدام کند و عراق نیز قادر نبود پس از تجاوز و تصرف بخشی از سرزمین های ایران، بدون دستیابی به امتیاز مهمی به مرزهای بین المللی

عقب نشینی نمایـد. بدین ترتیب سـرنوشت جنگ با موقعیت سیاسـی و تا اندازه ای موجودیت سیاسـی دو کشور پیوند خورده بود. بر اثر موقعیت جدیـد اگرچه پیروزی و شـکست میـان دو کشور تقسـیم شـده بود ولی ایران و عراق قـادر نبودنـد بر اساس فرمول تقسـیم پیروزی و شـکست جنـگ را خـاتمه دهنـد. به عبـارت دیگر، همان گونه که جنگ به دلیل تبـدیل مناسبات دو کشور به حاصل جمع صفر (۱) آغاز شده بود امکان اتمام جنگ نیز وجود نداشت و همین امر ادامه ی جنگ را اجتناب ناپذیر می کرد در حالی که نه امکان پیروزی در میدان بود و نه امید و چشم اندازی برای متارکه مشاهده می شد. (۲) .

عراقی ها در مرحله جدیـد جنگ مواضـعی را اعلام کردند که قابل توجه بود. چنان که قبل از آغاز جنگ صدام میان اقدامات خـود علیه ایران بـا دفـاع از منـافع کشورهـای عربی و بـازپس گیری جزایر سه گـانه بر نوعی پیوسـتگی تأکیـد می کرد در این مرحله، نیز مجددا به این مفاهیم اشاره شد. چنان که صدام در سخنانی گفت:

«عراقی هـا نه تنهـا از مرزهای عراق دفاع می کننـد، بلکه آنها یک حمله نژادپرسـتانه و کینه جویانه به جناح شـرقی امت را دفع می نمایند و... درهای پیروزی را به روی اعراب بازمی کنند و راه ها را برای فلسطین و جولان و همه سرزمین های غصب شده هموار می سازند.» (۳) .

صـدام همچنین در مصـاحبه ای مطبوعـاتی بر نقش جزایر سه گـانه در جنـگ عراق با ایران و بر حل این معضل و جلوگیری از جنگ مجدد تأکید کرد و گفت:

«چنان که جنگ میان ایران و عراق بـدون بازپس گرفتن جزایر پایان یابـد دنیا بایـد منتظر باشد که در جنگ تازه ای علیه ایران شرکت کند.» (۴) .

وزیر خـارجه وقت عراق نیز به اینکه «ایران همیشه کشـور مـا را تهدیـد می کنـد» اشـاره کرد و دربـاره ی عزم و تصـمیم عراق گفت:

۱- ۱۲۹. وقتی همه امتیازات به نفع یک طرف می شود و طرف مقابل اصـلا امتیازی نگیرد چنین وضعیتی را حاصل جمع صفر می گویند.

۲- ۱۳۰. هفته نامه یواس نیوزاندور لدریپورت، چاپ امریکا، خبرگزاری پارس ۵ / ۷ / ۱۳۶۰، رادیو اسرائیل، ۴ / ۷ / ۱۳۶۰.

۳- ۱۳۱. مأخذ ۳۳، ص ۴۹۵، گزارش روز ۲۸ / ۷ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۳۲. مأخذ ۳۰، ص ۵۶۸.

«ما درصدد هستیم به این تشنج ها پایان داده، یکبار برای همیشه به ادعاهای ایران در برتری طلبی نسبت به کشورهای عربی خلیج خاتمه دهیم.» (۱) .

عراقی ها بر این نظر بودند که: ایران نمی تواند جنگ فرسایشی را تحمل کند. (۲) و قادر به مقاومت در چنین زندگی نیست. (۳) در حالی که عراق و ارتش آن خواهان یک جنگ درازمدت هستند. (۴) و عراق به اهداف نظامی خود در ایران دست یافته و قادر است کم و بیش به مدت یک سال مناطق مذکور را در اختیار خود نگه دارد. (۵) ضمن اینکه صدام در مصاحبه ی مطبوعاتی گفت:

«ما از وضع خود و نتایج حاصل راضی هستیم و حساب هایمان تا به حال درست درآمده است و نیروهای عراقی در جبهه ای به طول ۵۵۰ کیلومتر بین ۲۰ تا ۱۱۰ کیلومتر در خاک ایران پیشروی کرده اند.» (۶) .

عراق ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین های ایران را در تصرف داشت. استان خوزستان با ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع سرزمین اشغالی، بیشترین حجم استقرار نیروهای متجاوز عراقی را در شهرها و مناطق مهم حساس خود داشت. (۷) بر پایه ی همین ملاحظات عراقی ها خطاب به رهبران و مسئولان ایران اعلام کردند: عراق از موضع قدرت سخن از صلح و پایان جنگ می گوید (۸) تا وقتی ایران حقوق عراق را به رسمیت نشناسد در حال و آینده جنگ متوقف نخواهد شد. (۹) حتی صدام در مصاحبه ای در پاسخ به سؤال خبرنگاران که عراق تا کجا پیشروی کرده و سرانجام در کجای خاک ایران متوقف خواهد شد می گوید:

«در صورت لزوم تا زمانی که ایران به خواسته های عراق اعتراف نکند امکان پیشروی بیشتر نیروهای عراقی در داخل خاک ایران از بین نرفته است.» (۱۰) .

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر عراق، نیز در سخنانی با تهدید ایران در صورت نپذیرفتن آتش بس گفت:

۱- ۱۳۳. مأخذ ۳۳، گزارش روز ۲۲ / ۷ / ۱۳۵۹، ص ۴۲۲.

۲- ۱۳۴. همان، سعدون حمادی وزیر خارجه عراق.

۳- ۱۳۵. مأخذ ۳۳، گزارش روز ۳۰ / ۸ / ۱۳۵۹، سعدون حمادی وزیر خارجه عراق، ص ۵۵۹ و ۵۶۰.

۴- ۱۳۶. مأخذ ۳۳، گزارش روز ۲۹ / ۷ / ۱۳۵۹، طه یاسین رمضان معاون اول نخست وزیر عراق، ص ۵۰۸.

۵- ۱۳۷. مأخذ ۳۳، ص ۴۸۲، گزارش روز ۲۷ / ۷ / ۱۳۵۹ سعدون حمادی وزیر خارجه عراق، ص ۴۸۲.

۶- ۱۳۸. معاونت فرهنگی و تبلیغات ستاد فرماندهی کل قوا، حماسه مقاومت، جلد یک تهران ۱۳۶۸، ص ۴۲، مصاحبه صدام ۲۱ / ۸ / ۱۳۵۹.

۷- ۱۳۹. همچنین از استان ایلام ۲۶۰۰ کیلومتر مربع، از استان کرمانشاه ۲۱۰۰ و از استان کردستان ۳۰۰ کیلومتر مربع در اشغال نیروهای عراقی بود.

۸- ۱۴۰. مأخذ ۳۶، ص ۶۴.

۹– ۱۴۱. مأخذ ۳۳، ص ۵۳۳،گزارش روز ۱ / ۸ / ۱۳۵۹، سعدون حمادی وزیر خارجه عراق.

۱۰– ۱۴۲. مأخذ ۳۶، ص ۸۵، رادیو صوت الجماهیر ۲۲ / ۸ / ۱۳۵۹.

«اگر ایران به عدم قبول آتش بس پافشاری کند عراق به تصرف شهرهای خوزستان و در هم کوبیدن تمام نقاط نظامی ادامه خواهد داد.» (۱) .

البته در کنار این تهدیدات ارتش عراق ناتوانی خود را این گونه توجیه می کرد که علت عدم تصرف شهرهای آبادان، دزفول، و اهواز، جلوگیری از سرافکندگی ایران و ایجاد مانع برای انجام مذاکره است! (۲) .

صدام در سخنانی در مجلس ملی عراق که بیش از ۳۰۰ خبرنگار عراقی و خارجی حضور داشت به موضوع جدید حقوق اضافی برای عراق در صورت ادامه جنگ اشاره کرد و در پایان این جلسه وی به خبرنگاران گفت:

«مردمی که درگیر جنگ می شوند باید نتایج آن را نیز بپذیرند و چگونه می شود به مردمی که شکست خورده اند بیایید و بگویید پس از اینکه شما را شکست دادیم این سرزمین های شما، بفرمایید تحویل بگیرید! مادامی که ما می جنگیم این سرزمین ها جزو مناطق دفاعی و ضروری برای حفظ امنیت ما محسوب می شود. شاید همه ی این سرزمین ها برای ما ضروری نباشد و شاید با ادامه جنگ با برای مسئله به وجود آید که شرایط اضافی را مطرح کنیم و شاید اوضاع ایجاب کند از این شرایط کم کنیم، ولی به هر حال، دشمن ایرانی باید بداند که ادامه ی جنگ حقوق اضافی خواهد داشت، این را ما نمی گوییم بلکه جهان می گوید. حقوق اضافی طبق نیروهای آینده تعیین می شود. شاید این حقوق پس از یک سال یا شش ماه یا دو سال یا سه سال تا زمانی که جنگ ادامه یابد روشن شود، به هر صورت برای مردانی که جان خود را فدا می کنند، باید حقوق اضافی قائل بشویم.» (۳) .

صدام همچنین در مصاحبه ای مطبوعاتی گفت ما قصد اشغال سرزمین ایران را نداشتیم ولی اگر مردم عربستان (خوزستان) از ما بخواهند آنجا مستقر شویم این کار را خواهیم کرد. (۴) .

بازتاب این مصاحبه سبب شد تا یونایتدپرس در گزارش خود تأکید کند: «عراق از خواسته های اولیه خود فراتر رفته است و اکنون صحبت از الحاق بخشی از خاک ایران به خود را مطرح می کند.» (۵) .

۱- ۱۴۳. مأخذ ۳۳، ص ۵۰۸، گزارش روز ۲۹ / ۷ / ۱۳۵۹.

۲- ۱۴۴. مأخذ ۳۶، ص ۸۸.

۳- ۱۴۵. مأخذ ۳۶، ص ۸۲ و ۸۳، رادیو صوت الجماهیر ۲۱ / ۸ / ۱۳۵۹.

۴- ۱۴۶. مأخذ ۳۶، ص ۸۳، روزنامه لوموند ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۵۹.

۵- ۱۴۷. مأخذ ۳۶، ص ۸۳، خبرگزاری یونایتدپرس.

اظهـارات تهدیـدآمیز صـدام و سـایر مسـئولان عراقی صـرفا به دلیـل در اختیار داشـتن مناطق اشـغالی نبود بلکه ارزیابی آنان را اوضـاع داخلی ایران و مناقشات سیاسـی که بر اثر شـروع جنگ تا انـدازه ای آرام شـده بود ولی مجـددا با فرونشسـتن التهابات جنـگ رو به افزایش بود در تصـمیم و موضع گیری و رفتـار عراقی ها تأثیر داشت. در هر صورت، عراقی ها مرحله جدیـد را با فرض تغییر اوضـاع به سود خود بر اثر تغییر در اوضـاع داخلی ایران یـا انجـام اقـدامات نظامی در جبهه های جنگ آغاز کردند (۱) و امیـدوار بودند در حالی که جنگ طولانی می شود مردم عراق آن را احساس نکنند. (۲) عراقی ها در حالی برای جنگی طولانی و فرسایشی تصمیم گرفتند (۳) که به نوشـته کردزمن به نظر می رسـید آنها «هیچ گونه طرح های احتمالی برای جنگ طولانی» نداشتند و به خطرات جنگی واقعا طولانی توجه نکرده بودند. (۴) .

بـا نگاهی به تصـمیم گیری عراق به نظر می رسـد در این مرحله هماننـد قبل از آغاز جنگ، منطق و تفکر حاکم بر رفتار عراق بیشتر از اینکه استراتژیکی باشـد سیاسـی بود. حال آنکه اگر عراقی ها ناکامی اولیه در حمله به ایران را بررسـی می کردنـد در تصـمیم خود برای اسـتقرار در مناطق اشـغالی تجدیـد نظر می کردند و احتمالا با عقب نشـینی به مرزهای بین المللی و ادامه ی فشار به ایران موقعیت مناسـبتری به دست می آوردنـد. این امر احتمالا تا انـدازه ای از ماهیت سیاسـی ارتش عراق و شخصـیت سیاسـی و کمتر نظامی صـدام تأثیر پـذیرفته بود. در این مرحله، اوضاع داخلی عراق و میزان حمایت مردمی از جنگ علیه ایران برای صـدام حـائز اهمیت بود، چنـان که همین سـبب شـد در انتخاب استراتژی جنگ ساکن به این موضوع توجه شود که هیچ گونه خساراتی را بر مردم عراق تحمیل نکنند و «مردم عراق را متقاعد سازند که می توانند در

۱- ۱۴۸. نک: «جنگ بازیابی ثبات»، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۸.
۲- ۱۴۹. مأخذ ۳۳ ص ۵۰۸، گزارش روز ۲۹ / ۷ / ۱۳۵۹، طه یاسین رمضان معاون اول نخست وزیر عراق.
۳ - ۱۵۰. افرایم کـارش در مقـاله جنـگ ایران و عراق یـک تجزیه و تحلیـل نظـامی می نویسـد: «صـدام بـا تشـخیص مـوقعیت پرمخاطره عراق ظاهرا در اوایل پاییز ۱۳۶۰ (۱۹۸۱) قوای خود را برای یـک جنگ طولانی و ساکن آماده کرد. وی به دو برابر نمودن تعداد ارتش عراق، اتخاذ یک سیستم تدافعی و سایر موارد اشاره می کند.» ص ۲۹.
۴- ۱۵۱. مأخذ ۵۸، ص ۱۰۲.

کنار بالا بردن استانداردهای زندگی و تداوم برنامه توسعه اقتصادی، دسترسی به زندگی عادی را برای آنها فراهم سازند. (۱) کردزمن تصمیم گیرندگان عالی رتبه عراق را متهم می کند که به جای تلاش برای یافتن راه کارهای نظامی مبتنی بر واقعیت، بیشتر به تبلیغات توجیه گرانه و سیاست های داخلی دل بسته بودند و بر همین اساس می نویسد: «عراقی ها در درس گرفتن از اشتباهات نظامی خود بسیار کند هستند.» (۲) شاید بخشی از اظهارات صدام پس از جنگ با اظهار تأسف از شروع جنگ (۳) و همچنین نسبت دادن علت طولانی شدن آن به دیگران متأثر از ارزیابی جدید از اشتباهات اساسی باشد که در طول جنگ با ایران مرتکب شد. (۴) .

در حالی که ارتش عراق برای تثبیت مواضع خود در مناطق اشغالی تلاش می کرد ایران بر اساس تصمیمی استراتژیک و بر پایه ی اعتماد به نفسی که از مقاومت مردمی در برابر تجاوز عراق یافته بود از پذیرش شرایط تحمیلی عراق و مجامع بین المللی اجتناب کرد. جنگ و واکنش های بین المللی نشان داد که مسئولان و مردم ایران وقتی می توانند به حقوق خود برسند که به نیروهای داخلی تکیه کنند و این تجربه سبب شد تا به دور از تمامی معادلات بین المللی و منطقه ای به فکر آزادسازی مناطق اشغالی باشند.

در حالی که همگان بر آزادسازی مناطق از دست رفته و بیرون راندن متجاوزان متفق القول بودند، در روش اختلاف نظر بود. ریشه ی آن نیز از نحوه ی تفکر نظامی و ارتش و نیروهای مردمی و انقلابی تا اندازه ای متأثر بود که در دوران جنگ به ظهور دو استراتژی (۵) متفاوت منجر شد. بنی صدر، رئیس جمهور وقت، با گره زدن موضوع جنگ و حل معضل آزادسازی مناطق اشغالی با مسائل سیاسی موضوع را مشکل تر کرده بود. به عبارت دیگر، بنی صدر با ادامه ی تلاش های اولیه ی خود، پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری در بهمن سال ۱۳۵۸، در پی حذف نیروهای انقلابی و

۱- ۱۵۲. مأخذ ۵۸، ص ۱۳۴.

۲- ۱۵۳. همان.

۳- ۱۵۴. صدام در ۱۷ مرداد ۱۳۸۱، به مناسبت سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در سخنانی گفت: «جنگ و آنچه بین دو کشور رخ داد مایه ی تأسف است.».

۴- ۱۵۵. سخنرانی صدام در جمع نیروهای مسلح عراق در تاریخ ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۹، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، اداره اول خلیج فارس، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۹ ص ۱۰ و ۱۱.

۵- ۱۵۶. مأخذ ۱۰۳.

یکپارچه سازی ساختار قدرت بود. پس از اینکه التهابات جنگ فروکش کرد. بنی صدر تلاش های خود را مجددا آغاز کرد. او برای ارتقاء موقعیت سیاسی خود دست به اعمالی زد که واکنش دیگران را برانگیخت. بنی صدر برای اینکه در اهداف سیاسی خود پیروز شود مجبور بود تنها بخش محدودی از توان نظامی کشور را به کار گیرد و همین امر، باعث شد تا برای عملیات آزادسازی محدودیتی برای حضور نیروهای مردمی ایجاد کند. در حالی که هنوز دشمن در مناطق اشغالی کاملا استقرار نیافته بود و عملیات های نظامی می توانست توان دشمن را مضمحل نماید، کاستی های موجود سبب شد بنی صدر با اتکاء به تفکر نظامی و توان نیروهای ارتش و نادیده گرفتن نیروهای مردمی و انقلابی پس از اجرای چهار عملیات (۲۳ مهر، ۳ آبان، ۱۶ دی و ۲۰ دی ۱۳۵۹) با شکست مواجه شود. (۱) ناامیدی از ناکامی ها به از دست رفتن زمان و امکانات و پیدایش روحیه یأس و ناامیدی از رسیدن به پیروزی نظامی منجر شد. بنی صدر بر اساس این وضعیت صریحا اظهار نظر کرد:

«این جنگ راه کار نظامی ندارد و ما باید از نظر سیاسی دنبال راه حل باشیم.» (۲) .

گرایش های سیاسی و تفکرات بنی صدر و اهداف وی از جنگ و صلح و پیوستگی آن با مسائل سیاسی عواقب بسیار نامطلوبی به دنبال داشت. مثلا، موضوع صلح و شرایط پایان دادن به جنگ از همان ابتدا در کمند اختلاف نظرهای سیاسی بود و تمرکز بر موضوع جنگ و یافتن راه حل برای خاتمه ی آن جای خود را به مناقشات سیاسی داد و جدا از سایر ملاحظات نظامی و بین المللی، مناقشات سیاسی در داخل کشور امکان مذاکره و راه حل یافتن را بسیار پیچیده کرد. نظر به اینکه جنگ با عراق در مسیر تعارض سیاسی و نوعی جنگ قدرت قرار گرفته بود لذا پس از آنکه بنی صدر از کسب پیروزی در جبهه ها ناامید شد و در معرض انتقاد قرار گرفت و مواضع سیاسی وی ضعیف شد برای خلاصی از وضعیت جدید، با سخنرانی در دانشگاه تهران در ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، به مناسبت سالگرد فوت دکتر مصدق بحران داخلی را

۱- ۱۵۷. سید یحیی صفوی (فرمانده کل سپاه)، مصاحبه با روزنامه کیهان، ۳ / ۳ / ۱۳۷۷، ص ۷.

۲- ۱۵۸. همان.

تشدید کرد و جبهه ی جدیدی را با گرایش های چپ مانند مائوئیست ها، بخشی از چریک های فدایی، منافقین و سایر گروهک ها سازماندهی کرد. (۱) در کتاب ریشه های انقلاب ایران به پیدایش گرایش های جدید در طی جنگ که پدیده ای مهم بوده اشاره شده است:

«افزایش تظاهرات و شورش های ضد دولت از اوایل نوامبر و در دسامبر ۱۹۸۰ (آبان و آذر ۱۳۵۹)، درست هنگامی که عارضه ی جنگ به نحوی مردم را در دفاع از سرزمین ایران داشت متحد می کرد، پدیده ی قابل توجهی است.» (۲) .

نویسنده کتاب مذکور در جای دیگر با احتمال تغییر موازنه ی قدرت و موقعیت بنی صدر پیش بینی می کند که: «جنگ داخلی یا وقوع یک کودتا امکان پذیر است.» (۳) .

در چارچوب روند جدید مسعود رجوی در زمستان سال ۱۳۵۹ ایران را از فرودگاه اصفهان به مقصد فرانسه ترک و پس از یک ماه به کشور مراجعت کرد. نامبرده با کادر مرکزی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) جلسه برگزار کرد و «جنگ مسلحانه» را پیشنهاد کرد که ابتدا پذیرفته نشد ولی پس از سه جلسه بحث سرانجام اعضا متقاعد شدند و تنها موسی خیابانی به دلیل شرایط با این کار مخالفت می کرد. پس از آن، سازمان به امام نامه نوشت و درخواست ملاقات کرد. امام در پاسخ گفتند: اسلحه را زمین بگذار من خودم به ملاقات شما می آیم. (۴) واکنش پیش بینی نشده ی امام سازمان را در بن بست قرار داد و پروژه ی راهپیمایی به سمت منزل امام و سپس ترور امام و تصرف مراکز حساس به شکست انجامید. سازمان برای خروج از بن بست حرکت مسلحانه مسیر دیگری را سازماندهی کرد. امام از اتفاقات جدید بسیار نگران بود و در سخنرانی فرمودند:

«ما امروزی مبتلای به جنگ هستیم و مبتلای به این خرابکاری های داخلی هم هستیم و دشمن های ما شاید اهمیت به این اختلاف های داخلی بیشتر بدهند تا هجوم نظامی، برای اینکه اختلافات داخلی، ما را از باطن آسیب پذیر می کند و ما خودمان، خودمان را از بین می بریم.» (۵) .

۱- ۱۵۹. مأخذ ۱۰۳.

۲- ۱۶۰. نیکی.آر.کدی، ریشه های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵، تهران ص ۴۵۳ و ۴۵۴.

۳- ۱۶۱. همان، ص ۳۵۴.

۴- ۱۶۲. جعفری (مسئول سابق اداره اطلاعات سپاه)، ۹ / ۵ / ۷۸، گفت و گوی اختصاصی.

۵- ۱۶۳. صحیفه نور، جلد ۱۳، ص ۲۳۲، بیانات امام خمینی، ۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

نفوذ بنی صدر در ارتش و همچنین ظهور بحران و بی ثباتی جدید بر دامنه ی نگرانی ها افزود. آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود به نام عبور از بحران در این زمینه می نویسد:

«آقای بهشتی شرحی از ملاقاتشان با امام دادند و آقای خامنه ای هم در مجلس از ملاقات خودشان تعریف کردند. از مجموع گزارش ها[چنین]به دست می آید که امام به خطر لیبرال ها و خط آنها در ارتش توجه کرده اند و به فکر چاره افتاده اند» (۱)
.

استنباط امام از شکل گیری جبهه ی جدید این بود:

«امروز تمامی آنانی که علیه جمهوری اسلامی ایران متحد شده اند با واسطه یا بدون واسطه در رابطه ی با امریکا می باشند، ملت ایران باید با قاطعیت با این خطر بزرگ مبارزه نماید. امریکا از اینکه دید حمله ی نظامی توسط یکی از نوکرانش یعنی دولت عراق مردم ما را متحدتر کرد، دوباره دست به تشدید اختلافات داخلی زد. مردم دلیر ایران باید با اتحاد خویش این نقشه شیطانی را به دنبال نقشه های قبل خنثی کند.» (۲) .

وضعیت جدید موجودیت نظام جمهوری اسلامی را با چالش های اساسی روبه رو کرده بود. در حالی که بخش وسیعی از خاک کشور در اشغال بود و وضعیت اقتصادی (۳) به علت اوضاع پس از انقلاب و جنگ در وضعی نامطلوب بود. تشدید اختلافات سیاسی بسیار مخاطره آمیز بود. آقای هاشمی، در کتاب خود در توصیف آغاز سال ۱۳۶۰، می نویسد:

ص: ۶۴

---

۱ - ۱۶۴. اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، تهران، دفتر انتشارات معارف انقلاب، ۱۳۷۸، ص ۶۶، گزارش روز ۲۳ فروردین ۱۳۵۹.

۲- ۱۶۵. صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۶۲، پیام امام خمینی، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۵۹.

۳ - ۱۶۶. آقای هاشمی در کتاب عبور از بحران، ص ۳۶۳ می نویسد: «اول شب در جلسه شورای عالی اقتصاد در نخست وزیری شرکت کردم، بحث تورم بود، خیلی بالاست، حدود ۲۰ درصد در پنج ماهه ی اول سال ۶۰، عوامل تورم و راه های علاج را بررسی کردند. نتیجه گرفتند که تورم جهانی، بالا بردن حقوق های سطح پایین، بی اعتمادی مردم به آینده اقتصادی و کمی پس انداز، معلوم نبودن تکلیف مالکیت ها، معلوم نبودن رشته های بخش خصوصی و دولتی، عوامل روانی و تبلیغات اجانب و ضدانقلاب، محاصره اقتصادی و جنگ از عوامل تورم است.» ایشان درباره ی جلسه ی ۲۰ آبان در ص ۳۶۴ می نویسد: «جلسه درباره ی وضع ارزی کشور تشکیل شده ذخیره ارزی حدود دو میلیارد دلار است و ارزش طلاها در حدود پنج میلیارد دلار، هر ماه نزدیک ۵ / ۱ میلیارد دلار واردات داریم و صدور نفت روزانه حدود پانصد هزار بشکه است.حدود ششصد میلیون دلار در ماه. اگر چنین باشد بزودی ذخیره ارزی تمام می شود. در این جلسه تصمیم گرفتیم به کشورهای خارجی کمتر حمله و فحاشی شود.صدا و سیما کنترل شود.».

«سال ۶۰ را بـا بحران هـای شدیـد سیاسـی، نظـامی، امنیتی و اقتصادی آغاز کردیم. با مراسم ۱۴ اسفند ۵۹ برای بنی صـدر در دانشـگاه تهران، اختلاف ها شدیدتر شد و فضای سیاسـی را متشنج و دولت را با اشکال مواجه کرد و در جبهه ها تحرکی نبود و نیروهای عراقی، مواضع خود را برای ادامه ی اشـغال تحکیم می کردند. افکار آقای بنی صدر که اختلاف میان ارتش و سپاه به وجـود آورده بـود، امکـان تحرک منـاسب برای عقب رانـدن اشـغالگر را از از دسـترس بیرون برده بود. بین مجلس و رئیس جمهور، اختلاف شدیـد بود و نیروهای ضـدانقلاب که پشت سـر آقای بنی صـدر موضع گرفته بودنـد به آتش اختلافات دامن می زدنـد. امنیت کشور در مرزهـا بخصوص در کردستان، سیسـتان و بلوچسـتان، آذربایجـان، دشت آزادگـان و مرکز آسـیب داشت.» (۱) .

ادامه ی تحولات جدیـد سـبب شـد تا در خرداد ۱۳۶۰ داخـل کشور صـحنه ی صف بنـدی هـا و رویارویی ها شود. در مجلس شورای اسـلامی از بنی صـدر «سـلب کفایت سیاسـی» شـد. امام با تأکید بر اجرای عملیات نظامی در جبهه های جنگ، برای از بین بردن بحران و مناقشات سیاسی داخلی تلاش می کردند:

«کوشـش بکنید که این پیشـرفت هایی که می کند[می کنید]یک قدری زیادتر باشد، برای اینکه ممکن است صدام و دوسـتان صدام تبلیغ کنند. در آنجا، که این فرماندهی که کنار رفته است حالا دیگر ضعف پیدا کرده است ارتش. شما اگر چنانچه بعد از این واقعه یکی دو تا پیروزی پیدا بکنید این مطلب هم شکسته می شود و نمی تواند دیگر صدام تبلیغ کند.» (۲) .

آقای هاشمی، وضعیت یأس و ناامیدی را ترسیم می کند و درباره ی ایجاد تحول در اوضاع سیاسی – نظامی می نویسد:

«با سلب کفایت بنی صدر و عزل او، به اوج بحران رسیدیم شورش وسیع مسلحانه ۳۰ خرداد، ترور آیت الله خامنه ای، فاجعه ۷ تیر و شـهادت هفتاد و دو تن و یک تن، ترور و شـهادت جمع زیادی از اسـتوانه های بسیج کننده انقلاب و کسالت زجردهنده امام امت نمونه هایی از آثار بحران است و علائم یأس در بسیاری از نیروهای انقلاب به چشم می خورد.» (۳) .

ص: ۶۵

۱- ۱۶۷. مأخذ ۱۱۷، ص ۹.

۲- ۱۶۸. صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۲۹۱، بیانات امام خمینی، ۲۴ / ۳ / ۱۳۶۰.

۳- ۱۶۹. مأخذ ۱۱۷، ص ۱۹.

برای ایجاد تحرک نظامی در جبهه ها به ارتش برای عملیات فشار وارد شد.و این در وضعیتی بود که از یک سو به نوشته آقای هاشمی رفسنجانی، آقای فلاحی از عملکرد دادگاه انقلاب و انجمن اسلامی و سلب امنیت شغلی افسران شکایت داشت و چاره جویی می کرد (۱) و از طرف دیگر، آقای فلاحی از اختلاف بین خودش و آقای ظهیرنژاد، فرمانده ی نیروی زمینی، صحبت و چاره جویی می کرد. (۲) با وجود آنکه در شورای عالی دفاع برای رفع اختلاف با حضور فرمانده ی وقت نیروی زمینی ارتش و رئیس وقت ستاد مشترک جلسه ای برگزار شد ولی به نتیجه نرسید و تنها تأکید شد در جبهه عمل کنند و حرکتی را خیلی زود برای سرکوب نیروهای متجاوز بعثی عراق آغاز نمایند. (۳) مجددا در جلسه ی شورای عالی دفاع و به هنگام پیگیری علت عدم انجام عملیات بحث شد. آقای هاشمی در این زمینه می نویسد:

«بعدازظهر در جلسه شورای عالی دفاع در ستاد مشترک شرکت کردم، تیمسار فلاحی می گوید آقای ظهیرنژاد، فرمانده ی نیروی زمینی معتقد به حرکت ارتش نیست و بهتر می داند وضع کنونی محفوظ بماند و نامه ای از سرهنگ یعقوب حبشی از افسران ستاد نیروی زمینی خواند که ارتش را در وضع کنونی قادر به اخراج ارتش نمی داند و محتاج به دو سه لشکر جدیدالتأسیس می باشد که به این زودی ها امکان ایجاد آن نیست.» (۴) .

در جلسه بعدی شورای عالی دفاع در تاریخ ۲۲ تیر ۱۳۶۰، فرماندهان لشکرهای ۱۸،۹۲،۱۶،۲۱،۷۷ نیروی زمینی ارتش شرکت کردند و مجددا درباره ی عملیات بحث شد. و «عذرشان هم کمبود مهمات و گرما است.» (۵) پس از اتمام جلسه آقای هاشمی در خاطرات خود می نویسد:

«اگر تحرک لازم دیده نشد باید فکری بکنیم. آقایان فلاحی و فکوری هم سخت طرفدار حرکت سریع اند، کوتاهی را از نیروی زمینی می دانند. آینده، حقیقت را روشن می کند.» (۶) .

در مجموع به نظر می رسید ارتش در وضعیت مطلوبی نبود، زیرا بخش وسیعی از خاک کشور همچنان در اشغال دشمن بود و با آنکه چهار عملیات

۱- ۱۷۰. مأخذ ۱۱۷، ص ۲۱۵، ۳ / ۵ / ۱۳۶۰.

۲- ۱۷۱. مأخذ ۱۱۷، ص ۱۸۷، ۱۳۶۰ / ۴ / ۱۲.

۳- ۱۷۲. مأخذ ۱۱۷، ص ۱۹۱، ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۰.

۴- ۱۷۳. مأخذ ۱۱۷، ص۱۹۶، ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۰.

۵- ۱۷۴. مأخذ ۱۱۷، ص ۱۹۸ و۱۹۹، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۰.

۶- ۱۷۵. مأخذ ۱۱۷، ص ۱۹۹، ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۰.

بر اساس تفکر نظامی موجود در ارتش و با هدف آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفته بود هیچ گونه نتیجه ای به دنبال نداشت. با فرار بنی صدر و شائبه ی نفوذ وی در ارتش امنیت شغلی افسران ارتش به مخاطره افتاد و به فشار روحی - روانی بر آنان منجر شد. و در ضمن آن، اختلاف نظر میان فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش مرحوم تیمسار ظهیرنژاد و رئیس وقت ستاد مشترک ارتش شهید تیمسار فلاحی به گونه ای بود که حتی در جلسه شورای عالی دفاع هم حل و فصل نشد.در نتیجه، در حالی که ارتش تحت فشار روانی بود فرماندهی عالی آن نیز با اختلاف نظر اساسی مواجه بود و هیچ گونه تفکر و ایده ی جدیدی برای آزادسازی مناطق اشغالی نداشت لذا در این وضعیت انتظار تحرک نظامی بیهوده بود.

در نتیجه چنین به نظر می رسید اهداف جنگ فرسایشی در حال تحقق است و طبیعتا، امریکا و کشورهای منطقه از پیدایش چنین وضعیتی کاملا خشنود بودند. امریکایی ها به دلیل برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در امریکا و روی کار آمدن ریگان و جمهوری خواهان و نیز وقوع حوادثی همچون پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سقوط شاه، اشغال افغانستان توسط نیروهای شوروی، گروگان گیری اعضای سفارت امریکا در ایران و بعد شروع جنگ، اوضاع را نمی توانستند کنترل کنند و به همین دلیل، از جنگ فرسایشی استقبال می کردند؛ زیرا بر اثر وضعیت جدید، ایران انقلابی، در برابر تهاجم امنیتی همه جانبه ی نظامی و از دست دادن سرزمین، با مشکلات نظامی - امنیتی و سیاسی دست و پنجه نرم می کرد و عراق نیز که از موازنه ی نظامی پیشین رها شده بود با سیاست توسعه طلبی در منطقه در برابر ایران گرفتار شده بود.

کشورهای منطقه نیز که از تأثیر انقلاب اسلامی و همچنین قدرت عراق نگران بودند از جنگ محدود و کنترل شده ی فرسایشی استقبال می کردند؛ زیرا قدرت عراق در سرزمین ایران متمرکز و درهم شکسته شده بود و انرژی ایران انقلابی در برابر تجاوز عراق رها و متمرکز بود. «ریاض الرئیس» در مقاله ی خود

درباره ی نگرش کشورهای منطقه به ایران و عراق می نویسد:

«آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰، نگرانی از خطرات بنیادگرایی اسلامی و ماهیت توسعه طلبانه ملی گرایی ایرانی که در افق مشاهده می شد در کشورهای خلیج فارس پدید آورد. اما فوری ترین خطری که کشورهای خلیج عربی (فارس) را تهدید می کرد، امکان پیروزی سریع و کامل عراق یا ایران و متعاقب آن سلطه یافتن طرف فاتح بر خلیج فارس بود.... دورنمای پیروزی ایران از این هم وحشتناک تر بود. این بیم وجود داشت که پیروزی ایران در جنگ، کشورهای خلیج عربی (فارس) را با تحمیل شرایط سیاسی ایران بر آنها روبه رو کند.» (۱) .

عراقی ها برای تغییر اوضاع و نتیجه گرفتن از جنگ فرسایشی به دنبال اقدامات نظامی بودند و اوضاع داخلی ایران و ناتوانی نظامی این کشور منشأ امیدواری عراقی ها بود و چنین ارزیابی می کردند که ایران با ادامه ی جنگ و طولانی شدن آن به سوی خرابی و ویرانی بیشتر می رود و رابطه ی حکومت با ملت پیچیده تر می شود و در اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هرج و مرج روی می دهد و روابط منطقه ای و بین المللی ایران تیرگی بیشتر می یابد. (۲) .

عراقی ها تهدید کردند: «چنانچه حکام تهران سرعقل نیایند دولت عراق ناگزیر است بر اقدامات خود بیفزاید و شکست های سخت تری را بر رژیم تهران وارد آورد.» (۳) عراقی ها در امور داخلی ایران مجددا مداخله کردند و از حقوق قومیت ها گفتند: چنان که عصمت کتانی می گوید:

«در خوزستان مردم همانند اقلیت های دیگر ایران، خواهان ایجاد دولت خودشان هستند ما قادر نیستیم به آنها بگوییم این را نخواهند.» (۴) .

صدام نیز در جمع نیروهای ارتش عراق که عازم جبهه های جنگ بودند می گوید:

«ما به مردم عرب عربستان[خوزستان]و نیز سایر اقلیت های ایران بویژه کردها، بلوچ ها و همه ی وطن پرستان واقعی و شریف اعلام می کنیم که آماده ایم روابط محکمی با آنها به وجود آوریم تا بتوانند از حقوق ملی و قومی خویش بهره مند شوند... ما آماده ایم به آنها هر گونه کمکی از جمله سلاحی که مورد نیاز آنها باشد، بکنیم.» (۵) .

۱- ۱۷۶. معاونت سیاسی ستاد کل سپاه ویژه نامه بررسی جنگ تحمیلی و بحران خلیج فارس، مهر ۱۳۶۶، ص ۸۷، مقاله «ملی گرایی عربی و خلیج فارس» ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۵.
۲- ۱۷۷. مأخذ ۳۶، ص ۱۶۵، سخنرانی صدام، صوت الجماهیر، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۰.
۳- ۱۷۸. مأخذ ۳۶، ص ۸۵ و ۸۶، صوت الجماهیر، ۲۱ / ۲ / ۱۳۶۰.
۴- ۱۷۹. مأخذ ۶۱، ص ۷۰، دیلی تلگراف، ۸ / ۱۰ / ۱۳۵۹.
۵- ۱۸۰. مأخذ ۳۰، ص ۵۹۵، صدام حسین ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۵۹.

کردزمن می نویسد بسیاری از مقامات عالی رتبه عراق بر این باورند که کشمکش بر سر قدرت در ایران، به حکومت (امام) خمینی پایان می دهد و زمان صلح فرامی رسد و تا پاییز سال ۱۳۶۰ دولت ایران سقوط خواهد کرد. (۱) یکی از نشریات امریکا در همین ایام می نویسد:

«سقوط سران حکومت خمینی گاهی بسیار نزدیک به نظر می آید و رهبری رژیم کنونی با بمب گذاری های گروه مخالفان بسیار ضعیف شده است. سرکشی و قیام بسرعت در حال رشد است.» (۲) .

بر پایه ی همین وضعیت روزنامه ی کویتی القبس به نقل از مقامات عراقی در فروردین ۱۳۶۰ نوشت:

«عراق قصد دارد حمله ی گسترده ای به خوزستان کند و هدف از آن آزاد کردن خوزستان و اشغال چاه های نفت، اعلام استقلال و تشکیل حکومت موقت می باشد. (۳) عراق احتمالا با این اقدام در نظر دارد حتی بعد از جنگ از نظارت مستقیم ایران بر خوزستان اشغال شده جلوگیری کند.» (۴) .

سخنان صدام و سایر اقدامات عراقی مبنی بر بی علاقگی به تمامیت ارضی ایران بیان کننده ی پیگیری این طرح بوده است. چنان که لطیف جاسم در مصاحبه ای در دی ماه ۱۳۶۰ می گوید:

«عراق دولت[خوزستان]را حق مسلم اعراب این سرزمین می داند و چنانچه آنان بخواهند وجود چنین دولتی را اعلام کنند عراق برای تحقق آن به مردمش کمک خواهد کرد.» (۵) .

صدام نیز در مصاحبه با روزنامه ی کویتی الانبا در دی ماه ۱۳۵۹ می گوید:

«در ایران پنج ملیت مختلف وجود دارد که به آنها باید به نوعی از انواع خودمختاری داده شود. ما از برادران خود در خوزستان دفاع می کنیم. این امر با سیاست ها و اعتقادات ما مطابقت کامل دارد.» (۶) .

صدام همچنین در جای دیگری اشاره می کند به فرآیند جنگ فرسایشی برای ایران و عراق و می گوید:

«حال بگذارید حکام ایران به جنگ ادامه بدهند. آنها پاره پاره و ما یکپارچه

۱- ۱۸۱. مأخذ ۵۸، ص ۱۳۴ و ۱۳۵.

۲- ۱۸۲. مأخذ ۸۶.

۳- ۱۸۳. مأخذ ۳۵، ص ۱۰۲.

۴- ۱۸۴. جای دی - استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه دکتر منوچهر شجاعی، مؤسسه فرهنگی رسا، ۳۵۴.

۵- ۱۸۵. مأخذ ۳۰، ص ۵۹۵.

۶- ۱۸۶. مأخذ ۳۰ مصاحبه ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۵۹.

شویم. ما به تمامیت ارضی ایران علاقه ای نداریم و این است استراتژی ما که از مدت ها پیش اعلام کرده ایم.» (۱) .

برخی شواهد و قرائن بیان کننده این معنا بود که عراقی ها برای برون رفت از جنگ فرسایشی، به دنبال وارد ساختن ضربه ی آخر و پایان دادن به جنگ، همراه با تشدید بی ثباتی در داخل کشور و با هدف خاتمه بخشیدن به حیات سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران بودند. در چنین وضعیتی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ سیاسی - اجتماعی - نظامی و امنیتی در وضعیت مخاطره آمیزی قرار داشت و باید برای تضمین تداوم موجودیت نظام و حفظ تمامیت ارضی بر معضل بی ثباتی سیاسی و حضور نیروهای اشغالگر غلبه می کرد.

آغاز تحول

پیامدهای جنگ فرسایشی در دو عرصه ی سیاسی و نظامی، جمهوری اسلامی را در برابر چالش های مخاطره آمیز قرار داده بود. تعامل و به هم پیوستگی تأثیر بن بست نظامی در جبهه های جنگ و خطر حمله مجدد عراق و تشدید مناقشات سیاسی و سرانجام درگیری نظامی در داخل شهرها ثبات سیاسی، استقلال و تمامیت ارضی کشور را تهدید می کرد. در واقع، آنچه با تهاجم عراق به ایران حاصل نشد با تداوم جنگ فرسایشی در حال تحقق بود. در چنین وضعیتی این پرسش مطرح بود که آیا جمهوری اسلامی می تواند بر بن بست نظامی و بی ثباتی سیاسی غلبه کند و به بقا و حیات خود ادامه دهد یا اینکه در مسیر تحولات جدید فروخواهد پاشید؟

پیش از این زمانی که کشور عمیقا درگیر مناقشات سیاسی بود جنگ به انسجام و وفاق برای غلبه با تجاوز عراق منجر شد ولی ناکامی در آزادسازی مناطق اشغالی، سبب شد که نه تنها جنگ تأثیرات وحدت بخش اولیه ی خود را از دست بدهد بلکه بر پیچیدگی و تعمیق مناقشات سیاسی افزود. امام در این وضعیت جنگ را مسئله اصلی کشور دانستند و تلاش بسیاری کردند تا اختلافات سیاسی را به حاشیه برانند. اما تأثیر چندانی نداشت و عملا فقط

۱- ۱۸۷. مأخذ ۳۰ سخنرانی صدام در جمع ارتش ملی عراق در آستانه اعزام به جبهه ص ۵۹۵.

نیروهای وفادار به امام و انقلاب را تا اندازه ای کنترل و مهار می کرد. بنابراین به نظر می رسید تنها دو راه برای ایجاد تحول و خروج از بن بست وجود داشت: یا با «تحول در جنگ» باید وضعیت سیاسی را دگرگون کرد یا بر اساس «الگوی مدیریت و رهبری قاطع» باید با تغییر در صحنه ی سیاسی کشور، روند جنگ را دگرگون و تحت تأثیر قرار داد.

کلاوزویتس معتقد است که جنگ هنگامی از وضعیت رکود خارج خواهد شد که میدان رزم با رخدادهای جدید تغییر حالت بدهد. به عبارت دیگر، دینامیک و موتور تحولات جنگ تغییر حالت در میدان رزم است. بدین شکل که وقتی موتور جنگ حرکت کند با توجه به ماهیت سیاسی جنگ تدریجا در داخل و در سطح سیاسی نیز تحرک به وجود می آید و دوران رکود به پایان خواهد رسید. همچنین با تشدید این روند موازنه ی نظامی، وضعیت سیاسی نیز تغییر خواهد کرد و با فرض پذیرفتن این نظریه چگونه می توان در میدان رزم و با اجرای عملیات های نظامی تغییر ایجاد کرد؟

بر اساس نظریه ی دیگر، جنگ موجب انسجام سیاسی است و تنها با وفاق و وحدت ملی و بسیج کلیه ی منابع می توان به تهاجم خارجی پاسخ داد. در غیر این صورت، واگرایی حاصل از ناتوانی در مقابله با دشمن به فروپاشی اجتماعی می انجامد و ثبات سیاسی و استقلال و تمامیت کشور را مخدوش می کند. برای انسجام باید متکی بر «مدیریت و رهبری قاطع» بر ضرورت مقابله و بیرون راندن نیروهای متجاوز از خاک کشور تأکید و ساختار سیاسی را منسجم کرد و با حضور مردم در صحنه و بسیج منابع، دشمن اشغالگر را منهدم و به فرار از مناطق اشغالی مجبور کرد. همانگونه که در گذشته جنگ باعث انسجام سیاسی شده بود چگونه می شد دوباره به آن انسجام و وفاق سیاسی دست یافت؟

به اجمال می توان گفت: پیدایش و تفکر و استراتژی جدید به تحول در عرصه ی نظامی انجامید. بدین معنا که وقتی جنگ کلاسیک به نتیجه نرسید و به

بن بست نظامی منتهی شد (۱) راه برای مسیر جدید باز شد. در عرصه ی سیاسی نیز، وقتی مناقشات به مخاصمه تبدیل و جبهه ی ضدانقلاب در داخل با هماهنگی و حمایت خارجی با هدف تعیین سرنوشت نهایی فعال شد و خیابانهای شهر محل درگیری نظامی شد مخاطرات حاصل از این وضعیت سبب گردید رهبری با قاطعیت برای حل آن به صحنه ی سیاسی کشور وارد شود.

نقطه ی آغاز تحولات نظامی با اندیشه و تفکر جدید نظامی تکوین یافت بدین معنا که ابتدا باید این نتیجه حاصل می شد که با تفکر کلاسیک معضل اشغال نظامی کشور قابل حل نیست، این امر با شکست عملیات های چهارگانه به فرماندهی بنی صدر حاصل شد. (۲) چنان که نیروهای کلاسیک و بنی صدر، مردم و حتی عراقی ها نیز به این باور رسیدند که با این تفکر و روش ها نمی توان به پیروزی رسید. مهمتر از این مسئله، باید ذهنیت و تصورات مبنی بر شکست ناپذیری دشمن تغییر می یافت و درهم شکسته می شد. طراحی و اجرای عملیات های محدود (۳) در ماه های پایانی سال ۱۳۵۹، این مفهوم را محقق ساخت. سردار سلیمانی فرمانده ی پیشین لشکر ۴۱ ثارالله درباره ی برداشت خود از دشمن در بدو ورود به جبهه و تغییر آن می گوید:

«در روزهای اول ورود به جبهه، دشمن را قادر به انجام هر کاری می دانستم، اما در اولین حمله ای که انجام دادیم موفق شدیم نیروهای دشمن را از کنار جاده سوسنگرد تا حمیدیه به عقب برانیم و تلفاتی نیز بر آنها وارد کنیم که این امر باعث شد تصور غلطی که از دشمن در ذهنم داشتم از بین برود. یادم می آید که پس از این حمله، شب ها وارد مواضع عراقی ها می شدیم. دوستی داشتم به نام محسن چریک، که بعدا به شهادت رسید، او حتی برخی مواقع با موتور سیکلت خود را به خاکریز عراقی ها می رساند.» (۴) .

۱- ۱۸۸. دکتر محسن رضایی فرمانده ی پیشین کل سپاه و دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه ای می گوید: «سال اول جنگ در حالی تمام شد که برای ما دو نتیجه روشن داشت؛ یکی اینکه وضعیت نظامی کشور بدون یک تحولی در آن نمی توانست دارای یک دستاوردی برای ملت باشد... و ثابت شد آقای بنی صدر و دوستانش در طول یک سال همه ایده ها و طرحشان را که عمل کردند هیچ نتیجه ای از جنگ کلاسیک برای ملت ایران ندارد.حملات زیادی که کردند با شکست مواجه شد...» (برنامه تلویزیونی سجاده آتش، شبکه اول زمستان ۱۳۷۷).

۲- ۱۸۹. مأخذ ۱۰۳.

۳- ۱۹۰. همان.

۴- ۱۹۱. مأخذ ۹۴ ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

در حالی که مناقشات سیاسی از اسفند ۱۳۵۹ تشدید شده بود به موازات آن در حدفاصل اسفند تا خرداد ۱۳۶۰ عملیات های محدود گسترش می یافت. از یک سو دهه پایانی ماه خرداد ۱۳۶۰ نقطه تکامل عملیات های محدود با اجرای عملیات «خمینی فرمانده کل قوا» با همت سپاه در منطقه دارخوین بود و از سوی دیگر، مناقشات سیاسی که به درگیری نظامی تبدیل شده بود در تعیین سرنوشت نظام جمهوری اسلامی مؤثر بود. در واقع، عملیات دارخوین پاسخ به اوضاع سیاسی و عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا با فرمان امام خمینی بود. با اینکه این عملیات برای رزمندگان کاملا روحیه بخش بود ولی در سطح کلان و در مسائل نظامی و سیاسی بی تأثیر بود. آقای هاشمی درباره ی این عملیات در کتاب خاطرات خود می نویسد:

«خوشبختانه، تحرک مطلوبی با عملیات کوچک ولی الهام بخش دارخوین آغاز می گردد و عملیات تهاجمی نیروهای رزمنده، برای عقب راندن بعثیان روند تکاملی خود را ادامه می دهد.» (۱) .

تشدید درگیری های نظامی در داخل شهرها در ماه های تیر و مرداد ۱۳۶۰، و وقوع حوادث تأثرانگیزی مانند انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی در هفتم تیر و شهادت شهید بهشتی و بیش از ۷۲ تن از کادرهای سیاسی کشور، وضعیت نگران کننده ای را به وجود آورد و برای کنترل و مهار آن و جلوگیری از تأثیر آن بر جبهه های جنگ بر ضرورت انجام عملیات بیشتر از گذشته تأکید شد و در همین چارچوب و بر مبنای ملاحظات امنیتی امام و شورای امنیت و شورای عالی دفاع نیز بر انجام عملیات بیشتر تأکید کردند. با توجه به اینکه ارتش پس از حذف بنی صدر از فضای جدید گلایه می کرد آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود می نویسد:

«عصر در شورای امنیت شرکت کردم و گله های ارتش را مطرح کردم و تصمیماتی اتخاذ کردیم توسط احمد آقا به امام پیغام دادیم و از امام نظر خواستیم. امام با تغییراتی در ارتش، برای اطمینان بیشتر موافقت کردند.» (۲) .

۱- ۱۹۲. مأخذ ۱۱۷، ص ۷۸.

۲- ۱۹۳. همان، ص ۲۲۳، گزارش ۹ / ۵ / ۱۳۶۰.

در ادامه ی همین تلاش ها و برای تغییر در کادر فرماندهی ارتش در جلسه شورای عالی دفاع در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۶۰ وضعیت جبهه ها و تغییر در کادر فرماندهی ارتش بحث شد آقای هاشمی در این زمینه می نویسد:

«ساعت ۵ بعدازظهر در شورای عالی دفاع شرکت کردم گزارش جبهه ها را دادند که راکد است. پیشنهاد فرماندهی غرب را برای آقای سرهنگ شیرازی نمودیم که نظامیان را خوش نیامد.» (۱) .

البته بعدها بتدریج در کادر فرماندهی ارتش تغییر انجام شد. بویژه پس از شهادت سرتیپ فلاحی و انتصاب سرهنگ صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی، نظامیان جوان به فرماندهی منصوب شدند و ارتقا یافتند (۲) و با توجه به روحیه ی سرهنگ صیاد شیرازی و تجربه ی همکاری با نیروهای مردمی و سپاه در کردستان، زمینه ی هماهنگی ارتش و سپاه فراهم شد. ضمن اینکه با رفع موانع سیاسی در ساختار سیاسی - نظامی کشور برای تقویت سپاه و ضرورت های نظامی امکان جذب و سازماندهی نیروهای مردمی در جبهه ها افزایش یافت. این روند همچنان پس از شهادت آقای رجایی و آغاز ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای رو به افزایش گذاشت و ایجاد آرامش و ثبات سیاسی در این زمینه نقش زیادی داشت. آقای هاشمی در این زمینه می نویسد:

«با انتخاب آیت الله خامنه ای به ریاست جمهوری، علی رغم نقاهت شدید ناشی از سوءقصد منافقان، دوره ی آرامش و استقرار در نیمه دوم سال ۱۳۶۰ را تجربه می کنیم در این شرایط است که امکان توجه به جبهه ها و دفاع را به دست می آوریم.» (۳) .

سرلشکر وفیق السامرایی علت تحول نظامی و پشت سرگذاشتن دوره ی خطرناک اشغال و بی ثباتی و نقش عوامل مختلف را در کتاب خود توضیح می دهد و می نویسد:

«رهبران ایران با پشت سرگذاشتن این مرحله از جنگ که خطرناک ترین مرحله بود، بیش از پیش و با قدرت تأثیرگذاری بیشتر بر روی جامعه ایران به

۱- ۱۹۴. همان، ص ۲۲۳.

۲ - ۱۹۵. سرتیپ ظهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی بود. وقتی سرهنگ صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد، سرتیپ ظهیرنژاد به جای شهید فلاحی رئیس ستاد مشترک ارتش شد.

۳- ۱۹۶. همان، ص ۱۱، مقدمه کتاب.

راه خود ادامه دادند. عامل روانی «دین» که محرکی بزرگ برای به حرکت درآوردن ده ها هزار نفر به منظور پیوستن به نیروهای سپاه ایران نقش خود را ایفا کرد و روحیه ی نیروهای نامنظم ایرانی را که شامل سپاه پاسداران و بسیج بود بالا برد، همچنان که تعدادشان نیز افزایش یافت و سلاح ها و سازمانشان گسترش پیدا کرد.» (۱) .

در ادامه ی تغییر و تحولات جدید، طراحی و اجرای عملیات ثامن الائمه با هدف شکستن حصر آبادان، نقطه ی عطفی در به آزمون گذاشتن دکترین جدید بود. پیروزی یا شکست در این عملیات می توانست به تغییر در عرصه ی سیاسی - نظامی کشور و خروج از روند جنگ فرسایشی منجر شود.

پیروزی نسبتا سریع در عملیات ثامن الائمه، در اوضاعی که تصور می شد پس از حذف بنی صدر ایران در بحران سیاسی و بن بست نظامی است بسیار مهم بود. (۲) چنان که کردزمن در کتاب خود می نویسد:: «هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه بر این پیروزی دست یافتند؟» (۳) وی در ضمن اینکه به اجرای عملیات در شب و استفاده از شکاف های موجود در مواضع عراقی ها اشاره می کند از ترکیب جدید نیروهای ایران، هماهنگی آنها در پیشروی و استفاده از موقعیت و امکانات خود و از فنون و روش های ترکیبی نیز نام می برد. (۴) .

سردار غلامعلی رشید در تجزیه و تحلیل عملیات ثامن الائمه، در جمع فرماندهان سپاه، می گوید:

«بنا به تجربیات قبلی، در طراحی این عملیات چند فاکتور در نظر گرفته شد. اول، تهاجم یکپارچه و همه جانبه در کل محورها؛ دوم، حمله شبانه؛ سوم، قیچی کردن دشمن در دوپل؛ چهارم: تک پشتیبانی تا حدودی فریبنده از محور خرمشهر... باید اذعان داشت که از دشمن سازمان آماده ای برای مقابله با چنین تهاجمی را نداشت.» (۵) .

۱- ۱۹۷. مأخذ ۴۸، ص ۶۹.

۲- ۱۹۸. کردزمن بر این نظر است که ایران پس از برکناری بنی صدر در ژوئن ۱۹۸۱ به صورت بهتر عمل کرد. و مشکلات فرماندهی در داخل ارتش ایران را کاهش داد. (درسهایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ص ۴۵۸ و ۴۶۴).

۳- ۱۹۹. مأخذ ۵۸ ص ۱۴۶.

۴- ۲۰۰. همان، ص ۱۴۵ و ۱۴۶.

۵- ۲۰۱. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه تاریخ جنگ، سال سوم، زمستان ۷۳، گزارش جلسه ۷ / ۷ / ۱۳۶۰، ص ۴۳.

پیروزی در عملیات ثامن الائمه و به دست گیری ابتکار عمل در جنگ (۱) اولین علامت روشن و بارز کارآمدی نظام اسلامی (۲) بود. (۳) و از جمله پیامدهای سیاسی آن، پیام صدام بود که به نوشته ی آقای هاشمی رفسنجانی یاسر عرفات در مسکو به سفیر ما اعلام کرد: «صدام حاضر است پس از آتش بس، ظرف ۴۸ ساعت بیرون برود.» و چند شرط گفته که پذیرفتنی نیست. (۴) به نظر می رسد با توجه به تلاش هایی که پیش از این برای شکستن محاصره آبادان انجام شد و به نتیجه نرسید از نظر عراق پیروزی در این عملیات به منزله آغاز دوره ای جدید بود به همین دلیل، از طریق یاسر عرفات به ایران پیام دادند.

امام که پیش از این مدت ها بود خطاب به ملت و ارتش عراق هیچ گونه پیامی ارسال نکرده بودند با این پیروزی پیام دادند که: «ارتش عراق چرا نشسته؟» و سپس تأکید کردند: «ارتش عراق، ملت عراق، به پا خیزید و این تفاله ها را بیرون ریزید.» (۵) بارقه های امید به پیروزی با شکستن محاصره آبادان مجددا به وجود آمد. چنان که آقای هاشمی نیز در دفتر خاطرات خود می نویسد: «باید با پیروزی به جنگ خاتمه بدهیم» (۶) بر پایه ی همین ملاحظات، استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی با طراحی سلسله عملیات کربلا تدوین شد. (۷) .

پس از عملیات ثامن الائمه امام خمینی سرهنگ صیاد شیرازی را به فرماندهی نیروی زمینی ارتش و آقای محسن رضایی را به فرماندهی کل سپاه منصوب کردند. این امر به هماهنگی ارتش و سپاه در تمام زمینه ها و همچنین تشکیل دو تیم طرح ریزی عملیات در سپاه و ارتش برای طراحی عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی انجامید و زمینه تدوین استراتژی

۱- ۲۰۲. محسن رضایی، ضبط برنامه تلویزیونی «سجاده آتش»، شبکه اول، زمستان ۷۷.

۲- ۲۰۳. دکتر روحانی طرح پرسش می کند: «اگر امام در این جنگ به جای فرمان حمله و مقاومت به سازمان های بین المللی تکیه می کرد و دشمن در خاک ما باقی می ماند آیا مشروعیت این نظام در اذهان و افکار عمومی ما زیر سؤال قرار نمی گرفت؟» و لذا وی معتقد است آزادسازی با این روش نشان دهنده ی کارآمدی نظام و افزایش مشروعیت بود.

۳- ۲۰۴. حسن روحانی، سخنرانی در گردهمایی سراسری ائمه جمعه کشور، فصل نامه راهبرد، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۷۹، ص ۱۵.

۴- ۲۰۵. مأخذ ۱۱۷، ص ۳۴۱، اول آبان ۱۳۶۰.

۵- ۲۰۶. صحیفه نور، جلد ۱۵ ص ۱۸۴ بیانات امام خمینی، ۱۷ / ۷ / ۱۳۶۰.

۶- ۲۰۷. مأخذ ۱۱۷، ص ۱۵، ۳۵۹ آبان ۱۳۹۰.

۷- ۲۰۸. مأخذ ۱۰۳.

جدید و سپس آزادسازی مناطق اشغالی فراهم شد. چنان که عملیات «طریق القدس» در منطقه ی بستان اولین عملیات از سلسله طرح های کربلا بود که قوای نظامی ایران با اجرای آن در منطقه ی جنوب به مرزهای بین المللی دست یافتند و میان سپاه سوم و چهارم عراق شکاف ایجاد شد. چنین تحول نظامیی در جبهه های جنگ بسیار مهم و چشم اندازی جدید برای انهدام قوای نظامی عراق و بیرون راندن آنها از مناطق اشغالی بود. امام بر اساس درکی که از اوضاع جدید داشتند در پیامی از قوای مسلح و قوای مردمی خواستند با ادامه فعالیت در جبهه ها به «آنها مهلت ندهند که منسجم کنند خودشان را و از طرف جاهای دیگر و قدرت های دیگر به آنها کمک برسانند، مجال به آنها ندهند.» (۱) امام همچنین خطاب به مردم ایران فرمودند: «جوانان پشت جبهه توجه کنند که باید فعالیت کنند و باید داوطلبانه به این جنگ و این مسئله را زود حلش کنند.» (۲) .

تحول در وضعیت سیاسی کشور و در جبهه های جنگ بر یکدیگر اثر گذاشت و با پیشروی در جبهه های جنگ بر امیدواری ها افزوده می شد و همین امر به افزایش حضور نیروهای مردمی و داوطلب در پشتیبانی از جنگ برای حل این معضل منجر شد. در این مرحله، اولین طلیعه حضور نسبتا گسترده نیروهای مردمی و گسترش سازمان سپاه برای جذب و سازماندهی آنها، در عملیات طریق القدس آغاز شد. ویژگی دیگر این عملیات همانگونه که از نام آن برمی آید تأثیر پیروزی های نظامی بر تحولات سیاسی - نظامی در خاورمیانه بود. و این روند رو به گسترش بود و پس از فتح خرمشهر به حضور نیروهای ایران در خط مقدم درگیری با نیروهای اسرائیل در سوریه و لبنان منجر شد.

با تثبیت اوضاع سیاسی داخلی، روش رویارویی با مخالفان داخلی نیز تغییر کرد. آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود در این زمینه می نویسد:

«اول شب در دفتر آقای خامنه ای با مسئولان قضایی و اجرایی و اطلاعاتی جلسه داشتیم که تا ساعت یازده ونیم شب طول کشید. بحث درباره ی کیفیت برخورد با

۱- ۲۰۹. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۲۶۵ بیانات امام خمینی، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۰.

۲- ۲۱۰. همان.

مخالفان جمهوری اسلامی بود. قرار شد شدت عمل فقط در مورد تروریست ها (مجاهدین، پیکار، چریک های فدایی خلق، رنجبران، کودتاچیان خلق مسلمان، کومله و دمکرات) باشد. در مورد سایر مخالفان، آزادی باشد و متعرضشان نشویم مگر در صورتی که با تروریست ها همکاری کنند و ضابطه ای برای بازداشت ها و مسئولان بازداشت باشد که خودسری نشود. قرار شد بر اساس این تصمیم، پرونده بازداشت ها رسیدگی شود و آنها که مستحق آزادی اند، آزاد شوند.» (۱) .

این تصمیم نشانه عبور از بحران بود و تدریجا فضای سیاسی - روانی و امنیتی نیمه اول ۱۳۶۰ بویژه حوادث ۷ تیر و ۸ شهریور پشت سر نهاده شد و در اجرای قانون و ایجاد نوعی توافق حاصل شد. (۲) امام نیز بر همین اساس از ناکامی ضدانقلاب در براندازی نظام سخن گفتند:

«خواب های شیرینی که مخالفان داخلی و پشتوانه های خارجی آنان دیده بودند و رؤیاهای امیدبخشی که کاخ طلایی برایشان بنا نموده بود، یکی پس از دیگری با همت والای ملت عظیم الشأن و جوانان برومند اسلام فروریخت. این کوردلان که از نصرت خداوند غافل بود و وعده های الهی را نمی توانند باور کنند و انقلاب اسلامی را چون سایر انقلابات بلکه ناچیزتر می دانستند و با دید مادی و محاسبات غلط به این پدیده الهی می نگرند و از ارزش های انسانی و حجم قدرت ایمان و تحولی که به خواست خداوند قادر در ملت انقلابی ایران پیدا شده خبری ندارند و ارزشها را با دیده های مادی خود خلاصه در سلطه جویی و استضعاف ملت های زیر ستم می کنند، ناچار گرفتاری های پس از انقلاب ایران و توطئه های همه جانبه قدرت های بزرگ و کوچک آنان را به این نتیجه رسانده بود که جمهوری اسلامی پس از چند ماه سرنگون خواهد شد و امریکا با عوامل داخلی خود بر اریکه قدرت خواهد نشست و درست این انگیزه بود که گروهک های داخلی و عوامل جهانخواران خارجی مثل صدام را به مقابله با اسلام و جمهوری اسلامی بر انگیخت.» (۳) .

صدام به دنبال پیشنهاد صلح پس از عملیات ثامن الائمه مجددا پس از

۱- ۲۱۱. مأخذ ۱۱۷، ص ۴۲۵، خاطرات ۷ / ۱۰ / ۱۳۶۰.

۲- ۲۱۲. همان، ص ۴۲۷، خاطرات ۹ / ۱۰ / ۱۳۶۰.

۳- ۲۱۳. صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۴۵، پیام امام خمینی ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

عملیات طریق القدس پیشنهادهایی را ارائه کرد. امام در پاسخ وی گفتند:

«صدام مدعی است که من صلح طلبم، سرتاسر کشور در جنوب و غرب را غصب کرده و می گوید من صلح طلبم، به این معنا اسرائیل هم صلح طلب است.»

ایشان اضافه کردند:

«ایران الان می گوید که صدام برود بیرون از اینجا و یک دستگاهی بین المللی بیاید و رسیدگی کند به جرم او و به خیانت او. ما با دولت عراق، با ملت عراق جنگی نداشتیم، آنها به ما هجمه آوردند.» (۱) .

امام مجددا مدتی بعد تأکید کردند:

«ما حرفمان از روز اول تا حالا و بعدها معلوم است (۲) ما جنایتکار را که در کشورمان هست می گوییم باید برود.» (۳) .

در حالی که تحولات نظامی به سود ایران بود امام همچنان بر ضرورت عقب نشینی دشمن از مناطق اشغالی تأکید می کردند. ولی عراقی ها نمی توانستند تصمیم بگیرند؛ زیرا تصور می کردند روند کنونی مهارشدنی است. در حالی که ایران اطمینان یافته بود که ناتوانی نیروهای عراقی نمی گذارد چون گذشته جنگ را ادامه دهند. (۴) .

در ادامه استراتژی آزادسازی، اجرای عملیات فتح المبین در منطقه غرب رودخانه ی کرخه و نتایج آن برای عراق و حامیان منطقه ای و بین المللی این کشور و همچنین برای ایران نقش تعیین کننده ای داشت. بسیاری از دلایلی که عراقی ها در توجیه شکست خود در عملیات ثامن الائمه و عملیات طریق القدس بیان می کردند در این عملیات وجود نداشت و عملا نوعی رویارویی گسترده در منطقه ای وسیع میان نیروهای دو کشور به وجود آمد، که نتایج آن سرنوشت ساز بود. در این مرحله قدرت فرماندهی و هدایت

۱- ۲۱۴. همان، ص ۴۰ بیانات امام خمینی، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۰.
۲- ۲۱۵. امام چند روز بعد و در آستانه ی عملیات فتح المبین درباره ی شرایط ایران برای خاتمه دادن به جنگ فرمودند: «ایران می گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم هایی که کردید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید جبران نشود و حکم به جبران نشود صلح معنا ندارد.» (صحیفه نور جلد ۱۶، ص ۷۶).
۳- ۲۱۶. همان، ص ۶۸، بیانات امام خمینی، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۰.
۴- ۲۱۷. دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۰، جلد اول، بهار ۱۳۷۶، ص ۵۸۷، خطبه دوم ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

عملیات نظامی ایران و میزان قدرت دفاعی عراق در عملیات ترکیبی به آزمون گذاشته شد. شکست در این عملیات می توانست توازن و تعادل روحی نیروهای عراقی را که در عملیات های قبل تغییر کرده بود، بکلی تخریب و از میان ببرد و متقابلا برتری سیاسی - نظامی ایران را بر عراق و حامیانش تحمیل و تثبیت نماید.

عملیات فتح المبین در آغاز سال ۱۳۶۱ با حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه ای وسیع شروع شد. (۱) و در هشت روز قوای نظامی ایران به همه اهداف خود رسیدند و ۲۵ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته یا زخمی شدند و ۱۷ هزار نفر به اسارت درآمدند. تجهیزات زیادی از دشمن منهدم و آنچه به غنیمت گرفته شد بسیار بود به همین دلیل، در مرحله ی جدید عملیات فتح المبین برجسته ترین پیروزی نظامی ایران بود و خفت بارترین شکست را بنا به ارزیابی کارشناسان بر عراقی ها تحمیل کرد. (۲) .

آقای هاشمی این عملیات را ارزیابی و به نکاتی اشاره کرد که مهم بود. ایشان در خطبه ای اعلام کرد:

«این فتح نشان داد و این اطمینان را به ما بخشید که عراق دیگر نمی تواند دفاع بکند. این جریان نشان داد که از این پس ابتکار عمل به دست نیروهای ماست.» (۳) .

روش جدید در جنگ موضوعی بود که ایشان در همین خطبه به آن اشاره و بر این نکته تأکید کرد که: «ما به شیوه ای می جنگیم که ویژه خود ماست» و گفت:«کشور کوچکی مثل سوریه می تواند (با این روش) به تنهایی اسرائیل را از پا در آورد.» به این ترتیب، تجربیات نظامی ایران نیز بر تحولات سیاسی - نظامی خاورمیانه تأثیر گذاشت. (۴) .

نتایج و بازتاب عملیات فتح المبین بیان کننده ی وقوع تحولی اساسی در جنگ و در واقع نشان دهنده ی تغییر ماهیت جنگ بود. در حالی که عراقی ها تصور می کردند جمهوری اسلامی بر حل و فصل مسائل اساسی کشور از

۱- ۲۱۸. مأخذ ۱۰۳.

۲- ۲۱۹. محمد درودیان، «جنگ بازیابی ثبات»، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹.

۳- ۲۲۰. دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه های نماز جمعه سال ۱۳۶۱، جلد دوم بهار ۱۳۷۶، ص ۲۹، خطبه دوم ۶ / ۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۲۱. همان، ص ۳۱.

جمله مسائل سیاسی و نظامی قادر نیست، (۱) تـداوم عملیات های نظامی ایران تصور و درک عراقی ها و سایر ناظران و تحلیل گران را متأثر کرد. (۲) تحلیل کردزمن از این وضعیت بر پایه ارزیابی تحولات نظامی و وضعیت نامطلوب عراق، مهم است:

«از ۲۲ مارس تا ۲۴ مه (۲ فروردین تا ۳ خرداد) در یک برهه دو ماهه، عراق بیش از ۵۵۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی را از دســت داد و بیش از ۳۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ کشته یـا زخمی و ۲۵۰۰۰ اسیر متحمـل گردیـد. طی این مـدت همچنین بیش از ۲۰۰ دستگاه تانک، ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ دستگاه خودروی زرهی، چند صد قبضه توپ و مقدار معتنابهی مهمات و تدارکات ارتش عراق منهدم شده یا به دست نیروهای ایران افتاده بود.» (۳) .

نتایـج حاصـل از تحولـات جدیـد در عملیـات هـای نظامی، بویژه عملیات فتـح المبین، عراقی ها را به این باور رسانـد که قوای نظامی ایران می تواننـد شـکست اساسـی بر نیروهای عراق وارد سازند. بنابراین شـکست عراقی ها در عملیات فتح المبین به در هم شکسـتن تصورات و ذهنیت آنها منجر شد. در واقع، عراقی ها از درون شکست خوردند و تعادل روحی - روانی خود را از دست دادند. صدام که بیش از این استقرار در مناطق اشغالی و «حقوق اضافی» سخن می گفت پس از شکست در عملیات فتح المبین برای ایجاد انگیزه در نیروهای عراقی و مقاومت در برابر قوای نظامی ایران می گوید:

۱- ۲۲۲. بنـابر گزارش نهمین کنگره حزب بعث، صـدام در ژانـویه ۱۹۸۱ (دی مـاه ۱۳۶۰) خطـاب به نظامیـان عراق درباره ی تصورات خود از وضعیت ایران می گوید: «... به ثبوت رسید که موج خمینیزم جز چند ماهی شکوفایی نداشته و پس از آن در تناقضات فکری و اجرایی غوطه ور گردیـده، اختلافات و گروه بنـدی های تنـد کالبـد آن رژیم را خورده، رژیم خمینی بـدون اینکه بتوانـد هیـچ راه حل چشـمگیری برای هیچ کدام از مشـکلات اساسـی ایران مانند مشـکلات سیاسـی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی ارائه کند، ویرانگری و نابودی و مرگ را که در سراسـر ایران ترویج داده و خود قدم به قدم به سـرنوشت اصلی خود که نابودی است نزدیک و نزدیکتر می گردد.».

۲- ۲۲۳. احمد زبیری سرهنگ سابق ارتش عراق در مقاله ای با عنوان «پیرامون جنگ خلیج فارس در ابعاد نظامی» در روزنامه السفیر می نویسد: «آنان گمان می کردند که ایرانی ها قدرت انجام حمله ای گسترده را ندارند اما ناگهان حمله ای گسترده از سوی ایران در ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۱ با حمایت آتش توپخانه انجام شد و با بد شدن اوضاع نیروهای عراقی، ایران ابتکار عمل را به دست گرفت.» (روزنامه السفیر، ۲۰ / ۱۱ / ۱۹۸۹ (۲۹ / ۸ / ۱۳۶۸)، ترجمه ی سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۵، ص ۵).

۳- ۲۲۴. مأخذ ۵۸، ص ۱۶۴.

«شما باید سرزمین ایرانی ها را ترک نکنید، مگر با اخذ ضمانتی مبنی بر اینکه شهرهای عراق را بمباران و ویران نکند.» (۱) .

اظهارات صدام بدین معنی بود که دامنه نگرانی های عراق از آسیب پذیری و انهدام قوای نظامی عراق در مناطق اشغالی به «انهدام شهرهای عراق» متوجه شده است. بازتاب این تحول مهم بود چنان که سناتور هنری جکسون در تلویزیون سی.بی.اس امریکا درباره از دست رفتن تأسیسات و میادین نفتی در خلیج فارس هشدار داد و گفت:

«ممکن است یک روز از خواب بیدار شویم و این تأسیسات حیاتی را نابود شده بیابیم. من فکر می کنم این بزرگترین تهدید فوری است ما باید نیروی لازم که بتواند چنین حرکتی را بازدارد، داشته باشیم.» (۲) .

بر پایه همین ملاحظات عبدالحلیم ابوغزاله، وزیر وقت دفاع مصر، به امریکا سفر کرد و در ملاقات با الکساندر هیگ، وزیر خارجه، و گاسپار واینبرگر، وزیر دفاع امریکا، گفت: «در صورتی که امنیت عراق تهدید شود، مصر به نفع این کشور وارد جنگ خواهد شد.» (۳) همچنین وزیر دفاع رژیم سعودی به عراق رفت و با صدام ملاقات کرد. امرای کویت، بحرین و قطر تلفنی با صدام تماس گرفتند و نگرانی خود را از پیروزی های ایران اعلام داشتند و شاه حسین، پادشاه اردن، به بغداد رفت و با صدام گفت و گو کرد. روزنامه ی الرای العام، چاپ کویت، پیشنهاد کرد:

«اعراب باید این جنگ را به جنگ اعراب با ایران تبدیل کنند و در تمامی جبهه ها از عراق حمایت کنند تا ایران در مقابل دیوار بلند غیرقابل عبور اعراب قرار گیرد.» (۴) .

با پیدایش وضعیت جدید تصور توانایی عراق و ناتوانی ایران بتدریج دگرگون شد و نظریه ی جدیدی مبنی بر احتمال پیروزی ایران و شکست عراق ظهور کرد و تحلیل های جدیدی با نقل قول از دیپلمات های خارجی و ناظران سیاسی مبنی بر «اشتباه پیش بینی ها درباره ی ایران» (۵) انتشار یافت. در این تحلیل ها به غلط بودن پیش بینی درباره ی سقوط شاه، احتمال تجزیه ایران یا غلبه بر گروه های

۱- ۲۲۵. مأخذ ۳۶، ص ۱۵۷، ۲۳ / ۱ / ۶۱.

۲- ۲۲۶. مأخذ ۱۶۷، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

۳- ۲۲۷. مأخذ ۱۶۷، ص ۷۴ و ۷۵ (اخبار فروردین ۶۱ در مقدمه کتاب).

۴- ۲۲۸. همان.

۵- ۲۲۹. علیرضا لطف الله زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰ عبور از مرز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۲۵، روزنامه اینترنشنال هرالدتریبون، چاپ پاریس، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

سیاسی اشاره شد و در مورد نتایج جنگ عراق با ایران آمده است:

«بسیاری از تحلیل گران پیش بینی می کردند که ایران به اصطلاح منزوی، با ارتش تصفیه شده خیلی آسان در برابر حمله ی عراق در سپتامبر ۱۹۸۰ (شهریور ۱۳۵۹) از پای درخواهد آمد.[در آن زمان]این سؤال مطرح بود که در صورت نفوذ هر چه بیشتر نیروهای عراق به داخل خاک ایران، وفاداری ملت و ارتش به نظام چگونه خواهد بود؟ که نابودی ارتش و عراق و اسارت نیروهای این کشور و تصرف سرزمین های اشغالی باعث بطلان این تحلیل شد.» (۱) .

مسئله مهم مواضع و رفتار جدید امریکایی ها بود که پیش از این، عراقی ها را به لحاظ نظامی برتر و ایران را از نظر سیاسی بی ثبات و شکننده ارزیابی می کردند ولی با پیروزی ایران در عملیات فتح المبین روزنامه ی واشنگتن پست به نقل از متخصصان امریکایی نوشت: «نیروهای نظامی ایران جریان جنگ را تغییر داده اند.» (۲) و لوس آنجلس تایمز نیز در تحلیلی به نقل از ناظران نظامی با اعتراف به برتری نظامی نیروهای ایران بر عراق، نوشت: «ایران به میزان قابل ملاحظه ای به اوضاع داخلی نظم و ثبات بخشیده است.» (۳) .

رادیو اسرائیل نیز اشاره می کند به اینکه مطلوب امریکا این است که جنگ بدون پیروزی یکی از طرفین خاتمه یابد و اینکه:«ایران در صورت پیروزی در جنگ، برای صدور انقلاب گستاخ تر خواهدشد.» (۴) .

بر همین اساس امریکا نگرانی خود را از احتمال پیروزی ایران بر عراق و در نتیجه، توسعه انقلاب ایران در خاورمیانه و به مخاطره افکندن منافع غرب در منطقه و امنیت و ثبات رژیم های میانه رو اعلام کرد. چنان که روزنامه ی نیویورک تایمز، چاپ امریکا، نوشت: «الکساندر هیگ، وزیر خارجه پیشین امریکا، در ماه گذشته گفته بود که این خطر هست که جنگ به کشورهای همسایه ایران کشیده شود و گرچه امریکا در جنگ بین ایران و عراق سیاست بی طرفی اتخاذ کرده است نسبت به نتایج نهائی جنگ بی تفاوت نیست. هیگ در آن زمان به ایران هشدار داده بود که امریکا منافع و دوستانی دارد که در موقع خطر از آنان حمایت خواهد کرد وی گفته بود که ادامه ی جنگ ایران و عراق برای امنیت

۱- ۲۳۰. همان.

۲- ۲۳۱. مأخذ ۱۶۶، ص ۲۱۳.

۳- ۲۳۲. همان.

۴- ۲۳۳. همان.

منطقه ی خاورمیانه و همچنین برای منافع غرب در حفظ انتقال منظم نفت خلیج فارس عواقب وخیمی خواهد داشت و امریکا نقش مؤثرتر و فعال تری را برای پایان دادن به جنگ بازی خواهد کرد.» همچنین واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، طی سفر به عمان و بازدید از پایگاه امریکا و انعقاد قراردادهای جدید فروش سلاح، از تغییر سیاست امریکا در خاورمیانه سخن گفت. وی به این موضوع اشاره کرد که پیش از این، سیاست امریکا حفظ دولت های دوست در برابر خطر شوروی بود ولی پس از ترور انور سادات و بروز ناآرامی در بحرین و پیروزی های اخیر ایران، وزارت دفاع به این نتیجه رسیده است که آنچه ادامه ی انتقال نفت خاورمیانه به غرب را تهدید می کند، خطر منطقه ای است نه خارجی. (۱) روزنامه ی الخلیج نیز با توجه به اظهارات سخنگوی وزارت خارجه امریکا و تغییر سیاست خاورمیانه ای امریکا نوشت: «به عقیده امریکا پیروزی ایران در جنگ باعث محکم تر شدن مواضع دولت ایران شده است و استقرار امنیت در منطقه را مختل خواهد کرد.» (۲) به موازات همین اظهارات و تحلیل ها تحرکات دیپلماتیک در سطح منطقه افزایش یافت.

واکنش های جدید به پیروزی های ایران موجب بروز نگرانی هایی در داخل کشور شد. در حالی که تخلیه اسیران عملیات فتح المبین همچنان ادامه داشت، شایعه فرار صدام افزایش یافت و این باور و تصور پیدا شد که با ادامه ی عملیات های نظامی این شایعه تحقق خواهد یافت. حتی وضعیت صدام با روزهای آخر حکومت شاه مقایسه شد. (۳) .

در واکنش به تحرکات دیپلماتیک در سطح منطقه آقای هاشمی در نماز جمعه تهران از «توطئه» نام برد و گفت:

«نماینده ی امریکا در منطقه چه می خواهد؟ شاه اردن که به کویت مسافرت می کند و حرکت هایی را انجام می دهد، چه می خواهد؟» (۴) .

ایشان همچنین معتقد بود که میان تحرکات اسرائیل علیه لبنان با پیروزیهای ایران به نوعی پیوستگی وجود دارد و بعدها با حمله اسرائیل به جنوب لبنان به این موضوع بیشتر توجه شد و حتی عملیات فتح خرمشهر

۱- ۲۳۴. همان، ص ۲۱۴.

۲- ۲۳۵. همان، ص ۲۱۵.

۳- ۲۳۶. مأخذ ۱۶۷، ص ۱۷۲، خطبه دوم، ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۳۷. همان، ص ۹۲ و۹۳، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۱.

که «بیت المقدس» نام گذاری شد بر اساس همین ملاحظات بود.

آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه با تأکید مجدد بر خواسته های ایران اعلام کرد:

«ما نمی خواهیم وارد خاک عراق بشویم و نمی خواهیم بدین نحو حق خود را بگیریم. حق ما را بدهند خسارات این ملت را جبران کنند. آوارگان عراق که ۱۰۰ هزار نفرند و از دار و ندارشان جدا شده اند، به خانه هایشان برگردند و عراقی ها هم بدون زحمت از خاک ما خارج شوند، در این صورت جنگ تمام است.» (۱) .

عراقی ها که با شکست های سختی روبه رو شده بودند پس از عملیات فتح المبین و تحمل تلفات بزرگ (۲) تمامی قوای نظامی خود را برای حفظ خرمشهر متمرکز کردند و حتی صدام برای دفاع از خرمشهر به فرماندهان ارتش عراق دستوراتی را ابلاغ کرد و معاون خود عزت الدوری و بعضی از اعضای فرماندهی کشوری را برای بررسی وضعیت و آگاهی از نظرهای آنان درباره ی نبرد آینده ی خرمشهر به سپاه سوم اعزام کرد. (۳) اقدامات عراق بر اساس سخنانی بود که صدام در مجلس ملی این کشور اعلام کرد:

«در حال حاضر هدف اساسی ما این است که از ورود نیروهای مسلح ایران به قلمرو خاک عراق جلوگیری کنیم.» (۴) .

با تغییر اوضاع جنگ و به تبع آن تغییر وضعیت بین المللی و فضای تبلیغاتی و مهمتر از آن افزایش تجاوزات اسرائیل و احتمال حمله به لبنان، ایران مواضعی را اعلام و دنبال کرد که بر تحولات بعدی جنگ تأثیرات بسیاری گذاشت.

۱- ایران اعلام کرد که اگر بین عملیات ها فاصله ایی هست برای اتمام حجت است تا صدام و حامیانش برای تأمین خواسته ها و حقوق ایران فرصت تصمیم گیری داشته باشند. (۵) .

۲- بر این موضوع تأکید شد که آینده ی عراق متعلق به مردم آن است و ایران می کوشد تا به مردم عراق کمک کند تا بر سرنوشت خود حاکم شوند و به تلاش قدرت ها برای بهره برداری از اوضاع هشدار داده است. (۶) .

۱- ۲۳۸. همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳، خطبه دوم ۳ / ۲ / ۱۳۶۱.
۲- ۲۳۹. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، فصلنامه نگین، ایران، شماره اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۱۲۹، به نقل از یکی از فرماندهان اسیر عراقی، گزارش عملیات بیت المقدس، سند ۱۴۳۶۹۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۳- ۲۴۰. همان، ص ۱۳۵.
۴- ۲۴۱. مأخذ ۱۶۶، ص ۲۱۶.
۵- ۲۴۲. حزب جمهوری اسلامی، خطبه ها و جمعه ها جلد چهارم، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۸۹، خطبه دوم، ۳ / ۲ / ۱۳۶۱.
۶- ۲۴۳. مأخذ ۱۶۷، ص ۲۹ و ۳۰.

۳- ایران هشدار داد اجتناب از ورود به خاک عراق در شرایطی خواهد بود که به خواسته های ایران توجه شود. در غیر این صورت ایران خود را محدود نخواهد کرد. (۱) .

۴- با تأثیرپذیری مردم فلسطین از حرکت انقلاب اسلامی، وزیر خارجه ایران اعلام کرد: «ایران بلافاصله بعد از شکست عراق به یاری مردم فلسطین خواهد شتافت.» (۲) آقای هاشمی نیز در نماز جمعه حرکت های اسرائیل را برای فریب ایران از جنگ با عراق ارزیابی و اعلام کرد امریکا سعی نکند که ما را از ادامه جنگ منصرف کند ما اگر لازم باشد در دو جبهه بجنگیم می جنگیم و این جنگ را رها نمی کنیم. (۳) .

فتح خرمشهر

عملیات بیت المقدس در ادامه ی سلسله عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی طراحی و اجرا شد (۴) ولی به دلایلی می توان آن را جدا از عملیات های پیشین و در عین حال آن را آغازی برای مرحله ی جدید و عملیاتی سرنوشت ساز نامید و بررسی کرد. وجه تمایز عملیات فتح خرمشهر از سلسله عملیات های گذشته و آینده در این موضوع نهفته است که با این پیروزی بزرگ تحولی استراتژیک در روند جنگ به وجود آمد. زیرا با فتح خرمشهر دوره ی تجاوز و اشغال پایان یافت و جنگ به داخل خاک عراق کشانده شد. وضعیت استراتژیک جنگ بر پایه ی تغییر موازنه نظامی و موقعیت طرفین و اهداف جنگ، دگرگون شد. در مرحله ی قبل، عراق به براندازی و تضعیف نظام انقلابی تازه تأسیس ایران و تجزیه این کشور می اندیشید حال آنکه در مرحله ی جدید با ناکامی و شکست عراق به سقوط صدام و تأمین خواسته های ایران توجه می شد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که پیامدهای فتح خرمشهر بسیار بااهمیت بود.

عملیات فتح خرمشهر در اوضاع خاص سیاسی - نظامی و منطقه ای با این هدف طراحی و اجرا شد که علاوه بر آزادسازی مناطق اشغالی، بویژه شهر

۱- ۲۴۴. مأخذ ۱۸۷، ص ۱۸۹ و ۱۹۰، ۶ / ۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۲۴۵. مأخذ ۱۶۷، ص ۷۵، رخدادهای سیاسی در مقدمه کتاب سخنان ولایتی در فروردین ۱۳۶۱، در اجلاس غیرمتعهدها.

۳- ۲۴۶. نک: «خونین شهر تا خرمشهر» و «جنگ، بازیابی ثبات»، محمد درودیان.

۴- ۲۴۷. نک: «خونین شهر تا خرمشهر» و «جنگ، بازیابی ثبات»، محمد درودیان.

خرمشهر و انهدام بخش وسیعی از قوای دشمن، زمینه ی ورود نیروهای ایران به داخل خاک عراق، در منطقه شرق بصره فراهم شود. (۱) این امر اساسی در طراحی عملیات، بویژه مأموریت قرارگاه فتح پیش بینی شده بود. بعدها فرمانده کل سپاه در سخنانی درباره ی هدف عملیات بیت المقدس گفت:

«هدف اصلی ما در عملیات بیت المقدس، عبور از مرز و پیشروی به سمت بصره بود و می خواستیم از این طریق خرمشهر را آزاد کنیم، اما زمانی که می خواستیم نیروهای خود را به سمت بصره بفرستیم، با آرایش نیروهای دشمن در مرز مواجه شدیم که با کمک لشکرهای ۵ و ۶ مانع حرکت ما به سمت بصره شدند. لذا ما بناچار به سمت آزادسازی خرمشهر رفتیم. لذا از همان اول، ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر یا همزمان با آن (بلکه قبل از آن) در دستور کار بود اما به دلیل فرسودگی نیروهای ما طی یک ماه نبرد بی امان و لزوم تجدید سازمان آنها چاره ای جز چشم پوشی از تصرف بصره نداشتیم.» (۲) .

توضیحات سردار رضایی به این معنا است که ایران از ابتدا به لحاظ سیاسی و نظامی به ادامه ی جنگ در خاک عراق و تصرف بصره که منطقه ای استراتژیک است، اهتمام داشته و حتی در طرح ریزی عملیات نیز بدان توجه شده است (۳) ولی برخی ملاحظات نظامی و آمادگی و سازماندهی نداشتن

---

۱ – ۲۴۸. چنان که آقای محسن رضایی در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۶۱ و در آستانه ی طرح ریزی عملیات رمضان در جمع فرماندهان سپاه درباره تدبیر امام در مورد ورود به داخل خاک عراق می گوید: «حدود دو، سه ماه پیش همزمان با طرح ریزی برای عملیات بیت المقدس خدمت امام رسیدیم و گفتیم که به منظور تأمین کامل امنیت کشور و دفع تجاوز باید علاوه بر آزادسازی مناطق اشغالی به خاک عراق نیز وارد شویم و دشمن را تحت فشار قرار دهیم، ولی امام فرمودند: «نه چه لزومی دارد؟» ما وقتی دلایل خود را به امام ارائه دادیم و گفتیم که اگر ما بخواهیم از کشور دفاع بکنیم، باید در جایی پدافند و دفاع کنیم که نیروهای ما هر روز نگران و مضطرب از حمله دشمن نباشند. امام فرمودند که اگر مطلب این طوری هست خوب این یک حرف درستی است و ما باید برای دفاع تا آن جایی که اطمینان هست، پیش برویم و در این مسیر هم تعدادی بکشیم و کشته بشویم هیچ مسئله ای نیست، اما نگرانی من برای این است که شما در جایی بروید که به دفاع و پدافند ارتباطی نداشته باشد.» (علی لطف الله زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰ (عبور از مرز)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶، گزارش روز ۲۱ / ۴ / ۶۱).

۲– ۲۴۹. ورود به داخل خاک عراق، ص ۹۲ و ۹۳.

۳– ۲۵۰. سردار غلامعلی رشید در مصاحبه اختصاصی می گوید: «بر اساس پیروزی در عملیات فتح المبین و در پاسخ به این سؤال که چرا به عملیات ادامه ندادید ما در طراحی عملیات بیت المقدس پیشروی بنا به دستور، در صورت فروپاشی اوضاع عراق، را در طراحی مورد توجه قرار دادیم.» (۱ / ۷ / ۱۳۷۸).

نیروهـای نظـامی ایران مـانع انجـام آن بـود. یکی از فرمانـدهان نظـامی عراق بعـدها ایران را به دلیـل توقـف در پشت مرزهـا و پیشروی نکردن در خاک عراق نقد می کند و می گوید:

«تردیـد در اتخاذ تصـمیمات متهورانه و قاطع در این نبرد به طور آشـکار مشاهده شد، چرا که می توانسـتند بعد از انهدام کامل نیروهای عراق، تصـمیمات متهورانه همراه با اقدام نظامی اتخاذ کنند. همچنین می توانسـتند ماشـین جنگی عراق را در شرایطی که وضـعیت نظامی از دست فرمانـدهی عراق خارج شده بود منهدم کنند؛ زیرا قادر بودند از آن شـرایط خوب و مناسبی که به دست آوردن آن در آینده مشکل بود استفاده کنند.» (۱) .

وی همچنین به نداشـتن نیروهـای تقویتی برای به کارگیری آن در اوضاعی مناسب، تحت عنوان درس های آموزنـده از اشـتباه های ایران اشاره می کند. (۲) .

در هر صورت، اگر منطقه ی شـرق بصـره با عملیات بیت المقدس تصـرف می شد قطعا علاوه بر اینکه اوضاع سیاسی - نظامی کاملاـ به سود ایران تغییر می کرد، امکـان تحقق خواسـته هـای ایران نیز فراهم می شـد. حال آنکه توقف قوای نظامی ایران در پشت مرزها سبب شد ایران با چالش های بزرگ سیاسی - نظامی برای تأمین خواسته های خود روبه رو شود. (۳) .

عملیات بیت المقدس در بامداد روز دهم اردیبهشت ۱۳۶۱ با رمز یا علی بن ابی طالب (ع) آغاز شـد. عملیات با چهار قرارگاه و با ترکیب نیروهای ارتش و سپاه و بسیج در چهار مرحله انجام شد و در سوم خرداد با فتح خرمشهر، رزمندگان اسلام، جشن پیروزی را در مسجد خرمشهر برگزار کردند. (۴) .

۱- ۲۵۱. مأخذ ۱۸۴، ص ۱۳۹.

۲- ۲۵۲. همان.

۳- ۲۵۳. ادامه جنگ پس از فتح خرمشـهر یا اتمام آن از نظر سیاسی - نظامی موجب بروز دیدگاه های متفاوتی شده است. بر اسـاس منطق نظامی دریادار حبیب اللهی فرمانـده نیروی دریایی در رژیم شاه در رادیو لنـدن می گویـد: «متأسـفانه وقتی خاک ایران از وجود دشـمن آزاد شد سـران رژیم ترجیح دادند که به ارتش اجازه ندهند وارد خاک عراق بشود. در حالی که الفبای اصول جنگ حکم می کند دشـمن شکست خورده را باید تعقیب کرد و نباید گذاشت که جان و سازمان پیدا کند.» (۳۱ / ۶ / ۷۳) در حالی که جفری کمپ از نظر سیاسـی معتقـد است ایران وقتی در جنگ پیروز شـد بایـد جنگ را تمام می کرد. لذا در مصـاحبه با روزنامه ی جامعه می گویـد: «هنوز تعجب زده هسـتم که چرا آیت الله خمینی تصـمیم به ادامه ی جنگی گرفت که در آن پیروز شده بود؟» (روزنامه جامعه، ۲۲ / ۱ / ۷۷، ص ۱۱).

۴- ۲۵۴. مأخذ ۱۶۶، ص ۲۲۵ تا ۲۲۸.

در این عملیات خساراتی به دشمن وارد شد و غنایمی به دست آمد و همچنین تعداد اسیران دشمن که بالغ بر ۱۹ هزار تن بود بسیار مهم و بیان کننده ی اضمحلال و انهدام بخش مهمی از قوای نظامی دشمن بود. آنچه در این عملیات حاصل شد و بازتاب آن (۱) بیان کننده تغییر ماهیت جنگ و ظهور وضعیت جدید در صحنه ی سیاسی ایران، صحنه نظامی جنگ ایران با عراق و در سطح منطقه بود.

احتمال تغییر رژیم عراق (۲) و کناره گیری صدام از قدرت (۳) و خطرات رژیم جدید در عراق برای اسرائیل و همچنین برای رژیم های محافظه کار عربستان و دیگر کشورهای حوزه ی خلیج فارس موضوعاتی بود که بدان برای نخستین بار توجه و درباره آن بحث و بررسی شد. (۴) روزنامه ی لوموند، چاپ فرانسه، نوشت:

«سقوط صدام آغاز شده است و این واقعیتی است که امریکا را به وحشت انداخته است. این حوادث نشان از ثبات انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دارد.» (۵) .

برخی از گزارش های داخلی عراق در تشدید جو احتمال سقوط صدام مؤثر بود. در عین حال، عزیز محمد، دبیر اول حزب کمونیست عراق، در ملاقات با کیانوری، دبیر حزب توده ایران، از تحولات جنگ ابراز خرسندی و اذعان کرد که: «هنوز وضع انفجاری و قیام مردمی علیه دولت صدام احساس نمی شود.» و اظهار امیدواری کرد با ضربه های دیگر زمینه برای سقوط صدام فراهم می شود.وی همچنین پیش بینی کرد امریکا و کشورهای منطقه به دنبال فرد مطمئن تر و ظاهرالصلاح تری به جای صدام هستند. (۶) .

بعدها کردزمن در کتاب خود درباره تحولات داخلی عراق نوشت:

«صدام حسین به نظر می رسد با ناآرامی هایی در دولت و نیروهای مسلح مواجه

۱- ۲۵۵. نک:«جنگ، بازیابی ثبات»، ص ۲۳۳ تا ۲۴۸.

۲- ۲۵۶. مأخذ ۳۶، رادیو ترکیه، ۲۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۵۷. همان، نیویورک تایمز، ۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۵۸. مأخذ ۱۷۴، ص ۲۸۶، گزارش ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه لوس آنجلس تایمز.

۵- ۲۵۹. همان، ص ۲۵۳، گزارش ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۲۶۰. نورالدین کیانوری، پرونده جلسه دوم، شماره ۴۸۰۲۹۸، ۲۶ / ۳ / ۱۳۶۲، ص ۱ تا ۳ - گزارش ملاقات با عزیز محمد.

بـوده است. در ۲۳ ژوئـن ۱۹۸۲ (۲ تیر ۱۳۶۱) وی شـورای فرمانـدهی انقلاـب را منحـل اعلاـم کرد و یـک گروه ۹ نفری را جایگزین اعضای ۱۷ نفری اولیه نمود. تعداد اعضای شورای حزب بعث نیز کاهش یافت و صدام حسـین بخشـی از افراد کابینه و افسـران عـالی رتبه ارتش را پاکسازی نمود. او ۱۲ تن از ژنرال هـا را به خـاطر عملکردشـان در جنگ و وزیر بهـداشت را به خاطر پیشنهاد اینکه صدام باید موقتا از قدرت کناره بگیرد اعدام کرد.» (۱) .

در این مرحله و در عرصه های مختلف مجموع مشـکلات و چالش هایی که عراق در برابر خود داشت و تدریجا پشت سر نهاد بسیار عمیق و گسترده بود. بعدها صدام در این باره گفت:

«سال ۱۹۸۲ برای ما سال خیلی دشواری بود، در آن سال از محمره (خرمشـهر) عقب نشینی (۲) کردیم و بوق و کرناهای ایران آهنگ اشـغال بصـره و اشـغال سـرزمین های عراق را سر می داد و رسانه های گروهی جهان همگی بر سر تسلیم عراق در قبال تهـاجم ایران سـخن می گفتنـد ولی اراده ی ما زیاد بود. شب و روز فعالیت و کار می کردیم. نیروهایمان را آموزش و افزایش می دادیم چون به مردم عراق اعتمـاد داشتیم. یـاری خـدا را می دیـدم و اطمینان داشتیم که خـدا پشتیبان ماست! علی رغم همه اینهـا تصـمیم گرفتیم فقـط از بغـداد دفاع کنیم چون با خود گفتیم بایستی به فکر آن لحظه بود که سـربازان ایرانی به پیش می تازنـد و به سوی بغـداد می آیند از این رو، تصـمیم گرفتیم و گارد ریاست جمهوری را فقط برای دفاع از بغداد بسـیج و آماده کردیم. بنا داشتیم گارد ریاست جمهوری را در اطراف شـهر بغـداد مسـتقر کنیم تا بتوانـد در خارج از پایتخت همراه با پرسـنل دیگر ارتش بـا دشـمن پیکـار کنـد.در آن موقع گـارد ریـاست جمهوری از یک هنگ پیاده و یک هنگ مکانیزه و یک یا دو گردان تانک تشکیل شده بود و بیش از این نبود.» (۳) .

با این توضیحات صدام از نظر امنیتی و نظامی در وضعیت نامطلوبی قرار

۱- ۲۶۱. مأخذ ۵۸، ص ۱۶۵.

۲- ۲۶۲. صدام به جای کلمه شکست از عقب نشینی استفاده کرده است.

۳- ۲۶۳. دبیرخانه موقت تبلیغات روانی نخست وزیری، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، بررسی تبلیغات عراق از فاو تا فاو، سال ۱۳۶۸، بر اساس سخنرانی های صدام، روزنامه یومیه الثوره، چاپ عراق، ۱۰۳ و ۱۰۴.

داشت و بیشتر برای حفظ بغداد در برابر تهاجمات ایران برنامه ریزی می کرد. بنابراین، نگرانی عراق، امریکا و سایر کشورهای منطقه از فروپاشی رژیم عراق تا اندازه ای طبیعی و کمتر تبلیغاتی بوده است.

کشورهای حاشیه ی خلیج فارس با تحقق نیافتن ادعای عراق مبنی بر پیروزی سریع و کامل انتظار داشتند ایران درگیر جنگ فرسایشی شود. (۱) لیکن با آشکار شدن ضعف و ناتوانی عراق و مهمتر از آن برتری ایران هراسان و نگران شدند. چنان که مجله ی تایم نوشت:

«در صورت پیروزی ایران بر عراق ممکن است شور و حرارت انقلاب اسلامی بسرعت در شیخ نشین های خلیج فارس و نیز استان نفت خیز شرقی عربستان نفوذ نماید.» (۲) .

کشورهای عرب حاشیه ی خلیج فارس همچنین به این ارزیابی رسیدند که ممکن است ایران از جنگ به منزله ابزاری برای تقویت انقلاب اسلامی استفاده کند. (۳) به همین دلیل، بزرگترین نگرانی حکام این کشورها جلوگیری از گسترش جنگ به قلمرو خود بود و همین آنها را به اتخاذ سیاست دفاعی مشترک ترغیب کرد؛ (۴) زیرا به نوشته ی نیویورک تایمز پیش بینی می کردند با مشکلات و مسائل جدی روبه رو خواهند شد. (۵) بر همین اساس اعضاء شورای همکاری خلیج فارس به ابتکار عربستان به برگزاری اجلاس فوق العاده اقدام کردند. بنابر اظهارات منابع مطلع، حتی کشورهای عرب عراق را برای عقب نشینی از خاک ایران و پایان دادن به جنگ تحت فشار قرار دادند و تهدید کردند در صورتی که عراق نیروهای خود را از خاک ایران خارج نکند کمک های مالی خود را که تا آن تاریخ بالغ بر ۲۲ میلیارد دلار بود (۶) قطع خواهند کرد. (۷) .

اجلاس اخیر شورا، علاوه بر اینکه به حفظ رژیم عراق و خاتمه دادن به

۱- ۲۶۴. جوزف ای - کشیشیان، «شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق»، گروه ترجمه فصلنامه نگین، فصلنامه نگین ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، شماره اول، تابستان ۱۳۸۱، ص ۸۳.

۲- ۲۶۵. مأخذ ۱۷۴، ص ۱۹۶، گزارش روز ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۶۶. مأخذ ۲۰۵.

۴- ۲۶۷. همان.

۵- ۲۶۸. مأخذ ۱۷۴، ص ۲۳۵، گزارش روز ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۲۶۹. در برخی گزارش ها رقم ۲۵ میلیارد دلار ذکر شده است و حتی روزنامه ی البعث چاپ سوریه رقم ۴۲ میلیارد را ذکر کرده است. (روزشمار جنگ، جلد ۲۰ ص ۶۵۰)، این رقم تا پایان جنگ به ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار رسید.

۷- ۲۷۰. مأخذ ۱۷۴، ص ۴۴۸، گزارش روز ۹ / ۵ / ۱۳۶۱، روزنامه آلمانی دی ولت.

جنگ اهتمام داشت برنامه های هماهنگ اضطراریی برای مهار جنگ و جلوگیری از گسترش آن به قلمروی کشورهای دیگر را نیز در نظر داشت به این منظور می کوشیدند تا از راه مسالمت آمیز و با حمایت از عراق به جنگ پایان دهند. و از ایران می خواستند تا به هیئت های صلح سازمان کنفرانس اسلامی پاسخ مثبت دهد. (۱) بنابر پاره ای از گزارش ها از ایران و عراق خواستند نمایندگان دو کشور با حضور در جده برای پایان دادن به جنگ مذاکره کنند که ایران نپذیرفت.

در حالی که اسرائیل در جنوب لبنان تاخت و تاز می کرد و در آستانه ی اشغال لبنان بود کشورهای منطقه به جای مسئله فلسطینی ها اولویت را به جنگ ایران و عراق دادند. به نوشته ی روزنامه ی کریستین ساینس مانیتور، چاپ امریکا، که طی گزارش خبری از رادیو امریکا پخش شد، اسرائیلی ها از این موضوع آگاه بودند که تغییر و تحول ژئوپلیتیکی در خاورمیانه، هر چند به صورت کوتاه مدت، موجب اتحاد کشورهای عربی علیه اسرائیل خواهد شد ولی امیدوار بودند با ادامه ی جنگ ایران و عراق، توجهات از خاورمیانه و اشغال جنوب لبنان به خلیج فارس و جنگ ایران و عراق متمرکز شود. (۲) .

رسانه ها و مقامات رسمی امریکا با تحلیل و تفسیر پیامدهای فتح خرمشهر، بر مواضع و رفتار کشورهای منطقه و متقابلا مواضع این کشورها بر مواضع و رفتار امریکا تأثیر داشتند. چنان که اخیرا هنگامی که از رامسفلد، وزیر دفاع امریکا، درباره ی سیاست های امریکا در دهه ۱۹۸۰ در مورد عراق و ملاقات وی با صدام سؤال شد در پاسخ گفت: «باید به یاد داشته باشید که در آن زمان ایران و عراق در جنگ بودند دوستان ما در منطقه نگران این بودند که ایران پیروز خواهد شد. ما هم عمیقا نگران بودیم پیروزی ایران موجب ایجاد بی ثباتی در کل منطقه شود.» وی بر همین اساس درباره ی سفر به منطقه می گوید: «از من خواسته شد به عراق بروم و در این سفر با طارق عزیز و صدام حسین ملاقات کردم و درباره ی منافع ما با آنها صحبت کردم. گفت وگوی ما بسیار مفید بود. صدام می دانست در چه شرایطی قرار دارد و مایل به دریافت کمک های ما بود

۱- ۲۷۱. مأخذ ۲۰۵، ص ۸۷.

۲- ۲۷۲. مأخذ ۳۶، ص ۱۲۲ و ۱۲۳.

تا بتواند با اطلاعات بهتری با ایرانیان مقابله کند.» (۱) .

امریکایی ها با ارزیابی پیروزیهای ایران، از احتمال تغییر موازنه به سود این کشور نگران بودند؛ چنان که در آستانه ی فتح خرمشهر واینبرگر، وزیر دفاع وقت امریکا، اعلام کرد: «پیروزی ایران در جنگ با عراق، به نفع امریکا نخواهد بود.» (۲) وزیر خارجه وقت امریکا نیز در همان زمان اعلام کرد: «امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه ی خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق می باشد بی تفاوت نخواهد بود.» (۳) واینبرگر ایران را خطری جدی برای کشورهای خاورمیانه و اسرائیل دانست. (۴) وی همچنین از تمایل امریکا درباره ی نحوه ی پایان دادن به جنگ گفت:

«ما خواهان آن هستیم که این جنگ به طریقی پایان یابد که ثبات منطقه را برهم نزند چون پیروزی ایران یقینا در جهت منافع ملی ما نخواهد بود.» (۵) .

شواهد و قرائن نشان می دهد که ارزیابی امریکا از تحولات تغییر کرد و همین باعث شد تا سیاست منطقه ای آن کشور نیز تغییر یابد. چنان که در همان زمان روزنامه ی امریکایی کریستین ساینس مانیتور نوشت: «امریکا به بررسی سیاست استراتژیکی اش در خلیج فارس پرداخته است.» (۶) هنری کیسینجر، نظریه پرداز امریکایی، در مصاحبه با خبرگزاری ادن کروموس، از ایتالیا، به اولویت ها و مقایسه ی تهدیدات شوروی و خطرات انقلاب اسلامی ایران پرداخت. گزارش این خبرگزاری از مصاحبه چنین است:

«امپریالیسم شوروی هر چند یک مسئله دور تلقی می شود و نمی تواند بر سایران اولویت داشته باشد ولی تا به امروز در رأس مسائل امریکا بوده است. وی امریکا را تنها حل کننده ی تهدید شوروی دانست و با خطرناک جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران گفت: برای کشورهای ناحیه ی خلیج فارس خطر شوروی کمتر از خطر انقلاب اسلامی ایران است؛ شوروی در فاصله ی دورتری قرار گرفته است و از هر جهت مشکلی محسوب می شود که فقط امریکا می تواند آن را حل کند. وی در مورد جنگ ایران و عراق و ضرورت برقراری آتش بس گفت: اگر عراق در این جنگ برنده می شد. ترس کشورهای عربی خلیج فارس و خطراتی

۱- ۲۷۳. مصاحبه رامسفلد با شبکه رادیویی CBS، روزنامه کیهان، ۲۵ / ۸ / ۱۳۸۱، ص ۱۴.

۲- ۲۷۴. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری رویتر.

۳- ۲۷۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۲ / ۶۱، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه مصری الاهرام.

۴- ۲۷۶. جورج بال، خطا و خیانت در لبنان، ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۷۸، حواشی مترجم به نقل از روزنامه لوموند.

۵- ۲۷۷. مأخذ ۲۱۴.

۶- ۲۷۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱.

که برای منافع امریکا وجود دارد. با آنچه امروز است تفاوتی نمی داشت و با توجه به اهمیتی که مسئله وجود توازن قدرت های ناحیه ای دارد. ما علاقه مندیم تا آتش بس برقرار شود. ولی نمی خواهیم که این موضع به این قیمت که نتوانیم به ایران نزدیک بشویم تمام شود. حتی با یک رژیم میانه رو دیگری که جانشین (امام) خمینی شود یا با مقامات کنونی ایران که بالاخره به حقیقت جغرافیای سیاسی پی ببرند و بدانند که تهدید تاریخی بر استقلال ایران همواره از سوی کشوری است که با آن ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. یعنی شوروی. نزدیک شدن به ایران باید به این شرط باشد که ایران از تمایلات قدرت طلبانه در خلیج فارس صرف نظر کند.» (۱) .

کیسینجر در این مصاحبه به چند مسئله اساسی اشاره می کند، نخست، ضمن اینکه تهدید شوروی را اولویت اول امریکا می داند اما امریکا را یگانه قدرت برای مقابله و حل این تهدید ذکر می کند. وی درباره ی کشورهای منطقه معتقد بود اولویت اول آنها تهدید انقلاب ایران است و نه شوروی. کیسینجر در مورد جنگ ایران و عراق در چارچوب جنگ بدون برنده بر این نظر بود که حتی اگر عراق به جای ایران پیروز می شد باز هم تفاوت چندانی نداشت؛ زیرا باز توازن قوا در منطقه تهدید می شد. کیسینجر درباره ی آتش بس معتقد بود که باید به گونه ای برقرار شود که امکان نزدیکی امریکا به ایران وجود داشته باشد. کیسینجر در اظهاراتش متذکر شده که سیاست های امریکا نباید یک جانبه به نفع عراق و به زیان ایران باشد و نباید جنگ را در وضعیتی قرار دهد که از نظر ایران امریکا متهم اصلی در حمایت از عراق باشد، زیرا به وجود آمدن چنین تصوری از سیاست های امریکا در ایران امکان بازگشت امریکا به ایران را مسدود خواهد کرد. (۲) .

در حالی که بازتاب پیروزی ها در سطح منطقه و نیز بر سیاست ها و رفتار

۱- ۲۷۹. مأخذ ۱۷۴، ص ۷۱، گزارش روز ۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۲۸۰. ماهیت سیاست امریکا در حمایت از عراق توازن نظامی را به سود عراق تغییر داد و بعدها این تصور را برای عراق به وجود آورد که بر اساس قدرت منطقه ای خود تصمیم گیری و رفتار نماید. اشغال کویت توسط عراق حاصل همین مسئله بود.

امریکا وضعیت پیچیده ای را به وجود آورده بود در ایران نیز با اتکا بر احساس پیروزی در جنگ روند جدیدی داشت شکل می گرفت. کردزمن در کتاب خود بخشی از علت به وجود آمدن این فضا را متأثر از تلاش های مکرر کودتا (۱) در ایران و در واقع، فضای انقلابی می دانست که با پیروزی انقلاب به وجود آمد و با سایر رخدادها و سپس شروع جنگ تشدید شد. در این فضای جدید که متأثر از احساس پیروزی بود به عملیات نظامی تمایل وجود داشت. در همان زمان، خبرگزاری رویتر گزارشی دارد از بازتاب پیروزی ها در داخل ایران:

«در ایران فریادهای پرقدرت در حمایت از تعقیب متجاوز به منظور متقاعد کردن بغداد به پذیرفتن شرایط ایران برای پایان دادن به جنگ بالا گرفته است. رهبران نظامی و مذهبی و رسانه های گروهی از مردم مصرا می خواهند که خود را برای فتح کربلا و نجف، دو شهر مقدس در سرزمین عراق، آماده کنند. شعار جنگ تا پیروزی هر روز بر صفحات اول تمام روزنامه های ایران نقش می بندد.» (۲) .

آقای هاشمی در خاطرات خود درباره ی این موضوع و تمایلات نمایندگان مجلس می نویسد: «بیشتر نمایندگان در ملاقات ها نسبت به احتمال پذیرش آتش بس و عدم مجازات صدام و ادامه ی فشار صدام بر نیروهای اسلامی - انقلابی عراق اظهار نگرانی می کنند.» (۳) وی همچنین درباره ی تمایل رزمندگان و واکنش آنها، می نویسد:

«در این جلسه[مراسم بزرگداشت شهیدان عملیات بیت المقدس]مراجعات فراوانی از سوی رزمندگان داشتم که تأکید بر ادامه ی جنگ داشتند (۴) و نسبت به کسانی که مصلحت ختم جنگ را مطرح می کنند اهانت می کردند. به آنها اطمینان دادم که شخص امام سیاست جنگ را زیر نظر دارند.» (۵) .

۱- ۲۸۱. مأخذ ۸۵، ص ۱۷۰.

۲- ۲۸۲. مأخذ ۱۷۴، ص ۱۸۴ گزارش روز ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۸۳. اکبر هاشمی رفسنجانی «پس از بحران» (خاطرات دوشنبه ۶ / ۱۲ / ۱۳۶۱)، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۹.

۴- ۲۸۴. آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود می نویسد: «شب آقای منتظری تلفن کردند و پیشنهاد دادند که سریعا به منظور سقوط صدام وارد خاک عراق شویم.» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۲ / ۸۰، خاطرات روز شنبه ۱۸ / ۲ / ۱۳۶۱).

۵- ۲۸۵. اکبر هاشمی رفسنجانی «پس از بحران» (خاطرات دوشنبه ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۱)، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۸.

آقای هاشمی در همان زمان به تمایلات موجود در جامعه ی ایران و سایر واکنش ها توجه کرد و در خطبه ی نماز جمعه هفتم خرداد ۱۳۶۱ بخش مهمی از دیدگاه ایران را درباره ی جنگ بیان کرد. ایشان احساس قدرت و پیروزی در مردم و تأثیر آن را برای ادامه ی جنگ بازگو کرد:

«آیا به مردمی که این قدر به خودشان اطمینان دارند می توانید بگویید که بروید پشت مرزتان بایستید و دستتان را دراز کنید تا صدام چیزی را به عنوان خسارت بدهد؟» (۱) .

ایشان به تلاش امریکا برای برقراری آتش بس از طریق سازمان ملل اشاره کرد و گفت:

«زمزمه ای بلند کرده اند که امریکایی ها می خواهند جلسه شورای امنیت سازمان ملل را تشکیل دهند و پیشنهاد آتش بس کنند، آنها هر کار بخواهند بکنند مختارند. آن سازمان ملل و آن هم شورای امنیت! بگذارید شورای امنیت یک بار دیگر آبروی خودش را ببرد. چگونه می شود که چند نفر آدم عاقل در آنجا بنشینند و بگویند کشوری که هزاران کیلومتر از خاک، بیش از یک هزار روستا و بیش از ده شهرش به مدت ۲۰ ماه اشغال بود.این همه خسارت دیده، این همه شهید و مجروح داده، این همه بندرهایش تعطیل بوده، این همه کارخانه هایش از تولید افتاده، کشوری با این همه ظلم هایی که به او شده، چند نفر در سازمان ملل بنشینند و بگویند که بدون هیچ امتیاز و شرطی آتش بس (۲) را قبول کند. چه کسی این را می پذیرد؟» (۳) .

آقای هاشمی همچنین به عراق و امریکا خطاب می کند و می پرسد که «در شرایط حاضر، ما چه باید بکنیم» و می گوید:

«امریکا، تو اگر جای ما بودی چه کار می کردی؟ صدام، تو خود اگر – نعوذ بالله –

۱– ۲۸۶. مأخذ ۱۶۷، ص ۲۵۰، خطبه دوم ۷ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲– ۲۸۷. بعدها آقای هاشمی در کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع درباره ی زمان شکل گیری زمزمه توقف جنگ و تأثیر فتح خرمشهر گفت: «خرمشهر که از اشغال دشمن آزاد شد دنیا فهمید ما در حال پیشروی هستیم و از آن زمان است که می بینیم زمزمه های توقف جنگ جدی آغاز شد.» (دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، تهران، ۱۳۶۸، ص ۴۸، سخنرانی اختتامیه).

۳– ۲۸۸. مأخذ ۱۶۷، ص ۲۴۹.

جای ما بودی چه می کردی؟ این همه کشته دادیم. این همه خسارت دیدیم؛ این همه آواره داشتیم؛ آن وقت شما فکر می کنید ما می رویم پشت مرزهای خودمان - خطی که جغرافیا کشیده - می ایستیم و از آن دور می گوییم که:یا الله، غرامت ما را بده.» (۱) .

امام خمینی در حدفاصل عملیات فتح المبین تا فتح خرمشهر به روندهای جدید سیاسی - تبلیغاتی که داشت شکل می گرفت توجه و بر چند مفهوم تأکید کردند. امام موضع ایران را با پیروزی های نظامی بویژه فتح خرمشهر برتر می دانستند. چنان که به مناسبت فتح خرمشهر فرمودند:

«امروز با فتح خرمشهر مظلوم، دولت و ملت پیروزمند ما از موضع قدرت سخن می گوید.» (۲) .

ایشان در موقعیت دیگری همین مفهوم را مجددا تأکید کردند:

«ایران امروز به عنوان یک ایران بزرگ و نیرومند مطرح است و در همه جا بر سر زبان هاست.» (۳) .

بر همین اساس امام تغییر سیاست قدرت های بزرگ را نقد کردند و در تفسیر آن گفتند:

«اینکه در این پیروزی بزرگی که نصیب ایران شده است و به حمد الله... دشمنان اسلام و میهن شما نفس های آخر را می کشند، می بینید که قدرت های بزرگ به وحشت افتادند و گاهی ما را تهدید می کنند شما را تهدید می کنند و گاهی منطقه را بر ضد ما و ملت ما می خواهند بسیج کنند این برای این است که آنها از این قدرت اسلامی و از این وحدتی که در ایران پیدا شده است خوف دارند.» (۴) .

ایشان همچنین در پاسخ به سخنان رئیس جمهور امریکا گفتند:

«رئیس جمهور امریکا گفته است که این جنگ را دیگر باید یک کاری بکنیم از بین برود. برای اینکه این جنگ دیگر به نفع امریکا نیست. شما ببینید این چه اقراری است که یک نفر آدم، رئیس جمهور یک کشور ابرقدرت به اصطلاح، همچو اقرار می کند که جنگ تا حالا به نفع امریکا بوده است، برای اینکه جنگ برای به هم زدن جمهوری اسلامی بوده است حالا می بینیم نمی شود این کار

۱- ۲۸۹. مأخذ ۱۶۷، ص ۲۴۶.

۲- ۲۹۰. صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۱۵۴، پیام امام خمینی، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۹۱. همان، ص ۱۶۲ بیانات امام خمینی، ۸ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۹۲. همان، ص ۱۶۳ بیانات امام خمینی، ۹ / ۳ / ۱۳۶۱.

و ممکن است که جمهوری اسلامی رشد زیادی بکند و سایر کشورهای مسلمان هم بیدار بشوند پس حالا یک خطری است برای امریکا، دیگر به نفع امریکا نیست. حالا تقاضا کرده است از همه اشخاصی که دست اندر کارند که بیایند و این جنگ را به یک طوری به صلح برگردانند.» (۱) .

امام در مجموع از سیاست های امریکا و از واکنش های آن به پیروزی های ایران نگران بود، چنان که در جمع ائمه جماعت استان زنجان فرمودند:

«چیزی که امروز به آن مبتلا هستیم و ممکن است برای ما پیش آید قضایایی است که بعد از پیروزی جنگ برای ما ممکن است پیش بیاید امریکا معلوم نیست به این زودی طمعش را از این کشور قطع کند... بعضی از مردم شاید ندانند که چه قضیه ای واقع شده است.» (۲) .

ایشان همچنین سیاست کشورهای منطقه را در حفظ صدام نقد کردند و موضوعی را هشدار دادند که هشت سال بعد با حمله ی عراق به کویت برخی ابعاد آن آشکار شد. «شما بدانید که اگر صدام نجات پیدا کند و قدرت را به دست گیرد آدمی نیست که قدرشناسی از امثال شما بکند. آدمی است که جنون بزرگ بینی خودش را دارد و این جنون با شما که با او همراهی کردید به جنگ برمی خیزد و شما را اگر قدرت داشته باشد تباه خواهد کرد.» (۳) .

سپس امام به کشورهای منطقه خطاب کردند برای رفع نگرانی آنها از مواضع و رفتار ایران در سخنانی فرمودند:

«به شما اطمینان می دهم که اگر از اطاعت بی چون و چرای امریکا و بستگان آن دست بردارید و با ما به حکم اسلام و قرآن رفتار کنید از ما جز خیر و پشتیبانی نخواهید دید.» (۴) .

مجموعه ی کنش و واکنش های حاصل از فتح خرمشهر فضای جدیدی را در سطح منطقه و در داخل ایران و عراق به وجود آورد که فرآیند بر تصمیم گیری، مواضع و سیاست کلیه ی بازیگران تأثیر گذاشت و در نتیجه، زمینه ی ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر به شکل واقعیتی جدید آشکار شد. این موضوع در فصل سوم کتاب بررسی می شود.

۱- ۲۹۳. همان، ص ۱۰۸ بیانات امام خمینی، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۱.

۲- ۲۹۴. همان، ص ۱۸۴ بیانات امام خمینی، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۲۹۵. همان، ص ۱۵۰ بیانات امام خمینی، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۱.

۴- ۲۹۶. همان، ص ۱۵۵، پیام امام خمینی، ۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

تصمیم گیری

اشاره

موضوع تصـمیم گیری برای ادامه ی جنگ پس از فتـح خرمشـهر، هم اکنون به واقعیتی تاریخی تبـدیل شده است. همان گونه که این تصمیم گیری در زمان وقوع نقش و تأثیر سرنوشت سازی داشت امروز نیز پرسش از علت اتخاذ این تصمیم، به واقعیت جدیدی تبدیل شده است و در نتیجه تصورات و باورهای موجود واقعیات پیشین را به چالش افکنده است. با بازبینی مجدد این تصـمیم گیری تاریخی، منطق حاکم، بر تحولات جنگ و عواملی که به ظهور این واقعیت تاریخی انجامیـد، روشن خواهد شد. (۱) .

باورها و قضاوت های کنونی درباره ی علت ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشـهر، بیشتر بر تصـمیم گیری ایران متمرکز است و به نقش سـایر عوامـل و متغیرها ماننـد تجاوز عراق به ایران (۲) و ادامه ی جنـگ پرداخت نکردن غرامت به ایران، کمـتر تـوجه شده است. گسترش گفتمان انتقادی (۳) به جنگ در داخل کشور

---

۱ – ۲۹۷. پاول ویریلیو چهره ی شـناخته شـده در حوزه فلسـفه و معماری و صاحب نظریه در تاریـخ در مورد «واقعیت» دیـدگاه خاصـی دارد. وی در این زمینه می گوید: «من معتقدم لایه های مختلف واقعیت از آغاز تاکنون آشکار نشده اند. یعنی واقعیت چیزی نیست که از قبـل موجود باشـد بلکه از دل فرهنگ بیرون می آیـد. از همین روست که می توان از واقعیت طبقه اول (I) سخن گفت که از طریق تکنولوژی جدیـدی نظیر عکاسـی شبیه سـازی می شود و بعـد از آن بـا یک واقعیت جدیـد یا واقعیت دوم مـواجه می شویـد.... واقعیـتی را که جـامعه ای تولیـد کرده است از بین می رود و جـای خـود را به واقعیت تولیـد شـده ی جامعه ای جوانتر می دهـد که تازه تر هم هست. این کار ابتـدا از طریق تقلید انجام می شود سـپس با جایگزینی، اینجاست، که واقعیت نخستین بکلی فراموش می شود. مثلا واقعیت مصری های باستان یا چینی ها هزار سال قبل را ما نمی توانیم به هیچ وجه بفهمیم. ما سـرنخی در دست نـداریم که بدانیم آنها چگونه بودند و به چه چیزی می اندیشـیدند.» (گفت وگو از جان آرمیتاژ، ترجمه ی رحمان قهرمانپور، فصلنامه ی گفتمان، تابستان ۱۳۸۱، شماره ی ۵، ص ۱۴۶ – ۱۴۵).

۲– ۲۹۸. در مباحث حقوقی، عراق به دلیل تجاوز به ایران مقصر قلمداد می شود.

۳– ۲۹۹. محمد درودیان، پرسش های اساسی جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

نیز، دامنه ی این بحث را گسترش و تعمیق بخشیده است.

اهمیت تصمیم گیری ایران و توجه به آن، تا اندازه ای متأثر از «تفکر انقلابی»و «ابتکار عمل نظامی» (۱) ایران و مهمتر از آن «برتری سیاسی - نظامی ایران بر عراق» بوده است. (۲) خوش بینی های (۳) حاصل از پیروزی های ایران در مرحله ی آزادسازی مناطق اشغالی و در نتیجه برتری ایران و متقابلا نگرانی های حاصل از این برتری در نزد سایر بازیگران نقش بسیار مهمی در ایجاد کنش و واکنش های جدید داشت؛ چنان که در همان زمان هرالدتریبون درباره ی تأثیر رفتار ایران نوشت:

«آنچه ایران انجام خواهد داد یا انجام نخواهد داد، می تواند بر آینده سیاسی عراق، امنیت کویت و عربستان سعودی و موازنه ی استراتژیک آتی خلیج فارس تأثیر فوق العاده ای داشته باشد.» (۴) .

آنچه روشن است پیش بینی هرالدتریبون همانند سایر پیش بینی ها، هرگز تحقق نیافت ولی در آن زمان، انعکاس این گونه تحلیل ها بخشی از فضای روانی - تبلیغاتی جنگ را شکل داد. با این توضیح به نظر می رسد وضع و فضای جدید پس از فتح خرمشهر، گرچه تا اندازه ای مبالغه آمیز بود، در عمل بر تصمیم گیری و رفتار مجموعه ای از بازیگران تأثیر گذاشت و در تعاملی بسیار عمیق و پیچیده زمینه های ادامه ی جنگ را فراهم ساخت.

حال، بر اساس تأثیر اوضاع و تأثیر رفتار سایر بازیگران، می توان این پرسش را طرح کرد که آیا ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر اجتناب ناپذیر بود؟ آیا

۱- ۳۰۰. احمد زبیری (سرهنگ سابق ستاد ارتش عراق)، «پیرامون جنگ خلیج فارس در ابعاد نظامی»، روزنامه ی السفیر، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹ تا ۲۰ / ۱۱ / ۱۹۸۹، سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۸، ص ۵.

۲- ۳۰۱. در همان زمان روزنامه ی السفیر، چاپ لبنان، این پرسش را طرح کرد که: آیا پس از اینکه ایرانی ها توانستند خرمشهر را آزاد نمایند جنگ ایران و عراق به پایان می رسد یا جنگ درها را به روی جدالی تازه باز خواهد کرد؟ (روزشمار جنگ، ایران و عراق، جلد۲۰، ص ۱۴۵ - ۱۴۴، گزارش روز ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۱) رادیو قاهره نیز گفت: آیا برای پایان دادن به این جنگ برای بازنده غیر از قبول شرایط ایران راهی دیگر وجود دارد؟ (همان، ص ۱۰۶ گزارش روز ۸ / ۴ / ۱۳۶۱).

۳- ۳۰۲. پلیتی در بررسی های خود درباره ی علت ادامه ی جنگ ها معتقد است خوش بینی در شروع و ادامه جنگ نقش و تأثیر دارد. وی اوضاع فصلی مانند بهار را از عوامل مؤثر در ایجاد خوش بینی می داند. علاوه بر این، باورها و تصورات و اطلاعات را در شکل گیری عنصر خوش بینی در تصمیم گیری مؤثر می داند. (مصاحبه اختصاصی با دکتر زهرانی).

۴- ۳۰۳. علی رضا لطف الله زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰، عبور از مرز، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۰۸، گزارش روز ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

راه حل دیگری وجود داشت که با انتخاب آن از ادامه ی جنگ اجتناب کرد و در عین حال، مسیرهای احتمالی برای وقوع مجدد جنگ میان ایران و عراق یا در سطح منطقه را مسدود ساخت و وضعیت لازم را برای تصمیم گیری ایران و خاتمه دادن به جنگ فراهم کرد؟

مثلا اگر در سازمان ملل و بویژه امریکا به جای حمایت از عراق و فشار به ایران، با تأمین خواسته های ایران موافقت می کردند آیا این امر تصمیم گیری ایران برای خاتمه دادن به جنگ را تسهیل نمی کرد؟ آیا صدام با پذیرش وضعیت جدید و تأمین خواسته های ایران زمینه ی اتمام جنگ را نمی توانست فراهم سازد؟

به نظر می رسد درباره ی علت ادامه ی جنگ به وضعیت و رفتار سایر بازیگران از جمله امریکا و عراق و تأثیر آن رفتارها کمتر توجه شده است.

پژوهش حاضر در بررسی علل ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر بر اساس سه فرض انجام شده است:

۱- پیروزی های ایران بویژه فتح خرمشهر و احتمال سقوط صدام فضایی ایجاد کرد که در نتیجه ی آن ایران در سطح منطقه برتری استراتژیک یافت و همین امر باعث شد که در نزد بازیگران منطقه ای و بین المللی نوعی نگرانی به وجود آورد. ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر و آنچه طی شش سال تا اتمام جنگ واقع شد نشان می دهد اوضاع تا اندازه ای مبالغه آمیز و غیرواقعی بوده است و احتمالاـ به دلیل ابهام از رفتار ایران و واکنش عراق و مهمتر از آن برای تشدید فشار به ایران و افزایش حمایت از عراق سازماندهی شده است.

۲- رفتار سیاستمداران منطقه ای و بین المللی و عراق بر اساس درک تحولات جدید و فرآیندهای احتمالی، کنش و واکنش های جدیدی را به وجود آورد که در ذهنیت و باور مردم و تصمیم گیرندگان تأثیر کرد و در نهایت گزینه های موجود را محدود و امکان انتخاب را برای ایران ضعیف کرد.

۳-وقوع حوادث و رخدادهای جدید در سطح منطقه و در عرصه ی سیاسی - نظامی جنگ، که پاره ای از آنها حاصل کنش و واکنش های بازیگران بود، در شکل گیری روندهای جدید و در نتیجه ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر نقش و تأثیر داشت.

نظر به اینکه بازتاب فتح خرمشهر در فصل قبل بررسی شد و در ادامه ی بحث، مواضع و سیاست ها و تصمیم بازیگران مختلف تجزیه و تحلیل می شود و پس از آن حوادث و رخدادها تبیین خواهد شد.

مواضع امریکا

در جنگ ایران و عراق با آشکار شدن علائم پیروزی ایران و شکست احتمالی عراق تدریجا سیاست ها و مواضع امریکا تغییر کرد. در واقع، با پیروزی های نظامی ایران، ماهیت جنگ تغییر کرد و به دلیل نگرانی از پیامد پیروزی ایران، (۱) سیاست های امریکا شکل جدیدی به خود گرفت؛ بعدها وقتی از رامسفلد، وزیر دفاع امریکا، درباره ی سیاست های امریکا در حمایت از صدام در دهه ۱۹۸۰ میلادی و ملاقات با وی سؤال شد در پاسخ گفت:

«باید به یاد داشته باشید که در آن زمان ایران و عراق در جنگ بودند دوستان ما در منطقه نگران این بودند که ایران پیروز خواهند شد. ما هم عمیقا نگران بودیم پیروزی ایران موجب ایجاد بی ثباتی در کل منطقه شود.» (۲) .

چارچوب کلی سیاست های امریکا در جنگ ایران و عراق متأثر از دو ملاحظه ی استراتژیک بود که به مثابه ی راهنمایی سیاست امریکا و تغییرات احتمالی آن را مشخص می کرد. از نظر امریکا موقعیت ژئوپلیتیک ایران، با قرار گرفتن در شمال خلیج فارس و در جنوب شوروی اهمیت استراتژیک

---

۱ - ۳۰۴. مارتین ایندیک سفیر سابق امریکا در اسرائیل درباره ی سیاست های امریکا در حمایت از صدام، در مصاحبه با الاهرام گفت: «زمانی که ایرانی ها به او حمله ور شدند، دچار نگرانی شدیم، بنابراین به او کمک کردیم.» (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بولتن حمله ی احتمالی امریکا به عراق (۷)، چهارشنبه، ۲۰ آذر ۱۳۸۱، ص ۹۵).

۲- ۳۰۵. مصاحبه رامسفلد با بخش رادیویی شبکه CBS، روزنامه کیهان، شنبه ۲۵ / ۸ / ۱۳۸۱، ص ۱۴.

بسیاری داشت و به همین دلیل، در حوزه ی منافع حیاتی امریکا تعریف شده بود، سیاست کلی امریکا در برابر ایران، این بود که «ایران نه بدان اندازه تضعیف شود که در معرض بی ثباتی و تجزیه قرار گیرد که در نتیجه شوروی از آن بهره گیرد و نه بدان اندازه تقویت شود که به گفته ی نیکسون بر اساس قابلیت های بالقوه برای تبدیل به قدرتی منطقه ای، (۱) نقش و تأثیر داشته باشد.» با وقوع جنگ و تنها هفت روز پس از آغاز آن، هنری کیسینجر، وزیر خارجه ی اسبق امریکا، سیاست امریکا را تحت عنوان «جنگ بدون برنده» تبیین کرد و این راهبرد تا پایان جنگ بر سیاست های امریکا حاکم بود و خطوط کلی تصمیم گیری و واکنش های امریکا را درباره ی جنگ ایران و عراق تعیین می کرد. در واقع، به همان میزان که درگیری ایران و عراق و تضعیف آنها که دو قدرت منطقه ای با پتانسیل متفاوت بودند به سود منافع امریکا بود، برتری یکی بر دیگری و تغییر موازنه ی منطقه ای به زیان منافع این کشور ارزیابی می شد؛ زیرا چنین تحولی به معنای ظهور قدرتی مسلط در منطقه و چالش گرفتن منافع امریکا محسوب می شد.

امریکایی ها با توجه به تحولات جنگ ایران و عراق و تحولات خاورمیانه و تغییر در موازنه ی منطقه ای، لازمه کنترل و مهار اقدامات مغایر با منافع امریکا را شکل دهی وقایع خاورمیانه در ابتکارات دیپلماتیک ارزیابی می کردند.

الکساندر هیگ وزیر خارجه وقت امریکا می گوید:

«امریکا برای حفظ صلح خاورمیانه، دست به سه ابتکار دیپلماتیک خواهد زد اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت آمیز بین المللی امیدی داشته باشیم باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ی ورود امریکا در خاورمیانه است. امریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کردن مذاکرات خودمختاری فلسطین است، رفع تهدید از آغاز جنگ در حدودی مرزی لبنان و اسرائیل، اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر هماهنگ خواهدبود. بیم آن می رود که این درگیری (جنگ ایران و عراق) به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده و موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش بینی در توازن نیروهای منطقه شود.» (۲) .

۱- ۳۰۶. ریچارد نیکسون، فراسوی صلح، مترجم محمدرضا رضاپور، نشر چامه، بهار ۱۳۷۷، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

۲- ۳۰۷. خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، به نقل از یونایتدپرس، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

امریکا در جنگ ایران و عراق با دو گزینه ی کاملا متفاوت مواجه بود؛ در گزینه ی نخست با به رسمیت شناختن برتری ایران، خواسته های ایران را تأمین نماید و جنگ خاتمه یابد. از نظر امریکا چنین اقدامی پیامدهای استراتژیک داشت و به مثابه ی تعمیق و گسترش انقلاب اسلامی در منطقه و خطر بی ثباتی در کشورهای متحد امریکا و در نتیجه، تغییر موازنه ی نیروهای منطقه بود.

گزینه ی دوم، حمایت از عراق و حفظ صدام بود. بر اثر پیروزی ایران امریکا برای اجتناب از پیدایش وضعیت جدید، از سال ۱۹۸۲ سیاست «بازی شطرنج با عراق» را دنبال کرد. در همین سال، نیکولاس ولیوتن، که در وزارت خارجه ی امریکا به طرفداری از اعراب شهرت داشت، درباره ی پیشروی نیروهای ایران به شولتز وزیر خارجه ی امریکا هشدار داد و گفت:«ایالات متحده امریکا باید بی سر و صدا از صدام حسین حمایت کند.» (۱) در واقع، هدف اصلی این بود که از طرفی با بنیادگرایان منطقه مبارزه شود و از طرف دیگر، صدور منظم نفت از کشورهای عربی تضمین شود. این نگرش تا پایان جنگ ایران با عراق و حتی پس از آن، یعنی زمانی که صدام به تهدید مستقیم منافع امریکا اقدام کرد ادامه یافت. (۲) .

امریکا با انتخاب گزینه ی دوم برای پذیرش آتش بس و اتمام جنگ به ایران فشار آورد. هنری کیسینجر در چارچوب گزینه ی دوم سیاست امریکا را چنین ترسیم می کند:

«خطر آنی و عمده برای منافع امریکا در منطقه، انقلاب اسلامی ایران است و از هر طریق ممکن باید میان ایران و عراق آتش بس برقرار کرد.» (۳) .

تأکید امریکا بر آتش بس بر پایه ی نگرانی از ادامه ی جنگ و احتمال درهم شکسته شدن قوای نظامی عراق بود؛ سفیر سابق امریکا در عراق، دیوید نیوتن، می گوید:

«امریکا بسیار مشتاق بود که صدام در جنگ با ایران شکست نخورد ما بیشترین تلاش را کردیم تا از سقوط نیروهای عراق جلوگیری کنیم بزرگترین کمک ما به بغداد، فشار سیاسی بر ایران بود تا این کشور را مجبور کنیم که قطعنامه ی شورای امنیت سازمان ملل را برای پایان دادن به جنگ بپذیرد.» (۴) .

۱- ۳۰۸. کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۵۷.

۲- ۳۰۹. حسام الخفاجی، «لوموند دیپلماتیک»، (۲۰ ژانویه ۲۰۰۳)، (۳۰ دی ۱۳۸۱)، سایت اینترنتی، اخبار روز ۳۰ / ۱۰ / ۸۱.

۳- ۳۱۰. مأخذ ۳، ص ۱۵۳ گزارش ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه اطلاعات به نقل از روزنامه واشنگتن پست، ۱۲ ژوئن ۱۹۸۲ برابر با ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴- ۳۱۱. مصاحبه با روزنامه البیان، چاپ امارات، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۱.

امریکـا در واقع، برتری ایران بر عراق را بـا افزایش کمـک های نظامی و اطلاعاتی و اعمال فشار سیاسـی [(۱)](#) به برقراری آتش بس و اتمـام جنـگ به چـالش کشانـد و بعـدها بـا عقب نشـینی صـدام از خاک ایران و تغییر موضع از «متجاوز به صـلح طلب» مجددا نوعی هماهنگی میان سیاست های امریکا و عراق به وجود آمد و در نتیجه، حمایت امریکا از عراق افزایش یافت. [(۲)](#) و زمینه ی بهبود روابط عراق و امریکا فراهم شـد؛ زیرا در تئوری دیگر عراق متجاوز محسوب نمی شد [(۳)](#) و امریکا برای کنترل اوضاع منطقه به روابط با عراق نیاز داشت و متقابلا عراق نیز برای رهایی از وضـعیت جدیـد بهبود روابط با امریکا را دنبال می کرد.

چارچوب کلی سیاست امریکا در جنگ ایران و عراق به نوعی سیاست شوروی و کشورهای اروپایی و حتی کشورهای منطقه خلیـج فارس را تشکیل می داد. در این مرحله نیز هماننـد آغاز جنگ که وقوع انقلاب اسـلامی در ایران به حمایت از عراق و نادیده گرفتن تجاوز آن کشور به ایران منجر شد، مجددا برتری ایران و خطر سـقوط رژیم عراق بر نادیده گرفتن خواسـته های ایران و فشار بر آن و حمایت از عراق اتفاق نظر حاصل شد.

مواضع شوروی

سیاست شوروی درباره ی جنگ ایران و عراق به نظر می رسد در «چارچوب» «عدم مداخله» بود و حتی روس ها پس از تجاوز عراق به ایران اعلام کردند فروش

۱- ۳۱۲. مأخذ ۳، ص ۱۹۳، گزارش ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه اطلاعات.

۲- ۳۱۳. جفری کمپ، مسئول بخش خاورمیـانه ای شورای امنیت ملی امریکـا در زمـان ریگـان، در خـاطرات خود دربـاره ی سیـاست امریکـا در مورد ایران می نویسـد: «ریگـان نمی توانست خـاطره گروگان گیری را از یاد ببرد و آن را نوعی اهانت به مردم امریکـا تلقی نکنـد، او درصـدد یـافتن فرصـت منـاسبی برای گرفتن انتقـام از رهـبر ایران که هنـوز هم امریکـا را «شـیطان بزرگ» می نامیـد برآمـد کـه بـا حمله عراق به ایران این فرصت فراهم شـده بـود. او نمی خـواست ایرانی هـا در این جنـگ به پیروزی برسـند و به همین دلیل نیز، خود را به صـدام نزدیک کرد و تمام کمک های لازم را برای جلوگیری از شـکست او در اختیارش قرار داد. ریگان علی رغم همه این دیـدگاه ها میل نـداشت که صـدام هم در این جنگ به پیروزی برسـد او صدام را مرد خطرناکی می دانست و فقط مایل بود که بازنده جنگ نباشد.» (جودیت میلر - لوری میلروی، از تکریت تا کویت، ترجمه حسن تقی زاده میلانی، انتشارات کویر، تهران ۱۳۷۰، چاپ دوم، ص ۱۸۸).

۳- ۳۱۴. مأخذ ۷، ص ۲۵۷.

سلاح به عراق را، برخلاف معاهده ی دوستی ۱۹۷۲ به حالت تعلیق درآورده اند. (۱) (۲) روس ها به جذب ایران و جلوگیری از بازگشت به این کشور به سمت غرب مایل بودند. و این جنگ را فشار غرب و امریکا به ایران برای بازگشت ایران به اردوگاه غرب ارزیابی می کردند؛ به همین دلیل، بر اتمام جنگ از راه سیاسی تأکید داشتند و تشدید درگیری را عامل گسترش حضور امریکا در خلیج فارس می دانستند. (۳) .

پس از فتح خرمشهر سیاست شوروی به نفع عراق تغییر کرد و این تغییر در نتیجه ی ارزیابی مجدد مسکو از تأثیرات پیروزی ایران در جنگ و فرصت ها و خطراتی بود که چنین تحولی می توانست دربر داشته باشد. (۴) بر همین اساس آندره گرومیکو، وزیر خارجه وقت شوروی، در ملاقات با هیئت عراقی به سرپرستی طه یاسین رمضان و طارق عزیز گفت:

«بی طرفی شوروی در جنگ خلیج فارس چنانچه ایران به حملاتش علیه عراق ادامه دهد و نیروهای ایرانی از مرزهای عراق عبور کنند، کنار گذاشته خواهد شد، زیرا دلیل اتخاذ سیاست بی طرفی توسط اتحاد جماهیر شوروی برطرف می گردد.» (۵) .

شوروی در مرحله ی جدید ضمن اینکه بر راه حل سیاسی تأکید می کرد، با ارسال کمک های نظامی و اقتصادی و حمایت های دیپلماتیک، برای جلوگیری از سقوط رژیم صدام حسین می کوشید. بدین ترتیب، شوروی ها سیاست انفعالی مرحله ی قبل را کنار گذاشتند و سیاست نسبتا فعال تری را در پیش گرفتند. (۶) .

در چارچوب این تحول، تنها یک هفته پس از بازدید هیئت عراقی از مسکو، محموله های بزرگ از سلاح های سنگین وارد عراق شد و طارق عزیز

ص: ۱۰۶

---

۱ – ۳۱۵. بنابر برخی اطلاعات، علاوه بر همکاری نظامی چکسلواکی، جمهوری دمکراتیک آلمان در مارس ۱۹۸۱ (اواخر اسفند ۱۳۵۹) یک هیئت نمایندگی برای عقد قرارداد نظامی - صنعتی به عراق اعزام کرد و پس از امضای این قرارداد عده ای متخصصین آلمان شرقی برای ساختن صنایع نظامی در خاک عراق به این کشور اعزام شدند. (خاطرات ابوالحسن بنی صدر، جلد اول، ص ۴۷۰ - ۴۶۹).

۲- ۳۱۶. نک: جنگ، بازیابی ثبات، محمد درودیان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۸، ص ۵۷ و ۵۸.

۳- ۳۱۷. محی الدین مصباحی، چارچوب مواضع شوروی، کتاب بازشناسی تجاوز و دفاع، جلد دوم «ابعاد سیاسی و مسائل حقوقی بین المللی تجاوز و دفاع»، مرداد ۱۳۶۸، ص ۲۲۳ و ۲۲۴.

۴- ۳۱۸. همان، ص ۲۲۶.

۵- ۳۱۹. همان، ص ۲۲۶.

۶- ۳۲۰. همان، ص ۲۲۶ و ۲۲۷.

این موضوع را فاش کرد که شوروی وامی ۲ میلیارد دلاری بلند مدت با شرایط سهل اعتباری برای پروژه های مختلف اقتصادی در اختیار عراق قرار داده است. طه یاسین رمضان نیز در مصاحبه ای با روزنامه تایمز لندن اظهار داشت که رهبران شوروی موضع مبهمی را که از زمان شروع جنگ داشتند کنار گذاشته اند و تمام تعهدات مکتوب را برای تحویل تسلیحات به عراق بنا بر معاهده ی دوستی ۱۹۷۲ اجرا می کنند. (۱) .

کیانوری، دبیر کل حزب توده، ضمن تأکید بر این موضوع که «ما از تغییر سیاست شوروی دچار گیجی شده بودیم و علت تغییر سیاست شوروی را از بی طرفی یک سال و نیم اول درک نمی کردیم.» (۲) درباره ی علت این تغییر و از سرگیری ارسال سلاح به عراق می گوید:

«من در این باره اینطور فکر می کنم که سیاست شوروی نمی خواهد در جنگ جاری میان ایران و عراق که به جز یک نقطه کوچک به مرزهای مشترک رسیده است، با شدت ادامه یابد و عراق درهم شکسته شود. به نظر من شوروی خواستار حفظ وضع موجود در منطقه است و می کوشد وضع در همین چارچوب موجود بدون تغییرات بنیادی و اساسی تثبیت شود.» (۳) .

به نظر می رسد تغییر سیاست شوروی متأثر از چند ملاحظه ی کلی بود؛ نخست آنکه مقامات شوروی خروج ایران از سیطره امریکا را به سود شوروی ارزیابی می کردند ولی مایل نبودند ایران با انقلابی دینی و مردمی بر عراق که متحد منطقه ای شوروی بود، پیروز شود و موازنه ی منطقه ای را تغییر دهد. علاوه بر این، تثبیت و گسترش الگوی انقلاب اسلامی در ایران، موقعیت شوروی در افغانستان و مهمتر از آن جمهوری های مسلمان نشین را تحت تأثیر قرار می داد. در نتیجه، سیاست شوروی نیز همانند امریکا بر مقابله ی با ایران و حمایت از عراق متمرکز شد.

با توجه به اینکه سیستم تسلیحاتی عراق روسی بود و سیاست بی طرفی شوروی در آغاز جنگ محدودیت هایی را برای عراق بوجود آورده بود شوروی با ارسال مجدد سلاح به عراق موجب تقویت روحیه و افزایش توان رزمی

ص: ۱۰۷

۱- ۳۲۱. همان، ص ۲۲۷.

۲- ۳۲۲. نورالدین کیانوری، پرونده شماره ۴۸۰۲۹۸، جلد سوم، متن بازجویی، ۹ / ۲ / ۱۳۶۲.

۳- ۳۲۳. همان، جلد دوم، بازجویی ۵ / ۲ / ۱۳۶۲.

عراق شد. ولادیمیر کوزیکچین، از افسران سابق کا.گ.ب در ایران درباره ی تغییر سیاست شوروی و ارسال به عراق در کتاب خود می نویسد:

«با آغاز سال ۱۹۸۲، اتحاد شوروی تصمیم سیاسی خود را درباره ایران و عراق گرفت. این سیاست به نفع عراق بود و اتحاد شوروی ارسال بی دریغ اسلحه و مهمات به آن کشور را آغاز کرد. (۱) و سیاستی هر چه بیشتر اهانت آمیز و مغرورانه نسبت به ایران در پیش گرفت تا این زمان کاملا مشخص شده بود که ایران در نتیجه ی سیاست های خود عملا از بقیه ی جهان جدا شده است و تا وقتی آیت الله خمینی در قید حیات باشد، ایران هرگز به بلوک امریکا بازنخواهد گشت. این دورنمایی بود که بیش از هر چیز حکام شوروی را نگران می کرد.اگر ایران ضعیف و گرفتار مشکلات خویش می شد اتحاد شوروی خیلی راحت بود.» (۲) .

توضیحات کوزیکچین درباره ی علت تغییر سیاست های شوروی ناظر بر این معنا است که بخشی از دلایل سیاست بی طرفی که شوروی در جنگ اتخاذ کرده بود، با کاهش احتمال بازگشت مجدد ایران به سمت غرب تغییر کرد؛ زیرا ایران در وضعیتی بود که فعلا ـ چنین دگردیسی در سیاست های این کشور ممکن نبود. متقابلا تقویت موقعیت منطقه ای ایران با تأثیر از برتری در جنگ و شکست عراق منافع شوروی را تحت تأثیر قرار می داد؛ زیرا پیامدهای این برتری در مرزهای جنوب شوروی با ایران و در افغانستان برای منافع شوروی مخاطره آمیز بود. ضمن اینکه شکست عراق و سقوط صدام به معنای تضعیف و احتمالا از دست دادن یکی از برجسته ترین متحدان شوروی در

---

۱ – ۳۲۴. هیوم در کتاب خود درباره ی حجم ارسال سلاح به عراق می نویسد: «صدام حسین در دسامبر ۱۹۸۲ آغاز مجدد دریافت سلاح های روسی بر اساس قراردادهای پیش پرداخت شده و منعقده در دوره ی پیش از جنگ را اعلام کرد. این سلاح ها شامل جنگنده های میگ ۲۵، تانک تی – ۷۲ و موشک های سام – ۸ بود. در این دوره، شمار تکنسین ها و مشاوران روسی در بغداد به ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ نفر رسید.» وی اضافه می کند: «دیدار طه یاسین رمضان و طارق عزیز معاونان نخست وزیر و عبدالجبار شنشل، رئیس ستاد ارتش عراق از مسکو در اوایل ۱۹۸۳ منجر به دریافت سلاح بیشتر و حضور بیشتر متخصصان روسی گردید.» (کامرون.ر.هیوم، سازمان ملل متحد ایران و عراق، ترجمه هوشنگ عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۶، ص ۹۱).

۲– ۳۲۵. ولادیمیر کوزیکچین، کا.گ.ب. در ایران ترجمه اسماعیل زند، دکتر حسین ابوترابیان، چاپ رخ، تهران ۱۳۷۱، ص ۵۲.

منطقه محسوب می شد و این امر، در موازنه ی کلی منطقه ای به زیان منافع شوروی بود و میزان پایبندی شوروی در حمایت از متحدان خود را در نزد کشورهای منطقه مخدوش می کرد.

بر همین اساس، شوروی ها حمایت همه جانبه از عراق را با تشدید فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ، با برقراری آتش بس و از طریق مذاکره سیاسی انتخاب کردند. شوروی ها امیدوار بودند بر اثر این سیاست ها، علاوه بر مهار و کنترل پیروزی های ایران، عراق برای خارج شدن از وضعیت مخاطره آمیز، فرصت لازم را به دست آورد و ایران نیز در برابر این فشارها، به جای گسترش موقعیت منطقه ای، توان روحی و فیزیکی اش فرسایش یابد و با درگیر شدن در مشکلات داخلی نتواند بر منافع شوروی تأثیر گذارد و زمینه ی گرایش این کشور را به سمت سیاست های منطقه ای شوروی فراهم کند.

مواضع جامعه ی اروپا

یازده کشور تحت عنوان «جامعه ی اقتصادی اروپا» با منافع ملی متفاوت، (۱) غیر از صدور بیانیه هیچ گاه در مراحل مختلف جنگ موضع مؤثر و فعالی نداشتند. (۲) اساسا تا پایان دهه ی ۱۹۶۰ جامعه ی اروپا سیاست خارجی روشنی نداشت، در نتیجه، چارچوب مشخصی برای تعیین سیاست منطقه ای و روابط با کشورهای منطقه نداشت. (۳) در نیمه ی دوم دهه ۱۹۷۰، فرانسه روابط جدیدی با عراق برقرار کرد. این امر، بیشتر از آنکه متأثر از سیاست واحد و جدید منطقه ای اروپا باشد متأثر از حاکمیت سوسیالیست ها در فرانسه و گرایش های سوسیالیستی در عراق بود. همین ملاحظات از واکنش واحد جامعه ی اروپا در برابر تجاوز عراق به ایران مانع شد؛ ولی در عین حال تأثیرات جنگ بر صدور نفت و اخلال در امر کشتیرانی سبب شد تا جامعه ی اروپا بر اتمام جنگ تأکید نماید.

چشم انداز پیروزی های ایران با فتح خرمشهر به نزدیکی سیاست های جامعه ی

۱- ۳۲۶. مواضع آلمان و بویژه فرانسه تقویت و حمایت عراق بود.

۲- ۳۲۷. نک: مقاله «نقش جامعه اروپا در جنگ ایران و عراق»، نوشته اشتین باخ، کتاب بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، ص ۲۶۲ تا ۲۶۶.

۳- ۳۲۸. دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، جلد اول، ۱۳۶۸، ص ۱۸.

اروپا با سیاست های امریکا منجر شد و در میان کشورهای اروپا تنها آلمان بنا به ملاحظاتی همزمان سیاست نزدیکی به ایران را دنبال می کرد. در این مرحله کمک های تسلیحاتی اروپا به عراق بسیار بود. بنابر گزارش اخیر سازمان ملل، برنامه ی تسلیحاتی عراق با کمک امریکا و اروپا به شرح زیر بوده است:

«عراق سلاح های خود را از ۱۵۰ شرکت آلمانی، امریکایی و انگلیسی تهیه کرده است. بر اساس این گزارش، دولت عراق از سال ۱۹۷۵ توسط ۸۰ کمپانی آلمانی ۲۴ شرکت امریکایی و حدود ۱۲ شرکت انگلیسی و چند شرکت سوئیسی، ژاپنی ایتالیایی، فرانسوی، سوئدی، برزیلی و آرژانتینی، تجهیزات دریافت کرده است. آلمان بیشترین کمک را به برنامه اتمی عراق با ۲۷ شرکت و امریکا با ۲۴ شرکت و انگلیس با ۱۱ شرکت انجام داده اند. (۱) .

پس از فتح خرمشهر مناسبات فرانسه با عراق افزایش یافت و بسیاری از تسلیحات پیشرفته شامل هواپیماهای میراژ و سوپر اتاندارد و سایر تجهیزات نظامی همراه با کمک مستشاری و حمایت های سیاسی و دیپلماتیک را فرانسه در اختیار عراق گذاشت و پس از پایان جنگ بدهی عراق به فرانسه بالغ بر پنج میلیارد دلار بود.

چنان که اشاره شد با فتح خرمشهر همان عواملی که باعث نگرانی امریکا و شوروی شد به طور کلی سیاست های اروپا و برخی از کشورها مانند فرانسه و انگلیس و آلمان را تحت تأثیر قرار داد؛ چنان که فشار به ایران و حمایت از عراق خط مشی کلی این کشورها شد. در این میان، آلمان برای جلوگیری از پیامدهای نشدید فشار به ایران که به انزوای بیشتر این کشور منجر می شد و در نتیجه به گرایش و همسویی ایران با مسکو می انجامید به این کشور نزدیک شد.

مواضع کشورهای منطقه

کشورهای منطقه به دلیل اینکه انقلاب اسلامی بر ساختار متزلزل و محافظه کارانه داخلی این کشورها تأثیر می گذاشت علاوه بر اینکه برای آغاز جنگ از عراق حمایت کردند همچنان کمک های اطلاعاتی و سیاسی -

---

۱- ۳۲۹. گزارش عراق به سازمان ملل، سایت خبری «بازتاب»، ۷ / ۱۰ / ۱۳۸۱.

تبلیغاتی در اختیار عراق گذاشتند. این اقدامات در حالی انجام شد که ایران به دلیل سیاست های ضد اسرائیلی می توانست عنصری قدرتمند در معادلات منطقه ای باشد و اوضاع را به سود کشورهای منطقه و به زیان اسرائیل تغییر دهد. (۱) بی توجهی کشورهای منطقه به این موضوع نشان می داد علاوه بر وابستگی و تأثیرپذیری این کشورها از سیاست های امریکا، آنچه در تعیین خط مشی این کشورها در برخورد با ایران تأثیر داشت بیشتر متأثر از ملاحظات داخلی بود تا منطقه ای.

با فتح خرمشهر و با تجاوز اسرائیل به لبنان، کشورهای منطقه به علت تأثیر این پیروزی بر ساختارهای متزلزل داخلی این کشورها سبب شد تا بر گرایش های قومی تکیه کنند و برای توجیه حمایت از عراق، جنگ را جنگ عرب و فارس بدانند و در همین چارچوب به غیر از کشور سوریه و تا اندازه ای لیبی، سایر کشورهای عربی، کمک های همه جانبه ای در اختیار عراق گذاشتند. (۲) همچنین در چارچوب سازمان اوپک قیمت نفت را تنزل دادند و نفوذ دیپلماتیک خود را در جهان عرب و غرب به کار گرفتند تا فشارهای بیشتری را به جمهوری اسلامی ایران وارد کنند. (۳) .

مواضع عراق

پس از فتح خرمشهر، رفتار عراق متأثر از شکست های نظامی بود و با هدف جلوگیری از پیامدهای سیاسی - نظامی این شکست، در عرصه ی خارجی و داخلی و در ارتش عراق و ساختار سیاسی و جامعه این کشور دنبال می شد. فضای ناشی از نگرانی از پیروزی های ایران در سطح منطقه و بین المللی،

۱- ۳۳۰. تأثیر ایران در معادلات منطقه ای به سود کشورهای عربی در صورتی مورد توجه و بهره برداری این کشورها قرار خواهد گرفت که در مبارزه با اسرائیل جدی باشند حال آنکه فاقد اراده لازم برای این کار هستند. بنابراین تهدیدات اسرائیل را در معادلات بین المللی و بیشتر متکی بر امریکا حل و فصل می کنند. علاوه بر این در مبارزه جدی با اسرائیل ساختار داخلی کشورهای عربی دخیل است و تا ساختارها اصلاح نشود، توانایی لازم را نخواهد داشت.

۲- ۳۳۱. کمک های کشورهای عربی به عراق بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار بود.

۳- ۳۳۲. مأخذ ۲۳، ص ۱۷.

همانند زمان تجاوز به ایران، و نگرانی از گسترش انقلاب اسلامی در منطقه، به سود عراق بود. در واقع، صدام اطمینان یافت که نظام بین المللی و کشورهای منطقه، پیروزی ایران بر عراق و به رسمیت شناختن برتری ایران و نقش جدید این کشور در سطح منطقه را مخالف، منافع خود ارزیابی می کنند و در نتیجه وی و رژیم عراق قربانی پیامدهای شکل گیری معادلات جدید نخواهند شد.

آنچه در این مقطع تأثیر حیاتی و سرنوشت ساز برای عراق داشت این بود که صدام قابلیت و قدرت خود را برای گذر از وضعیت بحرانی که عراق در برابر ایران پیدا کرده بود، نشان دهد. در واقع، اعتبار سیاسی و نظامی عراق بر اثر این شکست مخدوش شده بود و بر همین اساس موقعیت صدام متزلزل شده بود و احتمال داشت رژیم عراق بر اثر شورش و قیام عمومی سقوط کند. (۱) تداوم ناکامی های عراق و گسترش بی ثباتی در داخل این کشور، همراه با ادامه یافتن پیروزی های ایران می توانست زمینه های ایجاد نوعی معامله و توافق برای حذف صدام و مقدمه و پیش شرط پایان بخشیدن به جنگ را فراهم سازد. بنابراین، صدام با حمایت بین المللی می بایست در معادله ی جدید سیاسی - نظامی، موقعیت خود را با حذف و تصفیه مخالفان داخلی تثبیت و در جبهه های جنگ نیز قدرت دفاعی ارتش عراق را در برابر تهاجمات احتمالی ایران تقویت می کرد. (۲) چنان که واشنگتن تایمز نوشت اگر صدام بتواند جلوی حمله ی ایران را سد کند می تواند پایه های حکومت خود را استحکام بخشد و حمایت عمومی را به دست آورد. (۳) در واقع، عراق ظرفیت تحمل شکست نظامی دیگری را نداشت و تحقق این امر به افزایش ضعف روحی ارتش عراق و اضمحلال قدرت دفاعی این کشور منجر می شد.

به این منظور، صدام در دو جبهه ی سیاسی و نظامی فعالیت های خود را گسترش داد. در عرصه ی سیاست داخلی، برای تحکیم موقعیت سیاسی خود در حزب بعث، نهمین کنگره حزب را در تاریخ سوم تا ششم تیرماه ۱۳۶۱ برگزار کرد. در این کنگره صدام به فرماندهی کل و عزت ابراهیم به نیابت وی انتخاب

۱- ۳۳۳. مأخذ ۳ ص ۱۷۴، گزارش روز ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه دانمارکی بی.تی.

۲- ۳۳۴. مأخذ ۳، ص ۱۳۲، گزارش ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

۳- ۳۳۵. مأخذ ۳، ص ۲۸۶، گزارش ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

شدند. (۱) این کنگره، همچنین در سطح اعضای شورای فرماندهی انقلاب و مشاوران ستاد شخصی صدام حسین تغییراتی انجام داد. (۲) چنان که اعضای شورای فرماندهی انقلاب از ۱۷ تن به ۱۰ تن کاهش یافت و ۸ تن از وزیران کابینه موقعیت خود را از دست دادند. (۳) علت این تغییرات بنابر نظر برخی از تحلیل گران بروز ناآرامی هایی در داخل دولت و نیروهای مسلح عراق بود. (۴) .

اقدامات سیاسی صدام در داخل عراق، که با آغاز عقب نشینی (۵) از خاک ایران در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ همراه بود، بازتاب وسیعی داشت. نخست آنکه به عقیده ی ناظران سیاسی موقعیت صدام را تحکیم کرد. (۶) علاوه بر این، موقعیت بین المللی عراق را از متجاوز به صلح طلب تغییر داد و بهبود بخشید. همچنین ارتش عراق با عقب نشینی از خاک ایران و استقرار در خاک خود موجب تقویت انگیزه های دفاعی نیروهای عراقی شد.

صدام در عرصه ی سیاست خارجی عراق علاوه بر اینکه روابط با شوروی را، که با شروع جنگ و پیش از آن به علت گرایش عراق به غرب تا اندازه ای مخدوش شده بود، بازسازی کرد، مناسبات با امریکا را گسترش داد. صدام طی مصاحبه ای در پاسخ به پرسش خبرنگار مجله ی تایم درباره ی وضعیت روابط عراق با امریکا می گوید:

«من شخصا خصومتی با امریکا ندارم و دوست دارم روابط حسنه با امریکا داشته باشیم (۷) و در موقع مناسب نیز به امریکایی ها خواهیم گفت که بیایند و با آنان رابطه برقرار خواهیم کرد.» (۸) .

---

۱ – ۳۳۶. صباح سلیمان وزیر اطلاع رسانی عراق در جنگ در گفت وگو با رادیو واشنگتن می گوید: «در سال ۱۹۸۲ صدام جلسه ای برای بررسی پیشنهاد آیت الله خمینی که در آن کناره گیری صدام مطرح شده بود، تشکیل داد. در این جلسه ریاض حسین وزیر بهداشت وقت عراق توصیه کرد صدام به طور تاکتیکی این پیشنهاد را بپذیرد. ریاض حسین بی درنگ به اتاق مجاور برده و اعدام شد.» (روزنامه ایران ۱۰ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۵).

۲– ۳۳۷. مأخذ ۳، ص ۸۵ گزارش. ۶ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳– ۳۳۸. مأخذ ۳، ص ۸۵ گزارش ۶ / ۴ / ۱۳۶۱ رادیو صدای امریکا.

۴– ۳۳۹. آنتونی کردزمن و آبراهام واگنر، درس هایی از جنگ مدرن، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، (منتشر نشده)، ص ۱۶۵.

۵– ۳۴۰. گزارش عقب نشینی عراق که از ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ با سخنرانی صدام آغاز و در تاریخ ۹ تیر ۱۳۶۱ به پایان رسید در صفحات بعد ارائه خواهد شد.

۶– ۳۴۱. مأخذ ۳، ص ۸۵ گزارش روز ۶ / ۴ / ۶۱، رادیو کلن و گزارش ۹ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۱۶، خبرگزاری آسوشیتدپرس.

۷– ۳۴۲. مایکل رابس در روزنامه ی واشنگتن پست می نویسد: «واشنگتن خواستار از سرگیری فوری روابط دیپلماتیک بود، اما صدام اصرار داشت که این روابط تا سال بعد مسکوت بماند.» (خبرگزاری ایسنا، چهارشنبه ۱۱ / ۲ / ۸۱).

۸– ۳۴۳. مأخذ ۳، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، گزارش ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۱، مصاحبه صدام با مجله تایم چاپ اروپا.

یکی از مهمترین نگرانی های عراق در این مرحله به نوشته ی مجله ی تایم این بود که «ارزش استراتژیک ایران برای ایالات متحده در منطقه بیش از نیاز عمده مناسبات آشکار و دوستانه با عراق باشد.» (۱) توضیح مجله تایم ناظر بر این معنا بود که به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ایران و همچنین ضعف صدام توجه به امریکا به ایران نادیده گرفتن صدام و رژیم عراق منجر شود. به همین دلیل، مجله ی تایم می نویسد:

«صدام به امید تجدید روابط دیپلماتیک با امریکا، به چاپلوسی این کشور پرداخته است. در عین حال، میزان تجارت امریکا با عراق به یک میلیارد دلار در سال افزایش یافته است که بیش از سه برابر میزان تجارت عراق با شوروی می باشد.» (۲) .

امریکا، در مرحله جدید، علاوه بر کمک اطلاعاتی (۳) به عراق، نام این کشور را از فهرست کشورهایی که به تروریسم کمک می کنند خارج کرد و همین امر، غیر از بهبود چهره ی سیاسی عراق، برخی از موانع قانونی برای کمک را برطرف ساخت.

عراق روابط با شوروی را، که تنش زا شده بود، مجددا بازسازی کرد. صدام درباره ی دیدگاه شوروی به عراق می گوید:

«شوروی صریحا می گوید که علاقه مند به حفظ عراق می باشد و دوست ندارد عراق را در وضعیت بدی مشاهده کند. در عین حال، روس ها می گویند که آنچه پس از سقوط شاه در ایران روی داد مفهوم دگرگونی بزرگی را در استراتژی بین المللی دارا می باشد. ایران با شوروی هم مرز است و روس ها در منطقه اهدافی دارند که ایران در میان این اهداف قرار دارد. ما شوروی را متهم نکرده و نفرینش نمی کنیم، اما ایران این کار را می کند.» (۴) .

علاوه بر این اقدامات، عراقی ها با آشکار شدن تصمیم ایران به ادامه ی جنگ و همچنین ناامیدی از تحمیل اراده ی بین المللی به ایران برای خاتمه بخشیدن به جنگ، برای نخستین بار در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۶۱ پایانه های نفتی ایران در

۱- ۳۴۴. نورالدین کیانوری، دبیر کل حزب توده، جلسه پرسش و پاسخ، ۹ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۲۲، گزارش مجله تایم.

۲- ۳۴۵. مأخذ ۳، ص ۱۹۵، گزارش ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۳۴۶. برقراری ارتباط اطلاعاتی عراق با امریکا در صفحات آینده بررسی خواهد شد.

۴- ۳۴۷. مأخذ ۳، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، گزارش ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۱، مصاحبه صدام با خبرنگار مجله تایم چاپ اروپا.

جزیره ی خارک را بمباران کردند. عراق همچنین به شرکت های نفتی هشدار داد تا از نزدیک شدن به اسکله ی خارک خودداری کند و گرنه هدف حمله ی نیروی هوایی عراق قرار خواهند گرفت. (۱) .

حمله ی عراق به جزیره ی خارک از چند جهت مهم بود. این اقدام نماد روشنی از توافق بین المللی در حمایت از عراق بود. در غیر این صورت، هواپیماهای عراقی به کشتی های نفتکش در منطقه ی خلیج فارس حمله نمی کردند. به علاوه، این اقدام عراق پیامی هشدارآمیز به ایران بود. بدین معنا که با ادامه ی جنگ، به مراکز و تأسیسات نفتی و اقتصادی ایران حمله می شود و این امر، علاوه بر گسترش دامنه ی جنگ، به معنای تضعیف بنیه اقتصادی ایران بود؛ البته مشخص نیست در ایران تا چه اندازه به پیام عراق توجه شد و آیا به هنگام تصمیم گیری برای ادامه ی جنگ آن را لحاظ کردند یا نه.

۱- ۳۴۸. مأخذ ۳، ص ۲۰۳، گزارش ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۱، رادیو بی.بی.سی به نقل از دولت ژاپن.

تصمیم گیری ایران

اشاره

منطق حاکم بر تصمیم گیری ایران از ملاحظات متفاوتی متأثر بود. (۱) نخست آنکه ایران همچنان در وضعیت و فضای انقلابی قرار داشت؛ بدین معنا که سیاست خصمانه ی قدرت های بزرگ در برابر انقلاب و نظام، تفکر و روش های ایران را در مناسبات خارجی و بین المللی تحت تأثیر قرار داده بود. علاوه بر این همچنان احساس رسالت انقلابی و صدور انقلاب بر تفکرات و رفتارها سایه افکنده بود و همین امر باعث شده بود که میان صدور انقلاب و تأمین امنیت نظام پیوستگی ایجاد و چنین تصور شود که اگر انقلاب در موضع دفاعی قرار گیرد و در مرزهای ایران محصور شود ادامه ی بقاء و امنیت نظام انقلابی ممکن نخواهد بود.

بر این اساس، این جنگ براندازی نظام انقلابی و جلوگیری از صدور انقلاب معنا می شد و اجماع بین المللی در حمایت از عراق و نادیده گرفتن تجاوز به ایران این معنا را بیش از گذشته آشکار کرد که بقاء نظام جمهوری اسلامی در چارچوب معادلات ملی و نه بین المللی، ممکن است و این امر به ظهور خودباوری و اعتماد به نفس و در نتیجه، مقابله با تهاجم دشمن و پشت سر نهادن بی ثباتی سیاسی و بیرون راندن اشغالگران را از مناطق اشغالی منجر شد. در عین حال، به شکل گیری رویکرد ایران به موضوع خاتمه دادن به جنگ تأثیر گذاشت. (۲) .

ص: ۱۱۶

۱- ۳۴۹. تصمیم گیری مسئولان و نخبگان سیاسی و نظامی بر پایه ی ملاحظات مختلفی انجام می شود. در این روند، تجربیات سیاسی - فرهنگی، مبانی اعتقادی، ادراک از فضای عمومی جامعه، منافع و مصالح کشور و سایر ملاحظات نقش بسیار مهمی دارد. این عوامل تحت عنوان محیط روانی (Psycholoyical Environment) نامبرده می شود و عوامل تأثیرگذار بر تصمیم نخبگان تحت عنوان محیط عملیاتی (Operational Environment) توضیح داده می شود.

۲- ۳۵۰. مجله ی پیام انقلاب درباره تأثیرات جنگ بر باورهای مردم در تحلیلی می نویسد: «از ابتدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران یک اصل برای ما اثبات شده است که اگر ما متکی به قدرت و اراده ی خویش توطئه های دشمن جهانی را خنثی نکنیم، حداقل در کوتاه مدت هیچ کس نیست که به کمک جمهوری اسلامی بشتابد. مردم ما از ابتدای شروع جنگ به عینه مشاهده کردند تا زمانی که صدام قدرت پیشروی و حتی مقاومت خود را در برابر رزمندگان اسلام حفظ کرده بود، هیچ کشور یا مرجع بین المللی تجاوز علیه ایران را محکوم نکرد. فقط هنگامی که رزمندگان ما با تکیه بر قدرت و اراده ی خویش و بسیج کلیه امکانات مادی و معنوی شان در جبهه های جنگ سرنوشت توانستند صدام را به عقب نشینی مجبور سازند، ورود هیئت های صلح به ایران تشدید می شود و آن هم نه برای برقراری صلح عادلانه بلکه برای تحمیل صلح امریکایی به جمهوری اسلامی.» (سایت ملی - مذهبی، به نقل از مجله پیام انقلاب، شماره ی ۶۴، ۱۶ / ۵ / ۶۱).

برتری ایران در جنگ به تغییر سیاست و واکنش کشورهایی منجر شد که تصور می کردند ایران در جنگ فرسایشی تضعیف و سرانجام تسلیم خواهد شد؛ در نتیجه حمایت از عراق و فشار به ایران افزایش یافت. پیدایش چنین تحولی ایران را از واکنش قدرت های بزرگ بویژه امریکا در برابر پیروزی های ایران نگران کرد.

همزمان با این تحولات، تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان این تصور را به وجود آورد که هدف اصلی امریکا و اسرائیل، منصرف کردن ایران از جنگ با عراق است. لذا پس از حضور نیروهای ایران در سوریه به آنان فرمان داده شد که بازگردند. این امر، همراه با فشار بین المللی برای برقراری آتش بس و احتمال صدور قطعنامه ی سازمان ملل، ایران را واداشت که برای اجرای عملیات در داخل خاک عراق تعجیل کند. ضمن اینکه اقدامات پدافندی عراق با استفاده از فرصت گسترش یافت و وضعیتی را فراهم کرد که تصور می شد انجام عملیات در آینده دشوار خواهد شد.

اساس تصمیم گیری ایران در این وضعیت نگرانی و در عین حال استفاده ی از فرصت بود. ناتوانی عراق (۱) و متقابلا برتری ایران (۲) و مهمتر از آن تزلزل

۱- ۳۵۱. آقای هاشمی در خاطرات خود درباره ی وضعیت عراق در عملیات فتح المبین می نویسد: «آن قدر عراقی ها بسرعت منهدم می شوند که مسئولان نظامی جبهه به تردید افتادند که مبادا امریکا دارد نقشه اجرا می کند.» (عبور از بحران، روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۲ / ۸۰، ص ۱۰ گزارش روز ۷ / ۱ / ۶۱) ایشان در خطبه نماز جمعه نیز گفت: «این فتح نشان داد و اطمینان داد که عراق دیگر نمی تواند دفاع کند.» (خطبه ها و جمعه ها، جلد چهارم، حزب جمهوری اسلامی، دی ماه ۶۲، ص ۸۷، خطبه ی دوم نماز جمعه تهران، ۶ فروردین ۱۳۶۱).

۲- ۳۵۲. سردار غلامعلی رشید پس از مطالعه دستنویس کتاب طی یادداشتی در حاشیه ی آن نوشت: در تصمیم گیرندگان ادامه جنگ و ورود به خاک عراق، اعتماد به نفس عجیبی متأثر از پیروزی های ۸ ماهه پی درپی به وجود آمده و فرماندهان رده بالای ما (محسن - شهید صیاد) و آقای هاشمی ظاهرا هر گونه شک و تردید را در عدم موفقیت یا ضعف در ادامه جنگ و ورود به خاک عراق برای دیگران از بین برده بودند و همه را به این اطمینان رساندند که پیروزی ما در عملیات رمضان قطعی است و این عامل (اعتماد به پیروزی در عملیات آینده، همچون عملیات های چهارگانه ی گذشته) بزرگترین عامل بوده است که تصمیم گیرندگان را به نتیجه قطعی ادامه جنگ و صحیح بودن تصمیم رسانده است. و اگر احتمال ناکامی و شکست در عملیات رمضان را می دادند ممکن بود جور دیگری تصمیم بگیرند. (بهار ۱۳۸۲).

موقعیت سیاسی صدام و رژیم عراق این امکان را فراهم کرده بود که ایران از موضع قدرت، بر خواسته های خود تأکید نماید و با فشار نظامی اوضاع را برای عراق و حامیانش دشوار کند، و با تصرف منطقه ای بااهمیت در خاک عراق، موقعیت برتر ایران را تثبیت کند تا حامیان عراق با تأمین خواسته های ایران، وضعیت را برای خاتمه دادن به جنگ فراهم سازند.

چنانچه روشن است اساس این تصمیم گیری معطوف به ادامه ی جنگ با استراتژیی بلندمدت و با هدفی گسترده نبود، بلکه این تصور به وجود آمده بود که با کسب یک پیروزی احتمالا رژیم عراق متزلزل خواهد شد و حامیان عراق شرایط ایران را خواهند پذیرفت. (۱) شایعات موجود از وضعیت صدام و احتمال سقوط وی و فروپاشی ارتش او، هم با ساده اندیشی و خوش بینی، ولع خاصی در تصمیم گیرندگان به وجود آورد. (۲) حال آنکه هیچ گونه برنامه منظمی برای تحقق این هدف پیش بینی نشده بود. بنابراین تصور می شد در چنین وضعیتی استقرار در مرز تصمیم درستی نخواهد بود و با منطق جنگ سازگار نیست؛ زیرا احتمال بازسازی قدرت نظامی عراق و حمله ی مجدد به نیروهای ایران پیش بینی می شد. چنان که در ماه های پایانی جنگ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، قوای نظامی عراق مجددا به سمت اهواز و خرمشهر (۳) پیشروی کردند.

به هر حال به منظور بررسی وضعیت کشور و اتخاذ روش مناسب در جنگ مسئولان سیاسی - نظامی کشور با امام جلساتی تشکیل دادند که برای

۱- ۳۵۳. آقای هاشمی در خطبه های نماز جمعه ۱۷ / ۲ / ۶۲ درباره صدام می گوید: «صدام مطمئن به آینده خودش نیست مثل موجودی است که فکر می کند باید این منطقه را ترک کند.» ایشان سپس وضعیت صدام را با توجه به حمله عراق به هواپیمای بن یحیی از الجزایر، که برای میانجیگری میان ایران و عراق در حال فعالیت بود، با شاه مقایسه کرد که در روزهای آخر تهدید به انجام برخی اقدامات کرده بود. (خطبه ها و جمعه ها، جلد چهارم، ص ۲۱۷ - ۲۱۶).

۲- ۳۵۴. یادداشت سردار غلامعلی رشید در حاشیه دستنویس کتاب، بهار ۱۳۸۲.

۳- ۳۵۵. بعد از شکست عراق از امریکا در کویت، کالک های این عملیات به دست آمد و مشخص شد هدف خرمشهر نبود بلکه هدف شمال خرمشهر تا ایستگاه حمیدیه و جاده اهواز - خرمشهر بود.

روشن شدن مبانی تفکر و تصورات موجود برای تصمیم گیری، و چگونگی تصمیم گیری به گزارش های موجود از جلسات اشاره می شود.

جلسه اول

اولین جلسه درباره مسائل جنگ به گفته میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، در عصر (۱) روز سوم خرداد و پس از انتشار خبر فتح خرمشهر در منزل امام تشکیل شد. خرسندی امام از این پیروزی سبب شد برخلاف همیشه امام بر روی زمین نشستند و محتوای کلام ایشان بود که با این پیروزی جنگ تمام شد. آقای هاشمی در این جلسه چنین استدلال کردند که اگر قطعه ای از خاک عراق در اختیار ایران نباشد امتیاز و غرامت به ایران نخواهند داد. (۲) آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود درباره این جلسه، که روز دوشنبه سوم خرداد برگزار شد، می نویسد: خرمشهر به طور کامل تسخیر گردید و دشمن تسلیم شد. اول شب خدمت امام رفتیم و راجع به آینده جنگ مشورت کردیم. ایشان خیلی خوشحالند با آقایان رئیس جمهور و نخست وزیر مهمان احمدآقا بودیم و مصاحبه مشترک انجام دادیم. (۳) ایشان همچنین در سال ۱۳۷۲، قبل از گسترش نقد جنگ، که با انتخابات مجلس ششم در سال ۱۳۷۸ و کاندیداتوری آقای هاشمی به اوج خود رسید، می گوید:

«ما اوایل جنگ بعد از فتح خرمشهر که خواستیم وارد شویم به عراق، یک جلسه بسیار مهمی خدمت امام داشتیم که من هنوز ندیده ام آن جلسه جایی ثبت شده باشد. احتمالا جلسه رسمی شورای دفاع هم نبود و ضبط هم نشده است. فرماندهان عالی رتبه، بودند، اعضای شورای عالی دفاع بودیم. آنجا بحث جدی این بود که خوب حالا ـ که دشمن رفته و فرار کرده و نیروهایش متلاشی شده اند حالا می خواهیم برویم داخل عراق. آخرین چیزی که بعد از مدتی

---

۱ – ۳۵۶. زمان جلسه را مهندس موسوی با این استدلال عصر سوم خرداد ذکر کردند که ایشان می گوید وقتی جلسه تمام شد من از خانه امام خارج شدم و مصاحبه ای همانجا انجام دادم و سپس برای بازدید از خرمشهر، عازم منطقه شدم.

۲– ۳۵۷. مصاحبه اختصاصی با مهندسی موسوی، زمستان ۷۸.

۳– ۳۵۸. اکبر هاشمی رفسنجانی، پس از بحران، روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۱ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۱۸ گزارش روز دوشنبه سوم خرداد ۱۳۶۱.

طولانی بحث و استدلال هایی که شد امام اجازه دادند، گفتند آن جاهایی بروید که مردم نیستند از این جهت منطقه عملیات رمضان را انتخاب کردیم.»

سپس ایشان در مورد نظر امام و بحث در جلسه اضافه می کند:

«نظر امام واقعا در اول کار این نبود قطعا می گفتند داخل خاک عراق لازم نیست که ما وارد بشویم. بعد که به هر حال به این نتیجه رسیدند که عراقی ها اگر بفهمند که ما به مرزشان وارد نمی شویم تسلیم نخواهند شد، می روند و با خیال راحت آن طرف شرارت می کنند.» (۱) .

مسئله با توجه به توضیحات مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، و آقای هاشمی درباره جلسه ی اول روشن می شود که فضا همچنان تحت تأثیر پیروزی ایران بوده و هنوز تصور و تفکر قاطعی درباره ادامه جنگ وجود نداشته است و بیشتر به واکنش های احتمالی و مهمتر از آن نادیده گرفتن حقوق ایران توجه می شده است. همچنین ورود به خاک عراق در چارچوب یک استراتژی نظامی و بلندمدت نبوده است و بیشتر برای ایجاد زمینه برتری ایران به منظور امتیاز گرفتن از عراق بدان توجه شد. به این نظریه بیشتر از همه آقای هاشمی توجه کرد و ایشان قبل و بعد از عملیات فتح المبین حتی در نماز جمعه تلویحا به این موضوع اشاره کرده بود. برخلاف توضیح آقای هاشمی، که احتمالا با مباحث جلسه ی دوم (۲) یا مباحث دیگر آمیخته شده است، در این جلسه به دلیل ابهاماتی که بود تنها اصل موضوع بحث شد و منطقه خاصی برای عملیات انتخاب نشد. آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، گرچه در جلسه اول حضور نداشت درباره محتوای بحث می گوید:

«اولین جلسه ای که آنجا در خرمشهر بودیم (۳) حضور نداشتیم، حضرت امام سؤالی فرموده بودند که برای چه می خواهید جنگ را ادامه دهید؟ دوستان گفته بودند

۱- ۳۵۹. بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، عزت راز جاودانگی، به کوشش قاسم فروغی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۲۵۲.

۲- ۳۶۰. آقای رضایی می گوید در جلسه دوم که ایشان هم حضور داشته، منطقه عملیات رمضان انتخاب شده است.

۳- ۳۶۱. آقای رضایی هنگام فتح خرمشهر، در منطقه بود و همین موضوع نشان می دهد جلسه اول در تاریخ سوم خرداد تشکیل شده است؛ زیرا پس از فتح خرمشهر وی عازم تهران شد.

برای اینکه ما یک چیزی دستمان باشد و به عراق فشار بیاوریم که حقوق ما را به رسمیت بشناسد. امام فرموده بودند اگر شما می خواهید جنگ را ادامه دهید باید تا آخر ادامه دهید اگر می خواهید تمام کنید همین نقطه تمام کنید.» (۱) (۲) .

برداشت آقای محسن رضایی از مباحث جلسه اول و پرسش و در واقع تحلیل امام از پیشنهادها مهم است. ایشان در این زمینه می گوید:

«در حقیقت امام از پیشنهاد دوستان ادامه جنگ را نمی دید پایان جنگ را می دید و ادامه جنگ یعنی زخمی کردن یک منطقه را امام به مصلحت نمی دید.

از نظر سیاسی و استراتژیک می گفت شما می خواهید بروید دشمن را زخمی کنید یک نقطه ای را بگیرید و آنجا بمانید، این نمی شود، اگر می خواهید زخمی کنید باید تا آخر بروید نباید بمانید.» (۳) .

غیر از صحت این ارزیابی و ضرورت توجه به وجوه مختلف نظر امام، آنچه روشن است در جلسه اول، تصمیمی گرفته نشده است و پس از بحث های اولیه و پرسش امام درباره دلایل ادامه جنگ، تصمیم گیری به جلسه بعد موکول شد.

جلسه دوم

آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود به تشکیل جلسه ی دوم و قبل از آن تماس با فرماندهان ارتش و سپاه اشاره می کند و می نویسد: «از جبهه فرماندهان نیروی زمینی و سپاه تماس گرفتند و قرار شد فردا در دفتر امام جلسه شورای عالی دفاع تشکیل شود.» (۴) ایشان درباره جلسه دوم ضمن اشاره به اینکه «ساعت ده صبح شورای عالی دفاع در دفتر امام تشکیل شد» گزارش فرماندهان سپاه و ارتش از نتایج عملیات را نقل می کند و خلاصه وار در مورد نتیجه گیری جلسه می نویسد:

۱– ۳۶۲. آقای رضایی در مصاحبه با روزنامه کیهان توضیحاتی را درباره موضوع تصمیم گیری ایران و نظر امام بیان می کند که به نظر می رسد با این توضیح مقداری تفاوت دارد. ایشان در مصاحبه می گوید: اما درباره نظر حضرت امام پس از فتح خرمشهر باید عرض کنم بحث آن موقع بر سر توقف یا ادامه جنگ نبود؛ بحث این بود که چگونه جنگ را ادامه بدهیم تا به حقمان برسیم.

۲– ۳۶۳. محسن رضایی، سخنرانی در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه (دافوس)، خرداد ۱۳۷۹.

۳– ۳۶۴. همان.

۴– ۳۶۵. مأخذ ۳۹، ص ۸، گزارش چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۶۱.

«نسبت به آینده جنگ هم تصمیم اتخاذ شد. قرار شد در نقاط محدودی وارد خاک عراق شویم، برای جلوگیری از ناامنی شهرهای خودمان و گرفتن خسارت.»

آقای هاشمی سپس می نویسد: «ظهر نماز را با امام به جماعت خواندیم.» (۱) .

در واقع، جلسه دوم در ششم خرداد و سه روز بعد از جلسه اول برگزار شده است. آقای هاشمی در گفت وگوی اختصاصی (۲) درباره جلسه دوم و نظر امام در مورد ادامه جنگ می گوید:

«فرماندهان ارتش و سپاه خدمت امام رفتند من هم بودم، یک جلسه طولانی بود فرماندهان گفتند اگر حاکمان بغداد مطلع شوند که ما وارد خاک این کشور نمی شویم با خیال آسوده علیه ما شرارت خواهند کرد، منطق جنگ این نظر را نمی پسندد. امام مسائل انسانی را مطرح می کردند و می گفتند: «اگر به مردم عراق آسیب برسانیم، برای آنها مشکل خواهند شد...» آن جلسه طولانی بود، احتمالاـ یادداشت ها هست فکر می کنم مرحوم نظران آن موقع دبیر بود، می توان آن صورت جلسه را پیداکرد (۳) نتیجه اش این شد که امام اجازه دادند به صورت محدود در مناطقی که مردم عراق نیستند ما وارد خاک عراق شویم. اینکه عملیات رمضان در آن منطقه طراحی شد به همین علت بود. ایشان اجازه دادند که نیروهای ما خود را به دجله برسانند تا اگر روزی قرار شد کاری بکنیم فاصله را کوتاه کرده باشیم.» (۴) .

آقای هاشمی در اینجا مباحث جلسه دوم را کلی و عمدتا از موضع فرماندهان نقل می کند. ایشان در توضیحات دیگری با اشاره به اینکه امام اجازه دادند در برخی از نقاطی، که مردم حضور ندارند، وارد خاک عراق شویم می گوید:

۱- ۳۶۶. مأخذ ۳۹، ص ۸، گزارش پنج شنبه ۶ خرداد ۱۳۶۱.

۲- ۳۶۷. آقای مسعود سفیری در گفت وگوی اختصاصی با آقای هاشمی (در سال ۱۳۷۸) مباحث بسیار زیادی پرسیدند که در کتاب حقیقت ها و مصلحت ها به چاپ رسیده است. بخش مورد استفاده درباره جلسه دوم، در کتاب ورود به خاک عراق ضرورت ها و دستاوردها به تحقیق مهدی بهداروند، از انتشارات نیروی هوایی سپاه، مهر ۱۳۸۱، در ص ۵۵ - ۵۴ عینا نقل شده است ولی در این کتاب هم در مقدمه، مصاحبه با آقای هاشمی را اختصاصی ذکر کرده اند و در متن کتاب هیچگونه سندی در مورد این نقل قول ذکر نشده است.

۳- ۳۶۸. با وجود تلاش آقای شمخانی برای دسترسی به نوارهای جلسات و گفت وگو با آقای هاشمی و مساعدت ایشان متأسفانه امکان دسترسی به نوارها فراهم نشد.

۴- ۳۶۹. مسعود سفیری، حقیقت ها و مصلحت ها، گفت وگو با اکبر هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۷۸، تهران، ص ۹۱ و ۹۲.

«در آن جلسه من و آقای خامنه ای سکوت کردیم و نظامی ها دلیل آوردند. تحلیل این بود که از نظر نظامی پیروز می شویم و موانع را هم پیش بینی نمی کردیم.» (۱) .

توضیحات آقای خوئینی ها درباره جلسه دوم مهم است. آقای عبدی به نقل از ایشان در مورد جلسه دوم می گوید:

«آقای موسوی خوئینی ها گفت: من اصلا در جلسه نبودم پیش امام رفته بودم کار دیگری داشتم. می خواستم بلند شوم که بعد فرماندهان جنگ آمدند... امام در آنجا با چند دلیل با این کار (ادامه جنگ) مخالفت کردند. آقای هاشمی رفسنجانی موافق اصلی بود. استدلالش هم این بود که ما اینجا ایستادنمان مشکلی را از ما حل نمی کند و نمی توانیم در مذاکرات کار جدی انجام بدهیم. تنها راهش این است که عملیات دیگری انجام بدهیم و برویم بخش قابل توجهی از خاک عراق را به دست بگیریم بعد بنشینیم مذاکره کنیم.» (۲) .

سپس عبدی به فضای عمومی کشور، که تهییج کننده بود، و تصوراتی مبنی بر اینکه وضعیت ایران مناسب و امکان پیروزی وجود دارد، اشاره می کند و در مورد محتوای جلسه به نقل از آقای خوئینی ها می گوید:

«امام با اینکه مخالف بودند قبول کردند به دلیل اینکه جو غالب فرماندهان یعنی کسانی که آنجا آمده بودند در آن جلسه، فرماندهان سیاسی، نظامی قبول کردند... پنج دلیل در مخالفت آورد، ولی در نهایت به جمع بندی احترام گذاشت.» (۳) .

توضیحات آقای خوئینی ها که به گفته آقای عبدی در سال ۱۳۶۳ برای ایشان خیلی دقیق تعریف شده است نشان می دهد موافقان و مخالفان در جلسه بحث کردند و امام مخالف بودند ولی در نهایت، با توجه به آنچه در جلسه بیان شد، به نظریات جمع احترام گذاشتند و پذیرفتند.

آقای رضایی، که در جلسه اول حضور نداشت و پس از تماس تلفنی آقای هاشمی علاوه بر توجیه در مورد جلسه اول، برای جلسه دوم به تهران آمد. سردار رشید در این باره می گوید:

«ایشان (آقای رضایی) می گوید من جلسه اول که بعضی از مسئولان با حضرت

۱- ۳۷۰. اکبر هاشمی رفسنجانی، مصاحبه اختصاصی ۲۱ / ۱ / ۱۳۸۰.
۲- ۳۷۱. سایت اینترنتی «ملی - مذهبی»، گزارش شش قسمتی از علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، زمستان ۱۳۸۰.
۳- ۳۷۲. همان.

امام داشتند اصلا حاضر نبودم اما بعدا آقای هاشمی به من تلفنی گفتند که می خواهیم در خصوص ادامه جنگ یک جلسه خدمت امام داشته باشیم. لذا ضروری است شما حضور داشته باشید. من نیز در آن جلسه حضور یافتم.» (۱) .

آقای رضایی از جلسه دوم توضیح می دهد:

«من جلسه اول نرسیدم، چون درگیر حادثه خرمشهر بودیم. جلسه دوم من رسیدم عده ای از دوستان بودند؛ مقام معظم رهبری، آقای هاشمی، احمدآقا، آقای موسوی و جناب آقای موسوی اردبیلی و آقای ظهیرنژاد بودند. آنجا امام سؤال کردند شما برای چه می خواهید از مرز جلوتر بروید؟ عده ای از دوستان استدلال های سیاسی کردند؛ گفتند ما به این دلیل می خواهیم برویم. برادرهای ارتش و ما آمدیم استدلال های نظامی کردیم؛ گفتیم که مثلا ما اگر از مرز برویم به اروند، آنجا اگر هم جنگ حالت معلق پیدا بکند یعنی نه جنگ نه صلح باشد، پشت اروندرود می شود دفاع کرد. سیاسیون گفتند که ما تا اینجا رسیدیم و هیچ چیزی در دستمان نیست. (۲) و نظرشان این بود که حالا که ما این توانایی را داریم باید جایی از خاک عراق را بگیریم تا بتوانیم آن فشاری را بر دشمن وارد کنیم تا عراق هم شرایط ما را قبول کند.» (۳) .

آقای رضایی بعدها در مصاحبه اختصاصی موضوع اصلی جلسات تصمیم گیری را توضیح می دهد و می گوید:

«پس از فتح خرمشهر موضوع نحوه پایان جنگ بود. بر روی مرز بمانیم یا به آن طرف مرز برویم. استدلال ها برای پایان جنگ بود. مرحوم تیمسار ظهیرنژاد استدلال می کرد اگر بمانیم پشت مرز، مواضع قابل دفاع نیست و پشت اروند مناسب است. امام معتقد بود باید دلیل جدی داشته باشید اگر عبور کردید باید تا آخر بروید اگر نمی خواهید همین جا بمانید. من در جلسه گفتم استدلال آقای ظهیرنژاد (۴) را قبول دارم.» (۵) .

---

۱ – ۳۷۳. مهدی بهداروند، ورود به خاک عراق، ضرورت ها و دستاوردها، تحت نظارت محمدجعفر اسدی، معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، مهر ۱۳۸۱، ص ۱۵۵.

۲– ۳۷۴. روزنامه رسالت، ۳ / ۵ / ۱۳۸۰، ص ۶، هفته نامه شلمچه، شماره ۱۵، ۳۵ مرداد ۱۳۷۸، ص ۸ و ۹.

۳– ۳۷۵. مأخذ ۴۱، ص ۹۸ و ۹۹.

۴ – ۳۷۶. پس از عملیات رمضان تیمسار ظهیرنژاد رئیس وقت ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه ای مطبوعاتی شرکت کرد. در این مصاحبه خبرنگار از ایشان سؤال کرد: «رسانه های غربی شما را به عنوان یکی از مخالفان انجام عملیات رمضان معرفی می کنند.» آقای ظهیرنژاد گفت: «از شدت این دروغ باید به خدا پناه برد. من از طراحان اصلی ورود به خاک عراق بوده ام و معتقدم...» (روزشمار جنگ، جلد ۲۰، ص ۴۱۷، گزارش ۷ / ۵ / ۱۳۶۱).

۵– ۳۷۷. مصاحبه اختصاصی با محسن رضایی، ۳۰ / ۳ / ۱۳۸۱.

ایشان در جای دیگری درباره همین جلسه و تصمیم گیری امام و حتی نام گذاری عملیات آینده می گوید:

«آنجا استدلالی شد و امام پذیرفتند (۱) و فرمودند این عملیاتی که می خواهید به اسم رمضان انجام بدهید و تصمیم گرفتند به اینکه ما از مرزها عبور کنیم و جنگ از مرزها به آن طرف مرز کشیده شد.» (۲) .

متعاقب برگزاری جلسه ی دوم تصمیم گیری برای ادامه ی جنگ، آقای هاشمی روز بعد در هفتم خرداد و در نماز جمعه تهران مطالبی را بیان کرد که در واقع بیان کننده ی بازتاب تصمیمات جلسه ی ششم خرداد بود.

«بقیه فهمیدند که ایران می تواند و ما خودمان این را قبول داریم که می توانیم، حال ببینیم با اینکه می توانیم می خواهیم چه کار بکنیم؟ اگر بنده و امثال بنده هم نخواهند و اگر شورای دفاع هم نخواهد آنهایی که آنجا هستند و آنهایی که برادران خودشان را کنار خودشان، خودشان را دیدند و می دانند به چه قیمت ما پس گرفتیم آنها به حرف بنده و امثال بنده هم گوش نمی کنند.

صدامیان بدانند و امریکا هم بداند ما حکومتمان مردمی است و مردم تصمیم می گیرند. به هر حال، ما به امریکا، می گوییم تو اگر جای ما بودی چه کار می کردی؟ (۳) یا به صدام می گوییم تو اگر جای ما بودی چه کار می کردی؟ (۴) این همه کشته و این همه خسارت دادیم؛ این همه آواره داشتیم؛ شما فکر می کنید می رویم پشت مرز خودمان که خط جغرافیا کشیده می شده می ایستیم؛ از این دور می گوییم غرامت بده؟ اینجور که نمی شود. هنوز داخل خاک ما هستی؛

---

۱ – ۳۷۸. آقای هاشمی معتقد است امام در تصمیم گیری منطق نظامی ها را پذیرفتند و تصدیق کردند ادامه ی جنگ با توقف پشت خط مرزی، منطق نظامی ندارد. (پس از بحران، روزنامه جمهوری اسلامی – ۱۷ / ۲ / ۸۰، ص ۱۴).

۲– ۳۷۹. مأخذ ۴۱.

۳– ۳۸۰. در آن زمان پاسخ این پرسش مشخص نبود ولی متعاقب جنگ امریکا با عراق، سیاست ها و اقدامات امریکا برای سقوط صدام و رژیم عراق، پاسخ این پرسش را مشخص کرده است.

۴– ۳۸۱. صدام پاسخ این پرسش را زمانی داد که جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفت و عراقی ها با استفاده از فرصت علاوه بر پشتیبانی از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) برای انجام عملیات در منطقه ی غرب کشور و پیشروی به سمت تهران، ارتش عراق را وارد خاک ایران کردند تا خرمشهر و اهواز را تصرف کنند و هنگام مذاکره موضع برتر داشته باشند.

هنوز در خوزستان و در آخرین نقطه ی جنوب غربی کشور ما یک مثلثی دست آنهاست؛ هنوز نفت شهر ما بیست ماه است نفت هایش را می برند هنوز خیلی از جاها دست آنها و هنوز ما کار داریم. تازه وقتی که اینها را بیرون کنیم هیچ کس در دنیا فکر نکند و خود را گول نزند که بگوید حرکت دیپلماسی می کنیم و ایران را پشت مرزش نگه می داریم. ما گفتیم که نیازی به خاک نداریم؛ خاک خودمان هم وسیع است و هم غنی، اما حقمان را که صرف نظر نمی کنیم یعنی نمی توانیم صرف نظر کنیم؛ اگر بخواهیم ما هم صرف نظر کنیم خدا صرف نظر نمی کند.» (۱) .

هسته ی مرکزی سخنان آقای هاشمی همان علائم پیروزی ایران و شکست عراق و نگرانی از واکنش به این پیروزی ها و تأکید بر تأمین خواسته های ایران بود که عناصر اصلی آن با آغاز تجاوز عراق به ایران مشخص شده بود و برتری نظامی ایران در واقع این امکان را فراهم کرد تا ایران خواسته های خود را جدی و از موضع برتر دنبال نماید (۲) به همین دلیل، سخنان آقای هاشمی حاوی تأکید بر قدرت و برتری ایران و همچنین هشدار و تهدید حامیان عراق بود. چنان که ایشان پس از ملاقات با امام در سخنانی گفت:

«ما تا آنجا در خاک عراق پیش می رویم که خواسته هایمان را بگیریم اگر قرار باشد حقوقمان را در بغداد بگیریم تا آنجا پیش خواهیم رفت. ما می خواهیم که جنگ زود تمام بشود و به همین دلیل، وقتی دیدیم این آقایانی که واسطه هستند کاری نمی کنند تصمیم گرفتند خودمان مسئله را حل کنیم و راه حل را تشخیص دادیم که فشارهای نظامی به صدام بیاوریم تا او را تسلیم کنیم.» (۳) .

در آغاز در نقد و بررسی این موضوع تنها از اصل تصمیم گیری پرسش

ص: ۱۲۶

۱- ۳۸۲. حزب جمهوری اسلامی، خطبه ها و جمعه ها، دی ماه ۱۳۶۲، تهران، ص ۲۸۶ و ۲۸۷، خطبه دوم ۷ / ۳ / ۱۳۶۱.
۲- ۳۸۳. آقای احمد توکلی، وزیر کار و امور اجتماعی وقت و سخنگوی دولت در شصت و هشتمین اجلاس سازمان بین المللی کار در ژنو در خرداد ۱۳۶۱، در اظهارات خود در این اجلاس به عنوان سخنگوی دولت جمهوری اسلامی ایران ضمن اینکه از موضع قدرت اعلام می کند ایران به دنبال توسعه طلبی نیست می گوید: «حق خود را به هر طریقی که اسلام اجازه می دهد خواهیم گرفت و مطمئن هستیم که نتیجه قهری این احقاق حق، سقوط رژیم بعث عراق خواهد بود.» (ورود به خاک عراق، ضرورت ها و دستاوردها، ص ۱۵).
۳- ۳۸۴. مأخذ ۴۹، ص ۱۴ و ۱۵.

می شد (۱) واکنش به این اظهارات تدریجا به ارائه اطلاعات و بحث های جدیدی منجر شد که پاسخ به آن تنها به گسترش و تعمیق این پرسش ها انجامید. در این روند، به دو موضوع «نظر امام درباره ادامه ی جنگ» و استدلال شخصیت های حاضر در جلسه تحت عنوان «نظر سیاستمداران و نظامیان در مورد ادامه ی جنگ» بیشتر از موضوعات دیگر توجه شد؛ البته دو موضوع یاد شده و مخاطبان و پرسشگران آن متفاوت هستند. کسانی که درباره نظر امام پرسش و بحث می کنند بیشتر بر این موضوع تأکید می کنند که امام با ادامه ی جنگ مخالف بود ولی مسئولان، اعم از سیاسی و نظامی، نظر امام را تغییر دادند، اما درباره ی موضوع دوم، در واقع، نوعی مجادله میان مسئولان سیاسی و نظامی در مورد نقش و به عبارتی مسئولیت آنها در تصمیم گیری مورد توجه است.

در ابتدا، نظر امام درباره ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر بررسی می کنیم و پس از آن، به استدلال و نقش سیاستمداران و نظامیان در این تصمیم گیری اشاره خواهد شد.

نظر امام درباره ی ادامه ی جنگ

آغازکننده ی بحث درباره نظر امام پیرامون ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر، به صورت آشکار، در واقع مرحوم سید احمد خمینی بود که پس از رحلت ایشان در سال ۱۳۷۴ برای نخستین بار در روزنامه ی جمهوری اسلامی منتشر شد (۲) پیش از این همیشه وجه اثباتی نظر امام نقل می شد ولی اظهارات سید احمدآقا گفتمان جدیدی را درباره ی نظریات امام شکل داد و این تصور را به وجود آورد که امام با ادامه ی جنگ مخالف بود ولی بر اثر پافشاری مسئولان جنگ نظر خود را تغییر داد. ایشان در این مصاحبه می گوید:

«در مقابل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود. اما

۱- ۳۸۵. نک: پرسش های اساسی جنگ، محمد دوردیان.

۲- ۳۸۶. این مصاحبه را دفتر امور مطبوعاتی سپاه تهیه کرده و برای انتشار در اختیار روزنامه ی جمهوری اسلامی قرار داده است.

بالاخره مسئولان جنگ گفتند که ما باید تا کنار شط العرب (اروندرود) برویم تا بتوانیم غرامت خودمان را از عراق بگیریم. امام اصلا با این کار موافق نبودند و می گفتند اگر بناست که شما جنگ را ادامه بدهید بدانید که اگر این جنگ با این وضعی که شما دارید ادامه یابد و شما موفق نشوید، دیگر این جنگ تمام شدنی نیست و ما باید این جنگ را تا نقطه ای خاص ادامه بدهیم و الان هم که قضیه فتح خرمشهر پیش آمده بهترین موقع برای پایان جنگ است.» (۱) .

در سال ۱۳۷۸ و پس از کاندیداتوری آقای هاشمی برای نمایندگی در مجلس ششم و گسترش گفتمان انتقادی، جنگ، آقای گنجی در مقالات و کتاب خود عالیجناب سرخپوش، که در سال ۱۳۷۹ به بازار آمد، با استناد به اظهارات سید احمدآقا، مواضع آقای هاشمی را نقد می کند و می نویسد:

«آقای هاشمی رفسنجانی مسئولیت ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر را به عهده امام می گذارد در حالی که حاج سید احمد خمینی (ره) فرمودند...» (۲) بعدها آقای محمدعلی انصاری قائم مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی در مصاحبه ای درباره ی نظر مرحوم حاج احمد خمینی می گوید:

«در جلسات عمومی و خصوصی از حاج احمدآقا شنیدم که امام بعد از فتح خرمشهر ابتدا نظرشان بر توقف جنگ بود.»

آقای انصاری با توجه به انتشار مصاحبه و بازتاب های آن می گوید:

«اخیرا در اظهارات برخی افراد و فرمانده ها خواندم که این قضیه (مخالفت امام با ادامه ی جنگ) را رد کرده اند. اینها در جریان موضوع نبوده یا فراموش کرده اند. ادله ای هم در همین رابطه وجود دارد که فعلا از بیان آن صرف نظر می کنم.» (۳) .

در واقع، توجه به نظریات امام درباره ی ادامه ی جنگ، و نقل قول سخنان مرحوم سید احمد خمینی با دو هدف متفاوت بوده است. در رویکرد اول با این فرض از تصمیم گیری به ادامه ی جنگ انتقاد می شود که امام مخالف ادامه ی جنگ بود و شخصیت های دیگر از جمله آقای هاشمی، رئیس وقت مجلس، و آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، با استدلال سیاسی و نظامی نظر امام را

۱- ۳۸۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۲ / ۱۳۷۴، همچنین در سایت اینترنتی «ملی - مذهبی» به نقل از کتاب دلیل آفتاب، اظهارات مرحوم آقا سید احمد خمینی نقل شده است.

۲- ۳۸۸. مأخذ ۴۹، ص ۲۱.

۳- ۳۸۹. روزنامه انتخاب، دوشنبه ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۸۱، ص ۵.

تغییر داده اند. (۱) در این روش انتقاد از مدیریت سیاسی و نظامی جنگ بر انتقاد از ماهیت تصمیم گیری آن پیشی می گیرد. در رویکرد دوم، ترکیبی از دو هدف مشاهده می شود. بدین شکل که برای دفاع از مسئولیت تصمیم گیری به نظریات و مواضع و رفتار امام استناد می شود. در عین حال، برای نفی این موضوع که امام مخالف ادامه ی جنگ بود برخی از نقل قول ها و تفسیر و تحلیل ها از نظرهای امام استفاده و بیان می شود.

آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود و گزارش ملاقات با امام، مطالبی را نقل می کند که نشان می دهد که امام در ابتدا مخالف با ادامه ی جنگ بوده است. ایشان در فضای پس از عملیات فتح المبین و شایعات سقوط صدام یا فرار وی و بحث آینده ی عراق به ملاقات با امام با امام در روز ۱۲ فروردین اشاره می کند و می نویسد:

«در ملاقات با امام در مورد آینده جنگ با ایشان مشورت کردم. امام با ورود به داخل خاک عراق مخالف اند.» (۲) .

ایشان سپس درباره تشکیل جلسه شورای عالی دفاع در روز ۱۳ فروردین می نویسد: «با امام ملاقات کردیم و برای طرح عملیات و ورود به خاک عراق، قرار شد که تا فردا موضوع را بررسی کنند و نظرشان را بگویند.» (۳) در ادامه به نتیجه ی این جلسه اشاره ای نشده است. اما آقای محسن رضایی به بحثی اشاره می کند که به نظر می رسد در ادامه ی همین جلسات است. ایشان می گوید: «همزمان با طراحی عملیات بیت المقدس خدمت امام رسیدیم و

۱- ۳۹۰. این موضوع را حتی افراد ضدانقلاب نیز بیان می کنند. چنان که اسد بهبودی از نظامیان زمان شاه با توجه به مباحثی که درباره ی جنگ در داخل مطرح می شد در مصاحبه با رادیو فرانسه می گوید: «در همان موقع اگر به یاد داشته باشیم آقای هاشمی رفسنجانی همه کاره و به اصطلاح قدرت تنهایی بود که می توانست جنگ را ادامه بدهد؛ البته با نظر (امام) خمینی و موقعی که آقای خمینی دلیل خواست که وارد خاک عراق بشود، شورای عالی جنگ، که زیر نظر آقای رفسنجانی بود، این شورا و سایر عوامل از جمله محسن رضایی دلایلی آوردند که (امام) خمینی موافقت کرد که جنگ را وارد خاک عراق کنند، آن کسی که آن دلایل را آورده و آن کسی که امام خمینی را متقاعد کرده که جنگ ادامه پیدا کند، این شخص آقای رفسنجانی است که با همکاری آقای رضایی و رفیق دوست برای ادامه جنگ و خرید اسلحه به این کار به اصطلاح مبادرت کردند.» (واحد مرکزی خبر - معاونت سیاسی، بولتن رسانه های بیگانه، ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۷۸، ص ۶ خبر ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۷۸).

۲- ۳۹۱. اکبر هاشمی رفسنجانی، پس از بحران، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۱۰، گزارش چهارشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۶۱.

۳- ۳۹۲. همان، ۲۲ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۸، گزارش پنج شنبه ۲۲ / ۱ / ۱۳۶۱.

گفتیم که به منظور تأمین کامل امنیت کشور و دفع تجاوز باید علاوه بر آزادسازی مناطق و شهرهای اشغالی به خاک عراق نیز وارد بشویم و دشـمن را تحت فشار قرار دهیم ولی امام فرمودنـد: «نه چه لزومی دارد؟» ولی ما دلایل خود را به امام ارائه دادیم و گفتیم اگر بخواهیم از کشور دفاع بکنیم باید در جایی پدافند و دفاع کنیم. امام فرمودند: «اگر مطلب این طوری هست خوب این یک حرف درستی است و ما برای دفاع باید تا آن جایی که اطمینان هست پیش برویم.» (۱) .

ادامه ی بحث درباره ی نظریات امام سبب شد در سال ۱۳۷۲ آقای هاشمی در سخنانی مطالبی را که بیشتر مبانی تفکر امام بود بیان کردنـد. ایشان به جلسه ی فرماندهان و اعضای شورای عالی دفاع با امام و سـختی تصـمیم گیری و موافقت امام با عبور از مرز اشاره می کند و می گوید:

«می فرمودنـد جنـگ مـا مـاهیت دفـاعی دارد. ولی چون می خواسـتند همه ی مردم عراق آزاد شونـد، موافق نبودنـد که جنگ تعطیـل شونـد. می گفتنـد ادامه پیـدا کنـد تا مردم عراق آزاد شونـد. اما عبور از مرز برایشان مشـکل بود که بپذیرنـد، آخر هم محـدود پذیرفتنـد، آنجـایی که مردم نباشـند، لـذا ما عملیات رمضان را تا ارونـد طراحی کرده بودیم و عبور از دجله هـدف ما نبود.» (۲) .

آقای هاشمی به ابعاد مختلف اندیشه ی امام درباره ی جنگ و ادامه ی آن اشاره کرده اند؛ بدین معنا که امام از یک سو عبور از مرز را به معنـای تغییر مـاهیت دفاعی جنگ می دانسـتند و از سوی دیگر، با توقف آن موافق نبودنـد و به آزادی مردم عراق می اندیشـیدند. سـرانجام با این شـرط که عملیات در منطقه ای که مردم عراق حضور نداشـته باشـند انجام شود. با عبور از مرز مـوافقت کردنـد. و همیـن امر، سـبب شـد منطقـه ی شرق بصـره در حـدفاصل مرز تـا رودخـانه کـه خـالی از جمعیـت و محل غیرمسکونی بود، انتخاب شود.

آقای هاشمی در جای دیگر شفاف تر از دلایل مخالفت امام با عبور از مرز اشاره می کند و می گوید:

«امام موافق نبودند که نیروهای ما وارد خاک عراق شوند و در عین حال، متوقف

۱- ۳۹۳. مأخذ، ص ۲۱۶، گزارش ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۳۹۴. مأخذ، ۴۰، ص ۲۴۹.

کردن جنگ را هم قبول نداشتند، می گفتند: اگر شما وارد عراق شوید چند اشکال (۱) پیدا می شود.

اولا: الان از لحاظ بین المللی موضع برحق داریم و متجاوز در خاک ماست.

ثانیا:عرب ها که متفق نیستند و بعضی ها با ما هستند، پشت سر صدام قرار می گیرند و کار ما دشوار می شود.

ثالثا: مردم عراق تصرف سرزمین خود را تحمل نمی کنند و آنهایی که الان با ما هستند در آن صورت به ما به عنوان تجاوزگر نگاه می کنند.»

رابعا: مردم بی گناه عراق آسیب می بینند.» (۲) .

در حالی که آقای هاشمی دلایل مخالفت امام را با ادامه ی جنگ ذکر می کند، در مورد اصل جنگ معتقد است که امام با اصل ادامه ی جنگ موافق بود و اساسا به هیچ کس اجازه نمی داد در مورد ختم جنگ با ایشان بحث کند. نظر به اینکه منتقدان آقای هاشمی را عامل اصلی تصمیم گیری برای ادامه ی جنگ می دانستند ایشان در سخنانی می گوید:

«بعد از فتح خرمشهر من مسئول جنگ نبودم نماینده امام در شورای عالی دفاع بودم، تنها مسئله ای که آن موقع پیش آمد این بود که امام فرمودند ما موافق نیستیم که نیروهای ما وارد خاک عراق شوند ولی اصل جنگ را امام اصلا اجازه نمی دادند کسی با ایشان بحث کند که جنگ متوقف شود یا آتش بس، خوب شما یا حرف های امام را فراموش کرده اید یا اینکه بعضی از آقایان را آن را ندیده می گیرند. امام حتی یک لحظه به کسی اجازه نمی دادند که با ایشان بحث کند که جنگ متوقف شود.» (۳) .

آقای هاشمی در حالی بر نظر امام مبنی بر ادامه ی جنگ تأکید می کند که پیش از این در کتاب عبور از بحران در خاطرات روز ۱۳ / ۱ / ۱۳۶۰ و تنها چند

۱- ۳۹۵. آقای هاشمی در همایش پیروان ولایت در سال ۱۳۷۹ در همین زمینه می گوید: «امام بنا به دلایل متعددی مایل به ورود به خاک عراق نبودند و برای اثبات این نظر خود نیز استدلال های قوی ارائه کردند که از جمله آنها می گفتند اگر وارد عراق شویم اعراب در مقابل ما می ایستند و در دنیا ما را به عنوان اشغالگر معرفی می کنند؛ همچنین ممکن است مردم عراق هم با صدام اظهار همدردی کنند.» (روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱، ص ۳).

۲- ۳۹۶. مأخذ ۴۵، ص ۹۰ و ۹۱.

۳- ۳۹۷. روزنامه جمهوری اسلامی ۱ / ۱۰ / ۱۳۷۸، ص ۱۱.

روز بعد از عملیات فتح المبین درباره ی نظر امام می نویسد:

«امام خمینی اینک مایلند جنگ زودتر تمام شود صلاح نمی دانند که ما کوتاه بیائیم.» (۱) .

به همین دلیل، آقای هاشمی معتقد است در این میان نوعی تناقض وجود داشته است. (۲) .

اظهارات آقای هاشمی به این معنا است که دوگانگی در تفکر امام درباره ی جنگ بر اساس توجه ایشان به ابعاد مختلف است که احتمالا با تغییر اوضاع سرانجام تصمیم جدی گرفتند. آقای محمدعلی انصاری نیز بر این نظر است که «مواضع اولیه امام مشروط به تأمین سایر شرایطی بود که از آغاز جنگ اعلام شده بود.» ایشان اضافه می کند:

«با توجه به استدلال کارشناسان و مسئولان امور جنگ و فرماندهان و موضع صدام و خصوصا موضع شورای امنیت سازمان ملل که نشان می داد اوضاع به گونه ای نیست که شرایط ایران را تأمین کند، نهایتا امام پس از بررسی های کارشناسان و مباحث و مشورت هایی که داشته اند، موضع مسئولان را در ادامه دفاع تا تأمین شرایط منطقی و به حق ایران، صحه گذاشتند و اعلام کردند و از آن پس نیز همچون گذشته بدون کمترین تردیدی تا پایان جنگ قاطعانه و در مقام فرماندهی کل قوا، دفاع مقدس را فرماندهی کردند.» (۳) .

در هر صورت، درباره ی نظر امام بر ادامه ی جنگ آقای رضایی نیز معتقد است: «حضرت امام از نظر سیاسی هیچ نظری جز ادامه ی جنگ نداشتند.» (۴) و «در آن زمان بحث پایان جنگ مطرح نبود و امام خمینی نظری نداشتند.» (۵) و اگر امام مسئولان در جلسه ی تصمیم گیری پرسش کردند به این منظور بود که مشخص شود چقدر در پیشنهاداتشان مصمم هستند. (۶) ایشان اضافه می کند:

«گزارشات ما ممکن است از نظر تاکتیکی مؤثر بوده، ولی از نظر استراتژیکی مؤثر نبوده، امام وقتی به تصمیم خودشان می رسیدند آن تصمیم را عمل می کردند.» (۷) .

۱- ۳۹۸. اکبر هاشمی رفسنجانی عبور از بحران، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۸، ص ۵۴.

۲- ۳۹۹. مصاحبه اختصاصی با اکبر هاشمی رفسنجانی ۲۱ / ۱ / ۱۳۸۰.

۳- ۴۰۰. مأخذ ۵۹.

۴- ۴۰۱. محسن رضایی در بازدید از خبرگزاری ایسنا، روزنامه صبح امروز، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۸۷، ص ۱۶.

۵- ۴۰۲. روزنامه خراسان، ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۲، ص ۱۶.

۶- ۴۰۳. روزنامه رسالت، ۳ / ۵ / ۱۳۸۰، ص ۶.

۷- ۴۰۴. مأخذ ۴۱.

همچنین درباره تأثیر گزارش ها و اطلاعات آقای رضایی می گوید: «امام از گزارشات استفاده می کردند، ولی اینکه گزارشات چیزی را به امام تحمیل کرده باشد، من این را کاملا در می کنم.» (۱) در عین حال ایشان بر این نظر است که امام متقابلا نظریات خود را به مسئولان تحمیل نمی کرد. (۲) .

فارغ از این نظریات چنان که آقای انصاری اشاره می کند امام خمینی کسی نبود که تحت فشار قرار بگیرد. امام در اوج بحران های انقلاب تا آخرین لحظه عمر خود هیچ گاه تحت فشار احدی تصمیم نگرفت. (۳) حتی در چند مورد وقتی موضوعی به ایشان تحمیل شد هر چند در آن زمان واکنشی نشان ندادند و موضوع را پذیرفتند ولی بعدها به مناسبت های مختلف به آن اشاره کردند. مثلاـ امام در حالی که مهندس بازرگان را به نخست وزیری دولت موقت منصوب کردند (۴) و همگان را به حمایت از این دولت فراخواندند، بعدها فرمودند: «اعتراف می کنم که بعضی از تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست ها و امور مهم کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی (ص) نداشتند اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن براحتی از میان نمی رود.» (۵) یا درباره ی قائم مقامی آقای منتظری و ریاست جمهوری بنی صدر امام مخالف بودند و حتی به بنی صدر رأی ندادند و این موضوع را بعدها بیان کردند. (۶) ولی ایشان هیچ گاه درباره ی ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر سخنی بر زبان نیاوردند و هیچ گونه نقل مستقیمی پس از اتمام بحث تصمیم گیری برای ادامه ی جنگ از ایشان بیان نشده است و آنچه از مرحوم آقای سید احمد خمینی نقل شده است در واقع ناظر بر محتوای مذاکرات در جلسات تصمیم گیری است. ضمن اینکه امام در همین مذاکرات وقتی «به این جمع بندی می رسند که توقف یک طرفه جنگ در آن شرایط به زیان ایران و

۱- ۴۰۵. همان.

۲- ۴۰۶. گزارش «همایش آزادی خرمشهر»، روزنامه ایران، ۲ / ۳ / ۱۳۷۹، ص ۱.

۳- ۴۰۷. روزنامه انتخاب، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۸۱، ص ۵.

۴- ۴۰۸. آقای صادق طباطبایی در گفت و گو با روزنامه کیهان می گوید: «مسئله نخست وزیری بازرگان هم از مواردی بود که امام به رغم دیدگاه متفاوت خود، نظر جمع را پذیرفتند.» (کیهان، ۱۵ / ۱۱ / ۱۳۸۱، ص ۱۲).

۵- ۴۰۹. مأخذ ۴۹، ص ۳۰.

۶- ۴۱۰. مأخذ ۴۹، ص ۳۱.

به سود متجاوز است.» (۱) تصمیم نهایی را گرفتند. (۲) حتی در برخی از بررسی ها برای اثبات موافقت امام با استمرار جنگ در پاسخ به نظر مخالفان به بیانیه ی امام در سال ۱۳۶۷ اشاره شده است که فرمودند:

«ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم.» (۳) .

نظر سیاستمداران و نظامیان

آن نظریات سیاستمداران و نظامیان که تاکنون بحث شده است. بیانگر دو موضع و رویکرد متفاوت است. در نگرش اول، توجه به کسانی است که تصمیم گیری بر عهده ی آنها بود و در تصمیم گیری پس از فتح خرمشهر، با استدلال سیاسی و نظامی امام را تحت تأثیر قرار دادند. در نگرش دوم، نظامیان و سیاستمداران هر یک طرف مقابل را متهم می کند و مسئولیت تصمیم بر ادامه ی جنگ را متوجه دیگری می داند. در عین حال، مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی در تصمیم گیری برای ادامه ی جنگ به توافق کلی رسیده بودند. چنان که آقای رضایی در گفت وگو با ایسنا دوگانگی درباره ی ضرورت ادامه یا خاتمه جنگ را در می کند و می گوید:

«اصولا پس از فتح خرمشهر این بحث وجود نداشت که پیشنهاد صلحی مطرح شده و عده ای مخالف و عده ای موافق آن باشند. در آن شرایط همه اعضای شورای عالی دفاع نظرشان این بود که ما باید از مرز عبور کنیم.» (۴) .

درباره ی استدلال ها و آنچه نظامی ها مطرح کرده اند آقای دکتر روحانی، دبیر شورای عالی امنیت، می گوید:

«در آن مقطع فرماندهان و برخی از مسئولان سیاسی خدمت امام شرفیاب شدند و در آن جلسه ای که خدمت امام بود وضعیت جبهه را توضیح دادند و

۱- ۴۱۱. محمدعلی انصاری، روزنامه انتخاب، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۸۱، ص ۵.

۲- ۴۱۲. بنابر گزارش روزنامه ی تایمز چاپ لندن، حتی برای امریکایی ها این اطمینان حاصل شد که امام شخصا و برخلاف توصیه دیگر رهبران مهم مملکتی پای تصمیم تهاجم به عراق صحه گذاشته است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش لحظه به لحظه از عملیات رمضان، شماره ۱۸، کریستوفر توماس، خبرنگار تایمز ۶ / ۵ / ۱۳۶۱، ص ۱۲).

۳- ۴۱۳. مأخذ ۴۹، ص ۳۱.

۴- ۴۱۴. روزنامه آفتاب امروز، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۷۸، ص ۱.

استدلال کردند به اینکه الان زمان مناسبی برای پایان جنگ نیست، استدلال آنها نظامی بود. استدلال آنها این بود که اگر ما بخواهیم سر مرز در منطقه جنوب در منطقه خرمشهر عمدتا بایستیم و آتش بس را بپذیریم، عراقی ها ممکن است در یک مقطع دیگری یک هجمه ای بزرگتر انجام دهند و ما را برسانند به نقطه اول. در واقع، برای دفاع از سرزمین ایران و مخصوصا سرزمین خوزستان بهترین جایی که برای پدافند مصلحت می دیدند رودخانه اروندرود بود. برای اینکه یک مقداری پیشروی کنند و خودشان را بچسبانند به پشت شط العرب یا اروندرود به دلیل اینکه دفاع در آنجا از سرزمین ایران آسان تر خواهد بود.» (۱) .

سردار غلامعلی رشید، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، بنابر نظریات آقای هاشمی درباره ی اندیشه و تفکر امام، معتقد است در واقع، نظامی ها برای تصمیم گیری به امام کمک کردند:

«بنا به قول آقای هاشمی از حضرت امام، معظم له ابتدائا نه حاضر به ورود به خاک عراق بودند و نه موافق به ختم جنگ، لذا این تناقض بود که ذهن فرماندهان نظامی را به خود مشغول داشت به اینکه هم باید پشت مرز بمانیم و هم جنگ ادامه پیدا کند. لذا فرماندهان نظامی، آن استدلال را خدمت حضرت امام ارائه دادند و به ایشان در رسیدن به تصمیم نهایی کمک نمودند. عمده استدلال ایشان نیز چنین بود که اگر ما در پشت مرزها بمانیم و حمله نکنیم دشمن به ما حمله خواهد کرد. حضرت امام نیز این استدلال را پذیرفتند و...» (۲) .

در حالی که سردار رشید استدلال نظامی ها را در تسهیل تصمیم گیری امام مؤثر می داند، اصل ورود به خاک عراق را موضوعی سیاسی قلمداد می کند و می گوید:

«اصولا ـ برای فرماندهان عملیاتی هیچ گاه این سؤال مطرح نبوده است که آیا باید وارد خاک عراق شویم یا خیر؟ خدا گواه است که من هر چه فکر می کنم که حتی به عنوان یک سؤال این مطلب را در قرارگاه خود مورد مذاکره قرار داده باشم و مثلا باید نقطه ای مانند تنومه را متصرف شویم یا خیر می بینم که هیچ گاه چنین سؤالاتی در میان ما فرماندهان عملیاتی مطرح نبوده است.» (۳) .

۱– ۴۱۵. ضبط برنامه تلویزیونی «سجاده آتش»، شبکه اول، پاییز ۱۳۷۸.

۲– ۴۱۶. مأخذ ۴۹، ص ۱۷۲.

۳– ۴۱۷. مأخذ ۴۹، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

ایشان اشاره می کند به وظیفه ی نظامی ها در طراحی و اجرای عملیات و می گوید:«برای ما فرقی نمی کرد در کدام زمین فعالیت کنیم و لذا فرقی نداشت که وارد خاک عراق شویم یا خیر.» بنابراین «چه معنا دارد که میان خاک ایران و خاک عراق تفاوتی قائل شویم و برای خود سؤالاتی از این قبیل طرح نماییم» (۱) بر همین اساس، ایشان معتقد است که تصمیم گیری درباره ی ورود به خاک عراق یا توقف در پشت مرزها یا خاتمه دادن به جنگ ماهیتا امری سیاسی بوده است. به همین دلیل «اتخاذ تصمیم ورود به خاک عراق ابتدائا از ناحیه ی سیاستمداران بوده است.» (۲) ایشان برای اثبات این موضوع می گوید:«باید از آقای رضایی سؤال شود که چگونه بود از شما به صورت تلفنی دعوت کردند تا به تهران بیایید و استدلالات خود را به عنوان یک نیروی نظامی مطرح کنید تا آنها بتوانند حضرت امام را به تصمیم نهایی برسانند.» (۳) .

توضیحات سردار رشید به این معنا است که مسئولان سیاسی با توجه به ضرورت های سیاسی به ادامه ی جنگ تصمیم گرفته بودند ولی در پاسخ به پرسش امام از استدلال نظامی کمک گرفتند. ایشان می گوید:

«به اعتقاد من بحث ایجاد جا پا در خاک دشمن از سوی سیاستمداران، قوی تر درک شده است و همین افراد بودند که مشوق نظامی ها برای اتخاذ این تصمیم شدند. از اینجا معلوم می شود که یک ولع بزرگ در نظر سیاسی ها وجود داشته است که از فرماندهان نظامی برای رسیدن به جمع بندی نهایی کمک بگیرند.» (۴) .

آقای رضایی در توضیح خواسته مسئولان سیاسی، بنابر وضعیت برتر ایران می گوید: «آنها معتقد بودند حالا که وضعمان خوب است جنگ را ادامه بدهیم و یک جای مهم را از عراق بگیریم.» ایشان اضافه می کند: «حاج احمدآقا نظرش مخالف بود و صریح اعلام کرد.» (۵) ایشان همچنین درباره ی نظر نظامی ها می گوید: «معتقد بودند تا اروند برویم پدافند کنیم تا بتوانیم حتی اگر شرایط نه جنگ نه صلح حاکم بود از موقعیت پدافندی مناسبی برخوردار باشیم.» (۶) ایشان درباره نظر نظامی ها توضیح بیشتری می دهد و می گوید:

۱- ۴۱۸. مأخذ ۴۹، ص ۱۵۷ و ۱۵۸.

۲- ۴۱۹. مأخذ ۴۹، ص ۱۸۷.

۳- ۴۲۰. مأخذ ۴۹، ص ۱۸۷.

۴- ۴۲۱. مأخذ ۴۹، ص ۱۸۷.

۵- ۴۲۲. دوره عالی جنگ سپاه، سال ۱۳۷۳، جلسه با فرماندهان و مسئولان سپاه،.

۶- ۴۲۳. همان.

«به نتیجه رسیدیم ساحل شرقی اروند را تأمین نماییم تا در صورتی که حتی اگر صلح نشد ما از این ویژگی ها برخوردار باشیم:

- متکی بر عوارض باشیم.

- با در اختیار داشتن زمین شرق بصره، قطع ارتباط شمال و جنوب، تهدید بصره و صفوان را در تیررس قرار دهیم.» (۱) .

پس از عملیات رمضان، آقای هاشمی در نماز جمعه تهران دلایل تصمیم گیری بر ادامه ی جنگ را تحت عنوان «یکی از تصمیم گیرندگان» (۲) توضیح داد. نکته ی مهم این است که ایشان در همان زمان می گوید: «اولین دلیل ما پایان دادن به جنگ است. ما جنگ را تشدید کردیم برای اینکه آن را تمام کنیم. این بزرگ ترین هدف است.» (۳) ایشان در توضیح این معنا می گوید:

«اگر ما در مرز می ماندیم نه به ما خسارت می دادند و نه حاضر بودند یک قدم از برنامه ای که دارند عقب نشینی کنند.»

سپس ایشان می گوید ما دو گزینه داشتیم:

«یا ذلیلانه خواست آنها را بپذیریم جنگ را خاتمه دهیم و بگوییم به خانه هایمان بازمی گردیم، این یک فرض است و فرض دیگر، تمام کردن جنگ همین طور است که الان شروع کرده ایم و آنها را دچار گیجی کرده ایم.» (۴) .

توضیحات نظامی ها و سیاسی ها به این معنا است که مسئولان سیاسی با توجه به ضرورت های سیاسی و لحاظ کردن برتری نظامی ایران به دنبال پایان دادن به جنگ بودند و نظامی ها نیز بر همین اساس و متأثر از نظریات مسئولان سیاسی این مهم را در پاسخ به پرسش امام با استدلال نظامی مطرح کردند. به عبارت دیگر، منشأ تصمیم گیری برای ادامه ی جنگ ملاحظات و اهداف سیاسی بود ولی در قالب ملاحظات نظامی و دفاعی مطرح و انجام شد.

در عین حال، در مقایسه روش امام خمینی و سایر مسئولان سیاسی و نظامی درباره ی جنگ - بویژه تصمیم گیری به ادامه ی آن پس از فتح خرمشهر - می توان گفت امام با صراحت و قاطعیت در بیان نظریات و دیدگاه ها و دفاع از

۱- ۴۲۴. مأخذ ۴۹، ص ۴۷.

۲- ۴۲۵. مأخذ ۱۶ / ۶ / ۱۳۷۴، ۴۹.

۳- ۴۲۶. مأخذ ۴۹، ص ۴۷ تا ۵۰.

۴- ۴۲۷. همان.

مواضعی که اتخاذ شد کلیه ی مسئولیت ها را پذیرفتند. چنان که به هنگام پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸ در پیام استقامت هم این موضوع بروشنی مشاهده می شود در حالی که مسئولان سیاسی و نظامی بیشتر در واکنش به مجادلات سیاسی برخی از مسائل را تشریح و تبیین کرده اند. در دوره ی جدید و در پاسخ به پرسش های جنگ، صراحت نداشتن در بیان مسائل و دلایل تصمیم گیری کاملا مشاهده می شود حال آنکه با بیان صادقانه شرایط تصمیم گیری و منطق حاکم بر آن، حداقل بخشی از مسائل جنگ از نظر تاریخی روشن می شد هر چند در چارچوب مجادلات سیاسی بدان بی توجهی می شد. روش کنونی به دلیل پاره ای از تناقضات و چندگانگی ها در مواضعی که بیان شده است، و با وجود درستی بخشی از اطلاعات و تحلیل ها جنبه ی اقناعی خود را در نزد بسیاری از مخاطبان از دست داده است.

آنچه روشن است تصمیم به ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر تصمیمی تاریخی و سرنوشت ساز بود که بر اساس مصالحی خاص انجام شد. هر تصمیم دیگری در آن وضعیت می توانست پیامدهای متفاوتی داشته و به دلیل پیچیدگی ها و در عین حال حساسیت ها، همچنان بحث برانگیز باشد؛ بنابراین تصمیم دیگر نیز باعث از میان رفتن شبهات نمی شد.

نقد و بررسی این تصمیم به وسیله خود کسانی که این تصمیم را گرفتند، برای رفع ابهامات رخدادی تاریخی و استراتژیک، در حقیقت در امتداد شجاعت در تصمیم گیری و مکمل آن می باشد. هم اکنون سرنوشت بخشی از تاریخ انقلاب و جنگ و وضعیت سیاسی - اجتماعی و نظامی و حتی سرنوشت سیاسی بسیاری از افراد و شخصیت ها متأثر از این رویداد بزرگ است. با این توضیح آیا مناسب نیست این رویداد تاریخی و ابعاد آن را تصمیم گیرندگان با شیوه و روش جدید نقد و بررسی کنند؟ این ابتکار می تواند زمینه ی غلبه بر ابهامات و بی توجهی به اهمیت مسائل جنگ و دشواری های تصمیم گیری و فرماندهی را برای نسل حاضر و نسل های آینده روشن کند و نسل جنگ را در نظرها، شخصیت هایی بزرگ و ملی و مورد احترام جلوه دهد.

رخدادهای استراتژیک

اشاره

اشاره

فتح خرمشهر به دلیل اهمیت و نتایج و پیامدهای آن قابلیت ایجاد تغییرات بنیادین در سطح منطقه و در داخل عراق را داشت. به همین دلیل بیش از اندازه حساس و واکنش زا بود. تعامل منافع و مواضع سیاست های بازیگران در روند تصمیم گیری تأثیرات بسیاری داشت. کنش و واکنش های موجود در مرحله ی جدید و تأثیر آن در تغییر اوضاع و در نتیجه تأثیرگذاری بر تصمیمات بازیگران بویژه تصمیم گیری ایران سبب شده است برخی از حوادث و رخدادهای مؤثر بر تصمیم گیری ایران و شکل گیری روندهای جدید در این فصل تحت عنوان رخدادهای استراتژیک به معنای تأثیرگذار و تعیین کننده بررسی شود. به نظر می رسد رخدادهای زیر در مقایسه با سایر حوادث اهمیت و تأثیر بیشتری در شکل دهی روندهای جدید در جنگ، داشته است:

۱- کمک های اطلاعاتی و مستشاری امریکا به عراق.

۲- تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان.

۳- عقب نشینی نیروهای عراق از مناطق اشغالی.

۴- تلاش های صلح

۵- صدور قطعنامه ۵۱۴ سازمان ملل.

مجموعه حوادثی که پس از عملیات فتح المبین تا آغاز عملیات رمضان به مدت بیشتر از چهار ماه رخ داد نقطه ی آغاز وضعیتی بود که پس از گذشت بیست سال همچنان آثار آن در داخل ایران و در سطح منطقه مشاهده می شود. دقت در انتخاب این رخدادها و نام گذاری آنها با پسوند استراتژیک»

ص: ۱۳۹

برای نشان دادن سطح و اهمیت آنها است؛ زیرا ریشه ی بسیاری از باورها و تصورات و تصمیمات و اقدامات، در تعاملی بسیار پیچیده و عمیق، در همین حوادث نهفته است. بررسی این حوادث می تواند بخش دیگری از ابعاد و پیچیدگی های علت ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر را آشکار سازد.

کمک های اطلاعاتی و مستشاری مستقیم امریکا به عراق

برخلاف تصورات موجود، کمک های اطلاعاتی امریکا به عراق و تغییر سیاست های امریکا پس از فتح خرمشهر، بر اساس تصمیم ایران به ادامه ی جنگ نبوده است بلکه با آشکار شدن علائم شکست عراق و احتمال پیروزی ایران، امریکایی ها مجددا به جنگ ایران و عراق توجه کردند و پس از عملیات فتح المبین کمک های اطلاعاتی و مستشاری امریکا به عراق به نحو بی سابقه و به شکل جدیدی آغاز شد. در واقع، نتایج حاصل از عملیات فتح المبین امریکا را برانگیخت تا به طور جدی سیاست حمایت از عراق را دنبال کند.

کمک اطلاعاتی امریکا به به عراق در درجه نخست نتیجه ی این ارزیابی بود که سازمان جاسوسی امریکا اخطار داد که عراق در آستانه ی سقوط است (۱) و «سرنگونی صدام موجب تسریع روند گسترش بنیادگرایی اسلامی می شود.» (۲) هوارد تیچر، عضو اداره ی امنیت ملی امریکا، درباره ی برداشت امریکا از وضعیت عراق و گزینه هایی که این کشور در برابر خود داشت می نویسد:

«در بهار ۱۹۸۲ عراق به لبه پرتگاه شکست در جنگ خود با ایران نزدیک شد، در ماه های مه و ژوئن ۱۹۸۲ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱) ایرانیان شکافی در خط دفاعی عراق در امتداد سرحد ایران - عراق و بین بغداد در شمال و بصره در جنوب، کشف کردند (۳) ایران نیروی مهاجم سنگینی را فورا در شکاف خط دفاعی عراق وارد کرد. موفقیت ایران در شکستن خط دفاعی در این محل به قطع رابطه ی بغداد از بصره و در نتیجه، شکست عراق در جنگ منجر می شد.

---

۱ - ۴۲۸. محمد درودیان، خونین شهر تا خرمشهر، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۸۵؛ به نقل از نیویورک تایمز، ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲.

۲ - ۴۲۹. کامرون.ر.هیوم، سازمان ملل متحد، ایران و عراق، ترجمه هوشنگ راسخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۶، ص ۸۵.

۳- ۴۳۰. عملیات بیت المقدس.

سرویس اطلاعاتی ایالات متحده شامل اطلاعات ماهواره ای، هم شکاف حاصل از خط دفاعی عراق و هم تجاوز نیروهای ایرانی از شکاف مزبور را کشف کرده بودند. در آن زمان ایالات متحده در جنگ ایران و عراق در حالت بی طرفی بود، رئیس جمهور ریگان برای انتخاب یکی از دو راه تحت فشار واقع شده بود:

الف) حفظ بی طرفی کامل و آزاد گذاشتن ایران برای شکست دادن عراق.

ب) دخالت کردن و تدارک و مسائل کمک برای عراق.» (۱) .

به گفته ی «دیوید نیوتون»، سفیر سابق امریکا در عراق، امریکا بسیار مشتاق بود که صدام در جنگ با ایران شکست نخورد و لذا امریکا بسیار کوشید تا از سقوط نیروهای عراق جلوگیری کند. (۲) چنان که هوارد تیچر می نویسد:

«در ژوئن ۱۹۸۲ (خرداد و تیر ۱۳۶۱) ریگان، رئیس جمهوری امریکا بالاخره رأیش بر این قرار گرفت که ایالات متحده نمی تواند تحمل کند و اجازه دهد که عراق جنگ را در مقابل ایران ببازد. ریگان مصمم بر آن شد که ایالات متحده آنچه را ضروری و قانونی است انجام داده و مانع شکست عراق در جنگ با ایران شود. ریگان این تصمیم و سیاست را به صورت فرمول خاصی درآورد و در ژوئن ۱۹۸۲ دستوری تحت عنوان «دستور امنیت ملی» (۳) (MSDD) صادر کرد.» (۴) .

دستورالعمل جدید سبب شد جلسات اطلاعاتی عناصر امریکایی با عراقی ها برگزار شود. در این جلسات از نیازهای عراقی ها لیست برداری شد تا امریکا برای تأمین آنها اقدام نماید. (۵) هوارد تیچر در همین زمینه می گوید:

«من شخصا در جلساتی شرکت داشتم که در آن رئیس سیا «کیسی» و

۱- ۴۳۱. لایحه دفاعیه جمهوری اسلامی ایران درباره ی سکوهای نفتی، سند محفوظ است، ص ۱.

۲- ۴۳۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۹ / ۱ / ۱۳۷۷، به نقل از هوارد تیچر، مصاحبه با روزنامه البیان، چاپ امارات.

۳- ۴۳۳. روزنامه ی انتخاب به نقل از روزنامه ی واشنگتن پست می نویسد: «در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۳ شورای امنیت ملی امریکا تشکیل جلسه داد و طی دستورالعمل شماره ی ۱۱۴ خود، که هنوز هم از مهمترین تصمیم های سیاست خارجی دولت است، تصریح کرد که ایالات متحده همه ی اقدامات لازم را برای جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران اتخاذ خواهد کرد. (روزنامه انتخاب، شنبه ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۸).

۴- ۴۳۴. مأخذ ۳، ص ۲.

۵- ۴۳۵. روزنامه ی واشنگتن پست اخیرا به نقل از هوارد تیچر نوشت: «امریکا با ارسال میلیاردها دلار اعتبار، در اختیار گذاشتن اطلاعات و پیشنهادها و نصایح نظامی به عراقی ها و نظارت مستقیم از طریق یک کشور ثالث بر خریدهای تسلیحاتی عراق کمک های شایانی در جنگ به عراقی ها کرد.» (خبرگزاری ایسنا روزنامه ی واشنگتن پست، مایکل دابس، چهارشنبه ۱۱ / ۱۰ / ۸۱).

قائم مقام وی احتیاج عراق به بعضـی سـلاح ها از قبیل بمب های خوشه ای و توپ های ضـد تانک زرهی را یادداشت و مورد توجه قرار می دادند (۱) تا بلکه بتوانند حملات ایران را دفع کنند.» (۲) .

تیچر سپس به جلسات شورای امنیت ملی امریکا و عقاید کیسی رئیس سیا اشاره می کند و می نویسد:

«وقتی من در آوریـل ۱۹۸۲ به کارمنـدان شـورای امنیت ملی NSC ملحق گردیـدم، رئیس سـیا کیسـی عقیده راسخ داشت که بمب های خوشه ای اسلحه ی مؤثر (نیروافزا) است که می توانست عراقی ها را در برابر «امواج انسانی» حملات ایرانیان قادر به دفاع سازد.» (۳) .

توضیحات تیچر نشان می دهد امریکایی ها از ضعف ها و قوت های عراق و ایران و همچنین سیاست ها و برنامه های نظامی دو کشور آگـاهی داشـتند و بر پایه ی آن کمک اطلاعاتی و مسـتشاری در اختیار رژیم عراق قرار دادنـد. دامنه ی کمک های امریکا به عراق بسـیار وسـیع بود و تدریجا رو به افزایش گذاشت (۴) ولی در بعد اطلاعاتی و مسـتشاری در چارچوب خاصی سازماندهی شد.

اریـک رولو، سـفیر سـابق فرانسه در ترکیه و از روزنامه نگاران قـدیمی (روزنامه لومونـد)، در مقاله ای درباره ی سـیاست های امریکا در جنگ ایران و عراق و حمایت امریکا از عراق می نویسد:

«بر اساس منابع خود امریکایی ها ما آگاهیم که سیا در بغداد دفتری داشت که

ص: ۱۴۲

۱- ۴۳۶. مشـاور کمیته روابـط خارجی سـنای امریکا درباره ی فروش تجهیزات به عراق می گویـد: «این عمل امریکا به منظور تنبیه ایران و بـاز کردن راهی برای خروج عراق از بن بست موجـود می باشـد و ایران، در جنـگ بـا عراق از برتری محسوسـی برخـوردار اسـت و ایـن واقعه ناخوشاینـدی برای امریکـاست.» (محمـد درودیـان، خـونین شـهر تـا خرمشـهر، مرکز مطالعـات و تحقیقات جنگ، چاپ ششم، ۱۳۸۰ ص ۱۷۷).

۲- ۴۳۷. مأخذ ۳، ص ۳.

۳- ۴۳۸. همان.

۴- ۴۳۹. کاسپار واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا با تأکیـد بر اینکه «ایرانی ها تهدیـدی جدی علیه کشورهای خاورمیانه بودند می گویـد عراق نیز به سـهم خود مایـل بود تـا روابـط را با امریکا بهبود بخشـد لـذا طولی نکشـید که آمریکا ششـمین شـریک تجاری عراق شد و بغداد برای اولین بار از بیست شـرکت امریکایی جهت شـرکت در نمایشگاه بازرگانی بغداد دعوت به عمل آورد. تجـارت بین دو کشور در سـال ۱۹۸۳ به یـک میلیـارد دلار رسـید که از این رقم ۴۳۵ میلیون دلـر به صورت اعتبارات امریکـا در زمینه محصولـات کشـاورزی بود.» (کامرون.ر – هیوم، سازمان ملل متحـد، ایران و عراق، ترجمه هوشـنگ راسـخی عزمی ثابت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۷۶، ص ۸۵).

به طور منظم عکس هـایی از طریق ماهواره تهیه می شـد را به منظور برتری بر ایران در اختیار ارتش عراق قرار می داد. صـدام چنان که بعضـی ها می پندارنـد بی خرد نیست، جنگ او علیه ایران نه تنها با چراغ سبز امریکا بلکه با تشویق غربی ها هم بود.» (۱) .

سرلشـکر وفیـق السـامرایی، رئیس اطلاعـات نظـامی عراق و مسـئول میز ایران در سـرویس اطلاعـاتی عراق، که بعـدها به غرب متواری شـد، درباره ی جلسات مشترک اطلاعاتی با امریکایی ها توضـیحات مهمی ارائه می دهد که مکمل توضـیحات هوارد تیچر، عضو شورای امنیت ملی امریکا، است. وفیق السامرایی در نحوه ی آغاز همکاری ها و توسعه ی آن می گوید:

«من در قرارگاه مقدم فرماندهی کل نیروها در بصـره بودم. مرا فورا به بغداد فراخواندند. به محض آنکه به بغداد رسـیدم مرا به یکی از خـانه هـای مجلـل سازمان کل اطلاعات، در کرانه ی رود دجله بردنـد در آنجا با سه نفر از اعضای سـرویس اطلاعات مرکزی امریکا «CIA» ملاقات کردم.» (۲) .

وی درباره ی مشخصات و درجات تیم امریکایی می گوید:

«یکی از آنها درجه ی بالایی داشت و راجع به خود و همکارانش می گفت که در ارتش دارای درجه ژنرالی هسـتند. نفر دوم پایش را در جنگ ویتنام از دست داده بود و نفر سوم مدتی در تونس و یمن کار کرده بود و زبان عربی می دانست.» (۳) .

وی همچنین درباره ی زمان و نحوه ی همکاری ها می گوید:

«آنـان آمـده بودنـد تـا مستقیما آمـادگی خود را برای دادن اطلاعـات لازم راجع به ایران اعلام نماینـد. از اواخر مارس ۱۹۸۲ (فروردین ۱۳۶۱) آنهـا از طریق یـک کشور عربی (۴) این اطلاعـات را در اختیار ما می گذاشـتند من هم شـمه ای از وضـعیت نظامی و اطلاعاتی موجود را در اختیار آنها گذاشتم و آنها با خوشحالی تمام گزارش من را گوش می کردند.» (۵) .

ص: ۱۴۳

۱- ۴۴۰. روزنامه انتخاب، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۱، ص ۸.

۲- ۴۴۱. وفیق السامرایی، ویرانی دروازه های شرقی، ترجمه عدنان قارونی، مرکز فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۷۷، ص ۸۹ و ۹۰.

۳- ۴۴۲. همان.

۴- ۴۴۳. وفیق السـامرایی در مصـاحبه اخیر خود بـا شـبکه ی تلویزیونی الجزیره قطر گفت: «ارتباطـات در اواخر سـال ۱۹۸۱ به صورت غیرمستقیم از طریق اردن آغاز شد.» وی افزود: «برای اولین بار من اکنون از اردن نام می برم.» (روزنامه ی یاس نو، ۱۶ اسفند ۱۳۸۱، ص ۱۴).

۵- ۴۴۴. همان.

وفیق السامرایی درباره ی نوع اطلاعاتی که تهیه و در اختیار عراق قرار داده می شد می گوید:

«امریکایی ها نقشه ها و طرح های بسیار دقیقی راجع به یگان های ایرانی و همچنین کروکی های توضیحی که از تصاویر ماهواره ای اقتباس شده بود با خود آورده بودند. در آن مرحله از جنگ ما به این گونه نقشه ها و طرح ها نیاز مبرم داشتیم.» (۱) .

وی در جای دیگری درباره ی روش امریکایی ها در تهیه ی اطلاعات و مشخصات آن می گوید:

«این سرویس های اطلاعاتی مجموعه اطلاعاتی را در اختیار ما گذاشتند که به وسیله وسایل فنی یا انسان ها تهیه شده بود. من عکس هایی که به وسیله ماهواره از اهداف نظامی یا بسیج نیروهای ایران تهیه شده بود، مشاهده کردم، ما براحتی می توانستیم تصویر سربازانی که در پادگان های آموزشی ایران در حال آموزش نظامی بودند را مشاهده کنیم، حتی کسی که در مراسم رژه دست و پایش را به صورت اشتباه حرکت می داد، نیز در این تصاویر مشخص بود. هنگامی که کارخانه های سیمان را بررسی می کردیم تعداد کیسه هایی که در یک مرحله روی کامیون ها بار می شد را شمارش می کردیم. ماهواره ها کلیه ی تحرکات ایرانی ها را در جبهه ها برای ما زیر ذره بین گرفته بودند، از حرکت تانک ها و توپ ها و قایق ها در هورها و در سواحل تا جابه جا شدن قرارگاه ها و ذخیره کردن تجهیزات پل سازی، ماهواره ها نتایج حملات هوایی و موشکی ما را نیز گزارش می دادند.» (۲) .

گزارش های اطلاعاتی امریکایی ها به عراق علاوه بر اینکه موجب اشراف اطلاعاتی این کشور بر ایران شد، زمینه ی مقابله با اقدامات نظامی ایران را فراهم ساخت. در ابتدا، چنانچه السامرایی اشاره می کند کشوری عربی واسطه ی انتقال اطلاعات بود (۳) ولی از سال ۱۹۸۴ به بعد و برقراری رابطه ی عراق با

۱- ۴۴۵. همان.

۲- ۴۴۶. همان، ص ۱۳۹.

۳- ۴۴۷. سید فاروق حسنات در مقاله ی «جنگ در خلیج فارس و شش قدرت» درباره ی کمک های امریکا به عراق می نویسد: «ایالات متحده نه تنها سلاح های پیچیده به طور مستقیم یا از طریق هم پیمانان عرب خود در اختیار عراقی ها گذاشت، بلکه اطلاعات جاسوسی نیز از طریق ماهواره های خود به این کشور می داد.» (بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع، دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع، تهران، ۱۳۶۸، جلد دوم، ص ۴۳۷).

امریکا افسرانی که در سفارت امریکا در بغداد مشغول به کار شدند اطلاعات را در اختیار عراق قرار می دادند. (۱) .

جلسات اطلاعاتی امریکا با عراق با مسئولیت وفیق السامرایی و بحث درباره ی جنگ، پیش بینی ها و تحلیل در مورد آینده و سایر اطلاعاتی که درباره ی آرایش نظامی نیروهای ایران، تسلیحات و نقل و انتقالات انجام می شد، طی گزارشی در اختیار صدام قرار می گرفت و وی بطور کامل از مذاکرات طرفین مطلع می شد. (۲) نتایج کمک اطلاعاتی امریکا (۳) به عراق همراه با کمک مستشاری برای تغییر آرایش دفاعی عراق و آمادگی برای مقابله با تهاجمات ایران در عملیات رمضان، سرنوشت این عملیات را تغییر داد. به عبارت دیگر، اگر عملیات رمضان به پیروزی می رسید وضعیت جنگ شکل دیگری می شد حال آنکه بر اثر ناکامی ایران چنین تحولی انجام نشد.

تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان

ارتش اسرائیل در ۱۴ خرداد ۱۳۶۱ برای منهدم کردن سازمان آزادی بخش فلسطین، خلع سلاح و اخراج رهبران فلسطینی، (۴) به خاک لبنان تجاوز و تا بیروت پیشروی کرد. این تصمیم را مناخیم بگین، نخست وزیر اسرائیل و آریل شارون، وزیر دفاع وقت، اتخاذ و اجرا کردند. در واقع، به بهانه ی ترور سفیر کبیر اسرائیل در لندن و در اصل به علت افزایش تهدیدات اسرائیل با استفاده از منطقه جنوب لبنان موجب شد تا این عملیات طراحی و اجرا شود. (۵) .

تجاوز اسرائیل به لبنان و اشغال بخش وسیعی از خاک این کشور، علاوه بر اینکه بر تحولات منطقه ای و بر مناسبات اعراب با اسرائیل و تحولات سیاسی - نظامی در صحنه لبنان، تأثیر گذاشت روند تحولات جنگ ایران و عراق را نیز تحت تأثیر قرار داد و پیوستگی ها و تعاملات دو منطقه ی خلیج فارس و

۱- ۴۴۸. وفیق السامرایی، مصاحبه با مجله الحیات، بولتن فرماندهی نصر، ۲۶ / ۱ / ۱۳۷۷، ص ۱۶.

۲- ۴۴۹. همان.

۳- ۴۵۰. اطلاعات ارسالی به عراق بعدها در هدف گذاری عراق برای حملات هوایی به تأسیسات صنعتی و اقتصادی ایران و اطلاع از نتایج حملات موشکی به شهرها بسیار مؤثر بود. (محسن صفری، ما اعتراف می کنیم، حوزه ی هنری، زمستان ۱۳۷۰، ص ۷۲، به نقل از هفته نامه المجله چاپ دمشق).

۴- ۴۵۱. علیرضا لطف الله زادگان، روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰، عبور از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۸۷، گزارش روز ۶ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه الشرق الاوسط.

۵- ۴۵۲. جودیت میلر و میلروی، از تکریت تا کویت، ترجمه حسن تقی زاده میلانی، انتشارات کویر، تهران، ۱۳۷۰، چاپ دوم، ۱۵۵ و ۱۵۶.

خاورمیانه را تشدید کرد و نقطه ی آغاز ورود ایران به معادلات منطقه ی خاورمیانه و در صحنه ی درگیری با اسرائیل شد. پیامدها و تأثیر این تحول بیش از دو دهه ادامه داشته است و همچنان در آینده نیز ادامه خواهد داشت.

ایران تهدیدات و تجاوزات اسرائیل علیه لبنان و فلسطینی ها را از ماه ها قبل با حساسیت پیگیری می کرد چنان که برخی از عملیات های آزادسازی مناطق اشغالی ایران، متأثر از این تحولات به نام های طریق القدس و بیت المقدس نام گذاری شد. حتی آقای هاشمی در نماز جمعه تهران بر استفاده فلسطینی ها از دستاورد این عملیات برای مبارزه با اسرائیل تأکید کرد.

ایران ضمن نگرانی از تحرکات اسرائیل، آزادسازی مناطق اشغالی و فتح خرمشهر را جشن گرفته بود. در چنین فضایی اجلاس نهضت های آزادی بخش با حضور رهبران آنها از کشورهای لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان، جنبش آزادی بخش مورو، جنبش آزادی بخش اریتره، چاد، تونس و میهمانانی از هندوستان برگزار شد. (۱) در واکنش به تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان بلافاصله در روز ۱۶ خرداد در جلسه ی سران سه قوه جمهوری اسلامی ایران بحث و قرار شد وزیر دفاع عازم لبنان شود. (۲) آقای هاشمی نیز از شرکت کنندگان در کنفرانس نهضت ها درخواست کرد تا زمان بازگشت هیئت تأمل کنند. (۳) بر اساس این تصمیم به گفته ی سردار غلامعلی رشید: (۴) : «در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۶۱ هیئتی عمدتا از مسئولان نظامی جمهوری اسلامی ایران از جمله آقایان رضایی، فرمانده کل سپاه، سرهنگ سلیمی، وزیر دفاع، رفیق دوست، وزیر سپاه، شهید صیاد شیرازی، بنده و آقای ولایتی وزیر خارجه و آقای متوسلیان به کشورهای سوریه و لبنان مسافرت کردیم. در سوریه ملاقات هایی با آقای حافظ اسد، رئیس ستاد مشترک ارتش، و وزیر دفاع آنها داشتیم که واقعا از هیئت استقبال خوبی به عمل آوردند. در بحث هایی که در آنجا صورت گرفت تا آنجا پیش رفتیم که یک خط دفاعی

---

۱ – ۴۵۳. نک: نهضت های آزادی بخش در گذرگاه انقلاب اسلامی، گزارش سمینار سراسری نهضت های آزادی بخش جهان در هتل استقلال تهران، واحد نهضت های آزادی بخش سپاه، آبان ۱۳۶۱، چاپخانه دفتر انتشارات سازمان انرژی اتمی ایران.

۲– ۴۵۴. اکبر هاشمی رفسنجانی، «پس از بحران» (خاطرات ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۱)، روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸.

۳ – ۴۵۵. مسعود اسداللهی، از مقاومت تا پیروزی، تاریخچه حزب الله لبنان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور، تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۰ و ۶۱.

۴– ۴۵۶. سردار رشید مسئول ستاد عملیات جنوب بود که در عملیات فتح المبین و بیت المقدس فرماندهی قرارگاه فتح سپاه را به عهده داشت.

مشترک در خاک لبنان و روی ارتفاعات مشرف به بیروت تا معبر ورودی مرز سوریه با لبنان (اشتوره) درست کنیم. قرار شد ما با استعداد یک لشکر در وسط باشیم و سوریه هم در سمت چپ (شرق) و فلسطینی ها و لبنانی ها سمت راست (غرب) ما قرار بگیرند. بنابراین توافقات اولین گروه ها از نیروهای نظامی از تیپ ۵۸ ذوالفقار و دومین گروه، نیروهای لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در تاریخ ۲۱ خرداد عازم سوریه شدند.» (۱) (۲) .

آغاز تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، تنها ۱۱ روز پس از فتح خرمشهر این تصور را به وجود آورد که هدف اصلی اسرائیل جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق بوده است. چنان که آقای هاشمی در سخنانی گفت:

«ما اصلا اعتقاد داریم که جنگ عراق به خاطر اسرائیل بر ما تحمیل شد و ما به خاطر اسرائیل گرفتار جنگ هستیم. (۳) و اگر ما در جنگ عراق پیروز نشده بودیم آن حادثه پیش نمی آمد و اصلا آن حادثه به وجود آمده که ما اینجا پیروز نشویم.» (۴) .

رئیس جمهور اسلامی ایران نیز در همین زمینه گفت:

«امریکا و دولت های وابسته ی منطقه پس از مشاهده پیروزی رزمندگان، حساب کردند که ملت ایران با قدرت تمام نشدنی، بر آن است که کار رژیم بغداد را یکسره کند؛ لذا جریان لبنان را به عنوان ترفند سیاسی و قدرت نمایی مطرح نمودند.» (۵) .

مهندس موسوی، نخست وزیر، نیز گفت:

«اسرائیل غاصب تنها با مشارکت و همدستی رژیم عراق می توانست نیروهای رزمنده و امکانات مادی و نظامی ما را به خود مشغول کند تا به مبارزه ی مستقیم با صهیونیسم برنخیزیم.» (۶) .

در تحلیل سیاسی از ماهیت تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان بیشتر از اینکه این موضوع در چارچوب معادلات خاورمیانه و اهداف اسرائیل در این منطقه و در لبنان مورد توجه قرار گیرد، در چارچوب جنگ ایران و عراق قابل

۱- ۴۵۷. آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود تاریخ پرواز اولین هواپیما را روز شنبه ۲۲ / ۳ / ۶۱ ذکر می کند. (روزنامه ی جمهوری اسلامی، یکشنبه ۶ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸).

۲- ۴۵۸. مأخذ ۱۶، ص ۱۰۹، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱، ضمیمه گزارش.

۳- ۴۵۹. دفتر نشر معارف انقلاب با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، خطبه های جمعه سال ۱۳۶۱، جلد دوم، بهار ۱۳۷۶، ص ۲۸۸ و ۲۸۹، خطبه دوم ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴- ۴۶۰. حزب جمهوری اسلامی، خطبه ها و جمعه ها، جلد چهارم، دی ماه ۱۳۶۲، ص ۳۲۲، خطبه دوم ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۱.

۵- ۴۶۱. حزب توده، ایران جلسه پرسش و پاسخ، ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۱، ص ۲۴.

۶- ۴۶۲. روزنامه کیهان ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۱، پیام به مناسبت شهدای ایلام، ص ۳.

بررسی است. هدف از این تجاوز جلوگیری از پیروزی ایران بر عراق و تجزیه قوای ایران با هدف جلوگیری از تمرکز نیروهای ایران برای نبرد با اسرائیل دانسته شد.

بر این اساس این باور به وجود آمد که: «توان ملت رزمنده و مسلمان ما برتر از آن است که مقابله با رژیم متجاوز و کافر عراق ما را از مقابله با امریکا و اسرائیل متجاوز بازدارد.» (۱) و بر این مفهوم آقای شمخانی، قائم مقام وقت فرمانده سپاه، در سمینار نهضت های آزادی بخش در تهران تأکید کرد:

«نیروهای ما، رزمندگان ما بر این اعتقادند که جنگ در جنوب لبنان، جنگ با صدام و در نهایت جنگ با امریکاست و جنگ در خونین شهر نیز جنگ با «بگین» و جنگ با امریکاست. نیروهای خودمان را تقسیم می کنیم همان طوری که در خونین شهر خون را بر شمشیر به یاری پروردگار پیروز گردانیدیم، در «نبطیه» در «صور» «صیدا» نیز برآنیم که هر چه سریع تر سینه های خودمان را جلو بمب هاو موشک ها و سلاح های صهیونیستی باز بکنیم و عاشقانه شهید شویم و به لقاء الله برسیم و در نهایت با خون خویش اسرائیل رسوا را رسواتر سازیم.» (۲) .

اراده و شور و نشاط نیروهای اعزامی (۳) برای جنگ با اسرائیل بسیار زیاد بود چنان که وقتی مشخص شد سوریه برای اعزام نیروها از سوریه به لبنان و صحنه ی درگیری با اسرائیل عجله ای ندارد و به بهانه های مختلف مانع از انجام آن می شود حاج احمد متوسلیان در دیدار با رفعت اسد، که در آن زمان مرد شماره ۲ سوریه به حساب می آمد، چنین می گفت:

«ما برای میهمانی به سوریه نیامده ایم شما بهتر می دانید که هنوز تکلیف جنگ ما با صدام یکسره نشده... اگر به هر علت قرار است حضور ما در سوریه صرفا در وجه المصالحه و برگ برنده ای در مذاکرات سیاسی باشد، ما اهل آن نیستیم.» (۴) .

۱- ۴۶۳. همان.

۲- ۴۶۴. مأخذ ۱۸، ص ۲۳۲.

۳- ۴۶۵. البته در تابستان سال ۱۳۸۵ شهید محمد منتظری بسیاری از نیروهای داوطلب ایرانی را برای پشتیبانی از آرمان فلسطین به لبنان اعزام کرد. وی معتقد بود که در جنگ اسلام با صهیونیسم نباید اجازه داد که صهیونیست ها به پشت مرزهای ایران برسند، بلکه باید در پشت مرزهای اسرائیل با صهیونیست ها جنگید و بهترین جبهه برای این کار جنوب لبنان بود. (از مقاومت تا پیروزی، ص ۴۵).

۴- ۴۶۶. از مقاومت تا پیروزی، ص ۶۲، به نقل از حسین بهزاد، در انتهای افق: زندگی نامه شهید متوسلیان - بنیاد شهید ۱۳۷۶، ص ۲۹۰.

اعزام نیرو به لبنان علاوه بر آنچه قبلا گفته شد متأثر از این موضوع بود که با تصمیم گیری بر ادامه ی جنگ و ورود به خاک ایران، کشورهای عربی ایران را نیز مانند اسرائیل متهم کنند که به کشوری عربی حمله کرده است. آقای رضایی در این مورد می گوید:

«آقای هاشمی می گفت وقتی می خواهیم برویم داخل خاک عراق، احتمال حمله اسرائیل به لبنان وجود دارد و با جو اعراب مبنی بر اینکه ایران و اسرائیل همزمان به اعراب حمله می کنند ما بهتر است برویم آنجا بر اساس این منطق به لبنان رفتیم.» (۱) .

متأثر از همین موضوع و برای جلوگیری از سوءاستفاده عراق از وضعیت سیاسی ایران برای پایان دادن به جنگ شرطی جدید گذاشته شد. مهندس موسوی در این زمینه می گوید:

«ما شرط دیگری را بر شرایط گذشته خود برای خاتمه ی جنگ با رژیم متجاوز عراق اضافه نموده ایم و آن دادن راهی برای عبور نیروهای زرهی و رزمنده ما به سمت جبهه های نبرد با اسرائیل جنایتکار می باشد و همه مسلمانان در سراسر جهان می دانند که این از حقوق اولیه یک ملت اسلامی است.» (۲) .

آقای هاشمی نیز در مجلس شورای اسلامی جنگ لبنان و پیوستگی آن با جنگ ایران و عراق را تحلیل کرد و گفت:

«وقتی پیروزی ما محرز و امریکا درصدد شکست جمهوری اسلامی برآمد، هجوم اسرائیل به لبنان آغاز شد.»

وی سپس به تصمیم شورای عالی دفاع اشاره کرد:

«نمایندگان محترم می دانند که شورای عالی دفاع تصمیم گرفت یک شرط به شروط آتش بس (با عراق) اضافه کند و آن اینکه برای انتقال نیروهای رزمنده به قدس، راهی از خاک عراق در اختیار جمهوری اسلامی قرار داده شود.» (۳) تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و تصور پیوستگی این حادثه با جنگ ایران و عراق، واقعیتی جدید بود که منشأ تصمیم و رفتارهای جدیدی که به پاره ای از آنها اشاره شد. در عین حال، این پرسش وجود دارد که آیا در

۱- ۴۶۷. محسن رضایی، سلسله درس های دوره عالی جنگ سپاه، ۱۳۷۳.

۲- ۴۶۸. مأخذ ۲۵.

۳- ۴۶۹. مأخذ ۲۲، ص ۲۶۳ و ۲۶۴، ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۱، جلسه علنی مجلس شورای اسلامی.

برنامه های امریکا و اسرائیل چنین اهدافی پیش بینی شده بود؟ در این میان آیا عراق نقشی داشته است؟

در منابع خارجی به پیوستگی میان دو حادثه کمتر توجه شده است. در کتاب از تکریت تا کویت، بر موضوع بهانه ی اسرائیل برای تجاوز به لبنان که ترور سفیر این کشور در لندن بود تأکید می کند. بر اساس اطلاعات به دست آمده نوشته شده که رهبر آنها وابسته ی نظامی عراق در لندن است که تحت بازداشت قرار دارد. این موضوع به نقل از بیانیه ی دولت انگلیس به مناسبت شناسایی و دستگیری عوامل ترور نوشته شده است:

«دولت انگلیس در بیانیه ای که به مناسبت شناسایی و دستگیری عوامل سوءقصد به سفیر کبیر اسرائیل در لندن انتشار داد تأکید کرد که دولت عراق در لندن از طریق سفارتخانه خود سلاح های لازم را در اختیار دیگر تروریست ها قرار می داده است.» (۱) .

روزنامه ی نیویورک تایمز بر اساس همین اخبار و با توجه به پیامدهای تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و با برجسته کردن نقش عراق نوشت:

«صدام حسین که شکست خود را در جنگ با ایران قطعی می بیند برای رهایی از دامی که خود گسترده است دست به حیله های عجیب و غریبی می زند. او بهترین نقشه را در تحریک احساسات اسرائیلی ها و وادار کردن آنها به حمله به لبنان می داند و در این کار خود تا حدی نیز موفق شده است. او دستور قتل سفیر کبیر اسرائیل در لندن را صادر کرد و از ایادی خود در آن شهر خواست تا هر چه زودتر او را از پای درآورند. اسرائیلی ها که می دانستند اگر دیر اقدام کنند کار مشکل خواهد شد و گروه تروریستی یاسر عرفات که صدام هم از آنها حمایت می کند به قدرت بیشتری دست خواهد یافت، به لبنان حمله کردند. صدام به خواسته و هدف خود رسیده و اکنون آن را بهانه ای برای تحقق آتش بس در جنگ با ایران قرار داده است.» (۲) .

عناصر اصلی این نظریه با محور قرار دادن نقش عراق، بر اساس اطلاعات مندرج در بیانیه ی دولت انگلیس، و همچنین پیامدهای این حادثه برای عراق

۱- ۴۷۰. مأخذ ۱۷.

۲- ۴۷۱. مأخذ ۱۷.

شکل گرفته است. در عین حال، نمی توان این موضوع را نادیده گرفت که انتشار این گونه اخبار و تحلیل ها برای کاهش تأثیر و پیامدهای تجاوز اسرائیل، در جهان عرب بوده است.

علاوه بر این، در مجله ی لبنانی الشراع نیز به موضوع پیوستگی توجه و نوشته شده است:

«همچنان که جنگ لبنان محرک اصلی انتقال انقلاب اسلامی ایران از حالت دفاعی به حالت تهاجمی شد. نبرد خرمشهر نیز انگیزه اصلی حمله اسرائیل به لبنان بود.پس از حمله ایران به خرمشهر و آزادسازی آن، مشخصا منافع امریکا و اسرائیل و بقای صدام در مخاطره قرار گرفت و اسرائیل با همدستی امریکا به منظور حفاظت از منافع خود و تلاش برای بقای صدام به لبنان حمله کرد.»

در این مجله به نقل از برژنف آمده است:

«جنگ لبنان، صدام را از سقوط نجات داد.» (۱) .

تدریجا پس از گذشت دو هفته از زمان تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و اعلام آمادگی عراق برای عقب نشینی از خاک ایران، ایران تصمیمات جدیدی گرفت. آقای هاشمی که پیش از این بر آمادگی ایران برای جنگ در دو جبهه اعلام آمادگی کرده بود و در سخنانی اعلام کرد: «تنها راه مبارزه با اسرائیل، اتحاد سپاه و ارتش مشترک مسلمانان است.» (۲) ایشان سپس تأکید کرد:«ما در حال حاضر اصالت و تقدم را به جنگ با عراق می دهیم.» (۳) .

عقب نشینی نیروهای عراق (۴) در ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ و با سخنرانی صدام، آغاز شد. امام یک روز بعد، با درک از ماهیت مواضع و رفتار جدید عراق و امریکا، به ضرورت بازگشت نیروها از لبنان تأکید کردند و فرمودند:

«اینها می خواهند جوانان ما را از جبهه ها منصرف کنند و آنها را سرد کنند. اگر عراق پیروز شود، مطمئن باشید که شما در لبنان هیچ کاری نمی توانید بکنید. ما می خواهیم قدس را نجات بدهیم ولی بدون نجات کشور عراق از این حزب منحوس نمی توانیم.» (۵) .

۱- ۴۷۲. مأخذ ۱۶، ص ۳۹۲، گزارش روز ۴ / ۵ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۷۳. مأخذ ۲۲، ص ۲۸۵، خطبه دوم ۲۸ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۴۷۴. همان، ص ۲۸۸.

۴- ۴۷۵. این موضوع در مبحث عقب نشینی عراق در صفحات بعد بررسی می شود.

۵- ۴۷۶. اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران، دفتر انتشارات معارف انقلاب، ۱۳۷۸، ص ۶۷۴.

امام علت تصمیم گیری ایران را توضیح دادند و فرمودند:

«ملت سلحشور و دولت انقلابی ایران اگر مسئله جنگ عراق و توطئه برای اغفال ما از آنچه به آن مبتلا هستیم و نقشه برای شکست ما در دو جبهه نبود، به گونه ای دیگر عمل می کرد.» (۱) .

از نظر امام آنچه انجام شد نوعی غفلت بود و تداوم آن به معنای شکست ایران در هر دو جبهه ی جنگ با عراق و اسرائیل بود. متعاقب تصمیم امام، (۲) .

آقای هاشمی اظهار داشت: «امام توجه خاصی به تقدم جنگ در مرزهای ایران بر جنگ در لبنان داشتند.» (۳) وی افزود که دوستان ما در جهان عرب و هم در داخل نیز این نظر را مطرح کرده اند. همچنین آقای هاشمی هدف تجاوز اسرائیل را تحت الشعاع قرار دادن پیروزی های ایران اعلام و تأکید کرد: «از تذکرات امام با همه وجود استقبال می کنیم.» (۴) .

به دستور امام نیروهای اعزامی به کشور بازگشتند اما با موافقت ایشان تعدادی از نیروها برای آموزش مردم لبنان در منطقه باقی ماندند و هسته های مقاومت در برابر متجاوز تشکیل دادند و شیعیان لبنان را تحت عنوان حزب الله سازماندهی کردند و حملات علیه ارتش اسرائیل را گسترش دادند و مهمترین و برجسته ترین شکست سیاسی - نظامی را بر اسرائیل وارد کردند. این رخداد مهم و استراتژیک علاوه بر اینکه به تحقیر اعراب در برابر اسرائیل، به دلیل شکست های پی درپی پایان داد، تأثیر وسیعی بر مردم فلسطین و شکل گیری انتفاضه مسجدالاقصی داشت و هم اکنون بیشترین مخاطرات را در موجودیت رژیم اسرائیل به وجود آورده است.

۱- ۴۷۷. صحیفه نور، جلد ۱۶، ص ۲۱۷، پیام امام خمینی، ۶ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۷۸. بنا به شواهد و قرائن موجود اصل تصمیم گیری برای اعزام نیرو به لبنان در یک واکنش شتابزده و در جلسه سران سه قوه انجام گرفت و به نظر می رسد امام از این تصمیم گیری اطلاعی نداشتند. چنان که آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود نوشته که در روز ۱۸ خرداد در ملاقات با امام درباره درگیری های لبنان مشورت کرده است (روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸) حال آنکه تصمیم گیری در ۱۶ خرداد انجام و هیئت روز ۱۷ خرداد عازم سوریه شد.

۳- ۴۷۹. مأخذ ۲۲، ص ۲۹۹ و ۳۰۰.

۴- ۴۸۰. مأخذ ۲۲، ص ۳۰۰.

عقب نشینی نیروهای عراق از مناطق اشغالی

اشاره

در پاسخ به درخواست کمیته ی صلح سازمان کنفرانس اسلامی برای متوقف کردن جنگ و با توجه به تجاوز اسرائیل به لبنان، در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۶۱ جلسه ی شورای فرماندهی انقلاب عراق به ریاست صدام حسین تشکیل شد. در این جلسه به عقب نشینی از خاک ایران تصمیم گرفته شد و آن را با صدور اعلامیه ای در تاریخ ۲۰ خرداد اعلام کردند. در همین روز، نماینده ی عراق در سازمان ملل متن اعلامیه ی دولت عراق را برای دبیر کل سازمان ملل ارسال کرد. در این اعلامیه درباره ی مکان عقب نشینی و زمان آن آمده است:

«آمادگی عراق را برای عقب نشینی فوری نیروهای خود از کلیه ی شهرها و اراضی ایران، از جمله قصر شیرین، مهران، سومار و خسروی تا مرزهای بین المللی اعلام می دارد. عقب نشینی در مدت دو هفته به اتمام خواهد رسید.» (۱) .

همچنین در این اعلامیه تأکید شد اگر نهادهای موجود نتوانند درباره ی مسائل مورد اختلاف مستقیما با ایران به راه حلی برسند، عراق حاضر است هر رأی داوری را که سازمان کنفرانس اسلامی یا جنبش غیرمتعهد یا شورای امنیت صادر کنند، بپذیرد. در این اعلامیه درباره ی علت تصمیم عراق آمده است:

«تصمیم گیری عراق برای متوقف ساختن کلیه ی عملیات نظامی، ناشی از این درک عمیق است که کلیه کوشش ها باید در جهت رویارویی با صهیونیست دشمن هدایت شود.» (۲) .

در واکنش به این تصمیم عراق، جلسه ی شورای عالی دفاع تشکیل شد. آقای هاشمی اعلام آمادگی عراق را برای عقب نشینی به نقل از فرمانده ی نیروی زمینی ارتش - که نیمه شب در تماس تلفنی موضوع را به ایشان اطلاع داده است - ذکر می کند و می نویسد: «احتمالاـ این حیله ای برای نجات صدام و بهره برداری از تجاوز اسرائیل به لبنان است و همین هم جزء اهداف امریکا و اسرائیل است.» (۳) چنین برداشتی از ماهیت تصمیم اخیر عراق رواج داشت؛ چنان که مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، نیز در واکنش به اقدام جدید عراق اعلام کرد:

۱- ۴۸۱. سایت اینترنتی «ملی - مذهبی» به نقل از کتاب نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، منوچهر پارسادوست، ص ۳۱۸.

۲- ۴۸۲. همان.

۳- ۴۸۳. مأخذ ۱۹، ۶ / ۳ / ۱۳۸۰، گزارش ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۱.

«عراق در تلاش است تا با استفاده از فرصت به دست آمده به خاطر حمله ی اسرائیل به لبنان از طریق سیاسی از جمله توسل به ابرقدرت ها و سازمان های بین المللی و حتی مسائل عاطفی جلو ضربات نهایی نیروهای خودی را که برای احقاق حقوقمان بر دشمن وارد خواهیم کرد، بگیرد. و مسئله تعیین متجاوز را در محاق فراموشی قرار دهد و از عواقب تجاوز خویش بگریزد.» (۱)
.

اعلام تصمیم جدید عراق با بازگشت هیئت اعزامی ایران به سوریه مصادف شد؛ لذا در جلسه ی شورای عالی دفاع، که در دفتر امام بود (۲) این موضوع نیز بحث شد. سردار رشید، یکی از اعضاء هیئت اعزامی، درباره ی این جلسه می گوید:

«در بازگشت از لبنان، مستقیما به خدمت حضرت امام رفتیم، به نظرم می رسد که جلسه ی شورای عالی دفاع هم برقرار بود. حضرت آیت الله خامنه ای و آقای هاشمی هم حضور داشتند، اوایل مغرب بود و قرار نبود که در اتاق حضرت امام جلسه شروع شود که دیدیم حضرت امام دارند برای نماز آماده می شوند، دیگران هم با شوق نماز را به جماعت به جای آوردند. بعد از اتمام نماز، حضرت امام روی همان سجاده به طرف جمع برگشته و گفتند: «همین جا بحث کنیم.» جمع ما در یک نیم دایره بر گرد حضرت امام حلقه زدیم و توسط برادر رضایی و آقای ولایتی گزارش مفصلی از سفر داده شد.» (۳) .

سپس امام تأکید کردند که وارد ریز مسائل اجرایی نمی شوم و نظریات خود را با ذکر مثالی توضیح دادند و سپس نتیجه گیری کردند:

«اینطور نباشد که شما بین زمین و آسمان در لبنان رها شده و پشتیبانی و عقبه نداشته باشید. کمک کردن درست اما از راهش. راه شما زمینی است که باید از سه، چهار کشور عبور کنید. شما که به لحاظ جغرافیایی به لبنان وصل نیستید و مشکل ارتباط زمینی دارید. اگر بخواهید بجنگید، کار آسانی نمی باشد؛ زیرا در تداوم پشتیبانی گرفتار خواهید بود.» (۴) .

نظر امام برای بازگشت نیروها از لبنان که ۱۰ روز بعد در سخنرانی عمومی اعلام شد، بیشتر متأثر از ماهیت تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و گزارش هیئت اعزامی از وضعیت موجود و مهمتر از آن همزمان بودن این وضعیت با

۱- ۴۸۴. مأخذ ۱۶، ص ۲۰۴، گزارش ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۸۵. مأخذ ۴۳.

۳- ۴۸۶. مأخذ ۱۶، ص ۱۰۹، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱، ضمیمه گزارش، غلامعلی رشید.

۴- ۴۸۷. همان.

تصمیم و اقدامات جدید عراق بود. امام با در نظر گرفتن تمام جوانب حضور نیروهای ایران را در لبنان مثبت ارزیابی نمی کردند.

در ادامه ی جلسه ی سوم و ششم خرداد در این جلسه نیز مجددا ادامه جنگ مورد بحث قرار گرفت. آقای هاشمی در گزارش این جلسه ضمن اینکه دوگانگی نظر امام را توضیح می دهد به تصمیم گیری امام بر اساس نظر نظامیان اشاره می کند:

«راجع به مسائل جنگ تصمیم گرفتیم... امام در مورد ادامه ی جنگ قاطع اند و اجازه نمی دهند حتی به گونه ای بحث شود که کوچک ترین تردیدی در جامعه و نیروها بروز کند و اهداف جنگ را به گونه ای اعلام می کنند که همگی خودشان را برای مدت طولانی آماده کنند و ضمنا توافقی برای ورود به خاک عراق هم نداشتند. در جلسه ی عصر هم خدمت امام، فرماندهان نظامی با حضور ما با امام بحث کردند و کارشناسانه ثابت کردند که ادامه ی جنگ با منع ورود به خاک عراق سازگار نیست. دشمن در جاهای زیادی از خاک ما است و اگر مطمئن بشود که نظام ما به خاک او وارد نمی شود، یا ورود جزئی خواهد داشت، نه امتیاز خواهد داد و نه از نقاط حساس بیرون خواهد رفت و هر وقت آمادگی پیدا کرد در خاک ما پیشروی می کند و با این استدلال امام را قانع کردند که با ورود به خاک عراق در جاهایی که مردم نیستند یا کم اند و آسیب نمی بینند؛ موافقت کنند.» (۱) .

در حالی که تصمیم جدید عراق در تاریخ ۲۰ خرداد اعلام شد ولی تا سخنرانی صدام در تاریخ ۳۰ خرداد هیچ گونه اقدامی برای عقب نشینی ارتش عراق صورت نگرفت. در واقع، صدور اعلامیه تنها به معنای اعلام این تصمیم بود ولی سخنرانی صدام نقطه ی آغاز اجرای آن بود. سخنرانی صدام در واقع بیانیه ای سیاسی - نظامی بود که روند گذشته ی جنگ، ماهیت و علت تصمیم گیری عراق را تشریح می کرد و اشاراتی به آینده بود.

صدام در سخنرانی خود، که از رادیو صوت الجماهیر مستقیم پخش شد، هدف عراق را از جنگ دفاعی ذکر کرد و گفت:

ص: ۱۵۵

۱- ۴۸۸. همان.

«ما از همان آغاز گفتیم جنگی که ناگزیر از ورود به آن شدیم جنگ دفاعی است اما جنگ دفاعی از نوع جدید است.» (۱) .

در واقع صدام با توضیح جنگ دفاعی از نوع جدید (۲) در نظر دارد علت پیشروی در خاک ایران و اشغال آن را بیان کند، لذا می گوید:

«نیروهای دشمن را به عقب راندیم و آنها را تا داخل سرزمین ایران دنبال کردیم و بدین ترتیب پوشش دفاعی شهرهای خویش را از گزند دشمن حفظ کردیم.» (۳) .

وی همچنین در پاسخ به کسانی که سؤال می کردند چرا در آن زمان عراق برخی از شهرهای ایران را اشغال نکرد، می گوید هدف ما اشغال شهرهای ایران نبود بلکه فقط به خاطر حفظ شهرهای مرزی (۴) وارد خاک ایران شدیم و آماده بودیم تا با اعتراف به حقوق عراق از این مناطق عقب نشینی کنیم ولی آنها می گفتند جنگ باید در جبهه های جنگ (۵) حل و فصل شود. (۶) .

صدام پس از توضیحات بالا، درباره ی اینکه آیا عراق شکست خورده یا پیروز شده است و اساسا معنای شکست های نظامی، و عقب نشینی چیست؟ توضیحات مهمی می دهد. صدام معتقد است عراق دژ مستحکم جبهه ی شرقی اعراب است و ایران به دنبال شکستن این دژ بوده است. (۷) بنابراین، اگر توطئه ایران در نطفه خفه نمی شد ظلمت و تاریکی خمینی ایسم و صهیونیسم تمامی کشورهای شرق عربی را فرامی گرفت و کل سرزمین عرب زیر بار سلطان فارس و صهیونیسم درمی آمد. در حالی که پیش از این صدام ماهیت جنگ را دفاعی اعلام می کند در اینجا خطاب به مردم عراق

۱- ۴۸۹. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «نشریه گزارش های ویژه»، شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۱، ص ۲، رادیو صوت الجماهیر ساعت ۳۰ / ۱۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۴۹۰. صدام در جای دیگری از سخنان خود می گوید: «ما با وضعی مواجه شدیم که هیچ ملتی سابقا آن را ندیده بود. دولتی برای دفاع از خویش داخل سرزمین دولت دیگر شده بود و در ضمن آماده عقب نشینی از این سرزمین بدون هیچ شرطی بود. شرط ما فقط اعتراف به حاکمیت و حقوق خویش بود.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه، شماره ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۱، ص ۳ و ۴، به نقل از رادیو صوت الجماهیر ساعت ۳۰ / ۱۹، ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۱).

۳- ۴۹۱. همان، ص ۳.

۴- ۴۹۲. همان.

۵- ۴۹۳. شهید رجایی در سال ۱۳۶۰، پس از آنکه هیئت های صلح بدون پیشنهاد جدید و تنها با تأکید بر اتمام جنگ برقراری آتش بس به ایران می آمدند اعلام کرد اگر هیئت ها پیشنهاد جدیدی ندارند به ایران سفر نکنند، ما سرنوشت جنگ را در جبهه های جنگ مشخص خواهیم کرد.

۶- ۴۹۴. همان، ص ۳ و ۴.

۷- ۴۹۵. همان، ص ۲ و ۳.

می گوید:«جنگ شما ملی نبود بلکه جنگی از برای امت بود.» (۱) صدام اضافه می کند:

«این جنگ به تمام معنا قومی بوده و امتداد مبارزات برای آزادی و استقلال است که ملت عراق برای رهایی از زیر یوغ استعمار، انجام داده است.» (۲) .

وی سپس به تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و اوضاع سیاسی - اجتماعی این کشور اشاره می کند و می گوید: «اگر دشمن امت موفق می شد؛ تجربه ی لبنان دردمند در پیش روی ما است و اگر عراق از همان روز نخست آگاهانه و با قدرت به مقابله برنمی خاست ده برابر لبنان قربانی می داد.» (۳) .

صدام بر اساس این توضیحات نتایج جنگ را ارزیابی می کند. وی معتقد است کشورهای حامی ایران شایعه کردند و اطلاعاتی دروغ مبنی بر پیروزی ایران و شکست عراق پخش کردند و هدفشان از این کار تضعیف روحیه ی ملت ایران و شکست عراق است. وی می گوید: «کسانی که این سخنان را می گویند فکر می کنند عراق می خواست در سرزمین های ایران نفوذ خود را توسعه دهد و هم اکنون عراق در این امر ناکام مانده است.» (۴) صدام در اثبات پیروزی عراق و شکست ایران و در نفی نظر کسانی که تعداد اسرای عراق را بخصوص در خرمشهر زیاد می دانستند می گوید: «اینها باید به میزان تلفات هنگفت ایرانی ها بخصوص در این جنگ و جنگ های دیگر بنگرند، (۵) تلفات و خساراتی که بر ایران وارد شده است حتی کارشناسان نمی توانند میزان آن را برآورد کنند.» (۶) وی سپس در مورد وسعت مناطق اشغالی خطاب به مردم عراق می گوید: «کنترل خود را به بیش از ۲۰ هزار کیلومتر مربع از خاک آنها تثبیت نمودید و هم اکنون ارتش دلیر شما همچنان چهار شهر ایران را در دست دارد نظیر قصر شیرین و سومار و مهران و خسروی و مساحت بزرگی نیز از خاک آنها را در دست دارد.» (۷) .

وی به مساحت مناطق اشغالی اشاره می کند و می گوید ایران طی ۲۱ ماه تاکنون نتوانسته سرزمین هایی را که عراقی ها اشغال کرده اند، بازپس گیرد. (۸) .

صدام پس از این توضیحات نتیجه می گیرد: «عراق توانست در این جنگ

۱- ۴۹۶. همان، ص ۱۰.

۲- ۴۹۷. همان.

۳- ۴۹۸. همان، ص ۹ و ۱۰.

۴- ۴۹۹. همان، ص ۶ و ۷.

۵- ۵۰۰. همان، ص ۸.

۶- ۵۰۱. همان، ص ۶ و ۷.

۷- ۵۰۲. همان، ص ۶.

۸– ۵۰۳. همان، ص ۶ و ۷.

امنیت، حاکمیت و حقوق خود را به دست آورد.» (۱) و «جمع کارشناسان امور نظامی می توانند چنین نتیجه بگیرند که عراق در این نبرد پیروز شده است است.» (۲) صدام در این سخنرانی به تلاش های عراق برای پایان دادن به جنگ و رفتار مثبت با فعالیت کمیته ی صلح سازمان کنفرانس اسلامی، غیرمتعهدها و نماینده ی دبیر کل سازمان ملل و سایر موارد (۳) اشاره می کند و از واکنش ابرقدرت ها در مورد جنگ و سیاست اظهار شگفتی می کند و می گوید:

«و چیز شگفت انگیزتر این است که ابرقدرت تنها نظاره گر جنگ میان ایران و عراق بودند بدون اینکه هیچ گونه تلاشی جهت پایان آن نمایند، در حالی که این دو ابرقدرت همیشه کشمکش های نظامی کشورهای جهان را حل و فصل کرده اند. همان طوری که می دانیم این جنگ در یکی از حساس ترین و خطرناک ترین مناطق جهان واقع شده است که منافع بین المللی را در خود جای می دهد. جهان معاصر تا به حال هیچ وقت نظیر این صحنه را به خود ندیده است جنگی که حدود دو سال ادامه دارد بدون اینکه کسی برای خاتمه آن سعی جدی مبذول دارد.» (۴) .

در اظهارات صدام آنچه اهمیت بیشتری دارد همین اشاره به سیاست ابرقدرتهاست. در واقع، صدام برای توجیه شکست و عقب نشینی توضیحاتی داده است ولی آنچه درباره ی سیاست ابرقدرت ها می گوید گلایه و اشاره ای است به ماهیت سیاست ابرقدرت ها نسبت به جنگ. صدام جدا از توجیهات درباره ی شروع جنگ، بواقع امتیاز حمایت امریکا و اروپا و شوروی و کشورهای منطقه را داشت و به این موضوع کاملا ـ آگاه بود و درباره ی منطقه ی خلیج فارس و تأثیر جنگ بر این منطقه نیز آگاهی داشت. بنابراین، موافقت ابرقدرت ها باادامه ی جنگ و رفتار نظاره گر آنها، از نظر صدام شگفت است. به نظر می رسد عراق پی برده بود که نوعی توافق بر جنگ فرسایشی وجود داشته است که هدفش انهدام انرژی حاصل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران و قدرت و توانمندی عراق برای توسعه قدرت خود در منطقه بوده است.

صدام در پایان سخنرانی خود مجددا تأکید می کند که در ۲۱ ماه نبرد

ص: ۱۵۸

۱- ۵۰۴. همان، ص ۸.

۲- ۵۰۵. همان، ص ۷.

۳- ۵۰۶. همان، ص ۴ و ۵.

۴- ۵۰۷. همان، ص ۶.

نیروهای مسلح برای دفاع از عراق در داخل خاک ایران، هدف ما حفظ سرزمین نبود بلکه انهدام ماشین جنگی بود. از این رو، از مسافتی در این منطقه یا در منطقه دیگر به منظور کاستن از قربانی ها عقب نشینی کردیم. (۱) وی به این موضوع اشاره کرد که چون ما «احساس مسئولیت می کنیم می باید تصمیماتی را بگیریم تا بدین وسیله فرصت از دشمن گرفته شود و بهانه ی ادامه ی جنگ را از بین ببریم.» وی تجاوز اسرائیل را به لبنان به دلیل اینکه عراق سرگرم جنگ بود ذکر می کند (۲) و درباره ی تصمیم عراق می گوید:

«این تصمیم مسئولانه در درجه ی نخست مبتنی بر تضمین های ذیل است،

۱- خنثی کردن بخش اعظم بهانه هایی که رژیم مرموز تهران چنگ زده تا به جنگ ادامه بدهد.

۲- رژیم تهران را در برابر آزمایش حساس قرار داده تا ما بعضی مقاصد حقیقی او را در برابر افکار عمومی جهان برملا گردانیم.»

این بود توجیه هایی که این تصمیم ما بر آن استناد دارد.» (۳) .

صدام در پایان سخنان خود افزود هر چند موضع ایران در قبال بیانیه ی شورای فرماندهی انقلاب (۱۰ / ژوئن / ۱۹۸۲ برابر ۲۰ خرداد ۱۳۶۱) غیرمسئولانه و منفی بود، شورای فرماندهی تصمیم گرفت به مضمون این بیانیه پایبند باشد و نیروهای خود را از شهرها و سرزمین های ایران از امروز تا حداکثر ۱۰ روز آینده به عقب نشینی وادارد. و ما این کار را به پایان خواهیم رساند. (۴) .

عقب نشینی نیروهای عراق از تاریخ ۳۰ خرداد آغاز شد و صدام نیز به نیروها فرمان داد تا تدابیر احتیاطی از جمله آمادگی برای «دفع حملات» و «اجرای طرح های از قبل تهیه شده» در صورت نیاز را رعایت کنند. (۵) با خاتمه ی عقب نشینی نیروهای عراق، فرمانده کل نیروهای مسلح عراق با صدور بیانیه ای اتمام عقب نشینی را بنابر تصمیم مورخ دهم ژوئن ۱۹۸۲ (۲۰ خرداد ۱۳۶۱) و سخنان صدام در بیستم ژوئن ۱۹۸۲ (۳۰ / ۳ / ۱۳۶۱) به مدت ۱۰ روز اعلام کرد. (۶) نماینده ی دائم عراق در سازمان ملل نیز در نامه ای خطاب به دبیر کل سازمان ملل به تصمیم شورای فرماندهی عراق و اعلام آتش بس

۱- ۵۰۸. همان، ص ۱۲ و ۱۳.

۲- ۵۰۹. همان، ص ۱۱.

۳- ۵۱۰. همان، ص ۱۲.

۴- ۵۱۱. همان، ص ۱۱.

۵- ۵۱۲. مأخذ ۱۶، ص ۸۱، گزارش ۶ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶- ۵۱۳. مأخذ ۱۶، ص ۹۹، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

یک طرفه برای انجام عقب نشینی اشاره کرد و نوشت:

«اکنون عملیات عقب نشینی نیروهای عراق به مرزهای شناخته شده بین المللی تکمیل شده است.» (۱) .

روزنامه ی الجمهوریه، چاپ عراق، عقب نشینی این کشور را آزمایشی سخت برای روشن شدن ماهیت واقعی ایران نامید و پیش بینی کرد با مخالفت ایران قدرت و اراده ی ملت عراق افزایش خواهد یافت و بسیج خواهند شد. (۲) سعدون حمادی در سفر به هند برای فراهم ساختن زمینه های برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها در بغداد با توجه به عقب نشینی نیروهای عراق اعلام کرد اقدام بعدی در این زمینه باید اعلام آتش بس باشد. (۳) صدام نیز در مصاحبه ای با خبرنگار مجله ی تایم به تحولات جدید در مورد گزینه های ایران توجه کرد و گفت:

«در وضعیت کنونی، رژیم ایران دو راه در پیش رو دارد:

اول، اینکه نیروهای خود را در همان مواضع فعلی نگه داشته و به تبادل آتش توپخانه ادامه بدهد.

دوم، اینکه درصدد نفوذ به خاک ما برآید. چنانچه ایران به عراق حمله کند شکست خواهد خورد و نخواهد توانست رژیمی را که نوکر تهران باشد. به عراق تحمیل نماید و مجبور خواهد شد همزیستی مسالمت آمیز با عراق را بپذیرد.» (۴) .

عراقی ها با مانوری (۵) سیاسی - تبلیغاتی عقب نشینی از خاک ایران را برای به دست گیری ابتکار عمل در دو عرصه ی سیاسی و نظامی دنبال کردند؛ در عرصه ی سیاسی، عراق با عقب نشینی و ادعای صلح طلبی، به محدود کردن پیشروی نیروهای ایران در داخل خاک عراق نظر داشت و با این اقدام، امکان حمایت بین المللی از عراق و فشار به ایران را افزایش داد. در عرصه ی نظامی، عراق با

ص: ۱۶۰

۱- ۵۱۴. مأخذ ۱۶، ص ۱۲۸، گزارش ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۱، صالح عمرالعلی نماینده دائم عراق در سازمان ملل.

۲- ۵۱۵. مأخذ ۱۶، ص ۵۰، گزارش ۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۱۶. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۲، گزارش ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۱۷. مأخذ ۱۶، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، گزارش ۱۹ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵- ۵۱۸. پس از عملیات رمضان صدام در سخنانی عقب نشینی عراق از خاک ایران را یک مانور نامید. آقای هاشمی در نماز جمعه در سخنانی در این باره گفت: «صدام گفته بود که ما با یک «مانور» از ایران بیرون رفتیم و روی این مسئله چقدر تبلیغ کردند. بارها و بارها گفتند صدام عمل مثبتی انجام داده ولی ایران مخالفت می کند. ایران صلح طلب نیست ولی صدام یک قدم اساسی در راه صلح برداشت!» (خطبه های نماز جمعه سال ۱۳۶۱، جلد سوم، دفتر نشر معارف اسلامی با همکاری سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۷۶، ص ۹۸، خطبه دوم ۱۶ / ۷ / ۶۱).

تمرکز قوا در مناطق حساس برای مقابله با تهاجم احتمالی ایران و نفوذ به داخل خاک عراق آمادگی یافت.

در حالی که عراق مدعی عقب نشینی از خاک ایران بود ولی شواهد و قرائن بیان کننده ی استقرار نیروهای عراقی در مناطق میانی در ارتفاعات استراتژیک و پاسگاه های مرزی بیات، واوی، ربوت، پیچ انگیزه، سمیده، فکه (در ایلام) بود. همچنین عراقی ها ۱۴ حلقه از ۱۸ حلقه ی چاه نفت منطقه ی بیات (موسیان) را در اختیار داشتند. (۱) اظهارات مقامات رسمی عراق نشان می داد عراق همچنان در بخشی از مناطق اشغالی حضور دارد. سفیر عراق در پاکستان، احمد ظفر الگیلانی، می گوید: «نیروهای ما مناطقی را ترک کرده اند که ارزش از دست دادن نفرات را به خاطر حفظ آنها نداشته اند.» (۲) معاون اول صدام، طه یاسین رمضان، به مفهوم جدید مرز طبیعی اشاره می کند و می گوید:

«نیروهای عراقی که در داخل خاک ایران هستند تنها به مناطقی که عراق آنها را مرز طبیعی خود می داند عقب نشینی خواهند کرد.» (۳) .

طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق، نیز در کنفرانسی مطبوعاتی تصریح کرد نیروهای عراقی از تمام مناطق بیرون نرفته اند و در بخش هایی از خاک ایران باقی مانده اند. وی اعلام کرد:

نیروهای عراقی شش منطقه ی مرزی به وسعت ۳۷۲ مایل مربع را در دست دارند.» (۴) .

صدام نیز بعدها یکی از علل اصلی عقب نشینی نیروهای عراقی را علاقه به فراهم ساختن وضعیت مناسب برای برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس غیرمتعهدها در بغداد ذکر کرد. (۵) و در مصاحبه با روزنامه ی لوموند، چاپ فرانسه، اعتراف کرد:

«نیروهای عراق به علت استراتژیک بودن محل های استقرار خود، همچنان در قسمت هایی از خاک ایران باقی مانده اند.» (۶)
.

ادامه ی استقرار نیروهای عراق در برخی از مناطق و همچنین ناهماهنگی ادعای عراق به عقب نشینی کامل یا اعتراف به حضور در برخی از مناطق،

۱- ۵۱۹. مأخذ ۱۶، ص ۴۱۸، گزارش ۷ / ۵ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۲۰. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۳، گزارش ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۲۱. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۳، گزارش ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۲۲. مأخذ ۱۶، ص ۳۵۱، گزارش ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵ - ۵۲۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان»، شماره ۷، نطق صدام در رادیو صوت الجماهیر، ۲۶ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۷۶.

۶- ۵۲۴. مأخذ ۱۶، ص ۴۳۱، گزارش ۸ / ۵ / ۱۳۶۱.

بیان کننده ی ماهیت تلاش و اقدامات جدید عراق بود. همین عوامل و سایر اظهارات مقامات عراقی قابل اعتماد نبودن رژیم عراق را نشان می داد. (۱) ضمن اینکه اگر عراق قبل از شکست های نظامی، حاضر به عقب نشینی از مناطق اشغالی می شد، با تحقق یکی از مهمترین خواسته های ایران برای برقراری آتش بس می توانست زمینه ی پایان بخشیدن به جنگ را فراهم سازد. حال آنکه عراق با ضعیف ارزیابی کردن موقعیت ایران و اطمینان به برتری خود همچنان با استقرار در مناطق اشغالی به دنبال تأمین خواسته های خود با استفاده از اهرم «زمین» بود.

آخرین وضعیت

اشاره

عراقی ها در حالی که طی اعلامیه ای به رسانه ها و سازمان ملل عقب نشینی از خاک ایران را اعلام کردند ولی همچنان در برخی از مناطق ایران حضور داشتند. عراقی ها هیچ گونه گزارشی از عقب نشینی منتشر نکردند ولی بنابر گزارش های مراجع و مراکز اطلاعاتی و نظامی آخرین وضعیت نیروهای عراقی به شرح زیر بود:

جبهه جنوب

بنابر گزارش قرارگاه کربلای سپاه پاسداران، نیروهای عراق در جبهه جنوب علاوه بر کوشک و طلائیه قدیم قسمت کوچکی از شلمچه را در خاک ایران در اشغال نگه داشتند و در سایر مناطق در پشت مرزهای بین المللی مستقر شدند و در منطقه چزابه تا موسیان (سابله) نیروهای عراق در پشت مرز به

---

۱ – ۵۲۵. عزت ابراهیم نایب اول صدام در ۱۳ تیر ۱۳۶۱ و تنها ۴ روز پس از اتمام زمان عقب نشینی از خاک ایران و تقاضای آتش بس، طی سخنانی در جمع رهبران جبهه عربی آزادی بخش اهواز می گوید: «عراق پایگاه انقلاب عربی اهواز، به شمار می آید و مبارزه رهایی بخش شما را نمونه ای از مبارزات آزادی خواهانه ملتی می داند که برای به دست آوردن حقوق خود در سرزمینش تلاش می کند.» (اصغر جعفری ولدانی، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران ۱۳۶۸، ص ۵۹۳).

آرایش موضع پدافندی مشغول شدند. (۱) دشمن از اعلام آتش بس یک طرفه فرصت جست و برای ایجاد استحکامات مرزی با احداث خاک ریز و تعیین مواضع در پشت خط مرزی تلاش های گسترده ای کرد. (۲) همچنین در منطقه کوشک تا طلائیه قدیم به فاصله ی ۸ کیلومتری جنوب خط مرز، دشمن یگان های جدید مستقر کرد. از منطقه ی جنوب کوشک تا روبه روی حسینیه در پشت خط مرز نیز نیروهای دشمن افزایش یافت. (۳) احداث جاده برای تردد و ایجاد مواضع جدید مثلثی شکل (۴) بخش دیگری از فعالیت های مهندسی عراق بود. (۵) در نوار مرزی از جنوب هورالهویزه، کوشک تا مرز شلمچه دشمن به حفر دو کانال اقدام کرد. نخستین کانال، در حاشیه ی خط مرزی به عرض ۸۰ متر و به فاصله ۲ الی ۳ متری پشت سیم خاردار جلو خاک ریز به طول تقریبی ۱ کیلومتر و دومین کانال، به فاصله ی ۸ کیلومتر از نوار مرزی و در داخل خاک عراق احداث شده و قسمتی از آب هورالهویزه به این کانال ها هدایت می شد. بنابر ارزیابی ها چنین پیش بینی می شد که وجود دو کانال در منطقه ی شرق بصره امکان پیشروی را مشکل خواهد کرد. (۶) .

دشمن بر اساس اطلاعات ماهواره ای (۷) و همچنین کنترل تحرک قوای خودی، احتمال اجرای عملیات در منطقه ی شرق بصره را پیش بینی می کرد لذا ضمن تمرکز قوا در این منطقه و ایجاد استحکامات مرزی و احداث کانال، در مقابل مواضع خود آب رها کرد تا عبور را دشوار کند. برادر رحیم صفوی اقدامات دشمن در این منطقه را تلاش برای حفظ بصره می دانست. (۸) .

در منطقه ی فکه نیروهای دشمن پس از عقب نشینی در ارتفاعات «جبل فوقی» و «جبال حمرین» و نقاط سرکوب مستقر شدند. (۹) دشمن بر ارتفاع ۸۵

۱- ۵۲۶. مأخذ ۱۶، ص ۶۶، گزارش ۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۲۷. همان.

۳- ۵۲۸. مأخذ ۱۶، ص ۹۲، گزارش ۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۲۹. خاک ریزهای مثلثی به دلیل مشخصه ای که برای پدافند از هر سمت داشت و امکان استقرار تجهیزات زرهی، در آنها، به نظر می رسید بر اساس آخرین ابتکارات مهندسی و با هدف ایجاد خط پدافندی مطمئن، در حال احداث است. در شناسایی از مواضع دشمن چنین ارزیابی می شد که پس از تکمیل این مواضع دور زدن و غافلگیر کردن دشمن کار بسیار دشواری خواهد بود (روز شمار جنگ جلد ۲۰، ص ۹۲ - ۹۱، گزارش قرارگاه کربلا ۷ / ۴ / ۶۱).

۵- ۵۳۰. مأخذ ۱۶، ص ۱۰۱ و ۱۰۲، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱، گزارش شهید معینیان مسئول اطلاعات سپاه در قرارگاه کربلا.

۶- ۵۳۱. مأخذ ۱۶، ص ۴۸ و ۴۹، گزارش ۲ / ۴ / ۱۳۶۱، واحد اطلاعات لشکر ۵ نصر و قرارگاه کربلا.

۷- ۵۳۲. این اطلاعات را امریکایی ها تهیه می کردند و در اختیار عراق قرار می دادند.

۸- ۵۳۳. مأخذ ۱۶، ص ۲۵۱، گزارش ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۹- ۵۳۴. مأخذ ۱۶، ص ۱۲۰، گزارش ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

کاملا مستقر شد و بر منطقه ی شرق فکه و جاده چنانه – فکه نیز تسلط پیدا کرد. دشمن در عرض و عمق ارتفاعات حمرین و دامنه ی شرقی آن و جبل فوقی و ارتفاع ۸۵ کاملا آرایش پدافندی خود را حفظ کرد و مواضع مستحکمی به وجود آورد. نیروهای دشمن منطقه ی موسیان و نهر عنبر را کاملا تخلیه و شهر موسیان را به جز مسجد آن کاملا ویران کردند. همچنین در مناطق چم سری و چم هندی، که ارتفاعات آن در داخل خاک ایران به خاک عراق مسلط است، دشمن این مناطق را همچنان در اشغال نگه داشت. (۱) .

تحرک نیروهای دشمن در آن سوی اروند نیز افزایش یافت چنان که عراقی ها روبه روی جزیره مینو، در کنار جاده ی فاو – بصره خاک ریزی احداث کردند که دید نیروهای خودی را بر این جاده کاهش داد. (۲) .

جبهه های میانی و شمالی

نیروهای دشمن در منطقه ی مهران از محورهای رضاآباد، کنجان چم و زیل عقب نشینی کردند و در ارتفاع ۳۴۳ و سایر بلندی های حساس و مسلط بر مهران مستقر شدند. (۳) چنان که مهندس ترکان، استاندار ایلام، در مصاحبه ای اعلام کرد عراقی ها شهر مهران را پس از ویران کردن، رها ساختند و به ارتفاعات استراتژیک اطراف آن گریختند. واحدهای مسکونی شهر و تأسیسات با بولدوزر ویران شد. سد کنجان چم و پل های ورودی و خروجی به شهر تخریب شد. (۴) .

در استان باختران، عراقی ها، از مناطق از گله، باویسی، سرپل ذهاب، قصر شیرین سومار، و نفت شهر عقب نشینی کردند. بخشی از نیروهای دشمن بر ارتفاعات حساس و سرکوب همچنان باقی ماندند. (۵) بنابر گزارش فرماندهی سپاه منطقه ی ۷ باختران به فرماندهی کل سپاه، نیروهای دشمن پس از عقب نشینی بر ارتفاعات آق داغ مستقر شدند و قصر شیرین همواره در معرض تهدید دشمن قرار دارد؛ زیرا بدون ارتفاعات مذکور پدافند از قصرشیرین ممکن نیست. (۶) در محور گیلان غرب عراقی ها ۹ روستا را ویران

۱– ۵۳۵. مأخذ ۱۶، ص ۱۳۴ و ۱۳۵، گزارش ۱۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲– ۵۳۶. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۷، گزارش ۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳– ۵۳۷. مأخذ ۱۶، ص ۱۰۱، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴– ۵۳۸. مأخذ ۱۶، ص ۱۰۰، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵– ۵۳۹. مأخذ ۱۶، ص ۹۳، گزارش ۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۶– ۵۴۰. مأخذ ۱۶، ص ۹۹، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

کردند. (۱) و از قصر شیرین جز ویرانه ای باقی نگذاشتند. (۲) در منطقه نفت شهر حضور نیروهای دشمن بر ارتفاعات مسلط بر شهر استقرار نیروهای خودی در این شهر را غیرممکن می کرد (۳) و عملا این منطقه در اشغال باقی ماند.

در جبهه ی شمال غرب نیز بخشی از ارتفاعات و مناطق حساس همچنان در اشغال نیروهای دشمن باقی ماند.

حساسیت دشمن به شهرهای مهم بغداد، العماره و بصره سبب شد عراق کلیه خطوط مناطق حساس و استراتژیک را در مقابل این شهرها در اشغال نگه دارد و به ایجاد استحکامات در داخل خاک عراق و مناطق استقرار نیروها مبادرت ورزد. بنابر گزارش معاونت عملیات و اطلاعات ستاد فرماندهی کل قوا آخرین وضعیت پس از عقب نشینی ارتش عراق به شرح زیر بود:

«دشمن از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی اشغالی باقی مانده (۴) هنوز حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع از مناطق حساس و سرکوب و استراتژیک در طول ۸۰۰ کیلومتر از نوار مرزی را در اختیار دارد از جمله: فکه، ارتفاعات حمرین، نفت شهر، خسروی و ارتفاعات آق داغ را می توان نام برد.» (۵) .

واکنش ایران

آمادگی عراق برای عقب نشینی از خاک ایران، در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ و در وضعیتی اعلام شد که متعاقب تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، در تاریخ ۱۷ خرداد هیئت عالی رتبه ی سیاسی - نظامی ایران عازم سوریه شده بود و بنابر توافق با سوری ها بخشی از نیروهای ایران آماده اعزام به لبنان بودند. اقدام عراق در چنین وضعیتی سبب شد تا بلافاصله اوضاع سیاسی - نظامی ارزیابی

۱- ۵۴۱. مأخذ ۱۶، ص ۵۶، گزارش ۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۴۲. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۷ و ۱۴۸، گزارش ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرنگار خبرگزاری فرانسه که از قصر شیرین بازدید کرده است.

۳- ۵۴۳. همان، ص ۱۰۱، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۴۴. دشمن در ابتدای جنگ در حدود ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین ایران را به اشغال درآورد. صدام در بیانیه ی خود ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع اعلام کرد. در برخی از منابع از جمله در کتاب کردزمن هم ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع آورده شده است؛ ولی به گفته ی سردار سرلشکر غلامعلی رشید این مقدار مبالغه آمیز است و احتمالا صدام برای توجیه شکست خود بر این عدد تأکید می کند. در هر صورت طی ۸ ماه و در ۴ عملیات حدود ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع از مناطق اشغالی آزاد شد و از ۵۰۰۰ کیلومتر مربع باقی مانده، ۲۵۰۰ کیلومتر مربع را عراق عقب نشینی کرد و حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع همچنان در اشغال عراق باقی ماند.

۵- ۵۴۵. معاونت عملیات و اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح، بهمن ۱۳۶۷، ص ۳.

شود. گزارش فرماندهی کل سپاه از جبهه ها هیچگونه تحرکی را نشان نمی داد و چنین تصور می شد وضع عراقی ها در جبهه مشوش است. (۱) از نظر سیاسی چنان که آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود می نویسد: «از منابع غربی شایع شد که صدام سقوط کرده و کشته شده است ولی تا آخر شب روشن شد که خبر نادرست است.» (۲) در چنین فضایی به نظر می رسید تصمیم گیری و واکنش تا اندازه ای دشوار است. امام خمینی در برابر مواضع جدید عراق برای آتش بس و اتمام جنگ با هدف جنگ با اسرائیل، در دیدار با نمایندگان نهضت های آزادی بخش جهان واکنش نشان دادند و فرمودند:

«آتش بسی که صدام می گوید، آتش بسی است که دنبالش آتش می گشاید. راهی که صدام می خواهد به ما بدهد راهی است که نجات خودش را در آن می یابد، نه راه می خواهد برای اسرائیل بدهد.» (۳) .

امام ماهیت پیشنهاد عراق را چنین تحلیل کردند: «اگر ما قبول کنیم مصالحه واقع شده است و صدامی ها نجات پیدا کردند و اگر قبول نکنیم، پس معلوم می شود که ما نمی خواهیم جهاد کنیم نمی خواهیم با اسرائیل جنگ کنیم!» (۴) .

در حالی که ایران در نیمه ی دوم خرداد ۱۳۶۱ عمیقا درگیر تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان شده بود سخنرانی صدام در تاریخ ۳۰ خرداد و اعلام آغاز عقب نشینی به مدت ۱۰ روز، به واکنش جدی ایران منجر شد. امام خمینی بر اساس اقدام جدید عراق و محتوای سخنان صدام (۵) مواضع جدیدی را اعلام کردند:

«به نظر من می آید که این را نوشتند و آنهایی که نقشه در دستشان است، نوشتند و دادند دست صدام که او بخواند و من آن طوری که از حال صدام در نظرم است این است که حال صدام این نیست که بتواند تفکر کند یا بتواند یک چیزی بنویسد.» (۶) .

۱- ۵۴۶. اکبر هاشمی رفسنجانی «پس از بحران»، روزنامه جمهوری اسلامی ۶ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، خاطرات روز جمعه ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۴۷. همان، روزنامه جمهوری اسلامی ۴ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸ خاطرات روز پنج شنبه ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۴۸. صحیفه نور، جلد ۱۶ ص ۱۹۸، بیانات امام خمینی، ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۴۹. همان.

۵- ۵۵۰. امام در ملاقات عمومی با مردم ضمن اشاره به سخنرانی صدام طرح پرسش کردند که «من نمی دانم دیشب این اعلامیه ای که صدام داده است خیلی طولانی است آقایان ملاحظه کردند، اگر ملاحظه نکردند، پیدایش کنند.».

۶- ۵۵۱. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۴.

امام مجددا مسئولان را به مطالعه ی سخنان صدام فراخواندند و تأکید کردند:

«من میل دارم که آقایان پیدا کنند این را، کسانی که این اطلاعیه ی مطول را که یک ساعت بیشتر وقت من را صرف خودش کرد، مطالعه کنند. ببینند این مرد چی دارد می گوید. اول چی می گفت حالا چی می گوید.» (۱) .

امام در سخنان خود به شرایط ایران مبنی بر «پرداخت خسارات» اشاره می کنند و با استناد به سخنان صدام که می گوید: «خساراتی که به ایران وارد شد، قابل شمارش نیست.» فرمودند: «اگر (خسارت) ندادید ما در حال جنگ هستیم.» (۲) علاوه بر این، امام به حادثه ی تجاوز اسرائیل به لبنان اشاره کردند آن را یک توطئه نامیدند و سپس فرمودند:

«امریکا می دانست که ما و ملت ما نسبت به لبنان حساسیت داریم و نسبت به اسرائیل هم از آن طرف حساسیت داریم، این دام را امریکا درست کرد.» (۳) .

امام پیروزی ایران بر عراق و الحاق دو کشور به یکدیگر و تأثیر این واقعه بر تغییر موازنه ی منطقه ای را عامل اصلی نگرانی امریکا ذکر کردند. (۴) نکته ی مهم این است که تجاوز اسرائیل به لبنان در ۱۴ خرداد بود ولی امام تا ۳۰ خرداد و قبل از سخنان صدام و اعلام آمادگی برای عقب نشینی، به پیوستگی تجاوز اسرائیل با جنگ ایران و عراق اشاره ای نکردند حتی امام در این مدت هیچ گونه اظهاراتی نکردند که برای ورود به عراق تهدیدی باشد. با این توضیح به نظر می رسد حوادث مختلف و سخنان صدام، امام را به ارزیابی و تحلیلی جدید رساند به گونه ای که فرمودند:

«اگر امروز تمام نظرها متوجه به لبنان شود و تمام قدرت ها و گویندگان از لبنان بگویند و تمام نویسندگان از لبنان بگویند توفیقی است برای امریکا که ایران جنگ خودش را فراموش کرد و عراق را از دست می دهد و هم لبنان را، نه می تواند در عراق کاری بکند و نه می تواند در لبنان، ما راهمان این است که از راه شکست عراق دنبال لبنان برویم نه مستقلا.» (۵) .

امام همچنین تأکید کردند اگر عراق پیروز شود شما مطمئن باشید در لبنان هم هیچ کاری نمی توانید انجام دهید. و سپس تأکید کردند:

۱- ۵۵۲. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۴.

۲- ۵۵۳. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۴.

۳- ۵۵۴. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۲.

۴- ۵۵۵. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۳.

۵- ۵۵۶. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۳.

«ما بایـد از راهی که شـکست عراق است به لبنان برویم. عراق را نگـذاریم سـر جای خودش بایسـتد و جمع و جور کند قدرت خودش را و دیگران هم به او کمک کننـد و مرزهای خودش را قوی کند و بعد هم یک حمله ناگهانی به ما بکند، بازگردد به آن چیزهایی که از اول بود. غفلت از این انتحار است.» (۱) .

امام با نگرانی از سیاست های امریکا، اسـرائیل و عراق به جنگ با عراق، توجه کردنـد و عواقب غفلت از آن را متذکر شدند، تأکیـد بر اولویت جنگ با عراق و اینکه باید پس از شـکست عراق به لبنان رفت سـبب تا شـعار «راه قدس از کربلا می گذرد» طرح شود. در این تفکر اولویت و تمرکز قدس نبود، بلکه کربلا بود.

در واقع، عقب نشـینی ناقص و بی قید و شرط عراق، بدون اینکه به خواسته های ایران توجه یا امتیازی داده شود به معنای ادامه ی جنگ بود. به نظر می رسید این موضوع پیش از این پیش بینی نشده بود و توجه ایران به حادثه ی لبنان فرصت و زمان لازم را به عراق داد تا ابتکار عمل سیاسـی را به دست بگیرد و ایران در وضـعیت بسـیار دشوار و مخاطره آمیزی بود که می توانست برتری های سیاسی - نظامی فتح خرمشهر را بدون دستیابی به امتیاز مورد نظرش مخدوش نماید.

بر اساس نظر امام خمینی در مواضع و تصمیم گیری ایران تغییری به وجود آمد. چنان که یک روز پس از این اظهارات، جلسه ی شورای عالی دفاع برای تصمیم گیری تشکیل شد و آقای هاشمی به نقل از امام در کتاب خود می نویسد:

«امام گفته اند در این ده روز که عراق مدعی عقب نشینی است، حمله نکنیم، و به لبنان هم فعلا کسی را نفرستیم.» (۲) .

در تداوم همین بحث و بررسـی های آقای هاشـمی می گوید: «با احمدآقا تلفنی درباره ی وضع لبنان صحبت کردم و قرار شد ایشـان بـا امام صـحبت کنـد ایشان سپس به منزل ما آمـد و گفت که امام مخالف اعزام نیرو به لبنان است.» آقای هاشـمی می گوید در همین چارچوب با رئیس جمهور صـحبت کردم و قرار شد به ملاقات امام برویم که در تاریخ ۵ تیر ملاقات انجام شد و امام با حضور ما

۱- ۵۵۷. مأخذ ۱۰۱، ص ۲۱۳.

۲- ۵۵۸. اکبر هاشمی رفسنجانی «پس از بحران»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۸ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، سه شنبه ۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

در آن جبهه لبنان با توجه به شرایط موجود مخالفت کردند و گفتند:

«عرب ها جنگ جدی نخواهند کرد و درگیری بیشتر ما باعث می شود در جبهه ی جنگ با عراق دچار وقفه شویم و در آنجا هم به جایی نرسیم.» (۱) .

بدین ترتیب، درباره ی توقف اعزام نیرو به لبنان و همچنین بازگشت نیروها توافق حاصل شد و امام پس از اصرار برخی مسئولان تنها با ماندن بخشی از نیروها برای آموزش موافقت کردند.

در میان مسئولان سیاسی و نظامی درباره عقب نشینی عراق تفسیر و تحلیل های متفاوتی شد که همگی نظر امام را تأکید کردند. رئیس جمهور وقت، آیت الله خامنه ای، در سخنانی اظهار کرد: «عقب رفتن مسئله نیست بلکه صدام تجاوز کرده و اعتراف کردند که خسارات عظیمی وارد کردند باید این خسارات گرفته شود و گرنه با آنها در حال جنگ باقی خواهیم ماند.» (۲) ایشان همچنین اضافه کرد: «صدام در عقب نشینی صادق نیست؛ زیرا هم مناطق را پس از عقب نشینی ویران کرده اند و هم کاملا عقب نرفته اند.» (۳) ایشان تأکید کرد که با فتح خرمشهر جنگ تمام نشده است و تا تنبیه متجاوز مبارزه ادامه دارد. (۴) در مورد لبنان نیز تصریح کرد: «هرگز عمده قوایمان را به لبنان نمی بریم.» (۵) .

آقای هاشمی نیز عقب نشینی را تاکتیکی دانست؛ زیرا عراقی ها مناطقی را تخلیه کردند که در آن آسیب پذیر بودند و بر روی مناطق و ارتفاعات استراتژیک باقی ماندند. (۶) آقای هاشمی در نماز جمعه تهران نیز ویران کردن شهرها را به هنگام عقب نشینی نشانه ی دروغگویی صدام برای صلح و آشتی ذکر کرد. (۷) پیش از این، آقای هاشمی به گزارش جلسه شورای عالی دفاع اشاره می کند که در آن عقب نشینی ارتش عراق از شهرها و نقاط مسکونی غرب کشور رسیدگی و معلوم شد که آنها در بخشی از ارتفاعات ایران در کنار مرز مانده اند. و همین موضوع، اهداف جنگ طلبانه ی صدام را ثابت می نماید و این گونه عقب نشینی ها بیشتر جنبه ی تبلیغی دارد و برای تثبیت و تقویت نیروهای عراقی استفاده می شود. (۸) .

۱- ۵۵۹. همان.

۲- ۵۶۰. مأخذ ۱۶، ص ۳۹، گزارش ۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۶۱. روزنامه کیهان، ۳ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۳.

۴- ۵۶۲. همان.

۵- ۵۶۳. همان.

۶- ۵۶۴. مأخذ ۱۶، ص ۱۰۲ و ۱۰۳، گزارش ۸ / ۴ / ۶۱.

۷- ۵۶۵. مأخذ ۲۲، ص ۳۷۰ و ۳۷۱، خطبه دوم ۱۸ / ۴ / ۶۱.

۸- ۵۶۶. اکبر هاشمی رفسنجانی، «پس از بحران»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۲ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۹، گزارش ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

مهندس موسوی، نخست وزیر نیز عقب نشینی عراق را فرار برای حفظ باقی مانده ی نیروها و یافتن فرصتی مناسب برای تثبیت سلطه ی سیاسی می داند. (۱) ایشان همچنین تأکید کرد: «ما تا تحقق شرایط به مبارزه ادامه می دهیم و به خود حق می دهیم در این زمینه تصمیم بگیریم و برای دفاع از خود به هر اقدامی دست خواهیم زد.» (۲) .

وزیر خارجه ی وقت ایران، دکتر ولایتی، در دیدار با برخی از سفیران کشورهای خارجی مواضع جمهوری اسلامی را برای کشورهای دیگر تشریح و تبیین کرد و عقب نشینی عراق را اجباری و یکی از شرایط پایان جنگ دانست و افزود تا تحقق شروط دیگر جنگ ادامه خواهد داشت. (۳) .

رجایی خراسان، نماینده ی دائم ایران در سازمان ملل، نیز در نامه ای خطاب به رئیس شورای امنیت اعلام کرد: «عراق کاملا از سرزمین ایران عقب نشینی نکرده است و هنوز بخش هایی از خاک ایران را در اشغال دارد.» (۴) وی همچنین در مصاحبه ی مطبوعاتی اظهار امیدواری کرد که با برآورده شدن دیدگاه های عادلانه و شرافتمندانه ایران، صلح در منطقه برقرار شود. (۵) .

بازتاب تحولات جدید

عقب نشینی عراق از خاک ایران را رسانه های خبری جهان«عقب نشینی بدون آبروریزی» (آسوشیتدپرس، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱) «یک ارتش شکست خورده» (گاردین، ۵ / ۴ / ۱۳۶۱) «و تلاش برای دستیابی به صلح آبرومندانه» (لوکوتیدین، ۲ / ۴ / ۱۳۶۱) ارزیابی کردند. (۶) نیویورک تایمز نوشت: «در حالی که صدام به نظر می رسید احتمالا از قدرت کناره گیری کند حیات دوباره ی خود را تا حدودی با تجاوز اسرائیل به لبنان به دست آورد و تمرکز ایران بر اسرائیل به صدام فرصت نفس کشیدن داد.» (۷) آسوشیتدپرس طی گزارشی تأکید کرد: «این عقب نشینی به عراق فرصت می دهد با هر گونه ضدحمله ایران مقابله کند و عراق از حمله ی اسرائیل به لبنان سود جست.» (۸) در حالی که خبرگزاری فرانسه ایران را از نظر نظامی در موضع برتر می دانست که هر زمان اراده کند می تواند در خاک عراق

۱- ۵۶۷. روزنامه کیهان ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۱، گفت و گوی مطبوعاتی، ص ۱۹.

۲- ۵۶۸. همان.

۳- ۵۶۹. سایت اینترنتی «ملی - مذهبی»، زمستان ۱۳۸۰.

۴- ۵۷۰. مأخذ ۱۶، ص ۱۲۹، گزارش ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵- ۵۷۱. روزنامه کیهان، ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۲.

۶- ۵۷۲. مرتضی منطقی، نگاهی به ۸ سال جنگ تبلیغاتی، گروه علوم انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۷- ۵۷۳. خبرگزاری جمهوری اسلامی «نشریه گزارش های ویژه»، ۳ / ۴ / ۱۳۶۱، نیویورک تایمز، ۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۸- ۵۷۴. همان، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آسوشیتدپرس ۹ / ۴ / ۱۳۶۱.

نفوذ کند. (۱) روزنامه ی گاردین نوشت: «با این عقب نشینی، تصمیم گیری درباره ی ادامه ی جنگ با ایران است.» (۲) رادیو کلن نیز با استناد به سخنان آقای هاشمی گفت: «تهران در حال حاضر پیروزی کامل علیه رژیم عراق می خواهد توفان انقلاب اسلامی را به کناره ی جنوبی خلیج فارس انتقال دهد.» (۳) روزنامه ی دیلی تلگراف، چاپ لندن، اشاره می کند که کشورهای منطقه معتقدند هدف بعدی انقلاب اسلامی آنان خواهند بود و نوشت: «ایران با نپذیرفتن پیشنهاد عراق لرزه ای بر سراسر منطقه خواهد افکند.» (۴) کردزمن بیانیه ی صدام و واکنش ایران را تجزیه و تحلیل و تأکید کرد که: «نه بیانیه صدام و نه عقب نشینی عراق هیچ کمکی به پیشبرد صلح نکرد.» افرایم کارش نیز در مقاله ی خود نوشت: «ایران اعلام کرد تصمیم صدام بسیار دیر اعلام شده و خواسته های خود را افزایش داده است.» وی پیش بینی کرد روند جنگ با ادامه ی آن در خاک عراق تغییر خواهد. (۵) .

در میان رسانه های منطقه روزنامه ی کویتی الرساله نوشت: «عراق یک تصمیم مهم استراتژیک اتخاذ نمود و دیگر هیچ بهانه ای برای تجاوز ایران باقی نگذاشت.» (۶) روزنامه ی السفیر ورود ایران به خاک عراق را به منزله از دست دادن هم پیمانان عرب و عربی کردن یا جهانی کردن این جنگ ارزیابی کرد. (۷) رادیو قاهره پیش بینی کرد: «جنگ تا مدت نامعلومی ادامه خواهد یافت و ایران حقیقت عقب نشینی عراق را فاش ساخته و اعلام کرده است که نیروهای عراقی هنوز مواضع استراتژیکی مهمی در جنگ را در تصرف خود دارند و برای اثبات این موضوع از خبرنگاران خارجی برای بازدید از مناطق مرزی ایران و عراق دعوت به عمل آورده است.» (۸) جمهوریت، چاپ ترکیه، ادامه جنگ را برای منطقه مخاطره آمیز دانست و نوشت: «ترکیه نیز درگیر این بحران خواهد شد.» روزنامه ی انگلیسی زبان مسلم، چاپ اسلام آباد، اشاره می کند به اینکه اگر عراق به ایران حمله نکرده بود امروز اسرائیل به لبنان حمله نمی کرد و سپس تأکید کرد: «تعیین شرط ایران برای پرداخت غرامت کاملا صحیح است و عراق باید خسارت بدهد تا در آینده مرتکب چنین

۱- ۵۷۵. مأخذ ۱۶، ص ۵۰، گزارش ۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۷۶. مأخذ ۱۶، ص ۷۶ گزارش ۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۷۷. مأخذ ۱۶، ص ۵۱ گزارش ۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۷۸. مأخذ ۱۶، ص ۵۲ گزارش ۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵ - ۵۷۹. افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق یک تجزیه و تحلیل نظامی»، نشریه ادلفی پی پر، بهار ۱۹۷۸، خبرگزاری جمهوری اسلامی، تایپ و تکثیر معاونت اطلاعات و عملیات ستاد کل، دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۸.

۶- ۵۸۰. مأخذ ۱۶، ص ۹۷، گزارش ۷ / ۴ / ۱۳۶۱.

۷- ۵۸۱. مأخذ ۱۶، ص ۱۴۵، گزارش ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۸- ۵۸۲. مأخذ ۱۶، ص ۱۵۹، گزارش ۱۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

حرکت هایی نشود.» (۱) .

حبیب شطی، دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی، در حالی که تأکید می کرد جنگ ایران و عراق و پیروزی ایران در خرمشهر برای اسرائیل و غرب منافع زیادی داشته است. عقب نشینی عراق را قدمی مثبت برای پایان دادن به جنگ ذکر کرد. (۲) اولاف پالمه، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل، نیز طی مصاحبه ای گفت: «من شش بار به منطقه سفر کرده ام ولی طبق قانون قدیمی، وقتی جنگی شروع می شود، مشکل است به آن خاتمه داد.» وی در مورد پیروزی های اخیر ایران و تحولات در جنگ به شرایط ایران اشاره کرد و گفت: «ولی عراق نمی خواهد این شرایط را بپذیرد.» (۳) .

مرکز مطالعات استراتژیکی و بین المللی جرج تاون، در امریکا، از تحولات جنگ و چشم اندازهای آینده تحلیلی ارائه داد که رادیو امریکا آن را منعکس کرد. در این ارزیابی تأکید شد در صورتی که عراق بتواند خود را از یک شکست آشکار در امان دارد و به شرایط قابل قبولی برای صلح با رژیم ایران دست یابد، صدام حسین شانس خواهد داشت که از نظر سیاسی جان به درببرد. در این تحلیل، با اشاره به تأثیر شکست عراق و کاهش تهدیدات این کشور برای کشورهای کوچک تر خلیج فارس، پیش بینی شده است که صدام به دلیل پیروزی های ایران بر نیروهایش قدرت خود را از دست نخواهد داد. در این تحلیل در مورد آینده آمده است: ایران و عراق هر دو احتمالا تسلیحات خود را تجدید خواهند کرد، مسابقه ای تسلیحاتی آغاز خواهد شد که در آن احتمالا قدرت های بزرگ بر نفوذ خود بر دو کشور خواهند افزود. در این میان اگر صدام سقوط کند و اوضاع بی ثباتی در عراق به وجود آید به ضرر منافع غرب خواهد بود.» (۴) .

تلاش برای صلح

آغاز پیروزی های نظامی در جنگ از مهر سال ۱۳۶۰ تا خرداد سال ۱۳۶۱ وضعیت جنگ را از حالت فرسایشی به فعال و پرتحرک تغییر داد.

ص: ۱۷۲

۱- ۵۸۳. مأخذ ۱۶، ص ۱۵۰، گزارش ۱۴ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۵۸۴. مأخذ ۱۶، ص ۸۷، گزارش ۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۸۵. همان.

۴- ۵۸۶. مأخذ ۱۶، ص ۴۳، گزارش ۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

این تحولات باعث شد تا سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد تلاش های صلح را از سر گیرند. هیئت میانجیگری سازمان کنفرانس اسلامی به ریاست احمد سکوتوره در اواخر اسفند ۱۳۶۰ با صدام ملاقات کرد. صدام در این ملاقات اعلام کرد عراق حاضر است ضمن عقب نشینی از خاک ایران غرامت مالی به ایران بپردازد. اما بغداد تقاضای ایران را مبنی بر اینکه دادگاهی بین المللی به بررسی متجاوز این جنگ بپردازد، نپذیرفت. (۱) .

هیئت منتخب سازمان کنفرانس اسلامی در روز ۱۷ اسفند ۱۳۶۰ وارد تهران شد و پس از مذاکره ی ۵ ساعته با اعضای شورای عالی دفاع تهران را ترک کرد. آقای هاشمی طی مصاحبه ای درباره ی نتیجه ی مذاکرات گفت: «صدام دنبال صلح نیست؛ زیرا حزب بعث هستی خودش را در گرو نتیجه ی جنگ می بیند.» ایشان افزود: «هیئت در صحبت هایش هیچ اعتراضی به خواسته های ایران نکردند ولی از ما می خواستند گذشت کنیم.! و به ما می گفتند شما امتیاز بدهید و عراق هم امتیاز بدهد که ما به شدت رد کردیم.» (۲) .

پس از شکست عراق در عملیات فتح المبین، هیئت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی مجددا اعلام کرد مایل است به تهران سفر کند. چنان که آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود نوشته است بازتاب این خبر «باعث ناراحتی بعضی از رزمندگان و نیروهای تند شد.و با اظهار نگرانی از پذیرش آتش بس، خواسته ها را بالا برده و کسی حاضر نیست به کمتر از سقوط صدام و تأسیس حکومت اسلامی در عراق اکتفا کند.» سپس ایشان از مرحوم احمدآقا خمینی نقل می کند که بیت امام هم تحت فشار است. (۳) .

آقای هاشمی همچنین به ملاقات با آقای محمدتقی مدرسی و پیشنهاد ایشان برای تشکیل مجلسی برای عراق در ایران اشاره می کند و می نویسد: «پیروزی های جبهه خیلی ها را به فکر آینده ی عراق انداخته است.» (۴) .

در ادامه ی همین روند آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت، در ملاقات با آقای هاشمی گزارش هیئت میانجی گری و پیشنهاد هیئت برای عقب نشینی تدریجی

۱- ۵۸۷. مأخذ ۱۲۴، ص ۱۳ و ۱۴، به نقل از خبرگزاری لندن، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

۲- ۵۸۸. مأخذ ۲۲، ص ۵ و ۶.

۳- ۵۸۹. اکبر هاشمی رفسنجانی «پس از بحران»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۳ / ۲ / ۱۳۸۰، گزارش جمعه ۲۰ / ۱ / ۱۳۶۰.

۴- ۵۹۰. همان، گزارش سه شنبه ۲۴ / ۱ / ۱۳۶۰.

عراق (۱) را طرح می کند. (۲) یک روز بعد در تاریخ ۳۰ فروردین به نوشته ی آقای هاشمی: «آقای خامنه ای تلفن کردند و گفتند آقای احمد سکوتوره و حبیب شطی به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی آمده و طرحی آورده اند که به خواسته های ما نزدیک است و جواب را باید پس از مشورت بدهیم. قرار شد که فردا صبح مشورت کنیم.» (۳) ایشان درباره ی جلسه مشورتی می نویسد:

«برای مشورت در مورد جواب پیشنهاد سازمان کنفرانس اسلامی درباره ی شرایط پایان جنگ به دفتر آقای خامنه ای رفتم... آنها خروج نیروهای عراقی را از خاک ایران پیشنهاد کرده اند ولی چیزهای دیگری مطرح کرده اند که در حکم شرط است. مذاکره درباره ی اروندرود بر اساس قرارداد الجزایر، که به نظر ما روشن است و نیازی به مذاکره ندارد؛ حائل شدن نیروهای بی طرف در دو سوی مرز، که ما در خاک خود آن را نمی پذیریم؛ و نیز تشکیل کمیته ی رسیدگی برای پیدا کردن متجاوز که خسارت هم بر همین اساس پرداخت خواهد شد و از نظر ما متجاوز مشخص است و باید خسارت را بپردازد و آن عراق است. قرار شد آقای دکتر ولایتی جواب بدهد. آنها هم در این سفر تا حدودی از فضای حاکم بر جامعه ی ایران مطلع شده اند و فهمیده اند که بدون امتیازات روشن و بزرگ، برای مسئولان ایرانی پذیرش آتش بس دشوار است و می دانند که اختیار صلح و جنگ در دست شخص امام است و از نظرات ایشان هم بی اطلاع نیستند.» (۴) .

در پاورقی خاطرات آقای هاشمی در روز ۳۰ فروردین نوشته شده است حضرت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور در مذاکره با احمد سکوتوره رئیس جمهور گینه و رئیس هیئت صلح سازمان کنفرانس اسلامی و حبیب شطی دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی و سخنگوی این هیئت گفتند:

«جنگ همیشه بد نیست؛ جنگی که برای جلوگیری از ظلم و تجاوز باشد چیز

۱- ۵۹۱. آقای هاشمی در دفتر خاطرات خود در توضیح این خبر نوشته است: «فضای جنگی کشور و انتظارات بالای مردم و بخصوص رزمندگان به گونه ای است که اینگونه پیشنهادات را به استهزاء می گیرند و عقب نشینی فوری و با قید و شرط را کافی نمی دانند و به مسئولان جنگ انتقاد دارند که چرا فورا وارد خاک عراق نمی شوند. ما وقت زیادی صرف قانع کردن این گونه افراد می کنیم» (روزنامه ی جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۸ گزارش روز یکشنبه ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۱).

۲- ۵۹۲. همان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ / ۲ / ۱۳۸۰، ص ۸ گزارش یکشنبه ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۱.

۳- ۵۹۳. همان، گزارش دوشنبه ۳۰ / ۱ / ۱۳۶۱.

۴- ۵۹۴. همان، گزارش سه شنبه ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۱.

بسیار خوبی است. امیدوارم در پاسخ ما دو مطلب را بیان نکنید: اول اینکه نگویید عراق هم توقعاتی دارد؛ دوم هم اینکه نگویید قاضی نیستیم زیرا هر میانجیگری خود شامل نوعی قضاوت است.» (۱) .

تلاش هیئت میانجیگری کنفرانس اسلامی برای متقاعد ساختن ایران در این مرحله به نتیجه نرسید؛ زیرا در حالی که به دنبال عقب نشینی عراق بودند ولی شرایطی را طرح می کردند که ایران موافقت نکرد. متعاقب فتح خرمشهر و تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان، سازمان کنفرانس اسلامی فعالیت خود را برای خاتمه دادن به جنگ تشدید کرد. کمیته ی صلح اسلامی از ۱۵ تا ۱۸ خرداد ۱۳۶۱ (۵ تا ۸ ژوئن ۱۹۸۲) در جده و مکه جلسه ای گذاشتند که چهارمین نشست کمیته بود. کمیته تصمیم گرفت آقای سکوتوره پیام های جداگانه ای به رؤسای جمهوری ایران و عراق ارسال کند. رئیس گروه اعزامی به عراق آقای سکوتوره بود که به عزت ابراهیم پیام را تسلیم کرد. عزت ابراهیم به علاقه ی شدید عراق برای همکاری با تلاش های خیرخواهانه کمیسیون حسن نیت اسلامی برای یافتن راه حل عادلانه جنگ تأکید کرد. گروه اعزامی به تهران تحت سرپرستی وزیر خارجه ی گینه بود. که پیام سکوتوره را به ریاست جمهوری وقت آیت الله خامنه ای تسلیم کرد. در این پیام از ایشان برای مذاکره با کمیته ی صلح در مکه مکرمه دعوت شده بود که پذیرفته نشد و دلیل آن بی طرف نبودن عربستان در جنگ و دعوت مشابه از صدام عنوان شد.» (۲) .

آقای هاشمی در کتاب خاطرات خود درباره ی جلسه ی سران سه قوه و بررسی نامه ی ارسالی هیئت میانجیگری می نویسد:

«در جلسه ی مشورت سران سه قوه شرکت کردم از طرف هیئت میانجی سازمان کنفرانس اسلامی، وزیر خارجه گینه نامه ای از (۳) از آقای (احمد) سکوتوره آورده است.

ص: ۱۷۵

۱- ۵۹۵. همان.

۲- ۵۹۶. سایت اینترنتی «ملی - مذهبی»، به نقل از کتاب تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی، علی اکبر ولایتی، ص ۱۳۴.

۳- ۵۹۷. در تاریخ ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۱ آقای رضایی، فرمانده وقت سپاه، طی سخنانی در اهواز محل گلف می گوید سه نامه به آقای خامنه ای داده اند از سوی عربستان، بیایید به عربستان، یک نفر هم از عراق، بیاید، صحبت کنیم، کشورها می گویند تهدید اسرائیل است.جلسه بگیریم و بحث کنیم... (سردار غلامعلی رشید، مصاحبه اختصاصی).

از رئیس جمهور خواسته است که ایشان به مکه بروند و معلوم شد که از صدام هم چنین دعوتی کرده اند. ما منتظر پیشنهاد مثبتی بودیم و این پیشنهاد برخلاف انتظار بود. نظر مخالف دادیم و قرار شد که آقای خامنه ای جواب بنویسند.» (۱) .

آقای هاشمی در خاطرات خود به جلسه شورای عالی دفاع در تاریخ ۱۷ خرداد اشاره می کند و می نویسد: «راجع به برنامه ی آینده ی جنگ بحث کردیم، در مصاحبه ی تلویزیون تصمیمات را اعلام کردم.» (۲) ایشان همچنین در مورد مفاد نامه به آقای سکوتوره می گوید با رئیس جمهور صحبت کردم. (۳) .

مجموع این گزارش ها نشان می دهد که در این مذاکرات به طور کلی آنچه هدف ایران بود تأمین نشد و در نتیجه به موفقیتی نینجامید. آقای هاشمی در توضیح جلسات ملاقات علاوه بر اینکه به موضوع مذاکره اشاره ی کلی می کند بلافاصله به فضای داخل ایران و نگرانی از برقراری صلح اشاره می کند. ایشان همچنین در مذاکرات نقش اصلی را به نظریات امام می دهد ولی در هیچ گزارشی به طور مشخص نتیجه ی مذاکره یا دیدگاه امام را در مورد هیئت مذاکره کننده، بیان نکرده است.

در این مرحله از مذاکرات مسئله مهم انتشار پاره ای از اخبار متفاوت درباره مبلغ پیشنهادی غرامت یا درخواست ایران برای دریافت غرامت می باشد. آقای هاشمی برای نخستین بار در کتاب خاطرات خود مبلغ ۲۵ میلیارد دلار (۴) را ذکر می کند و می نویسد:

«منابع غربی شایعه کرده اند که کنفرانس شورای همکاری خلیج فارس در (عربستان) سعودی تصمیم گرفته مبلغ ۲۵ میلیارد دلار به عنوان غرامت به ایران بپردازند و کنفرانس نتوانسته تصمیمی درباره ی حمایت از صدام بگیرد و تلاش روی راضی کردن ایران به صلح متمرکز است.» (۵) .

چنان که روشن است ایشان خبر را از منابع غربی ذکر می کند و معتقد است کنفرانس نتوانسته در این مورد تصمیمی بگیرد. علاوه بر این، آقای

---

۱ – ۵۹۸. اکبر هاشمی رفسنجانی «پس از بحران» روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸ گزارش یکشنبه ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۱.

۲– ۵۹۹. همان.

۳– ۶۰۰. همان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، گزارش جمعه ۲۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

۴ – ۶۰۱. بنی صدر نیز در کتاب خود می گوید: «آنها اول گفتند ۲۵ میلیارد دلار و ما گفتیم ۵۰ میلیارد دلار کمتر نمی گیریم.» (جلد اول، ص ۳۱۰ – ۳۰۹).

۵– ۶۰۲. همان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۵ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۸، گزارش جمعه ۱۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

هاشمی در توضیح خبر (شایعه سازی) رسانه های غربی می نویسد:

«اکنون رسانه های ارتباط جمعی پذیرفته اند که ایران پیروز و قدرتمند است و خطر صدور انقلاب اسلامی را برای ترساندن دولت های منطقه تبلیغ می کنند و معمولا با این شایعات اهداف انحرافی را دنبال می کنند.» (۱) .

علاوه بر این، در منابعی دیگر به رقم پیشنهادی اشاره شده است. بنی صدر در این باره می گوید:

«پیشنهاد کشورهای خلیج فارس که حاضر بودند به ما غرامت بپردازند آنها گفتند ۲۵ میلیارد دلار و ما به ۵۰ میلیارد دلار کمتر قانع نشدیم.» (۲) .

آقای عزت الله سبحانی رقم پیشنهادی و روش پرداخت آن را به گونه ای دیگر روایت می کند و می گوید:

«در زمان فتح خرمشهر که شیخ های عرب پیشنهاد دادند اگر جنگ تمام شود ما صندوقی تأسیس می کنیم و حاضریم تا ۱۰۰ میلیارد دلار در این صندوق بریزیم به طوری که دو تا برای ایران و یکی برای عراق که صرف بازسازی زیان های دوران جنگ کنند.» (۳) .

هرالدتریبیون به نقل از مقامی بحرینی درباره پیشنهاد عربستان به مقامات ایران نوشت:

«دولت عربستان سعودی طی نامه ای برای مقامات ایران، پرداخت ۵۰ میلیارد دلار غرامت جنگی به ایران را تقبل نموده است. و در صورت موافقت ایران با پایان دادن جنگ، علاوه بر عراق، کشورهای عربی دیگر نیز حاضر به پرداخت قسمتی از خسارات وارده به ایران می باشند.» (۴) .

مجله ی تایم، چاپ امریکا، نیز به پیشنهاد دوستان (۵) عراق در خلیج فارس برای پرداخت ۵۰ میلیارد دلار اشاره می کند. (۶) همچنین در گزارش کریستوفر توماس، خبرنگار تایمز لندن، به نظر امریکایی ها مبنی بر «خرید صلح» اشاره و نوشته شده است: «سعودی ها و کویتی ها احتمالا آماده اند تا به معادله ی صلح

۱- ۶۰۳. همان.

۲- ۶۰۴. واحد مرکزی خبر، بولتن ۵ / ۷ / ۱۳۷۹، ص ۶، رادیو فرانسه، ۳ / ۷ / ۱۳۷۹ ساعت ۲۱:۳۰.

۳- ۶۰۵. خبرگزاری جمهوری اسلامی، تلکس ویژه، ۱۴ / ۸ / ۱۳۷۹، ساعت ۱۸:۰۱، شماره پیام ۱۸-۰۱-۱۳B۹۰.

۴- ۶۰۶. مأخذ ۱۶، ص ۳۶۸، گزارش ۲ / ۵ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۰۷. هفته نامه ی زحف الاخضر، چاپ لیبی به پیشنهاد ۲۵ میلیارد دلاری عربستان اشاره کرده است. (روزشمار جنگ ایران و عراق، جلد ۲۰ ص ۴۰۰، گزارش ۵ / ۵ / ۱۳۶۱).

۶- ۶۰۸. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان» شماره ۱۵، واشنگتن، خبرگزاری جمهوری

اسلامی ایران ۲ / ۵ / ۱۳۶۱ ص ۶.

کمک کنند. ولی هیچ کس جدا انتظار ندارد، به درخواست ایران برای ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت جنگی پاسخ مثبت داده شود.» (۱) .

در کتاب نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق به اجلاس سران کشورهای اسلامی در شهر فاس مراکش (۲) اشاره و نوشته شده است: «حاضر شدند بیش از صد میلیارد دلار از طریق صندوق بازسازی اسلامی برای ترمیم خرابی های ناشی از جنگ به ایران پرداخت نمایند.» (۳) خبرگزاری رویتر طی گزارشی درخواست ایران را مبلغ ۱۵۰ میلیارد دلار (۴) غرامت جنگی همراه با محاکمه ی صدام و بازگشت چند هزار رانده شده ی عراقی ذکر می کند. همچنین اشاره می کند کشورهای خلیج فارس پذیرفته اند ۲۵ میلیارد دلار غرامت به ایران بپردازند اما دولت عراق هیچ تعهدی برای پرداخت غرامت به عهده نگرفته است. (۵) نماینده ی دائم ایران در سازمان ملل، آقای رجایی خراسانی، نیز در مصاحبه ای شرایط ایران را توضیح داد و مبلغ غرامت را ۱۵۰ میلیارد دلار ذکر کرد و ملاک نحوه ی تعیین این رقم را تخریب ساختمان ها، تأسیسات و شهرها و آثار تاریخی اعلام کرد و از جمله آنها را پالایشگاه عظیم آبادان، گمرک خرمشهر، شهرهای خرمشهر، هویزه و قصر شیرین دانست. (۶) .

بعدها در پاسخ به سؤالات و ابهاماتی که درباره ی ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر و پرداخت غرامت به وجود آمد. مسئولان سیاسی - نظامی توضیحات جدیدی دادند که مهم است. آقای هاشمی در سخنانی گفت:

«این حرف ها که گفته می شود به ما پول پیشنهاد دادند، درست نیست هیچ پیغامی در این زمینه به ما نرسید... (۷) همه ی آنها شایعه بود و پس از

۱- ۶۰۹. همان، شماره ۱۸، ص ۱۲، تهران، ۶ / ۵ / ۱۳۶۱.
۲- ۶۱۰. شاهزاده خالد بن سلطان (سعودی) در کتاب جنگجوی صحرا می نویسد: «ملک فهد در کنفرانس جامعه ی عرب در مراکش، طرح عقب نشینی کامل نیروهای عراق از ایران و پرداخت غرامت از سوی کشورهای همکاری خلیج فارس به ایران را پیشنهاد کرد، این طرح را عراق پذیرفت ولی ایران رد کرد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴ / ۵ / ۱۳۷۶، به نقل از خبرگزاری ملی عراق، بولتن خبرهای عراق، شماره ۲۸۳، ۱۷ / ۵ / ۱۳۷۴، ص ۱۳ - ۱۲).
۳- ۶۱۱. سایت اینترنتی «ملی - مذهبی»، به نقل از کتاب نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق، ۴۸۸.
۴- ۶۱۲. آقای مارتینز از هلند در مصاحبه با آیت الله خامنه ای، رئیس جمهور وقت، در پرسش از غرامت به رقم ۱۵۰ میلیارد دلار اشاره کرده است. «سایت ملی - مذهبی، به نقل از کتاب مصاحبه ها، جلد ۲، ص ۷۰ تاریخ مصاحبه ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۱).
۵- ۶۱۳. مأخذ ۱۶، ص ۱۷۴، ۱۷۳، گزارش ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۱.
۶- ۶۱۴. سعید رجایی خراسانی، «مصاحبه مطبوعاتی در سازمان ملل» روزنامه کیهان، ۲ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۲.
۷- ۶۱۵. مسعود سفیری، حقیقت ها و مصلحت ها، گفت و گو با اکبر هاشمی رفسنجانی، نشر نی، ۱۳۷۸، تهران ص ۹۲.

پی گیری متوجه شدیم که چنین اظهاراتی صحت ندارد.» (۱) .

ایشان درباره ی اصل مسئله گفت: «ما هنوز در وضعیتی نیستیم که حقایق را بگوییم چون هنوز قرارداد صلح میان ایران و عراق امضا نشده است، لذا ما فعلا نمی توانیم حقایق جنگ و دلایل پذیرفتن یا نپذیرفتن را بگوییم. اگر اسناد را منتشر کنیم مسائلی در اختیار دشمن قرار می گیرد و برای آینده ی کشور خطرناک می شود.» سپس ایشان افزود: «من به همه کسانی که با تاریخ جنگ آشنا هستند توصیه می کنم صبر کنند تا شرایط برای انتشار بی ضرر مسائل جنگ فرارسد.» (۲) .

آقای ولایتی، وزیر خارجه وقت، در کنگره ی سرداران شهید در کرمان درباره ی پیشنهاد عربستان برای پرداخت غرامت به ایران گفت:

«من به عنوان کسی که در دوران ۸ سال دفاع مقدس و دو سال مذاکرات سیاسی بعد از آن در جریان قضایا بودم اعلام می کنم این ادعا صحت ندارد.» (۳) .

ایشان همچنین به هنگام ضبط برنامه ی تلویزیون همدلی درباره ی جنگ توضیح بیشتری می دهد:

«از هیچ کشور و نهاد بین المللی پیشنهاد پرداخت پول برای جبران خسارت نشد. اشخاص و واسطه ها پیشنهاد می دادند. حبیب شطی دبیر کل اسبق با ما صحبت کرد و رفت برای تأمین نظر ما جواب بیاورد و طرف اصلی مشخص شود که دیگر نیامد. ما دو چیز می خواستیم عقب نشینی و تعیین متجاوز.»

ایشان همچنین می گوید: «معاون وزیر خارجه هند نیز فعال شده بود که ما نظرمان را درباره ی غرامت گفتیم که رفت ولی پاسخی نیاورد.» (۴) آقای رضایی، فرمانده سابق سپاه، نیز می گوید:

«گفته می شود پس از آزادی خرمشهر، شیوخ عرب پیشنهاد کردند غرامت ایران را بپردازند. اولا صحت ندارد. ثانیا مسئله مرز مهمتر از غرامت بود. امنیت ما مطرح بود و اینکه بالاخره مرز ما کجاست و تکلیف برخورد با متجاوز چه می شود تا دیگر شاهد تکرار تجاوز نباشیم. ما بعد از فتح خرمشهر مدتی عملیات نکردیم. تأمل کردیم تا عکس العمل دنیا را ببینیم، تا وقتی عزمی برای

۱- ۶۱۶. اکبر هاشمی رفسنجانی، سخنرانی در همایش پیروان ولایت، روزنامه جمهوری اسلامی، ۴ / ۳ / ۱۳۷۹، ص ۳.

۲- ۶۱۷. همان.

۳- ۶۱۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۶ / ۳ / ۱۳۷۷، ص ۲، ستون جهت اطلاع.

۴- ۶۱۹. استودیو شماره ۱۴ جام جم، ۱۱ / ۶ / ۱۳۷۸، پاسخ به پرسش حاضران در میزگرد.

فیصله جنگ ندیدیم وارد خاک عراق شدیم.» (۱) .

ایشان همچنین در گفت وگو با ایسنا در توضیح مقاله ی آقای اکبر گنجی در مورد پیشنهادهای سفیر ایتالیا، که با استناد به کتاب آقای هاشمی نوشته شده است، می گوید:

«اینکه برخی می گویند سفیر ایتالیا، پیشنهاد صلح به ایران داده بود منطقی نیست، براستی کدام انسان عاقلی می تواند به چنین سخن های بی پایه اعتماد کند و سرنوشت کشور را به دست چنین پیغام های تعارف آمیزی بسپارد. یا اینکه می گویند عربستان اعلام کرد مخارج جنگ را تقبل می کند اساسا در ردیف پیشنهادات صلح به شمار نمی آید، چرا که اولا این صرفا در حد یکی از شنیده هاست و هیچ استنادی ندارد و واقعا عربستان کی و کجا پیشنهاد صلح داده بود؟ چه مکتوبی برای این حرف وجود دارد؟ ثانیا اگر عربستان ۱۰۰ میلیارد دلار هم به ما می داد مشکل اصلی حل نمی شد؛ زیرا فقط در مورد اروندرود فارغ از مسئله تمامیت ارضی منطقه ای است که برای ما صدها میلیارد دلار ارزش دارد و در این مورد وضعیت مشخصی وجود نداشت.» (۲) .

جدا از توضیحاتی که بعدها درباره ی بخشی از مذاکرات و ارقام پیشنهادی برای پرداخت غرامت و تأمین خواسته های ایران مطرح شد، به نظر می رسد مذاکرات به بن بست رسید، چنان که بعدها ضیاءالحق، رئیس جمهور وقت پاکستان گفت: این هیئت در مأموریت خویش برای خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق ناکام مانده است. (۳) در واقع، چنان که آقای هاشمی در خطبه ی نماز جمعه بیان کرد صدام و سایران به پیشنهادهای ایران توجه نکردند؛ زیرا «اگر صلحی را که ما می خواهیم و حقمان است بدهند صدام سقوط می کند.» (۴) حال آنکه تلاش ها برای حفظ صدام بود.

با توجه به برخی از گزارش ها اعلام آمادگی یک جانبه ی عراق برای عقب نشینی در تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۶۱ تحت فشار کشورهای منطقه خلیج فارس بود. در وضعیت جدید مجددا ایران بر مواضع خود تأکید کرد. چنان که آیت الله خامنه ای در ملاقات با فرستاده ی ویژه امارات متحده ی عربی گفت:

۱- ۶۲۰. محسن رضایی، مصاحبه با روزنامه کیهان، سه شنبه ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۷۸، ص. ۸.

۲- ۶۲۱. محسن رضایی، بازدید از خبرگزاری دانشجویان (ایسنا)، روزنامه صبح امروز، ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۷۸، ص ۱۶.

۳- ۶۲۲. مأخذ ۱۶، ص ۷۷، گزارش ۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۲۳. مأخذ ۲۲، ص ۱۷۲ و ۱۷۳، خطبه دوم ۱۷ / ۲ / ۱۳۶۱.

«اگر کسانی بخواهند صلح غیرعادلانه را به ما تحمیل کنند مورد قبول ما نخواهد بود. زیرا صلح ما تحمیلی را هم مثل جنگ تحمیلی ناگوار و غیرقابل تحمل می دانیم. اگر متجاوز مجازات نشود ریشه تجاوز در منطقه برچیده نخواهد شد.» (۱) .

امام خمینی نیز در واکنش به تحولات جدید و پیشنهاد صدام برای عقب نشینی سخنانی گفتند مبنی بر اینکه ما از اولی که جنگ شروع شد تا حالا مسائلمان یکی بود و از اول می گفتیم «باید بروید بیرون» یکی از شرایط ما این است که بروید بیرون (اگر هم نروید بیرونتان می کنیم). «اگر می خواهید یک تفاهمی بشود، باید بروید بیرون.» (۲) امام مسئله دوم را خسارت جنگ ذکر کردند و قضیه جبران خسارت را از این جهت مهم دانستند که اگر ایران اغماض کند موجب تشویق ظالم می شود که «فردا باز هم دوباره برگردند و همین بساط را درآورند هم بعد می گویند که آقا بسیار خوب، باز صلح می کنیم.» (۳) و اضافه کردند: «ما اکنون که قدرت داریم نباید مجرم را رها کنیم.» (۴) ایشان همچنین گفتند:

«نمی خواهیم که تحمیل کنیم، یک چیز غیرعقلی و غیرعقلانی بگوییم و نمی خواهیم از آن چیزی که هر عقلی می پذیرد عقب بنشینیم، آن هم به واسطه آن بعد معنوی که دارد، به واسطه اینکه آدم جانی را نباید در جنایتش تشویق کرد، ما اگر صلح بکنیم معنایش تشویق کردن این جانی است به جنایتش.» (۵) .

سپس اضافه کردند: «امروز آن روز نیست که شما این حرف ها را می زنید، شما دیگر این حرف ها را کنار بگذارید. شما دیگر قدرتی ندارید که بتوانید یک همچو مسائلی را بگویید.» (۶) موقعیت برتر ایران به همان میزان که برای عراق و حامیانش نگران کننده بود برای مردم و مسئولان ایران موجب اعتماد به نفس و اطمینان خاطر شده بود. بر همین اساس اندیشه اتمام جنگ و تأمین خواسته های ایران نیز تحت تأثیر قرار گرفته بود و به نظر نمی رسید بدون تأمین خواسته های ایران پایان دادن به جنگ ممکن باشد. اظهارات مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، مؤید همین برداشت است:

۱- ۶۲۴. روزنامه کیهان، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۱، ص ۱۷.

۲- ۶۲۵. صحیفه نور جلد ۱۶، ص ۱۹۱، بیانات امام خمینی، ۲۳ / ۳ / ۱۳۶۱.

۳- ۶۲۶. همان، ص ۱۹۲.

۴- ۶۲۷. همان.

۵- ۶۲۸. همان، ص ۱۹۴.

۶- ۶۲۹. همان.

«تن دادن به صلح در حالی که شرایط ما تحقق پیدا نکرده است به این معنی است که ما با دست خودمان در آستانه پیروزی و در موقعی که جهان دارد موضع بحق ما را می شناسد، به صورت سازشکارانه تن به صلحی بدهیم که در آن نه نفعی برای ملت خودمان هست و نه نفعی برای ملت عراق و نه نفعی برای انقلاب در مفهوم جهانی آن.» (۱) .

اگر ایران از شرایط تعیین شده (شامل عقب نشینی عراقی ها به مرزهای بین المللی، پرداخت غرامت و محکومیت متجاوز) عدول می کرد به منزله ی اجازه دادن به متجاوز و صحه گذاشتن بر اعمال او برای ادامه تجاوز بود. (۲) و چنین اقدامی علاوه بر اینکه حمله مجدد عراق را به ایران ممکن می ساخت به معنای ناامنی در منطقه (۳) و تجاوز عراق به سایر کشورها بود. از طرفی دیگر تأمین خواسته های ایران بویژه محکومیت متجاوز، به معنای به رسمیت شناختن برتری ایران بود و چون عراق بنابر توافق و اجماعی بین المللی به ایران حمله کرده بود محکوم کردن متجاوز فراتر از شخص صدام و کشور عراق بود و در آن اوضاع پذیرش آن صحه گذاشتن بر فشارهای غیرعادلانه ی قدرت های بزرگ محسوب می شد.

صدور قطعنامه ی ۵۱۴ سازمان ملل

مسئله پایان دادن به جنگ به بن بست رسیده بود. در عین حال، نگرانی از پیامدهای پیروزی ایران و ضرورت مهار آن بر فعالیت های دیپلماتیک برای خاتمه دادن به جنگ افزوده بود. در این واقعه شورای امنیت سازمان ملل و دبیر کل آن فعال بودند. ضمن اینکه فشاری که سازمان ملل به ایران وارد می آورد بخش مهمی از آن تلاش های سیاسی آمریکا ناشی می شد. چنان که سفیر سابق امریکا در عراق می گوید:

«بزرگ ترین کمک ما به بغداد، فشار سیاسی به ایران بود تا این کشور را مجبور کنیم که قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را برای پایان دادن به جنگ بپذیرد.» (۴) .

۱- ۶۳۰. مأخذ ۱۶، ص ۲۰۴ و ۲۰۵ گزارش ۲۰ / ۴ / ۱۳۶۱.

۲- ۶۳۱. میرحسین موسوی، مصاحبه مطبوعاتی در الجزایر، روزنامه کیهان، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۲.

۳- ۶۳۲. همان.

۴- ۶۳۳. مصاحبه با روزنامه البیان، چاپ ابوظبی، روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ / ۱ / ۱۳۷۷.

نقش و تأثیر آمریکا بر تحرکات سازمان ملل، در ایران موجب افزایش نگرانی شد. به همین دلیل، با آشکار شدن علائم فعالیت شورای امنیت سازمان ملل آقای هاشمی در نماز جمعه واکنش نشان داد و گفت:

«زمزمه ای بلند کرده اند که امریکایی ها می خواهند شورای امنیت سازمان ملل متحد را تشکیل بدهند و حکم به آتش بس بکنند حال آنها هر کاری که می خواهند، بکنند، مختارند، آن هم سازمان ملل و آن هم شورای امنیت.بگذارید شورای امنیت هم یک بار دیگر آبروی خودش را ببرد، چطور می توانند چند نفر آدم عاقل آنجا بنشینند و بگویند که یک کشوری را که هزارها کیلومتر (مربع) خاکش و بیش از هزار روستایش و بیش از ده شهرش ۲۰ ماه اشغال بود و این همه خسارت دیده و این همه شهید داده و مجروح داده و این همه بندرهایش تعطیل و کارخانه هایش تعطیل بوده و این جوری به او ظلم شده، بدون همه چیز آتش بس را قبول کند کی می پذیرد توی دنیا؟... امریکا، ارتجاع، اسرائیل، همه بدانند ملتی که هر ساعتی در عمرش و هر روزی در عمرش و هر هفته ای در عمرش شاهد پیروزی های متنوع است این ملت را نمی شود گول زد و تخدیر کرد یا وادارش کرد به دنبال حق خودش نرود. این مردمی که این قدر به خودش[ان]مطمئن شده اند به اینها شما می توانید بگویید پشت مرزتان بایستید و دستتان را دراز کنید تا صدام یک چیزی به عنوان خسارت به شما بدهد یا امثال اینها؟» (۱) .

به درخواست اردن نشست جدید شورای امنیت برگزار شد. (۲) بنابه برخی گزارش ها عراق هم طرحی را برای پایان بخشیدن به جنگ به سازمان ملل ارائه کرد. (۳) در آستانه ی تهیه پیش نویس قطعنامه ی جدید و تکمیل و تصویب اعضای شورای امنیت، شاه حسین، پادشاه اردن، به طور ناگهانی وارد بغداد شد. (۴) گزارش رادیو امریکا درباره ی نشست اعضای شورای امنیت و محتوای قطعنامه نشان می داد امریکایی ها در تهیه ی قطعنامه نقش مؤثری دارند.

سرانجام دو روز پس از گزارش رادیو امریکا از توافق اعضای شورای امنیت، قطعنامه ی جدید ۵۱۴ به اتفاق آرا در جلسه ی ۲۳۸۲ شورای امنیت در تاریخ ۱۲

۱- ۶۳۴. مأخذ ۲۳، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

۲- ۶۳۵. مأخذ ۱۶، ص ۱۸۵ و ۱۸۶، گزارش ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا.

۳- ۶۳۶. اکبر هاشمی رفسنجانی، «پس از بحران»، روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۹ / ۳ / ۱۳۸۰، ص ۹، گزارش یکشنبه ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۳۷. مأخذ ۱۶، ص ۱۸۵ و ۱۸۶، گزارش ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا.

ژوئیه ۱۹۸۳ (۲۱ / ۴ / ۱۳۶۱) و پس از سکوت ۲۲ ماهه ی سازمان ملل صادر شد. قطعنامه ی ۵۱۴ در بند اول «خواستار آتش بس و خاتمه ی فوری همه ی عملیات های نظامی» و در بند «خواستار عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده ی بین المللی بود.» در بند «اعزام گروهی از ناظران سازمان ملل متحد به منظور تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی پیش بینی شده بود.» در بند چهارم به کوشش های میانجیگرانه به نحوی هماهنگ از طریق دبیر کل برای دستیابی به راه حل عادلانه و شرافتمندانه ی مورد قبول هر دو طرف تأکید شد و در بند پنجم از همه ی دولت های دیگر درخواست شد از اقداماتی که به ادامه اختلافات یاری می رساند خودداری کنند. (۱) .

کارشناسان حقوق بین الملل در بررسی قطعنامه ی ۵۱۴ معتقدند با وجود محرز بودن تجاوز دولت عراق به ایران، در این قطعنامه همانند قطعنامه ۴۷۹ مورخ ۲۸ سپتامبر ۶ (۱۹۸۰ مهر ۱۳۵۹) از واژه ی تجاوز استفاده نشده است. (۲) علاوه بر این قطعنامه ی ۵۱۴ با فاصله ی ۲۱ ماه و ۱۵ روز پس از قطعنامه ی پیشین صادر شد. در واقع، در مدتی که عراق خاک ایران را اشغال کرده بود سازمان ملل هیچ واکنشی نشان نداد و تنها پس از آنکه نیروهای عراقی - آن هم نه کامل - از خاک ایران بیرون رانده شدند یا عقب نشینی کردند، قطعنامه ی جدید با عبارت: «اظهار نگرانی عمیق درباره ی طولانی شدن برخورد میان دو کشور» صادر شد. همچنین برای اولین بار در طول ۲۲ ماه جنگ، در قطعنامه از برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده ی بین المللی و تشکیل نیروهای حافظ صلح برای استقرار در مرز دو کشور و همچنین احترام به حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و اصل عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها سخن به میان آمد. (۳) .

بر همین اساس، نظر کلی سازمان ملل در قطعنامه ی جدید حل و فصل قطعی جنگ نبود بلکه بیشتر به دنبال آن بودند که ایران را برای ادامه ی جنگ در وضعیت دشواری قرار دهند به همین دلیل، هیچ گونه امتیازی به ایران برای کمک و تسهیل در تصمیم گیری این کشور در خاتمه دادن به جنگ پیش بینی نشد.

---

۱ - ۶۳۸. حسن فتحی، «تلاش های صلح آمیز در ۸ سال دفاع مقدس»، حماسه مقاومت، جلد ۲، معاونت فرهنگی و تبلیغات جنگ، ستاد فرماندهی کل قوا، زمستان ۱۳۶۹، ص ۱۰۹.

۲- ۶۳۹. مأخذ ۱۶، ص ۲۲۳ و ۲۲۴ گزارش ۲۱ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۶۴۰. همان.

سفیر امریکا در سازمان ملل، ویلیام شرمن، قطعنامه را «متوازن» نامید و تأکید کرد در این قطعنامه هیچ گونه پیشداوری نشده است. وی اظهار امیدواری کرد مناقشات موجود با راه حل های «مرضی الطرفین» برطرف شود! (۱) رادیو امریکا نیز از صدور قطعنامه گزارش داد و اعلام کرد این اقدام شورای امنیت در حالی انجام می شود که گزارش های رسیده حاکی از آمادگی نیروهای ایران برای حمله به عراق است. (۲) سفیر فرانسه نیز اظهار امیدواری کرد با توجه به اینکه بنابه این قطعنامه «مسئولیت طرفین» مشخص است به موجب قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، ایران و عراق مرزهای تعیین شده بین دو کشور را محترم شمارند. (۳) .

روزنامه ی تایمز، چاپ لندن، به وضعیت موجود و خواسته های ایران و همچنین محتوای قطعنامه ی ۵۱۴ توجه کرد و در تحلیلی نوشت:

«قطعنامه شورای امنیت به منزله تأیید مواضع عراق در جنگ به شمار می رود و هرچند این قطعنامه به اتفاق آرا به تصویب رسیده است لیکن واضح است که چنین قطعنامه ای در صورت برآورده نساختن خواسته های ایران، عدم موافقت را در پی خواهد داشت و عدم همکاری ایران برای اجرای این قطعنامه، به معنی بی ثمری آن است.» (۴) .

جمهوری اسلامی ایران با درکی که از ماهیت تلاش های سازمان ملل و محتوای قطعنامه داشت از پذیرش آن خودداری کرد. مهندس موسوی، نخست وزیر وقت، در سخنانی قطعنامه ی ۵۱۴ را به معنای رأی اعتماد امریکا و شوروی به صدام دانست و این پرسش را طرح کرد که «چرا شورای امنیت در سال گذشته خواب بود و یکباره با آزاد شدن خرمشهر از خواب پرید؟» ایشان سپس اضافه کرد: «اگر شورای امنیت ۱۰ قطعنامه دیگر هم صادر کند ما نمی توانیم از حقوق حقه خود دست برداریم.» (۵) .

وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه ی ۵۱۴ واکنش نشان داد و با صدور بیانیه ای، قطعنامه را به منزله ی «حمایت علنی شورای امنیت از تجاوز عراق علیه ایران» و «تلاش هماهنگ و سازمان یافته ابرقدرت ها برای

ص: ۱۸۵

۱- ۶۴۱. خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش لحظه به لحظه عملیات رمضان»، شماره ۳، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۳.

۲- ۶۴۲. همان، خبرگزاری جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۲.

۳- ۶۴۳. همان، ص ۳ خبرگزاری جمهوری اسلامی، دوشنبه ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۴- ۶۴۴. مأخذ ۱۶، ص ۲۳۸، گزارش ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۱.

۵- ۶۴۵. همان، ص ۲۳۶.

جلوگیری از حقوق طبیعی ایران و کوشش برای حفظ حکومت عراق از سقوط حتمی» ارزیابی کرد. (۱) بنابر مندرجات این بیانیه، شورای امنیت در مدت ۲۲ ماه از مسئولیت های خود در چارچوب منشور و برخلاف ماده ی ۳۹، مدت سر باززده است. (۲) و از شناسایی تجاوز مسلحانه عراق توأم با اشغال به مدت ۲۲ ماه خودداری کرده و متجاوز را به خاطر رعایت نکردن مواد ۲۳ و ۳۷ منشور ملل متحد محکوم نکرده است. (۳) وزیر خارجه ی ایران نیز در مصاحبه ای مطبوعاتی عملکرد سازمان ملل متحد را نقد کرد و در تشریح مواضع ایران گفت:

«زمانی که تمامیت ارضی کشور ما و اساس جمهوری اسلامی ایران توسط مزدوران تهدید می شد، شما کجا بودید؟ آیا حتی یک کلمه از طرف سازمان عریض و طویل ملل متحد در محکومیت این متجاوز سرکش گفته شد؟ اگر چنین نشد که نشد، چه دلیلی دارد که ما برای این نشست ارزش قائل شویم... ما به شورای امنیت توصیه می کنیم که حداقل برای حفظ باقی مانده حیثیت خود جانب حق را بگیرد و به ایران کمک کند تا حقوق از دست رفته اش را بازپس گیرد.» (۴) .

نماینده ی دائم ایران در سازمان ملل نیز در مصاحبه ای مطبوعاتی اعلام کرد این قطعنامه کمترین اعتبار را دارد؛ زیرا نتیجه ی همکاری نزدیک نمایندگان عراق و اردن به رهبری امریکاست. (۵) .

در حالی که تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب نشینی نیروهای عراق از خاک ایران همراه با صدور قطعنامه ی جدید سازمان ملل اوضاع را به سود عراق تغییر داده بود، جمهوری اسلامی ایران بر اساس نگرانی از پیدایش تحولات جدید، با واکنش به قطعنامه ی ۵۱۴ شورای امنیت سازمان ملل، قوای نظامی ایران در سازماندهی طرح جدید نظامی برای اجرای عملیات رمضان، به سمت منطقه شرق بصره گسیل کرد و این نقطه ی آغاز «تلاش برای پایان دادن جنگ» (۶) با تکیه بر پیروزی نظامی و ادامه جنگ در خاک عراق بود.

۱- ۶۴۶. مأخذ ۱۶، ص ۲۵۴، گزارش ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱ بیانیه وزارت خارجه.

۲- ۶۴۷. مأخذ ۱۶، ص ۳۲۶ و ۳۲۷، گزارش ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۱.

۳- ۶۴۸. همان.

۴- ۶۴۹. علی اکبر ولایتی، روزنامه کیهان، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۴.

۵- ۶۵۰. سعید رجایی خراسانی، کنفرانس مطبوعاتی در نیویورک، روزنامه کیهان، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۱، ص ۱۹.

۶- ۶۵۱. محسن رضایی، مصاحبه اختصاصی، ۳۰ / ۳ / ۱۳۸۱.

نتیجه گیری

پرسش از علت ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر در مقایسه با سایر پرسش ها نسبتا بنیادی و فراگیر شده است. هم اکنون در واکنش به آن، گفتمان جدیدی به وجود آمده است که با انتشار کتاب، مقاله و سخنرانی روبه گسترش است. مطالعات تاریخی درباره ی رخدادهای سرنوشت ساز و رویکرد انتقادی به آن، به این معنا است که مراحل حساس تاریخی همواره به پرسش هایی بنیادی منجر می شود. این پرسش ها در موقعیت های خاصی شکل می گیرد و با وجود اینکه پاسخ هایی متفاوت به آن داده می شود، همچنان پابرجا باقی می ماند. بنابراین، نمی توان انتظار داشت که با پاسخ دادن پرسش فراموش شود. با این توضیح، به نظر می رسد گفتمان موجود حول محور ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر، همچنان گسترده شود و درباره ی آن ضمن تحقیق و پژوهش، باید تأمل و اندیشه کرد.

بدون در نظر گرفتن نقش و تأثیر ملاحظات سیاسی، نظامی و اجتماعی در طرح و نهادینه شدن نقد ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر به نظر می رسد که پرسش از حادثه ی تاریخی فتح خرمشهر و تصمیم گیری ایران و روندی که به ادامه ی جنگ منتهی شد و همچنین نتایج و پیامدهای آن استحکام لازم را ندارد و اساسا به روش ناصحیح طرح و در آن تصمیم گیری تمرکز شده است. حال آنکه مسئله اساسی نحوه ی اجرای این تصمیم است. همچنین این نقد از نتایج عملیات رمضان و طولانی شدن جنگ متأثر است نه از شرایط تصمیم گیری پس از فتح خرمشهر. بنابراین می توان گفت پرسش اساسی این است که چرا پیروزی در خرمشهر به پیروزی استراتژیک ایران بر عراق و

خاتمه ی جنگ منجر نشد؟ در واقع، اگر عملیات رمضان با پیروزی نظامی ایران بر عراق به پایان می رسید، روند تحولات و تا اندازه ای سرنوشت جنگ تغییر می کرد و مهار پیامدهای این تحول استراتژیک بسادگی امکان پذیر نمی شد و به برتری ایران و ظهور چالش های جدید و احتمالا پیدایش موقعیت جدید ایران، (۱) می انجامید. در این صورت نه تنها از علت ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر پرسش نمی شد بلکه با تحولات و دگرگونی مفاهیم در باورها و واقعیت صحنه ی سیاسی - نظامی جنگ و منطقه، گفتمان جدیدی حاکم می شد که مشخصه ی آن برتری ایران و انفعال سایر بازیگران بود. حال آنکه نتیجه ی عملیات رمضان و ادامه ی جنگ و مهم تر از همه گسترش دامنه ی جنگ با حمله عراق به شهرها و زیرساخت های اقتصادی و صنعتی کشور تدریجا پرسش از ادامه ی جنگ را موجب شد. در واقع، این پرسش از نتایج و پیامدهای ادامه ی جنگ پس از فتح خرمشهر است.

در نقد تصمیم گیری ایران پس از فتح خرمشهر، به شرایط و فضای تصمیم گیری و امکان اتمام جنگ با توجه به افکار عمومی در جامعه ی ایران و در میان رزمندگان و مسئولان سیاسی - نظامی و توجه نکردن عراق، سازمان ملل و سایر بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای به خواسته های ایران توجه نمی شود و صرفا بر ضرورت پایان جنگ تأکید می شود، حال آنکه نگرانی ناشی از تغییر وضعیت استراتژیک جنگ و برتری ایران بر عراق و همچنین امیدواری به مقاومت صدام در برابر حملات ایران موجب شد تا به خواست های ایران و تأمین آن توجه نشود. از این منظر عملیات رمضان به منزله ی آزمون میزان قدرت و توانایی ایران برای کسب پیروزی نظامی بر عراق و متقابلا قدرت مقاومت عراق در برابر تهاجمات ایران بود. بر همین اساس،

---

۱ - ۶۵۲. انقلاب اسلامی واقعیتی بود که با اراده مردم ایران تحقق یافت. این رخداد مطلوب کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه ای نبود ولی در نهایت با مقاومت مردم ایران به واقعیتی انکارناپذیر تبدیل شد. برتری ایران در جنگ نیز به نظر می رسد ممکن بود که به عنوان واقعیتی جدید تثبیت و پذیرفته شود.

برای ناکامی ایران و حفظ صدام حمایت های همه جانبه از عراق آغاز شد.

با این توضیح، در حالی که ایران در موضع برتر قرار داشت و پیامدهای آتش بس با عراق کاملاً مبهم بود آیا اتمام جنگ ممکن بود؟ اگر ایران با موقعیت برتر، از موضع ضعف به فرض دریافت مقداری پول (۱) از صندوق مشترک کشورهای عربی (۲) به جنگ پایان می داد آیا این اقدام به منزله ی تأمین حقوق ایران و برقراری صلح و ثبات بود؟ آیا امروز این اقدام نقد نمی شد؟

این توضیحات و ملاحظات نشان می دهد، فتح خرمشهر یک رخداد سرنوشت ساز و تاریخی با پیامدهای استراتژیک بود. اتخاذ هر تصمیمی در چنین شرایطی به دلیل ابعاد و پیامدهای آن همواره پرسش انگیز خواهد بود. بنابراین، پرسش کنونی از علت ادامه ی جنگ تحت تأثیر پاره ای از ملاحظات و شرایط شکل گرفته است و اگر مسیر حوادث صورت دیگری به خود می گرفت، ماهیت و شکل پرسش نیز تغییر می کرد و گفتمان دیگری حول محور آن درمی گرفت.

آنچه روشن است ایران پس از غلبه بر معضل تجاوز و اشغال، با آزادی مناطق اشغالی و تأمین ثبات سیاسی وضعیت استراتژیک جنگ را تغییر داد و در موضع برتر قرار گرفت. پیدایش این تحول پیش بینی ناپذیر بود و در نتیجه مواضع و رفتار عراق و سایر سیاستمداران منطقه ای و فرامنطقه ای را دگرگون کرد. در چنین فضایی با وجود تفوق نظامی ایران، همچنان به خواست های ایران بی توجهی شد.

وضعیت حاصل از برتری ایران بر باورها و تصورات مردم و نیز بر روحیه ی رزمندگان و تصمیم گیرندگان جنگ تأثیر گذاشت. نوعی خوش بینی همراه با نگرانی حاکم شده بود. پیروزیهای پی درپی در عملیات های آزادسازی و

---

۱ - ۶۵۳. چنان که در کتاب توضیح داده شد، ارقام پیشنهادی متفاوت و تنها درحد مسئله یا شایعه بوده است و هیچ گاه به نتیجه روشن و قطعی نرسید.

۲ - ۶۵۴. ساز و کار پرداخت غرامت به ایران بر پایه تشکیل صندوق مشترک کشورهای عربی و پرداخت غرامت به ایران و عراق پیش بینی شده بود.

تضعیف روحیه ارتش عراق و تلفات وارده بر آنها و همچنین تضعیف موقعیت سیاسی صدام، این باور را ایجاد کرده بود که با تکیه بر اقدامات نظامی می توان موقعیت برتر ایران را تثبیت کرد و خواسته های برحق جمهوری اسلامی ایران را برآورد. متقابلا مواضع و سیاست دولت های متخاصم بویژه امریکا و عراق نگران کننده بود و به نظر می رسید در جهت توجه و تأمین خواسته های ایران هیچ گونه تمایلی وجود ندارد. در چنین وضعیتی سازمان ملل همچنان از معرفی رژیم عراق به عنوان متجاوز طفره می رفت و ارتش عراق نیز در خاک ایران مستقر بود. گسترش حمایت از عراق و متقابلا تهدید ایران و فشار به آن در پایان دادن به جنگ نگران کننده بود. در چنین وضعیتی اسرائیل به جنوب لبنان حمله کرد و عراق در برخی مناطق یک جانبه عقب نشست و در مناطق استراتژیک استقرار یافت که به پیدایش این باور منجر شد که هدف اصلی حفظ صدام و فشار بر ایران است و گذشت زمان بازسازی توان نظامی عراق و ایجاد و استحکام مواضع دفاعی آن را موجب خواهد شد.

در چنین اوضاع و احوالی جمهوری اسلامی در واکنش به تحولات جدید، با خوش بینی و نگرانی، زمینه های اجرای عملیات رمضان را فراهم ساخت. تصمیم برای عملیات پس از جلسات متعدد با حضور مسئولان سیاسی - نظامی کشور و ارزیابی موقعیت ایران، وضعیت منطقه و چشم اندازهای مخاطره آمیز آینده، اتخاذ شد.

هیچ یک از شخصیت ها یا گروه های سیاسی (به استثنای حزب توده که تحت تأثیر سیاست های شوروی، ابتدا با ادامه جنگ و سقوط صدام موافق بود ولی بعدا مخالفت کرد) هیچ گونه تلاش و موضع گیری روشنی را با مصاحبه، سخنرانی یا انتشار بیانیه در مخالفت با ادامه جنگ یا ارائه گزینه های مناسب برای خاتمه دادن به جنگ انجام ندادند. تنها یک سال پس از فتح خرمشهر و تداوم انسداد فضای سیاسی کشور به دلیل ادامه جنگ، تدریجا نهضت آزادی (۱) .

ص: ۱۹۰

۱- ۶۵۵. نک: پرسش های اساسی جنگ، محمد درودیان.

برای نخستین بار از علت ادامه جنگ پرسشی طرح کرد و این، آغاز شکل گیری گفتمان جدید درباره ی ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بود.

در هر صورت، به نظر می رسد اگر آنچه بعد از عملیات رمضان از واقعیات سیاسی - نظامی درک شد، چنانچه بیش از این عملیات حاصل شده بود در ماهیت تصمیم گیری ایران تأثیرات اساسی برجای می گذاشت. بنابراین، جنگ پس از فتح خرمشهر بر اساس ملاحظات حاصل از عملیات رمضان، و نه نتایج فتح خرمشهر، ادامه یافت.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹